

سَلَامُ اللّٰهِ عَلَيْهَا
نور فاطمہ زہرا



کتابخانہ دیجیتالی
www.noorfatemah.org

ارشاد القلوب دیلمی

ابی محمد حسن دیلمی

مترجم : سید عباس طباطبائی

مقدمه ناشر

موضوع اخلاق ، همیشه مورد توجه علما و دانشمندان اسلامی بوده است و در این باره هر کس به قدر وسع و بضاعت علمی خود از آن سخن گفته است و یکی از کتب ارزشمند در این جهت (ارشاد القلوب) تاءلیف عالم جلیل القدر ابو محمد حسن بن محمد دیلمی است که با استفاده از مواعظ قرآنی و روایی خواننده را از این چشمه زلال سیراب می نماید.

این دفتر برای استفاده بهتر و بیشتر ترجمه آن را - که توسط جناب مستطاب آقای سید عباس طباطبائی انجام شده - بعد از بررسی و ویراستاری و اعرابگذاری و... در اختیار علاقمندان قرار می دهد امید است مورد قبول حق تعالی قرار گیرد.

دفتر انتشارات اسلامی

وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

مقدمه مترجم

بسم الله الرحمن الرحيم انه خير موفق و معین

و بعد چنین گوید: این ذره بی مقدار ابن ابراهیم عباس طباطبائی - غفر الله له و لوالدیه - چون که کتاب شریف ارشاد القلوب کتابی است دینی، مذهبی و اخلاقی، و بر هر فرد مؤمن و موحد لازم است که از این نوع کتب دینی بهره مند گردد، و این کتاب شریف با عبارات و الفاظ عربی مرقوم شده و عامه مؤمنین و علاقه مندان را بهره برداری از آن مقدور نیست، لذا این حقیر بر آن شدم که این کتاب شریف را به فارسی ترجمه نموده و در اختیار برادران و خواهران دینی قرار دهم. البته به این روش که متن کتاب را تقطیع نموده و ذیل هر قطعه ترجمه آن را ذکر می نمایم امید است، که در هنگام مطالعه و استفاده حقیر و والدین و اساتیدم را به دعای خیر یاد فرمایند. در این امر از ذات مقدس حق تعالی استمداد می خواهیم و از ولی خدا و امام زمان - ارواح العالمین له الفدا - استعانت می نمایم.

مقدمه مؤلف

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد خاتم النبيين و على آله الطاهرين ، اما بعد فانه لما استولى سلطان الشهوة و الغضب على الادميين و مجلبه كل منهم لنفسه و اشتغاله عن آخرته و رسمه عملت هذا الكتاب و سميته بارشاد القلوب الى الصواب المنجي من عمل به من اليم العقاب .

بعد از استمداد از خدای رحمن و رحیم و حمد و ثنای پروردگار عالمیان و فرستادن رحمت بر محمد خاتم پیامبران و آل پاک آن بزرگوار - صلوات الله عليهم اجمعين - چنین می فرماید: چون که دیدم قوه غضبیه و شهویه بر اولاد آدم تسلط پیدا کرده و هر کدام از آنها جلب نفع برای خود می کنند و قبر و آخرت را فراموش کرده اند این کتاب را نوشتم و آن را به نام (ارشاد القلوب الى الصواب) نام گذاری کردم ، که هر کس به آن عمل کند او را از عذاب دردناک نجات دهد.

باب اول : موعظه های قرآنی

اعلموا رحمکم الله تعالی ان الله لم یخلق الدنیا عبثا فترکه سدی ، بل جعل لهم عقولا دلهم بها علی معرفته ، و ابان لهم بها شواهد قدرته و دلائل وحدانیتہ ، و اعطاهم قوی مکنهم بها من طاعته و الانتهاء عن معصیتہ ، لئلا تجب لهم الحجة علیه ، فارسل اليهم انبياء و ختمهم بسيد المرسلين محمد بن عبدالله الصادق الامين صلوات الله و سلامه عليه و علی آله اجمعين . و انزل عليهم كتبه بالوعد و الوعيد و الترهيب و انذر و زجر فاعذر. فقال جل من قائل : رسلا مبشرين و منذرين لئلا يكون للناس على الله حجة بعد الرسل... (۱) و قال سبحانه : و لو انا اهلكناهم بعذاب من قبله لقالوا ربنا لولا ارسلت الينا رسولا فنتبع آياتك من قبل ان نذل و نخزي . (۲) و قال سبحانه : و ما كنا معذيين حتى نبعث رسولا. (۳) و قال : يا ايها الناس قد جاءكم موعظة من ربكم و شفاء لما في الصدور و هدى و رحمة للمؤمنين . (۴) و قال سبحانه : و يحذرکم الله نفسه (۵) و قال : و اعلموا ان الله يعلم ما في انفسكم فاحذروه . (۶) و قال سبحانه : و اتقوا الله و اعلموا انکم ملاقوه . (۷) و قال : و اتقون يا اولی الالباب . (۸) و قال تعالی : و اتقوا يوما ترجعون فيه الى الله ثم توفى كل نفس ما کسبت و هم لا یظلمون . (۹) و قال تعالی : و اتقوا يوما لا تجزی نفس عن نفس شيئا و لا یقبل منها عدل و لا تنفعها شفاعة . (۱۰) و قال سبحانه : يا ايها الناس اتقوا ربکم و اخشوا يوما لا یجزی والد عن ولده و لا مولود هو جاز عن والده شيئا ان وعد الله حق فلا تغرنکم الحیوة الدنیا و لا یغرنکم بالله الغرور. (۱۱)

بدانید خدا شما را رحمت کند - که خدای متعال جلت عظمتہ دنیا و اهل آن را بیهوده خلق نفرمود که آن را مهمل و اگذارد، بلکه آن را خلق فرموده و بشر را در آن اسکان داد و به آنها عقل مرحمت فرمود که به سبب آن خدای خود را بشناسند، و آثار قدرت خود و دلیلهای یگانگی خود را برای آنها ظاهر فرماید. و قوایی به آنها داد که بتوانند اطاعت و بندگی او را انجام دهند و از گناهان باز ایستند، تا اینکه آنها بر خدا حجت نداشته باشند. و انبیاء را به سوی آنها فرستاد و آخرین آنها را محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله قرار داد، که به راستی و امانت در ما بین مردم آخر زمان مبعوث گردید و بر آن پیغمبران کتابها نازل فرمود، که در آنها مردم را به رحمت خود امیدوار و از عذاب ترسانید و به این وسیله راه عذر آوردن را بر آنها بسته است . و در قرآن کریم ، که کتاب پیغمبر آخر زمان است ، آیاتی درباره این موضوع موجود است که بعضی از آنها ذکر می شود:

پیغمبران را فرستادیم که بشارت به نعمتها دهند و از عذابها بترسانند تا این که بعد از فرستادن آنها مردم بر خدا حجت نداشته باشند و اگر قبل از فرستادن پیغمبر ما مردم را به هلاکت می رساندیم و معذب می کردیم ، آنها می گفتند ای خدا، چرا برای ما پیغمبر نفرستادی تا پیروی از آیات تو بکنیم پیش از آنکه به خواری و ذلت گرفتار شویم . و مشیت ما چنین قرار گرفته که پیش از فرستادن پیغمبر بندگان را عذاب نکنیم . ای مردم به تحقیق کتابی به وسیله پیغمبر آخر زمان از جانب خدا برای هدایت شما آمد که شما را نصیحت می کند، و دردهای سینه های شما را شفا می دهد، و برای مؤمنین رحمت و هدایت است . و خدا شما را از عذاب خود می ترساند. و بدانید که خدا آنچه در باطن دارید می داند پس از او بترسید. و از خدا بترسید و بدانید که در محضر عدل او حاضر خواهید گردید. ای صاحبان عقل از من بترسید. و بترسید از روزی که در آن به سوی خدا

بازگشت خواهید نمود پس هر کس هر چه کرده نتیجه آن را کاملاً دریافت خواهد نمود و هیچگونه کم و کسری برای آنها نیست . بترسید از روزی که کسی به عوض دیگری مجازات نخواهند شد. و در آن روز عدلی از آنها قبول نخواهد شد و شفاعتی هم به آنها نفع نخواهد رسانید. ای مردم از خدای خود بترسید و از روزی که پدران و فرزندان هیچ کدام به عوض دیگری مجازات نخواهند شد وعده خدا حق است پس دنیا شما را گول نزنند و شیطان شما را بازی ندهد که بدون شایستگی امید رحمت خدا را داشته باشید.

و قال سبحانه : يا ايها الناس اتقوا ربكم ان زلزلة الساعة شىء عظيم . (۱۲) و قال سبحانه تعالى : يا ايها الناس اتقوا ربكم الذى خلقكم من نفس واحدة و خلق منها زوجها و بث منهما رجالا كثيرا و نساء . (۱۳) و قال عزوجل : يا عباد فاتقون . (۱۴) و قال سبحانه : فاتقوا النار التى وقودها الناس و الحجارة (۱۵) و قال جل من قائل : اقترب للناس حسابهم و هم فى غفلة معرضون ما ياءتيهم من ذكر من ربهم محدث الا استمعوه و هم يلعبون (۱۶) و قال سبحانه : يا ايها الذين آمنوا لا تتبعوا خطوات الشيطان و من يتبع خطوات الشيطان فانه ياءمر بالفحشاء و المنكر (۱۷) و قال جل و عز من قائل : يا ايها الذين امنوا قوا انفسكم و اهليكم نارا و وقودها الناس و الحجارة عليها ملائكة غلاظ شداد لا يعصون الله ما امرهم و يفعلون ما يؤمرون (۱۸) و قال : يا ايها الذين امنوا اتقوا الله و لتنظر نفس ما قدمت لغد و اتقوا الله ان الله خبير بما تعملون . و قال : و اتقوا الله و اعلموا ان الله شديد العقاب . (۱۹) و قال : يا ايها الانسان ما غرك بربك الكريم . (۲۰) و قال : الم ياءن للذين امنوا ان تخشع قلوبهم لذكر الله و ما نزل من الحق (۲۱) و قال : افحسبتم انما خلقناكم عبثا و انكم الينا لا ترجعون (۲۲) و قال : يا احسب الانسان ان يترك سدى الم يك نطفة من منى يمنى (۲۳) فقال : افاءمن اهل القرى ان ياءتيهم باءسنا بياتا و هم نائمون او امن اهل القرى ان ياءتيهم باءسنا ضحى و هم يلعبون . (۲۴) و قال : فاما من طغى و اثار الحيوه الدنيا فان الجحيم هى الماوى و اما من خاف مقام ربه و نهى النفس عن الهوى فان الجنة هى الماوى . (۲۵) و قال : اولم نعمركم ما يتذكر فيه من تذكر و جئكم النذير . (۲۶) و قال : و انيبوا الى ربكم و اسلموا له من قبل ان ياءتيكم العذاب ثم لا تنصرون . (۲۷) و قال : و توبوا الى الله جميعا ايه المومنون لعلكم تفلحون (۲۸) و قال : يا ايها الذين امنوا توبوا الى الله توبة نصوحا (۲۹) و قال : افلا يتوبون الى الله و يستغفرونه و الله غفور رحيم . (۳۰)

ای مردم از خدا بترسید بدرستی که زلزله و لرزش زمین در هنگام به پا شدن قیامت چیز با عظمت و مهمی است . ای مردم از خدا بترسید آن خدای که همه شما را از آدم خلق کرد و از او زنش را خلق فرمود و از او و زنش در اطراف عالم مردان و زنان بسیار پراکنده کرد. ای بندگان من از من بترسید. بترسید از آتشی که آتش افروزش مردم و سنگها می باشند. نزدیک شد روز حساب مردم و آنها در حال غفلت و اعراض از حق می باشند هر چه یادآورهای تازه از جانب خدا برای آنها آمد شنیدند و به بازی و سرگرمی از آن رد شدند. ای اهل ایمان دنبال گامهای شیطان نروید و کسی که پیرو گامهای شیطان باشد او را به کارهای زشت و منکر وامی دارد و پیرو خود را به هلاکت می رساند. ای کسانی که ایمان آورده اید نگاه دارید خود و اهل خود را از آتشی که آتش افروز آن مردم و سنگها می باشند و بر آن آتش ملائکه هایی که با اهل عذاب با درشتی و شدت رفتار می کنند موکلند که هرگز نافرمانی خدا را نخواهند کرد و آنچه به آنها امر شود انجام دهند. ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا بترسید و باید هر کسی به فکر فردای قیامت باشد و ببیند چه پیش فرستاده است

و از خدا بترسید که خدا به آنچه شما انجام می دهید آگاه است . و از خدا بترسید و بدانید که عذاب خدا سخت است . ای انسان چه چیز تو را به خداوند کریمت مغرور کرد و نافرمانی او کردی . آیا وقت آن نشده که قلبهای مؤمنان برای یاد خدا متواضع و خاشع گردد و در مقابل آیات حقه الهی که نازل شده خشوع کنند. آیا گمان می کنید که شما بیهوده و بازیچه خلق شدید و به سوی ما بازگشت نخواهید کرد. آیا انسان گمان می کند که او را مهمل و اگذاریم و تکلیفی از او نخواستیم و از او سؤالی نخواهیم کرد آیا او از نطفه نازل شده خلق نشده . آیا ساکنین شهرها خود را ایمن می دانند از این که بلای مادر شب در حالی که به خواب هستند بر آنها فرود آید یا اینکه ایمنند از این که در روز در حالی که به بازی مشغولند عذاب شوند اما کسانی که طغیان کردند و دنیا را بر آخرت اختیار نمودند جایگاه آنان جهنم است و کسانی که از خدای خود ترسیدند و از خواسته های بر خلاف رضای خدا چشم پوشیدند منزلگاه آنان بهشت است . آیا به شما این قدر زندگانی ندادیم که به یاد خدا و اصلاح کار خود بیفتید و آیا بیم دهندگان از عذاب ، یعنی پیغمبران به سوی شما نیامدند و شما را از عذاب الهی ترسانند و به سوی پروردگار خود باز گردید و تسلیم امر و نهی او گردید پیش از آن که عذاب بر شما نازل گردد سپس یاری نشوید و نجات نیابید. ای مؤمنین همگی به سوی خدا باز گردید تا رستگار گردید. ای اهل ایمان به سوی خدا باز گردید و تصمیم بگیرید که دیگر به گناه برنگردید. آیا به سوی خدا باز نمی گردند و طلب آمرزش نمی نمایند و حال آن که خدا آمرزنده و مهربان است .

ثم خوفهم الله سبحانه و تعالی احوال القیمة و زلزالها و عظیم اخطارها و سمی لهم بعظیم الاسماء و کبیر البلاء و طول العناء لیحذروها و یعتدوا لها و بعظیم الزاد و حسن الازدیاد سماها الواقعة ، و الراجفه ، و الطامه ، و الصاخه ، و الحاقه ، و الساعه ، و یوم النشور ، و یوم الحسره ، و یوم الندامه ، و یوم المساءله ، و یوم الندم ، و یوم الفصل ، و یوم الحق ، و یوم الحساب ، و یوم المحاسبه ، و یوم التلاق ، و یوم لا ینفع مال و لا بنون الا من اتی الله بقلب سلیم .

پس خداوند سبحان برای این که اولاد آدم بترسند و ترک گناه کنند آنها را از حالات قیامت و زلزله آن و خطر بزرگ آن ترسانند و برای آنان نامه های قیامت را، که دلالت بر عظمت آن و بلای بزرگ آن و رنج های طولانی آن دارد، ذکر فرمود تا این که بترسند و برای آن روز توشه بسیار و نیکو مهیا کنند.

خداوند قیامت را به این اسمها نامیده است : واقعه ، راجفه ، طامه ، صاخه ، حاقه ، ساعه ، یوم النشور، یوم الحسره ، یوم الندامه ، یوم المساءله ، یوم الندم ، یوم الفصل ، یوم الحق ، یوم الحساب ، یوم المحاسبه ، یوم التلاق ، و یوم لا ینفع مال و لا بنون الا من اتی الله بقلب سلیم . (۳۱)

و قال تعالی : و یوم ینفخ فی الصور ففزع من فی السموات و من فی الارض الا من شاء الله و کل اتوه داخرین و تری الجبال تحسبها جامدة و هی تمر مر السحاب صنع الله الذی اتقن کل شیء انه خبیر بما تفعلون . (۳۲) و قال : کانهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا الا ساعه من نهار بلاغ فهل یهلك الا القوم الفاسقون . (۳۳)

و روزی که در صور دمیده شود پس هر کس در آسمانها و زمین است به فزع آید مگر آن کس که خدا خواهد، و همگی ذلیل به محشر آیند و می بینند کوه ها را که ثابت و برقرار است و حال آن که مانند ابر می روند، و این از

کارهای حکیمانه پروردگار عالم است که محکم و استوار فرموده است هر چیزی را و او آگاه به کارهای شماست . گویا آنها روزی که آنچه را وعده داده شدند ببینند می پندارند که مکث نکرده اند مگر ساعتی از روز که به آن رسیده اند پس آیا هلاک می شوند مگر مردم گنه کار.

و قال : و استمع يوم ينادى المناد من مكان قريب يوم يسمعون الصيحة بالحق ذلك يوم الخروج . (۳۴) و قال : يوم تمور السماء مورا و تسير الجبال سيرا فويل يَوْمٌ مِثْلُ الْمَكْذِبِينَ . (۳۵) و قال : يوم يكشف عن ساق و يدعون الى السجود فلا يستطيعون خاشعة ابصارهم ترهقهم ذلة (۳۶) و قال : يوم تكون السماء كالمهل و تكون الجبال كالعهن و لا يسئل حميم حميما يبصرونهم يود المجرم لو يفتدى من عذاب يَوْمٌ مِثْلُ بَنِيهِ و صاحبتة و اخيه و فضيلته التى تَوَّيه و من فى الارض جميعا ثم ينجيه (۳۷) و قال : يوم ترجف الارض و الجبال و كانت الجبال كتيبا مهيلا. (۳۸)

بشنو و گوش بده ندای روزی را که منادی حق از جای نزدیک ندا می کند (اشاره به مقدمه قیامت است) روزی که می شنوند مردمان آن صیحه ای که محقق و واقع خواهد شد و آن روز هنگام خروج از قبور است . روزی که آسمان موج می زند موج زدنی و کوهها به راه می افتد به راه افتادنی پس وای در این روز بر کسانی که تکذیب خدا و پیامبران او را نمودند و گفته آنها را دروغ پنداشتند. روزی که سختیها و مشکلات ظاهر شود (پس مؤمنان برای عظمت حق به سجده روند کما این که در دنیا برای خدا سجده می کردند) و به منافقان امر می شود سجده کنند و آنها از وحشتی که دارند نتوانند چشمهای آن منافقین از ترس به هم آمده و ذلت آنها را فرا می گیرد. روزی که در آن روز آسمان چون مس گداخته و ذوب شده است و کوهها مانند پشم زده شده باشد و در آن روز هیچ دوستی از دوستیش سؤال نمی کند. چون حقیقت حالشان به آنان بنمایند گنه کار دوست دارد که کاش می توانست برای دفع عذاب و سختیهای آن روز فرزندان و همسر و برادر و خویشانی که او را در دنیا پناه می دادند و جمیع آنچه در زمین است (هر گاه متعلق به او بوده باشد) همه اینها را ببخشد و فدا دهد تا از عذاب آن روز نجات پیدا کند. روزی که زمین و کوهها به لرزه آید و کوهها مانند رمل متلاشی گردد و پراکنده شود.

و قال : فكيف تتقون ان كفرتم يوما يجعل الولدان شيبا السماء منفطر به كان وعده مفعولا. (۳۹)

اگر کفر را بر ایمان اختیار کردید پس چگونه احتراز می کنید از هول و وحشت روزی که کودکان از هول آن پیر می شوند آسمان در آن روز شکافته می گردد و وعده خداوند متعال واقع می شود.

و قال : الى ربك يومئذ المساق . (۴۰)

راندن و سوق دادن بنی آدم به وسیله ملک در آن روز به سوی پروردگار تو باشد.

و قال : الى ربك يومئذ المستقر ينبئ الانسان يومئذ بما قدم و اخر. (۴۱)

قرارگاه و مرجع در این روز به سوی خداست و انسان در آن روز به کارها و اعمالی که پیش از مرگ فرستاده و آنچه از خود باقی گذاشته آگاهی داده می شود.

و قال : هذا يوم لا ينطقون و لا يؤذن لهم فيعتذرون . (۴۲)

آن روز روزی است که حرف نمی زنند و اجازه عذر خواهی به آنها داده نمی شود.

و قال : هذا يوم الفصل جمعناكم و الاولين فان كان لكم كيد فكيدون . (۴۳)

امروز روزی است که خوب و بد جدا می شوند شما و کسانی را که در اول عالم خلق کردیم جمع خواهیم کرد پس اگر برای شما حيله ای هست پس آن را برای نجات خود به کار برید.

و قال : ان يوم الفصل كان ميقاتا يوم ينفخ في الصور فتاءتون افواجا و فتحت السماء فكانت ابوابا و سيرت الجبال فكانت سرابا ان جهنم كانت مرصدا للطاغين مابا لابئين فيها احقابا لا يذوقون فيها بردا و لا شرابا الا حميما و غساقا... يوم يقوم الروح و الملائكة صفا لا يتكلمون الا من اذن له الرحمن و قال صوابا ذلك اليوم الحق فمن شاء اتخذ الى ربه مآبا انا انذرناكم عذابا قريبا يوم ينظر المرء ما قدمت يداه و يقول الكافر يا ليتني كنت ترابا. (۴۴)

بدرستی که قیامت که یکی از نامهای آن (يوم الفصل) است ، وعده گاه و وقت جزای اعمال و حساب و ثواب و عقاب است . روزی که در صور دمیده شود پس خلائق و جماعت مردم محشور شوند. و فوج فوج به جانب حشر روان گردند و باز می شود آسمان و به صورت دربهایی ظاهر می گردد که عالم انسان به عالم ملک متصل می گردد و کوهها پراکنده شود و به صورت سراب و آب نما درآید بدرستی که گذرگاه و منزلگاه اهل طغیان جهنم است که در آن سالهای متمادی مکث خواهند نمود و در آنجا چیز خنک و آب خوشگوار نخواهند چشید مگر آبهای داغ و آبهای گندیده بدبو...

قیامت روزی است که روح (مراد از روح روحی است که در شب قدر با ملائکه نزول می کند) و ملائکه در صف قرار گرفته باشند و کسی را قدرت تکلم و حرف زدن نباشد مگر آن کس که خدا به او اذن دهد و کلام نیکو بگوید که حق محض باشد. چنین روزی حق است و لامحاله واقع خواهد شد. پس هر کس می خواهد برای آن روز مهیا شود و در جوار رحمت خدای خود منزلگاهی برای خود تهیه نماید که ثواب متقین را دریابد و از عذاب اهل طغیان نجات پیدا نماید. به درستی که ما می رسانیم شما را از عذاب نزدیکتر (مراد عذاب قیامت است چون حق است نزدیک است). و در آن روز هر کس آنچه از اعمال انجام داده و پیش فرستاده خواهد دید و به آن نظر می کند. و کافر می گوید ای کاش من خاک بی شعور بودم تا از احوال و عذابهای امروز نجات پیدا می کردم . (در آن روز نجات تنها برای شیعیان است ، چون کفار مقام آنها را می بینند آرزو می کنند که ای کاش ما از شیعیان بودیم). و تراب اشاره است به کنیه (ابوتراب) که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مرحمت فرمود.

و قال تعالى : يوم ترجف الراجفة تتبعها الرادفة قلوب يؤمئذ واجفة ابصارها خاشعة . (۴۵)

یعنی روزی که در نفخه اول در صور دمیده شود و زمین را بلرزاند و دنبال آن نفخه دوم باشد در آن روز قلبها ترسناک و مضطرب گردند و از شدت و هول آن چشمها به زیر باشد.

و قال : يوم يتذكر الانسان ما سعى و برزت الجحيم لمن یری . (۴۶)

روزی که انسان سعی و کوشش خود را به یاد آورد و جهنم برای بینندگان ظاهر شود.

و قال : يوم يكون الناس كالفراش المبثوث و تكون الجبال كالعهن المنفوش فاما من ثقلت موازينه فهو فی عیشه راضیه و اما من خفت موازينه فامه هاویه و ما ادريک ماهیه نار حامية . (۴۷)

روزی که مردم مانند ملخهای پراکنده از قبور خود خارج و متفرق می گردند و کوهها مانند پشم زده شده متلاشی شوند پس آن کس که اعمال او سنگین و با قیمت باشد (وقتی که با اعمال پیغمبر و امامان موازنه و سنجیده شود) او (در بهشت) و در عیش مورد رضایت خود می باشد و آن کس که پس از موازنه اعمال او بی ارزش و خفیف باشد پس هاویه جایگاه اوست و چه چیز تو را دانا کرده که هاویه چیست آن آتش پر حرارت و بسیار گرم و سوزاننده است :

و قال تعالى : يوم نقول لجهنم هل امتلات و تقول هل من مزيد . (۴۸)

روزی که به جهنم خطاب کنیم و گوئیم آیا از کفار و اهل معاصی پر شدی و او می گوید آیا بیش از این هست و می شود زیادتر باشد.

و قال : و وضع الكتاب فترى المجرمين مشفقين مما فيه و يقولون يا ويلتنا ما لهذا الكتاب لا يغادر صغيرة و لا كبيرة الا احصياها . (۴۹)

در قیامت وقتی نامه عمل خلاق به دست آنها داده می شود پس می بینی گنهکاران را که ترسناک می باشند از آنچه در آن نامه هاست و می گویند وای بر ما این چگونه کتابی است که واگذار نمی کند گناه کوچک و بزرگی را مگر این که آن را به شمار آورده .

و كرر سبحانه ذكرها فی مواضع كثيرة و لم يخل سورة من القرآن الا و ذكرها فيها ليكون ذلک ابلغ فی تخويف الناس و اوكد فی وجوب الحجة عليهم و تبصره لهم و شفقه عليهم و انذارا و اعذارا اليهم و موعظه لهم فتدبروها و فرغوا قلوبكم لها و لا تكونوا من الغافلين .

خدای متعال جلّت عظمته در جاهای بسیاری از قرآن کریم قیامت را ذکر فرموده و سوره ای از قرآن خالی از ذکر آن نگذاشته . این از آن جهت است که بیشتر سبب ترس مردمان گردد، و حجت بر آنها بیشتر تمام شود، و سبب بینایی آنها باشد. و چون محبت و مهربانی او به بندگانش زیاد است و می خواهد آنها را از عذاب بترساند و راه عذر را بر آنها ببندد و آنها را موعظه کند لذا قیامت را زیاد ذکر می فرماید. پس قرآن را با تدبر بخوانید و قلبهای خود را برای فهم حقایق آن فارغ سازید و از اهل غفلت نباشید. پس به درستی که خدای متعال چنین می فرماید:

افلا يتدبرون القرآن ام على قلوب اقفالها فاتيه بالتدبر و التفكر و التبصر و الاعتبار . (۵۰)

آیا در قرآن تدبر نمی کنند تا به راه سعادت خود پی ببرند یا این که قفل بر قلبهای آنها زده شده که حقایق قرآن و ذکر خدا در قلوب آنها اثری نخواهد کرد.

حاصل این که اگر گوش قلب باز باشد و با تدبیر قرآن را بخواند از خواب غفلت بیدار می گردد. پس به سبب تدبیر در قرآن و فکر نمودن در اطراف حقایق آن، مخصوصاً آنچه مربوط به وقایع قیامت است، بیدار شو و پس از فکر کردن بینایی به دست آور و راه نجات خود را پیدا کن و از گذشته ها عبرت بگیر.

فان النبى صلى الله عليه و آله قال : آتيكم الفتن كقطع الليل المظلم . قالوا يا رسول الله فبم النجاة قال : عليكم بالقرآن فانه من جعله امامه قاده الى الجنة و من جعله خلفه ساقه الى النار و هوا وضح دليل الى خير سبيل من قال به صدق و من حكم به عدل و من اخذ به اجر و من عمل به وفق .

پس به درستی که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: فتنه هایی که مانند قطعه های شب ظلمانی و تار است متوجه شما گردیده است . اصحاب عرض کردند: یا رسول الله الحال که این فتنه به ما رو آورده و برای ما خطرناک است نجات ما در چیست ؟ فرمود: بر شما باد که در خدمت قرآن باشید، چون کسی که قرآن را پیشوای خود قرار دهد و به دنبال راهنمایی آن برود او را به سوی بهشت رهبری می کند. و هر که از آن پیشی گرفت و او را پشت سر خود قرار داد و به احکام آن پای بند نباشد قرآن او را به سوی جهنم سوق می دهد. و قرآن کریم دلیل واضحی است برای پیمودن بهترین راهها که راه بهشت باشد. کسی که گفتار او از طریق قرآن باشد چنین کس راستگو است . و کسی که در قضا یا قرآن را حکم قرار دهد از روی عدالت حکم کرده است و کسی که به قرآن متمسک شود و او را دست آویز خود قرار دهد اجر و مزد و پاداش خوب به او می دهند. و کسی که در کارهایش پیرو قرآن باشد موفق می شود و به هدف خود نائل می گردد.

و قال اميرالمؤمنين عليه السلام مادحا للمؤمن العامل به : و قد ازم الكتاب زمامه امامه و هو قائده و دليله يحل حيث حل ثقله و ينزل حيث كان منزله و لا يدع للخير غاية الا امها و لا منزلة الا قصدها.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در مدح مؤمنی که به قرآن عمل می کند چنین فرموده : همیشه ملازم قرآن است قرآن را امام و پیشوای خود قرار داده و اختیار خود را به او داده و قرآن قائد و دلیل اوست که از هر طرف او می رود آن مؤمن نیز به دنبال او حرکت می کند در جایی که قرآن به او دستور دهد بار خود را فرود می آورد و جایی را که او معین کند و منزل و مسکن می سازد و هیچ خبری را و انمی گذارد مگر این که آن را قصد می کند و هیچ منزلت و مقامی نیست مگر این که قصد آن می کند.

و قال عليه السلام : القرآن ظاهره انيق و باطنه عميق لا تفنى عجائبه و لا تنقضى غرائبه و لا تكشف الظلمات الا به فتفكروا و انزجروا بقوله تعالى : و انذرهم يوم الازفة اذ القلوب لدى الحناجر كاظمين ما للظالمين من حميم و لا شفيع يطاع . (۵۱)

قرآن ظاهرش سبب تعجب عقلاست ؛ چون معجزه ای است که از اتیان به مثلش عاجزند و باطن او عمیق است ، یعنی کسی به باطن و حقایق او پی نبرده مگر آنهایی که قرآن در خانواده آنها نازل شد، که وجود مقدس محمد و آل او صلوات الله علیهم اجمعین بوده باشند. امور عجیب و محیر العقول آن تمام نشدنی نیست ، یعنی در هر عصر و زمانی مردم به هر مقام علمی و ادراک برسند در مقابل قرآن عاجزند. و چیزهای عجیب و غریب او گذشتنی نیست ، یعنی به مرور زمان قصه ها و نقلهای عجیب آن از بین نخواهد رفت . هر کس در هر ظلمت و تاریکی گرفتار شود فقط قرآن سبب نجاتش از آن بلا و

ظلمت است ، یعنی راه نجاتی به غیر آن نخواهد یافت . پس فکر کنید در قرآن و خود را با این آیات کریمه از گناهان و معاصی باز دارید.

خدا به پیغمبرش می فرماید: بترسان آنها را از روزی که آمدن آن نزدیک است هنگامی که قلبها و جانها از خوف و دهشت بالا آمده و به حنجره و حلق برسد. در حالی که غیظ و غضب خود را فرو برند؛ چون از اعمال آن عاجزند. در آن روز برای ظالمان دوستی که از آنان حمایت کند نیست و شفیی که بتواند شفاعت کند یافت نشود.

و قال تعالی : و انذرهم یوم الحسرة اذ قضی الاءمروهم فی غفلة و هم لا یؤمنون . (۵۲)

بترسان آنها را از روزی که حسرت و اندوه آن روز بسیار است ؛ زیرا که وقت گذشته و امر به پایان رسیده و دیگر قادر بر جبران تقصیرات نیستند پس حسرت او بی اندازه است . و با این که چنین روزی را در پیش دارند هنوز در غفلت به سر می برند و ایمان نمی آورند.

و قال تعالی : ازفت الازفة لیس لها من دون الله کاشفة (۵۳)

نزدیک شد قیامت و غیر از حق تعالی کسی وقت وقوع آن را نمی داند.

و قال : و انذر الناس یوم یاءتیهم العذاب فیقول الذین ظلموا ربنا اخرنا الی اجل قریب نجب دعوتک و نتبع الرسل (فاجابهم) : اولم تکنوا اقسمتم من قبل ما لکم من زوال و سکنتم فی مساکن الذین ظلموا انفسهم و تبین لکم کیف فعلنا بهم و ضربنا لکم الامثال . (۵۴)

بترسان مردم از روزی که عذاب استیصال گریبان آنها را بگیرد پس ظالمان می گویند ای خدای ما عذاب ما را تا مدت کوتاهی عقب بینداز تا این که دعوت تو را اجابت کنیم و از پیغمبران پیروی بنماییم . در جواب آنها فرماید: آیا شما نبودید که قبل از عذاب و بیچاره شدن قسم یاد می کردید و می گفتید: برای ما زوال و نیستی وجود ندارد و ما در دنیا همیشه مخلص می باشیم و در خانه های ظالمان گذشته ساکن شدید حال آن که برای شما ظاهر و آشکار شد که چون آنها به ظلم کردند ما چگونه از آنها انتقام گرفتیم . و جریان آنها را برای شما بازگو کردیم و آنها را برای شما ضرب المثل قرار دادیم که شاید عبرت بگیرید.

و قال تعالی : الا یظن اولئک انهم مبعوثون لیوم عظیم یوم یقوم الناس لرب العالمین . (۵۵)

آیا اینها نمی دانند که بعد از مردن برای حضور پیدا کردن در روز با عظمت قیامت برانگیخته می شوند آن روز که همه خلق اولین و آخرین برای اجابت پروردگار عالمیان از جای خود از قبور برمی خیزند.

و قال : یوم تجد کل نفس ما عملت من خیر محضرا و ما عملت من سوء تود لو ان بینها و بینه امدا بعیدا و یحذرکم الله نفسه و الله روف بالعباد. (۵۶)

روزی هست که هر کس عمل خیری در دنیا انجام داده آن را در نزد خود حاضر می بیند و آنچه از اعمال بد و ناپسند از او سرزده از نهایت نفرت و ناراحتی آرزو می کند که ای کاش بین او و این عمل مسافت بسیار بعید بود که جمع بین او و آن عمل نمی شد. و پروردگار عالم با این بیانات شما را امر می فرماید که از او بترسید و کاری نکنید که آن روز از عمل خود برائت بجوئید و بیزار باشید و بدانید که خداوند عالم به بندگان بسی مهربان است .

و قال : يوم ترونها تذهل كل مرضعة عما أرضعت و تضع كل ذات حمل حملها و تری الناس سکاری و ما هم بسکاری ولكن عذاب الله شديد. (۵۷)

قیامت روزی است که می بینی از دهشت و وحشت آن هر زن شیردهنده از طفل شیرخوار خود غفلت می کند و هر زن باردار و حامله از وحشت حمل خود را سقط می کند و می اندازد و می بینی مردمان را که مانند مستان حرکت می کنند و حال آن که آنها مست نیستند لیکن عذاب خدا شدید است و آنها از شدت عذاب و هول و وحشت آن چنینند.

و قال : يوما يجعل الولدان شيبا السماء منفطر به كان وعده مفعولا. (۵۸)

قیامت روزی است که از هول و وحشت آن اطفال پیر می شوند و آسمان شکافته می شود این وعده خدا واقع خواهد شد پس بترسید.

فاحذروا عباد الله يوم تشب فيه رؤوس الصغار و تسكر الكبار و تضع الجبال .

پس بترسید بندگان خدا از روزی که در آن روز سرهای اطفال از دهشت سفید شود و بزرگان مانند مستان باشند و کوههای پهن شوند.

و قال سبحانه : يوم تبيض وجوه و تسود وجوه. (۵۹)

قیامت روزی است که صورتهایی سفید است و صورتهایی سیاه است .

و قال : يؤمئذ یصدر الناس اثنتا لیرو اعمالهم فمن یعمل مثقال ذرة خیرا یره و من یعمل مثقال ذرة شرا یره. (۶۰)

آن روز مردم پراکنده از قبور خود به سوی قیامت رواند برای این که اعمالشان به آنها نشان داده شود پس کسی که به قدر ذره ای عمل خوب و نیک داشته باشد می بیند و هر کس به قدر ذره ای عمل بد داشته باشد آن را خواهد دید.

و قال : يوم لا یغنی مولی عن مولی شیئا و لا هم ینصرون. (۶۱)

روزی که رفع نیاز و گرفتاری نمی کند دوستی از دوستی و آنها یاری نمی شوند.

و قال : يوم یفر المرء من اخیه و امه و ابیه و صاحبته و بنیه لكل امری ء منهم یؤمئذ شاءن یغنیه. (۶۲)

روزی که شخص از برادرش ، و مادر و پدرش و همسر و فرزندانش فرار می کند برای هر کدام از آنها در آن روز گرفتاری است که او را فرصت رسیدن به دیگری نمی دهد.

و قال : يوم تاءتي كل نفس تجادل عن نفسها و توفي كل نفس ما عملت و هم لا يظلمون . (۶۳)

روزی که هر کسی تنها برای خود مجادله و دفاع کند و کسی به فکر کسی دیگر نباشد (و گوید: خدایا مرا نجات بده خدایا مرا نجات بده) و هر کس هر عملی انجام داده مزد آن کاملاً به او داده می شود و ظلمی به او نخواهد شد.

و قال : يوم ينظر المرء ما قدمت يداه و يقول الكافر يا ليتني كنت ترابا . (۶۴)

روزی که هر کس هر چه کرده در پیش روی خود حاضر ببیند و کافران (از فرط عذاب) آرزو کنند که ای کاش خاک بودیم .

و قال : يوم لا ينفع الظالمين معذرتهم و لهم اللعنه و لهم سوء الدار . (۶۵)

روزی که برای ظالمان عذر خواهی نفعی نمی بخشد و برای آنها است لعنت و برای آنهاست خانه بد (جهنم).

و قال : و جى ء يومئذ بجهنم يومئذ يتذكر الانسان و انى له الذكرى يقول يا ليتنى قدمت لحيوتى فيومئذ لا يعذب عذابه احد و لا يوثق و ناقة احد . (۶۶)

در این روز جهنم را بیاورند در این روز انسان متذکر کار خود می گردد آن تذکر چه فایده ای به حال او دارد در آن روز می گوید: ای کاش برای این زندگی دائمی خودم از آن دار فانی چیزی فرستاده بودم پس در این روز هیچ کس مانند عذاب او عذاب نمی شود و هیچ کس در شدت و سختی مانند او نیست .

و قال تعالى : يوم تبدل الارض غير الارض و السموات و برزوا لله الواحد القهار . (۶۷)

قیامت روزی است که زمین بدل و عوض شود به غیر این زمین و نیز آسمان و خلاق در محضر ربوبی خدای یگانه قهار که تسلط و قدرت بر هر چه دارد ظاهر شوند و این ظهور برای محاسبه اعمال است .

و قال : و يوم نسير الجبال و ترى الارض بارزة و حشرناهم نغادر منهم احدا و عرضوا على ربك لقد جئتمونا كما خلقناكم اول مرة بل زعمتم ان لن نجعل لكم موعدا . (۶۸) و تركتم ما خولناكم وراء ظهوركم و ما نرى معكم شفاعتكم الذين زعمتم انهم شركاء لقد تقطع بينكم و ضل عنكم ما كنتم تزعمون . (۶۹)

روزی که کوهها را متلاشی و پراکنده می کنیم و زمین را مشاهده می کنی در حالی که ظاهر است ، (یعنی هیچ پست و بلندی درخت و گیاهی نیست که با سایه خود آن را بیوشاند) و خلق را محشور کنیم و یکی از آنها را وانگذاریم و در مقام حکومت عدل الهی عرضه شوند و حضور پیدا کنند در حالی که به صفوف مرتب ایستاده باشند. به آنها گفته شود به تحقیق به سوی ما آمدید چنانچه در اول بار شما را خلق نمودیم بر خلاف آنچه شما تصور می کردید که برای شما وعدگاهی قرار نداده ایم و آنچه را که در دنیا در اختیار شما قرار دادیم و ما به سبب آنها به شما تفضل نمودیم واگذاشتید و نمی

بنیم با شما شفیعان شما را که گمان می کردید آنها با ما در شما شرکت دارند. به تحقیق میان شما و آنها جدایی افتاد و پنهان شد از شما آنچه را گمان می کردید.

و قال : يوم نطوى السماء كطى السجل للكتب . (۷۰)

روزی که آسمانها را به هم می پیچیم مانند پیچیدن کاغذ برای کتاب .

و قال : يوم تشهد عليهم السنتهم و ایدیهم و ارجلهم بما كانوا يعملون .

روزی که زبانهایشان و دستهایشان و پاهایشان بر آنان به آنچه در دنیا انجام داده اند، شهادت و گواهی دهد.

و قال : و يخافون يوما كان شره مستطيرا .

از روزی می ترسند که شر آن فاش و ظاهر است .

و قال : و نضع الموازين القسط ليوم القيمة فلا تظلم نفس شيئا و ان كان مثقال حبة من خردل اتينا بها و كفى بنا حاسبين (۷۱).

میزانهای عدل برای روز قیامت قرار دهیم پس هیچ گونه ظلمی به کسی نخواهد شد. و اگر اعمال آنها کم یا زیاد باشد به معرض سنجش آوریم . گرچه در کمی و کوچکی به مقدار سنگینی دانه خشخاش باشد آن را حاضر و بسنجیم ، و ما کافی هستیم برای حساب ، چون چیزی از کارهای بندگان بر ما پوشیده نیست و علم به جزئی و کلی آن داریم .

و قال : يا بنی انھا ان تک مثقال حبة من خردل فتکن فی صخرة او فی السموات او فی الارض یاءت بها ان الله لطیف خبیر. (۷۲)

خداوند متعال از زبان لقمان حکیم نقل می فرماید که گفت : ای پسر من کارها و اعمال بندگان اگر به سنگینی دانه خردلی بوده باشد پس در میان کوهی یا در آسمانها یا در زمین باشد خداوند متعال آن را برای سنجش و حساب ظاهر و حاضر فرماید. بدرستی که خدا لطیف است ، یعنی از امور دقیقه مطلع و خبیر است و به هر چیز آگاه است .

و اکده بالقسم بنفسه (فقال : فوریک لنستلنهم اجمعین عما كانوا يعملون . (۷۳)

خدای متعال جریان قیامت را با قسم بذات مقدس خود تاءکید فرموده پس چنین می فرماید: قسم به پروردگارت هر آینه از همه آنها از آنچه عمل کرده اند سو ال خواهیم نمود.

و قال : فلنستلن الذين ارسل اليهم و لنستلن المرسلین فلنقصن علیهم بعلم و ما كنا غائبین . (۷۴)

پس هر آینه از امتیهای که پیغمبران به سوی آنها فرستاده شد سؤال می کنیم و هر آینه از پیغمبران سؤال می کنیم . سؤال از دسته اول راجع به رسیدن احکام الهی است به آنها. و سؤال از دسته دوم از انجام مأموریت و رسانیدن احکام به بندگان خداست و بر هر دو دسته از روی علم قصه می کنیم ، یعنی حقیقت را می دانیم و ما از آنها غایب و پنهان نیستیم.

و قال : و نکتب ما قدموا و آثارهم و کل شی احصیناه فی امام مبین . (۷۵)

و ما آنچه را پیش فرستادند از اعمال و آثاری که از آنها سرزده می نویسیم ؛ مانند: علمی که به دیگران تعلیم نمودند و قدمهایی که به سوی مساجد برداشتند. و مانند شایع ساختن چیزهای باطل و زشت و تاسیس پایه های ظلم و ستم . و هر چیز را در لوح محفوظ احصاء و شماره نمودیم یا در قلب مبارک امام علیه السلام چنانچه در روایات است .

و قال : یوم یبعثهم الله جمیعا فینبئهم بما عملوا احصاه الله و نسوه و الله علی کل شیء شهید. (۷۶)

روزی که خدای متعال همه آنها را برانگیزاند و مبعوث فرماید، پس آگاه فرماید آنها را به اعمال آنها. خدای متعال آن را شماره فرموده و آنها فراموش کرده اند و از یاد برده اند. و خدا بر هر چیز قادر است ، پس قدرت دارد که آنها را زنده کند و اعمالی را که فراموش کرده اند به خاطر آنها بیاورد.

و قال : و یوم یعض الظالم علی یدیه یقول یا لیتنی اتخذت مع الرسول سبیلا. (۷۷)

روزی که ظالم از ندامت و حسرت پشت دست خود را به دندان می گزند و می گوید ای کاش راه پیغمبر را پیش گرفته بودم که امروز سرافراز بودم و از رحمت خدا بهره مند می شدم .

قال المصنف : ثم ان الله سبحانه لم یؤیس من اساء الله الی نفسه و ظلمها من رحمته و وعده قبول التوبة و المحبة علیها اذا تاب و اناب .

مصنف گوید: پس به درستی که خداوند سبحان جلّت عظمته کسی را که به نفس خود بد کرده و به خود ظلم نموده از رحمت خود مایوس نفرموده و به او وعده قبول توبه داده و فرموده توبه کننده را دوست دارم وقتی بازگشت کند و به درگاه رحمت من عذر خواه باشد.

فقال سبحانه : و من یعمل سوء او یظلم نفسه ثم یتغفر الله یجد الله عفورا رحیما. (۷۸)

خدای سبحان فرمود: هر کس عمل بد کند یا به نفس خود ظلم کند پس از خدا طلب مغفرت و آمرزش کند خدا را بخشنده و مهربان می یابد.

و قال : ان الله یحب التوابین . (۷۹)

به تحقیق خدای متعال توبه کنندگان را دوست می دارد.

و قال : كتب ربكم على نفسه الرحمة انه من عمل منكم سوء بجهالة ثم تاب من بعده و اصلح فانه غفور رحيم . (۸۰)

خدای متعال رحمت به بندگان خود را بر خود واجب کرده به این که هر کس عمل بدی از روی جهالت و نادانی از او سر زند پس چون متوجه کار زشت خود گردید به سوی خدا بازگشت کند و خود را اصلاح کند؛ پس خدا آمرزنده و مهربان است .

و قال : والذين اذا فعلوا فاحشة او ظلموا انفسهم ذكروا الله فاستغفروا لذنوبهم و من يغفر الذنوب الا الله و لم يصروا على ما فعلوا و هم يعلمون . (۸۱)

و کسانی که وقتی عمل بد و فحشایی از آنها سر زد یا به نفس خود ظلم نمودند به یاد خدا می افتند پس برای گناه خود طلب آمرزش می کنند و کیست که بپامرد گناهان را مگر خدای عزوجل . و اصرار بر آن گناهان ندارند، یعنی وقتی متوجه بدی اعمال خود شدند دیگر ترک می کنند و چون قبح آن را می دانند اصرار ندارند.

و قال : و لو انهم اذ ظلموا انفسهم جاؤك فاستغفروا الله و استغفر لهم الرسول لوجدوا الله توابا رحيم . (۸۲)

ای پیغمبرم اگر امت تو وقتی که به سبب گناهان به نفسهای خود ظلم می کردند به خدمت تو می آمدند و از خدا و رسول طلب آمرزش می کردند و پیغمبر هم برای آنها طلب آمرزش نماید هر آینه خدای متعال را بسیار قبول کننده توبه و مهربان می یافتند.

و دعاهم سبحانه بلطف الكلام و ارجاه و اقربه الى قلوبهم تلطفا منه و رحمة و ترغيبا.

بندگان را با کلام نیکو و لطیف خود دعوت فرموده و آنها را امیدوار فرموده و از روی لطف و رحمت و برای رغبت دادن و متمایل ساختن آنها آن کلام زیبا و جاذب را در دسترس آنها قرار داده که با قلبهای خود درک کنند.

فقال سبحانه : قل يا عبادي الذين اسرفوا على انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله ان الله يغفر الذنوب جميعا انه هو الغفور الرحيم . (۸۳)

پس آن خدای منزله از عیوب و احتیاجات فرمود: ای پیغمبر گرامی بگو ای بندگان من ، که به سبب انجام گناهان اسراف و زیاده روی کردید و به نفسهای خود ظلم و ستم روا داشتید، با چنین حال از رحمت حق تعالی مأیوس نباشید؛ به تحقیق خدا جمیع گناهان را می آمرزد. به درستی که آن خدا آمرزنده و مهربان است .

و قال : ان الله لا يغفر ان يشرك به و يغفر ما دون ذلك لمن يشاء . (۸۴)

به تحقیق خدای متعال آنچه به او شرک آورده شود و مشرک به حال شرک بمیرد آن را نمی آمرزد و از این پایین تر را برای هر کس که بخواهد می آمرزد.

و قال : و سارعوا الى مغفرة من ربكم و جنة . (۸۵)

و بشتابید به سوی آمرزش از جانب خدای خود و بهشت .

و قال : ادعونی استجب لکم . (۸۶)

بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را.

فوعدهم بالاجابة و مدحهم سبحانه في كتابه العاملين بالطاعات المسارعين الى الخيرات ليرغب العباد في عملها كما رهب في السيئات يتناهي الناس عنها.

پس خدای متعال جلت عظمت به آنها وعده اجابت دعا مرحمت فرموده و در کتاب کریمش از آنها مدح نموده که اینها به طاعات و عبادات عمل می کنند و به کارها و امور خیر سرعت می نمایند. و این وعده اجابت و مدح از آنها برای این است که بندگان در انجام کارهای خیر رغبت کنند چنانچه با تخويف و ترساندن آنها از گناهان اراده فرموده که آنها از آن کارهای قبیح باز ایستند. فقال سبحانه : و من يتق الله يجعل له مخرجا و يرزقه من حيث لا يحتسب و من يتوكل على الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لكل شىء قدرا. (۸۷)

آن کس که از خدا بترسد و ترک گناه کند خدا برای او راه خارج شدن از مهالک را قرار می دهد و او را از جایی که گمان نمی برد روزی می دهد. و کسی که امور خود را به خدا واگذارد پس خدا او را بس است . به تحقیق که خدای متعال آنچه اراده فرماید به آن می رسد. خدا برای هر چیز حدی و اندازه ای قرار داده است .

و قال : و من يتق الله يجعل له من امره يسرا. (۸۸)

آن کس که از خدا بترسد و گناه نکند خداوند امور او را به آسانی اصلاح فرماید.

و قال : و من يتق الله يكفر عنه سيئاته و يعظم له اجرا. (۸۹)

آن کس که از خدا بترسد و ترک گناه کند خدا گناهان گذشته او را می آمرزد و اجر عظیم به او مرحمت می فرماید.

و قال : الذين امنوا و كانوا يتقون لهم البشرى في الحياة الدنيا و فى الآخرة لا تبدل لكلمات الله ذلك هو الفوز العظيم . (۹۰)

کسانی که ایمان آوردند و تقوی و پرهیز و اجتناب از گناه را پیشه خود قرار دادند برای آنها دو بشارت هست یکی در دنیا و یکی در آخرت . و آنچه خدا وعده فرموده خلافی در آن نیست ، این است رستگاری عظیم . و مراد از بشارت دنیا رؤیا و خواب خوبی است که در آن بشارت به نعمتها است . و مراد از بشارت آخرت بهشت است یا بشارت به رحمت و آمرزش هنگام مردن .

قل بفضل الله و برحمته فبذلك فليفرحوا هو خير مما يجمعون . (۹۱)

بگو به فضل و رحمت خدا پس باید به این خوشنود باشید. او بهتر است از آنچه جمع آوری می کنید از اموال دنیا.

و قال : يا عباد لا خوف عليكم اليوم و لا انتم تحزنون الذين امنوا باياتنا و كانوا مسلمين ادخلوا الجنة انتم و ازواجکم تجبرون . (۹۲)

ای بندگان من ، امروز ترسی بر شما نیست و هیچ اندوه و حزنی ندارید. آن بندگان کسانی هستند که ایمان به آیات ما آورده و تسلیم خدای خود هستند. به آنها گفته می شود با همسرانتان داخل بهشت شوید و به نعمتهای بهشتی در حال سرور و خشنودی متنعم باشید.

و قال : و ازلقت الجنة للمتقين غير بعيد هذا ما توعدون لكل اواب حفيظ من خشى الرحمن بالغيب و جاء بقلب منيب . (۹۳).

بهشت به سرعت برای اهل تقوا زینت داده شود. و به آنها گفته شود این است آنچه در دنیا وعده داده شدید. این نعمتها برای هر کسی است که بسیار رجوع به خدا می کند و حافظ حدود خدا می باشد، آن کسی که در پنهان و تنهایی از خدا بترسد و با قلب تائب و نادم از گذشته به سوی خدا رود.

قال المصنف : فلم يقنط احدا من فضله و رحمته و بسط العفو و الرحمة و وعد و توعده ليكون العبد مترجحا بين الخوف و الرجاء كما روى انه لو وزن خوف العبد و رجائه لم يرجح احدهما على الاخر و اذا اعظم الخوف كان ادعى الى السلامة فانه روى ان الله انزل في بعض كتبه و عزتي و جلالی لا اجمع لعبد المؤمن خوفين و لا امين اذا خافني في الدنيا امنته في الاخرة و اذا امنني اخفته يوم القيمة .

خدا احدی را از فضل و رحمت خودش مأیوس نکرده و عفو و رحمت خود را توسعه داده و وعده رحمت و وعید عذاب داده است تا این که بنده در حال رجحان خوف و رجا باشد. گاهی ترس را برای خود صلاح بداند و گاهی امیدواری را، چنانچه در روایت وارد شده که : اگر خوف و رجای بنده وزن و سنجیده شود هیچ کدام بر دیگری زیادتیی ندارد. و اگر خوف او زیادتیر باشد به سلامت نزدیکتر است ؛ چون در روایت است که خدا در بعض کتب منزله خود فرموده ؛ به عزت و جلال خودم جمع نخواهم کرد برای بنده مؤمن خود دو ترس و دو امان را. اگر در دنیا از من ترسید او را در آخرت ایمن قرار می دهم . و اگر در دنیا از عذاب من ایمن شد در آخرت و روز قیامت او را می ترسانم .

و الدلیل علی ذلك من القرآن كثير منه قوله تعالى : لمن خاف مقامي و خاف وعيد (۹۴) و قوله : و اما من خاف مقام ربه و نهی النفس عن الهوى فاء الجنة هي الماء وى (۹۵) و قوله : و لمن خاف مقام ربه جنتان (۹۶) و قوله : انما يخشى الله من عباده العلماء . (۹۷)

آن برای کسی است که از عظمت و وعید من بترسد. و اما کسی که از عظمت خدای خود ترسید و نفس خود را از تمایلات نفسانی که بر خلاف رضای خدا است باز داشت پس به تحقیق منزل و ماءوای او در بهشت است . و برای کسی که از عظمت خدای خود ترسید دو باغستان در بهشت برای او هست . و این است و جز این نیست که از بین بندگان علما و دانشمندان هستند که از خدا می ترسند.

و قوله تعالى : و اقبل بعضهم على بعض يتسائلون ، یعنی عن وجه السلامة . قالوا انا كنا قبل فی اهلنا مشفقین ، یعنی خائفین . فمن الله علينا و وقينا عذاب السموم . (۹۸)

اهل بهشت از یکدیگر سؤال می کنند که سبب ورود شما به بهشت در حال سلامت چه بود. گویند ما در دنیا در میان اهل و عشیره خود بودیم ولی همیشه در حال خوف و ترس از خدا به سر می بردیم . پس خدا بر ما منت گذارد و عذاب نفوذ کننده را از ما دور کرد و ما را از آن عذاب نگاه داشت .

و قوله تعالى : و يدعوننا رغبا و رهبا. (۹۹)

ما را از روی رغبت و ترس می خوانند.

و قوله تعالى : قال رجلان من الذين يخافون انعم الله عليهما ادخلوا عليهم الباب فاذا دخلتموه فانكم غالبن و على الله فتوكلوا ان كنتم مؤمنين ، (۱۰۰) یعنی مدحهم بذلك .

دو مرد از کسانی که از خدا می ترسیدند گفتند: خدا بر آن دو انعام فرمود. داخل شوید بردایشان از آن در. پس چون داخل شدید شما غالبانید و بر خدا توکل کنید اگر از مؤمنین می باشید. (شاهد در این آیه جمله (یخافون) است که می فرماید: خدا بر آن دو انعام فرمود برای این که از خدا می ترسیدند. و به نظر حقیر این آیه کریمه با منظور مؤلف تناسب ندارد، ولی چون بنابر ترجمه کتاب است نخواستیم از قلم بیفتد. مترجم).

و قال سبحانه ، عن هابيل يروي قوله : اني اخاف الله رب العالمين . (۱۰۱)

خداوند از زبان هابیل فرزند آدم نقل می فرماید که در جواب برادرش قابیل ، که او را تهدید به قتل کرد، گفت : اگر تو دست به سوی من دراز کنی که مرا بکشی من دست به سوی تو دراز نمی کنم ؛ برای این که من از خدای رب العالمین می ترسم .

و قال : و اتقون يا اولي الالباب . (۱۰۲)

ای صاحبان عقل از من بترسید.

و الايات فی ذلك كثيرة يعتبر بها و يتفكر فيها من اسعده الله تعالى بالتذكرو و ايقظه بالتبصره و لم يخلد الى الامانى و الكلام به فان قوما غرهم امانى المغفرة و العفو و خرجوا من الدنيا بغیر زاد مبلغ و لا عمل نافع فخرت تجارتهم و بارت صفقتهم و بداهم من الله ما لم يكونوا يحسبون فتنسأل الله توفيقا و تسديدا يوفقنا به من الغفلة و يرشدنا الى طريق الهدى و الرشاد.

آیات در این مورد بسیار است که هر کس خدا به او سعادت داد از آنها عبرت می گیرد و در آنها فکر می کند و یاد آور می شود آن کس که خدا او را از خواب غفلت بیدار کرد و به او بینایی داد و در آرزوهای دائمی باقی نماند و به آرزو کلام نگفت . پس به درستی که دسته ای به آرزوی مغفرت و عفو مغرور شده اند و از دنیا خارج می گردند بدون توشه ای که آنها را به منزل برساند و بدون

عملی که برای آنها نفعی داشته باشد. پس تجارت آنها با ضرر توام و معامله آنها بدون بهره است. و ظاهر شود برای آنها از خدا آنچه که گمان نمی بردند. پس از خدا توفیق می خواهیم که ما را از غفلت خارج فرماید و ما را به راه هدایت ارشاد فرماید.

يقول العبد الفقير الى رحمه ربه و رضوانه ابو محمد الحسن بن الى الحسن بن محمد الديلمي جامع هذه الايات من الذكر الحكيم انما بدئت بالموعظه من كتاب الله تعالى لانه احسن الذكر و ابلغ الموعظه و تابعته انشاء الله بكلام عن سيدنا و مولينا رسول الله صلى الله عليه و آله المؤيد بالوحي المسدد بالعصمة الجامع من الايجاز و البلاغه ما لم يبلغه احد من العالمين .

بنده فقیر به سوی رحمت و رضوان خدایش ابو محمد حسن بن ابی الحسن ابن محمد دیلمی جمع کننده این آیات از قرآن کریم چنین گوید: علت و جهت این که به مواعظ کتاب خدای تعالی ابتداء کردم این است که آن نیکوترین ذکر است و رساترین موعظه است. و دنبال آن انشاءالله کلام سید و مولای خود رسول خدا صلی الله علیه و آله را ذکر می کنم، که آن بزرگوار را وحی الهی تاءید نموده و عصمت پشتیبان اوست و دارای مقام جامعیت مختصر گویی و بلاغت است به حدی که احدی از خلق اولین و آخرین به آن درجه نرسیده است.

فقد قال صلى الله عليه و آله : اوتيت جوامع الكلم . و لقد صدق رسول الله صلى الله عليه و آله فانه اذا فكر العبد في قوله صلى الله عليه و آله اكثر من ذكر هادم اللذات علم انه قد اتى بهذه اللفظة على جوامع العظه و بلاغه التذكرة دل على ذلك قول الله تعالى في امتنانه على ابراهيم و ذريته عليه و عليهم السلام : انا اخلصناهم بخالصة ذكرى الدار. (۱۰۳) و في قوله صلى الله عليه و آله اياك و ما تعتذر منه . فقد دخل في هذه اللفظة جميع آداب الدنيا.

پس به تحقیق پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: به من گفتار و کلام جامع داده شد. و البته راست فرموده است؛ برای این که وقتی شخص در این فرمایش آن حضرت فکر کند که فرمود: بسیار یاد کنید خراب کننده لذتها را. می داند که این کلام حضرت جامع موعظه و بلاغت و تذکر است. و بر آن دلالت دارد. این فرمایش خدای متعال در مورد منت نهادن بر ابراهیم و ذریه او علیه السلام: به درستی که ما قرار دادیم ابراهیم و ذریه او را خالص برای خود یک نوع خالص بودن که با هیچ چیز مخلوط نیست. و آن عبارت است از یادآوری آنها خانه آخرت را در هر حال. و آنها هر عملی و هر عبادتی انجام می دادند نظرشان جوار خداوند متعال بود و فائز شدن به لقای حق. و تعبیر دار و خانه برای این است که خانه حقیقی خانه آخرت است و دنیا محل عبور است. و باز دلالت دارد بر صدق گفتار رسول الله صلی الله علیه و آله اوتیت جوامع الكلم، این فرمایش حضرت: بهره‌یز از چیزی که بعد بخواهی از آن عذر خواهی کنی. این جمله جمیع آداب معاشرت و برخورد با نوع و هر گونه صحبت و عمل را فرا می گیرد، که اگر انسان همین را در نظر داشته باشد که نحوی رفتار کند که نخواهد از کسی عذر خواهی کند چه مقدار دامنه این مطلب وسیع است.

و في قوله صلى الله عليه و آله : دع ما يريبك الى ما لا يريبك .

جمله دیگر که شاهد است این است که می فرماید: واگذار آنچه تو را به شک می اندازد و عمل کن به چیزی که در آن شک نداری. با این جمله از جمیع شبهات جلوگیری می کند.

و قوله صلى الله عليه و آله : الامر ثلاثة امر استبان رشد فاتبعوه و امر استبان غيه فاجتنبوه و امر اشتبه عليكم فردوه الى الله . و فى قوله : اياك و ما يسوء الادب . فقد استوفى بذلك كل مكروه و مذموم .

شاهد ديگر برای صدق فرمایش حضرت که : به من قوه گفتن کلام جامع داده شده است ، این دو فرمایش آن بزرگوار است : همه امور در برخورد با وظایف دینی از سه حال خارج نیست : یکی امری که رشد و صلاح و حلیت و مباح بودن آن ظاهر است پس آن را پیروی کنید. دیگر امری است که ظلال و گمراهی در آن عمل ظاهر است . پس از آن دوری و اجتناب نمایید. و سوم امری است مشتبه که حقیقت آن را نمی دانید، پس آن را به خدا واگذار کنید، یعنی اعتقاد شما در امور مشتبه امر واقعی آن باشد که آنچه هست همان است و خدا می داند و ما را با آن کاری نیست ؛ چون نمی دانیم . و اما جمله دیگر: بر تو باد به دوری کردن از آنچه سبب بی ادبی و سوء اخلاق است ، که در این جمله جامع دوری کردن از همه کارهای مکروه و مورد مذمت یادآور شده است .

و فى احادیثه من المواعظ و الزواجر ما هو ابلغ من كل كلام مخلوق .

در احادیث آن حضرت از موعظه ها و منع ها چیزی هست که از کلام جمیع خلائق رساتر است .

و انا اذكر انشاء الله ما تيسر ايراده بحذف الاسانيد لشهرتها فى كتب اسانيدها و اتبع ذلك بكلام اهل بيته و من تابعهم من الصالحين .

و من انشاء الله آنچه که ذکر آن مقدور باشد بدون سند ذکر می کنم ؛ چون سند آن در کتابها مشهور است . و دنبال آن کلام خاندان آن بزرگوار و کسانی که از صالحین متابعت آن بزرگواران نمودند ذکر می کنم .

قال انس بن مالك : جاء رجل الى رسول الله صلى الله عليه و آله فقال يا رسول الله اشكو اليك قسوة قلبى فقال صلى الله عليه و آله : اطلع على القبور و اعتبر بيوم النشور.

انس بن مالک گفت : مردی خدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله آمد عرض کرد یا رسول الله به شما شکایت می کنم قساوت قلب خود را. حضرت دو چیز برای رفع قساوت قلب او بیان کرد. فرمود: در قبرستان حضور پیدا کن و از اهل قبور اطلاع حاصل کن . و عبرت بگیر از روز قیامت و نشر مردم و نامه های اعمال آنان .

و قال صلى الله عليه و آله : عودوا المرضى و اتبعوا الجنائز يذكركم الاخرة .

به عیادت مریضان بروید و دنبال جنازه ها حرکت کنید تا به یاد آخرت بیفتید. و قد حث الله تعالى فى الموعظه و ندب اليها رسول الله صلى الله عليه و آله بها فقال : ادع الى سبيل ربك بالحكمه و الموعظه الحسنه . (۱۰۴)

به تحقیق خدای متعال در موعظه مبالغه فرمود و پیغمبر را دعوت فرمود که از همان راه مردم را به حق دعوت کند، پس فرمود: مردم را با گفتار حکیمانه و موعظه نیکو به راه حق بخوان و قال تعالى : و عظمهم و قل لهم فى انفسهم قولاً بليغاً. (۱۰۵)

آنان را موعظه کن و در میان آنها با گفتار رسا تکلم کن .

و قال : و ذکر فاءن الذکری تنفع المومنین . (۱۰۶)

و یادآوری کن که یاد آوردن به مؤمنین نفع می رساند.

و قال : و ذکرهم بايام الله ، (۱۰۷) یعنی يوم القيمة و يوم الموت و يوم المسائله القبر و يوم النشور . و مساءله سلامه هذه الايام سئل الله تعالى عيسى بن مريم بقوله : و السلام على يوم ولدت و يوم اموت و يوم ابعث حيا . (۱۰۸) و ان كان قوله يوم ولدت فيه فقد سئل انواع الشکر على سلامته منه يدل على شده المشقة .

و فرمود: روزهای خدا را به آنان یادآوری کن که مراد روز قیامت و روز مرگ و روز سؤال قبر و روز محشور شدن خلایق از قبور می باشد.

حضرت عیسی بن مریم سلامتی این روزها را از خدا سؤال نمود به این که گفت : سلام بر من روز ولادت و روز مرگ و روز زنده شدن بعد از مرگ ، و گر چه سلامتی روز ولادت متضمن درخواست انواع شکر بر سلامتی او در آن روز می باشد که دلالت بر شدت مشقت و سختی آن حال دارد.

مصنف این کتاب خدا او را رحمت کند گوید: این کتاب را به پنجاه و چهار باب مرتب کردم .

باب اول : در ثواب موعظه و نصیحت پذیری

قال النبی صلی الله علیه و آله : ما اهدى المسلم لاختیه هدیة افضل من کلمة حکمة تزیده هدی او ترده عن ردى .

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: هدیه و پیشکش نبرد مسلمانی برای برادر مؤمنش که بهتر باشد از کلام حکمت آمیز که سبب شود هدایت او زیاد گردد یا او را از کار بدی باز دارد.

و قال صلی الله علیه و آله : نعم العطیة و نعم الهدیه الموعظة و اوحى الله الى موسى تعلم الخیر و علمه من لا یعلمه فاءنی منور لمعلمی الخیر و متعلمیه قبورهم حتی لا یستوحش بمکانهم .

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: موعظه نیکو عطا و بخششی است و نیکو هدیه و پیشکشی است . خدای متعال جلّت عظمت به موسی علیه السلام وحی فرمود که : خیر و خوبی را یاد گیر و آن را به کسی که نمی داند یاد بده ، پس به درستی که من نورانی می کنم قبر آن کس را که خیر را یاد دهد و آن کس را که یاد بگیرد تا این که در آن مکان یعنی قبر وحشت و ترسی برای آنها نباشد.

و روی انه ذکر عند النبی صلی الله علیه و آله رجلا ن كان احدهما یصلی المكتوبة و یجلس فیعلم الناس الخیر و كان الآخر یصوم النهار و یقوم اللیل فقال صلی الله علیه و آله : فضل الاول على الثانی کفضلی على الانام .

روایت شده که در نزد پیغمبر صلی الله علیه و آله ذکر شد که دو مرد هستند که یکی از آن دو نماز واجب خود را به جا می آورد و می نشیند و آنچه خیر مردم در آن است به آنها یاد می دهد از قبیل مسائل فقهی یا اخلاقی یا اعتقادی یا آداب معاشرت و حقوق و امثال اینها، و آن دیگری روزها روزه است و شبها به عبادت قیام می کند و به این حال اوقات این دو نفر طی می گردد آیا کدام یک افضل است؟ رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: آن اول که به واجبات اکتفا می کند و مشغول تعلیم مردم است فضیلتش بر دوم مانند فضیلت من است بر مردم دیگر.

و قد اثنی الله علی اسماعیل بقوله : انه كان صادق الوعد و كان رسولا نبيا و كان يامر اهله بالصلوة والزكاة و كان عند ربه مرضيا. به تحقیق خداوند حضرت اسماعیل صادق الوعد را در قرآن کریم مدح کرده که : او صادق الوعد بود و رسول و نبی بود و اهل و عشیره اش را امر به نماز و زکات می نمود و در نزد خدای خود مرضی بود، یعنی خدا از او راضی بود.

و قال صلی الله علیه و آله : ما تصدق مؤ من بصدقه احب الی الله من موعظة يعظ بها قوما يتفرقون و قد نفعهم الله بها و هی افضل من عبادة سنة .

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: مؤ منی در راه رضای خدا هیچ صدقه ای نداد که دوست داشتنی تر باشد به سوی خدا از موعظه ای که با آن افراد پراکنده و متفرق را نفع رساند و از پراکندگی به اجتماع برگردند و موعظه در این مورد فضیلت و ثواب آن از یک سال عبادت بیشتر است .

فاستمع ايها العاقل الى الموعظة و لا تضرب عن الذكر صفحا و غالب هواك و جاهد نفسك و فرغ قلبك فانما جعل لك السمع لتعنى به الحكمه و البصر لتعتبر ماترى من خلق السموات و الارض و ما بينهما من الخلق و اللسان لتشكر به نعم الله و قدیم ذكره به و حمده و تلاوه كتابه و القلب لتفكر به فاجعل شغلك فى آخرتك و ما تصير اليه و اصرف همتك فان نصيبك من الدنيا ياتى من غير فكر و حركة .

پس ای عاقل بشنو موعظه را و از موعظه رو بر نگردان . و بر هوای نفس خود غلبه کن و با نفس خود جهاد کن ، و آن را از کارهای خلاف بازدار. و قلب خود را از افکار باطل فارغ ساز؛ برای این که اعضاء و جوارح ظاهری و باطنی تو هر کدام برای منظور صحیح خلق شده . گوش تو باید ظرفیت داشته باشد برای شنیدن حکمت . و چشم تو برای عبرت گرفتن است از آن چه می بیند از خلقت آسمانها و زمین و آنچه بین آنهاست . و زبان برای شکر نعمتهای الهی است . و ذکر و حمد و ثنای خدا گفتن و تلاوت قرآن کریم نمودن . و قلب برای فکر در عظمت خدا و مزید معرفت است . پس شغل خود را در اموری قرار ده که مربوط به آخرت است و آنچه که بازگشت تو به سوی آن است . و همت خود را صرف عمران آخرت بنما، به درستی که آنچه نصیب و بهره تو از دنیاست به تو خواهد رسید بدون این که در اطراف او فکر کنی یا برای به دست آوردن آن حرکتی انجام دهی .

فقد قال امیرالمؤمنین علیه السلام : و قد سبق الی جنات عدن اقوام كانوا اکثر الناس صلوة و صیاما فاذا وصلوا الی الباب ردوهم عن الدخول فقیل بماذا ردوا الم یكونوا فی دار الدنیا صلوا و صاموا و حجوا فاذا بالنداء من قبل الملك الاعلی جل و علا بلی قد كانوا لیس لاحد اکثر صیاما و لا صلوة و لا حجا و لا اعتمادا و لكنهم غفلوا عن الله مواعظه .

به تحقیق امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: در قیامت به سوی بهشت عدن کسانی سبقت گیرند که از همه مردم نماز و روزه آنها بیشتر بود چون به در بهشت برسند آنها را برگردانند و مانع از دخول آنها شوند. گفته شود به چه جهت رد می شوند آیا در دنیا نماز و روزه و حج انجام ندادند؟ پس در این هنگام جواب از جانب خدای عالم جل و علا آید بلی چنین است که آنها نماز و روزه و حج و اعتماد به خدا از همه بیشتر داشتند و لیکن از مواعظه های خدا غافل بودند.

و عن سالم عن ابیه قال ، قال رسول الله صلی الله علیه و آله : احب المؤمنین الی الله تعالی من نصب نفسه فی طاعة الله و نصح لامة نبیه و تفکر فی عیوبه و اصلحها و علم فعل و علم .

سالم از پدرش نقل کرد که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: آن کس از مؤمنین بیشتر از همه مورد محبت و دوستی خدا واقع است که در اطاعت و بندگی خدا جدیت کامل داشته باشد، و امت پیغمبرش را نصیحت کند، و در عیوب و زشتیهای اعمال خود فکر کند و آن را اصلاح کند، علم دین را فرا گیرد و به آن عمل کند و به دیگران یاد دهد و بیاموزد.

و عن انس قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله : الا اخبرکم باءجود الاجواد قالوا بلی یا رسول الله . فقال اجود الا جواد الله و انا اجود بنی آدم و اجودهم بعدی رجل علم علما فنشره و بیعت يوم القيمة امة واحدة و رجل جاد بنفسه فی سبیل الله حتی قتل .

از انس نقل شده که گفت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: آیا خبر ندهم به بخشنده ترین بخشنده ها؟ گفتند: بلی یا رسول الله . پس فرمود بخشنده ترین بخشنده ها خدای متعال جلت عظمت می باشد. و من بخشنده ترین اولاد آدم هستم و بخشنده ترین اولاد آدم بعد از من مردی است که علمی را بیاموزد پس آن را منتشر کند و چنین کس در روز قیامت مبعوث شود در حالی که امت واحده است ، یعنی کسی است که جامع خیرات است و به او اقتدا می شود. و نیز بخشنده ترین مردم بعد از من مردی است که جان خود را راه خدا بخشش کند تا کشته شود.

و عنه علیه السلام : من علم علما فله اجر من عمل به الی يوم القيمة .

کسی که علمی را به دیگری بیاموزد برای اوست اجر هر کس به آن علم عمل کنند تا روز قیامت .

قال رسول الله صلی الله علیه و آله : اذا مات الرجل انقطع عمله الا من ثلاثة صدقه جاریه و علم یتنفع به و ولد صالح یدعوه له پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: گاهی که شخص از این عالم رحلت کند کارهای او که در این دنیا انجام می داده همه قطع و بریده می شود مگر سه چیز که بعد از فوت او از آن بهره می برد و بر حسناتش افزوده می گردد: اول صدقه جاریه ، یعنی آن کارهایی که انجام داده و آثارش باقی است و مردم از آن بهره مند می گردند، مانند: مسجد و سایر بناهای خیر یا

حفر قنوت و غرس اشجار یا احداث طریق و راه برای عبور مردم و امثال اینها که مادام که آثارش باقی است و مردم از آن بهره مند می شوند ثواب در نامه عمل آن کس ثبت می گردد. دوم علمی که از او باقی بماند که تا وقتی هست و اهلش از آن فایده می برند برای او ثواب می نویسند. سوم فرزند صالحی که دعای خیر برای پدر و مادر خود نماید یا که والدین از صلاحیت آن فرزند و دعای خیر او مادام که وجود دارد بهره مند می گردند. گر چه خود آنها نیستند که در دار عمل کار کنند ولی چون اینها از آثار آنهاست از آنها بهره مند می گردند.

قال عیسی بن مریم علیه السلام : من علم و عمل عد فی الملکوت عظیما.

آن کس که بداند و عمل کند در عالم ملکوت و در بین ملائکه با عظمت و بزرگواری یاد شود.

و روی انه یؤتی بالرجل فیوضع عمله فی میزان ثم بشیء مثل الغمام فیوضع فیہ ثم یقال اتدري ما هذا فیقول لا فیقال هذا العلم الذی علمته الناس فعملوا به من بعدک .

در قیامت مردی را به پای میزان سنجش اعمال آوردند. پس اعمال او را در میزان گذارند. بعد از آن چیزی مانند ابر بیاورند و به اعمال او اضافه کنند که باعث رجحان حسنات او گردد. به او گفته شود آیا می دانی که این چیست ؟ می گوید: نه . گفته می شود این آن علمی است که در دنیا به مردم آموختی و آنها بعد از تو به آن عمل کردند.

قال النبی صلی الله علیه و آله : الدنیا ملعونه و ملعون من فیها الا عالما او متعلما او ذاکرا لله تعالی .

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: دنیا ملعون است و آن کس که در آن است نیز چنین است مگر سه طایفه : یکی عالم و دیگر کسی که طالب علم است و سوم آن کس که به یاد خدا باشد و در هر حال و در هر جا خدا را فراموش نکند.

و روی فی قوله تعالی : ان ابراهیم کان امة قانتا لله حنیفا و لم یک من المشرکین ، (۱۰۹) انه کان یعلم الخیر.

چنین نقل شده در تفسیر این آیه کریمه که معنی آن این است : به درستی که ابراهیم فرد جامعی بود که خدا را عبادت می کرد و راه راست و مستقیم می پیمود و او مشرک نبود، منظور از اینکه حضرت ابراهیم به این خصال نیکو ستوده شده این است که او امور خیر را به مردم می آموخت لذا شایسته این اوصاف گردید.

و قیل : الموعظة حرز من الخطا و امان من الادی و جلاء للقلوب من الصدی .

چنین گفته شد که : موعظه سه اثر نیکو در اوست : یکی اینکه : امان از خطا است ، یعنی سبب می شود که اشخاصی که آن را می شنوند از خطاها خود را نگهداری کنند، پس در نتیجه آنها از عذابی که برای خطاکاران می باشد در امانند و دیگر این که : مانع اذیت است ، یعنی به سبب موعظه از آنها جلوگیری کرده است . و سوم این که : موعظه قلب را روشن و نورانی می کند و چرک و کثافت قلب را برطرف می کند.

و قال امیرالمؤمنین علیه السلام : الزاهدون فی الدنیا قوم وعظوا فاتعظوا و خوفوا فحذروا و علموا فعملوا ان اصابهم یسر شکروا و ان اصابهم عسر صبروا قالوا یا وصی رسول الله لا ناءمر بالمعروف حتی نعمل به کله و لا ننهی عن المنکر حتی ننهی عنه کله فقال لا بل آمروا بالمعروف و ان لم تعملوا به کله و انهوا عن المنکر و ان لم تنتهوا عنه کله .

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: افراد زاهد را در دنیا به این علامات بشناسید آنها کسانی هستند که وقتی موعظه شود پند می گیرند. و هنگامی که از عذاب خدا ترسانده شوند می ترسند. از آنچه سبب عذاب می گردد دوری می کنند. و هرگاه علم را آموخته به آن عمل می کنند. اگر آسانی و گشایشی به آنها برسد شکر می کنند و اگر سختی به آنها برسد صبر می کنند. عرض کردند ای وصی پیغمبر آخر زمان آیا امر به معروف نکنیم مگر این که خود به همه آنها عمل کنیم ؟ و نهی از منکر نکنیم مگر وقتی که همه منکرات را ترک کنیم ؟ حضرت در جواب آنها فرمود: نه چنین نباشید بلکه امر به معروف بکنید و گرچه به همه کارهای خوب عمل نکنید و نهی از منکر بکنید گرچه همه منکرات را ترک نکنید.

و قال : اشد الناس عذابا یوم القیمة من علم علما فلم ینتفع به .

در قیامت عذاب کسی از همه بیشتر است که علمی را به دیگران بیاموزد و خود عمل نکند و از آن بهره نبرد.

و قال علیه السلام : تعلموا ما شئتم ان تعلموا فانکم لن تنفعوا حتی تعملوا به و ان العلماء همتهم الرعاۃ و ان السفهاء همتهم الروایة .

فرمود: آنچه را می خواهید یاد بگیرید به تحقیق شما نفع نخواهید برد تا آنچه می دانید به آن عمل کنید. و به درستی که علما کسانی هستند که تمام همت آنها مراعات و عمل نمودن به علم کسانی هستند که تمام همت آنها مراعات و عمل نمودن به علم خودشان می باشد، لیکن سفهاء و نادانان همه کوشش آنها نقل روایات است و از عمل در آنها اثری نیست .

و قال صلی الله علیه و آله : ان الله اوحی الی بعض انبیائه فی بعض و حیه قل للذین یتفقهون لغیر الدین و یتعلمون لغیر العمل و یطلبون الدنیا بعمل الآخرة یلبسون للناس جلد الضاء و قلوبهم قلوب الذئاب و السنتهم احلی من العسل و اعمالهم امر من الصبر ایای یخادعون و بی یغترون و بدینی یستهزئون .

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: به درستی که خدای متعال بسوی بعضی از پیغمبرانش وحی فرمود که : بگو به کسانی که فقه می خوانند و فقیه و دانشمند می شوند برای غیر دین ، و عالم می شوند برای غیر عمل ، و دنیا را طلب می کنند به عمل آخرت ، پوست گوسفند می پوشند و قلبهای آنها قلب گرگ است ، و زبان آنها شیرین تر از عسل است و اعمال آنها تلخ تر از صبر است ، به آنها بگو با من مکر و خدعه می کنید و به من مغرور شده اید و دین مرا مسخره و استهزاء کرده اید.

قال علیه السلام : مثل من یعلم و لا یعمل کمثل السراج یضیء لغيره و یحرق نفسه و العالم هو الهارب من الدنیا لا الراغب فیها لآن علمه دل علی انه سم قاتل فحمله عن الهرب من الهلکة فاذا التقم السم عرف الناس انه کاذب فیما یقول .

فرمود: مثل آن کس که یاد می دهد و خود عمل نمی کند مثل چراغی است که به دیگران نور می دهد و خود را می سوزاند. و عالم آن کس است که از دنیا فرار می کند نه اینکه رغبت و میل به آن داشته باشد؛ برای این که علم او دلالت دارد که دنیا سم است و استعمال سم سبب هلاکت او می گردد. پس علم او را وادار به فرار می کند از هلاک شدن. و اگر میل به دنیا کرد چنان است که سم را خورده باشد و مردم می فهمند که او دروغ می گفته و آنچه برای مردم نقل می کرده خود عقیده به آنان نداشته است.

و قال النبی صلی الله علیه و آله : ان الله خواصا من خلقه لیسکنهم الرفیع الاءعلی من جنانه لانهم کانوا اعقل اهل الدنیا قیل یا رسول الله کیف یكونوا اعقل اهل الدنیا قال کانت همتهن المسارعة الی ربهم فیما یرضیه فهانت الدنیا علیهم و لم یرغبوا فی فضولها صبروا قلیلا فاسترا حوا طویلا.

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: به تحقیق که برای خدای متعال خاصانی است از خلق او که آنها را در درجات اعلی و مقامات بالای بهشت ساکن می فرماید به جهت این که آنها عاقل ترین اهل دنیا بودند. عرض کردند: یا رسول الله چگونه آنها عاقل ترین اهل دنیا بودند؟ فرمود: آنها تمام همت خود را مصروف داشته برای سرعت به سوی خدای خود در انجام اعمالی که رضایت او در اوست. پس دنیا در نظر آنها خار و پست آمده و رغبت و میل در زیادی آن نمودند. مدت کمی صبر کردند و در پی آن به راحت طولانی رسیدند.

و قال صلی الله علیه و آله : لکل شیء معدن و معدن التقوی قلوب العارفين .

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر چیز را معدنی است و معدن تقوی قلوب عارفین (خدا شناسان) است نتیجه این که هر چه معرفت بیشتر باشد تقوی خواهد بود و آیه کریمه شاهد آن است :

انما یخشی الله من عباده العلماء (۱۱۰)

این است و جز این نیست که از میان بندگان خدا، علماء از خدا می ترسند. چون خشیت و خوف را فرع علم دانسته و بیان فرموده ، چنانچه در فرمایش پیغمبر تقوی را فرع معرفت شمرده .

و قال لا تزل قدم عبد یوم القیمة حتی یسئل عن خمس خصال عن عمره فیما افناه و عن شبابه فیما ابلاه و عن ماله من این اکتسبه و فیما انفق و عن عمله ماذا عمل فیما علم .

در روز قیامت برداشته نمی شود قدم بنده تا این که از پنج چیز از او سؤال شود: ۱- سؤال می شود عمر و زندگی خود را در چه چیز فانی و نابود کردی ۲- سؤال می شود ایام جوانی را در چه چیز کهنه کردی ۳- سؤال می شود مال از کجا آوردی ۴- سؤال می شود مال را در چه راه مصرف و خرج کردی ۵- سؤال می شود علمی که به تو داده شد تا چه اندازه به آن عمل کردی .

و قال امیرالمؤمنین علیه السلام : انما زهد الناس فی طلب العلم لما یرون من قله انتفاع من علم بلا عمل .

حضرت امیرالمؤمنین - علیه السلام فرمود: علت این که مردم رغبت در طلب علم ندارند این است که می بینند علمای بدون عمل از علم خود نفع و بهره نمی برند.

و قال النبی صلی الله علیه و آله : علم لا ینتفع به ککنز لا ینفق به .

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: علمی که صاحب آن به آن منتفع نشود همچون گنج است که از آن چیزی برداشته نشود و در احتیاجات خرج نکند.

و قال علیه السلام : العلم علما علم باللسان و هو الحجة علی صاحبه و علم بالقلب و هو النافع لمن عمل به و لیس الایمان بالتمنی و لکنه ما ثبت فی القلب و عملت به الجوارح .

و کان نقش خاتم الحسین بن علی علیهما السلام علمت فاعمل .

فرمود: علم دو علم است : یکی به زبان است پس آن فایده ندارد جز این که سبب اتمام حجت است و گفته می شود تو که می دانستی چرا عمل نکردی . و دیگری علمی است که در قلب است و آن سبب نفع است برای صاحبش در وقتی که به آن عمل کند. و ایمان به آرزو نیست که کسی بگوید کاش من مؤمن بودم و لیکن ایمان چیزی است که در قلب ثابت باشد و اعضاء و جوارح به آن عمل کند.

نقش خاتم امام حسین علیه السلام چنین بود: دانستم پس عمل می کنم .

و قال بعضهم : اول العلم الانصات ثم الاستماع ثم الحفظ ثم العمل ثم النشر.

بعضی از علماء فرموده است : اول علم سکوت است ، پس گوش دادن ، پس حفظ کردن ، پس عمل کردن ، پس رساندن به دیگران و پخش نمودن است .

و قيل فی قوله تعالى : فنبذوه وراء ظهورهم ، (۱۱۱) قال ترکوا العمل به والنشر له .

در تفسیر این آیه کریمه که می فرماید: پس انداختند آن را به پشت سر خود، فرمود: مراد این است که عمل به آن و نشر و پخش آن را ترک کردند.

قال صلی الله علیه و آله : مثل ما بعثت من الهدی و الرحمة به کمثل غیث اصاب الارض فمنها ما انبت العشب و الکلاء و کانت منها اخادید حقنت الماء فانفع به الناس فشربوا و سقوا زروعهم و ارض اخرى سبخة لم تمسک الماء و لم تثبت الزرع کذلک قلوب العالمین و قلوب العالمین التارکین .

و قال رسول الله صلی الله علیه و آله : لا یکون الرجل مسلما حتی یسلم الناس من یده و لسانه و لا یکون مؤمنا حتی یاءمن اخوه بوائقه و جاره بوادره و لا یکون عالما حتی یکون عاملا بما علم و لا یکون عابدا حتی یکون و رعا و لا یکون و رعا حتی یکون زاهدا فیما فی ایدی الناس .

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: آنچه را که من به آن مبعوث شده ام، یعنی احکام اسلام مانند بارانی است که به زمین می رسد. پس از بعضی زمینها در اثر باریدن باران بر آن گیاه و علف می روید. و بعضی دیگر از زمینها گودال است که آب باران را در خود نگاه می دارد و مردم از آن نفع می برند به اینکه از آن می آشامند و زراعت های خود را با آن آبیاری می نمایند. و بعضی دیگر زمین شوره و نمکزار است که نه آب را در خود نگاه می دارد و نه گیاه در آن می رود همچنین است قلوب مردم عالم که علم دین در آنها قرار می گیرد. بعضی عمل می کنند و آثارش در آنها ظاهر است و دیگران از وجود آنها بهره مند می گردند. و بعضی قلبها ظرف آن علوم هستند که با آن تشنگی روح خود و دیگران را بر طرف و جان خود و دیگران را سیراب می کنند. و بعضی دیگر هستند قلبهای آنها به شوره زار ماند که آن آب علم دین در آنها اثری نمی بخشد نه نور علمی در آن ایجاد می شود و نه ظرفی است که آن علوم را در خود نگاه دارد تا دیگران بیابند و از آن بهره مند شوند. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: مسلمانی هر مسلمان محقق نخواهد شد تا وقتی که مردم مسلمان از دست و زبان او سالم بمانند. و ایمان هر مؤمن به کمال نرسد تا این که برادران ایمانی او از شرش ایمن باشند و همسایگانش از شدت غضب و ناراحتیهای او امان داشته باشند. و اطلاق عالم بر او نمی شود تا وقتی که به آنچه می داند عمل کند. و او را عابد نتوان گفت تا وقتی که به مقام ورع و اجتناب از گناهان برسد. و ورع برای او حاصل نشود تا وقتی که از آنچه در دست مردم است زهد ورزد، یعنی چشم طمع از اموال مردم بردارد.

قال المصنف : یا اخی اطل الصمت و اکثر الفکر و اعمل بالموعظه و اقل الضحک و اندم علی خطیئتک تکن عند الله وجیها مقبولا.

صاحب کتاب گوید: ای برادر من سکوت و خاموشی طولانی داشته باش! و فکر زیاد و اندیشه بسیار در آثار قدرت حق تعالی و آیات الهی و فنا و زوال و تغییرات دنیا و اعمال گذشته خود بنما به مواعظ و نصایح قرآنی و کلمات پیغمبر و اهل بیت طاهرینش و سایر بزرگان دین از علماء و حکما و دانشمندان عمل کن! و خنده مخصوصا با صدا و قهقهه کم داشته باش! و ندامت و پشیمانی از گناهان و خطاهای خود را شیوه خود قرار بده! هرگاه این اوصاف با این بیان در تو یافت شد در نزد خدا آبرومند و مورد قبول خواهی بود.

و قال صلی الله علیه و آله : راءیت لیلۃ اسری بی الی السماء قوما یقرض شفاههم بالمقاریض من نارثم یرمی فقلت یا جبرئیل من هؤلاء فقال خطباء امتک یاءمرون الناس بالبر و ینسون انفسهم و هم یتلون الکتاب افلا یعقلون .

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: شبی که مرا به معراج بردند و در آسمانها سیر دادند عده ای را دیدم که لبهای آنها را با مقراض آتشین می چیدند و می ریختند، پس گفتم ای جبرئیل اینها کیانند؟ گفت : اینها خطیبانی از امت تو هستند که مردم را به کارهای نیک امر می کردند و خود را فراموش می کردند، و حال آن که آنها قرآن کریم را قرائت می کردند. آیا خداوند نعمت عقل به آنها نداده بود تا تعقل کنند و به گفته های خود عمل کنند اکنون سزای آنها این است که به این عذاب مبتلا گردند.

و قال بعضهم : العالم طيب الامة و الدنيا الداء فاذا رايت الطبيب يجرالداء الى نفسه فاثمة في علمه و اعلم انه الذي لا يوثق به فيما يقول .

بعضی از علماء فرموده اند: عالم طیب امت است و دنیا درد است . هرگاه دیدی طبیب درد را به سوی خود می کشد، یعنی طالب دنیا است پس او را در ادعا و روش و سیره اش متهم کنید، و به علم او اهمیت ندهید. و بدانید که او عالمی است که اعتماد و وثوق به گفتار او نیست و آنچه می گوید اعتباری به آن نیست، چون خود به گفته خود ایمان ندارد و الا بر خلاف آن عمل نمی کرد.

و قال رسول الله صلى الله عليه و آله : لا تطلبوا العلم لتباهوا به العلماء و لا لتماروا به السفهاء و لا لتراؤا به في المجالس و لا لتصرفوا به وجه الناس اليكم للتراؤا س فمن فعل ذلك كان في النار و كان علمه حجة عليه يوم القيمة و لكن تعلموه و علموه .

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: طلب نکنید علم را برای مباحات و فخر بر علماء و نه برای مجادله و مرأ با نادانان، و نه برای این که به مردم نشان دهید و ریا کنید و در مجالس، و نه برای این که توجه مردم را به خود جلب کنید و کسب شرافت و مقام در میان آنها بنمایید پس کسی که بخاهد به خاطر این مقاصد موهومه کثیف علم به دست بیاورد آتش جهنم را برای خود تهیه دیده است، و همان علم حجت بر اوست، یعنی دلیل محکومیت او در روز قیامت می گردد. و لیکن علم را یاد بگیرید و عمل کنید و به دیگران یاد دهید و سبب نجات خود و دیگران گردید.

باب دوم : در زهد در دنیا

قال الله تعالى : يا ايها الناس اتقوا ربكم واخشوا يوما لا يجزي والد عن ولده و لا مولود هو جاز عن والده شيئا ان وعد الله حق فلا تغرنكم الحياة الدنيا و لا يغرنكم بالله الغرور. (۱۱۲) و قال سبحانه : يا ايها الذين آمنوا اتقوا الله و لتنظر نفس ما قدمت لغد و اتقوا الله ان الله خبير بما تعملون. (۱۱۳)

ای مردم از خدای خود بترسید و بترسید از روزی که هیچ پدری به عوض پسرش مجازات نخواهد شد، و نه فرزند به جای پدر به چیزی جزا داده خواهد شد. به تحقیق وعده خدا حق است پس زندگی دنیا شما را مغرور نکند و شیطان شما را به خدا مغرور نکند. و خدای سبحان جلت عظمت فرمود. ای اهل ایمان از خدا بترسید و باید هر کس دقت نظر داشته باشد در آنچه از این دنیای فانی برای زندگانی باقی می فرستد که فردا بر آن وارد خواهد شد. و از خدا بترسید به درستی که خدا به آنچه شما عمل می کنید، آگاه است .

و قال تعالى : و فرحوا بالحیوة الدنيا و ما الحیوة الدنيا فی الآخرة الا متاع، (۱۱۴) یعنی جیفه .

و خوشنود شدند به زندگی دنیا و نیست زندگانی دنیا در قبال آخرت مگر مانند مردار متعفن بدبو.

و قال تعالى : ان الذين لا يرجون لقاءنا و رضوا بالحیوة الدنيا و اطمأنوا بها و الذين هم عن اياتنا عافلون اولئك ماويهم النار بما كانوا يكسبون. (۱۱۵)

به تحقیق کسانی که امید لقای رحمت ما را ندارند و به زندگی دنیا راضی شدند و به آن اطمینان پیدا کردند و کسانی که آنها از آیات ما که مراد آیات آفاقی و انفسی است که دلالت بر یگانگی حق تعالی دارد غافلند اینانند که منزلگاه آنها به سبب کارهایی که در این عالم انجام دادند جهنم است .

و قال تعالى : انما مثل الحیوة الدنيا کماء انزلناه من السماء فاختلط به نبات الارض مما یاکل الناس و الانعام حتی اذا اخذت الارض زخرفها و ازینت و ظن اهلها انهم قادرون علیها اتاها امرنا لیلا او نهارا فجعلناها حصيدا کان لم تغن بالامس کذلک نفصل الايات لقوم یتفکرون (۱۱۶)

جز این نیست که مثل زندگانی دنیا مانند آبی است که فرو فرستادیم آن را از آسمان پس گیاهان زمین به آن مخلوط شد از آنچه که خوراک مردم است مانند دانه ها و آنچه که خوراک حیوانات است مانند علف ها تا وقتی که زمین به سبب آن زینت گرفت و به آن مزین شد و اهل زمین گمان بردند که قادر بر آنند امر ما در شب آمد یا روز پس آن را درو شده قرار دادیم که گویا قبلا چیزی روئیده نشده بود. همچنین آیات و علامات خدشناسی را بیان می کنیم برای مردمی که فکر می کنند.

و قال تعالى : من کان یرید العاجلة عجلنا له فیها ما نشاء لمن نرید ثم جعلنا له جهنم یصلیها مذموما مدحورا و من اراد الآخرة و سعی لها سعیها و هو مؤ من فاولئک کان سعیهم مشکورا. (۱۱۷)

هر کس در کارهایش تنها منظور و اراده اش دنیا باشد به او می دهیم در دنیا آنچه خواستیم برای هر کس اراده کردیم ، پس قرار دادیم برای او جهنم را در حالی که در آنجا معذب باشد و مورد مذمت و دور از رحمت حق تعالی باشد. و کسی که اراده کند آخرت را و برای آن سعی و کار کند و او مؤمن باشد پس این کسان سعی و کوشش آنها مورد قبول خدا متعال خواهد بود.

و قال تعالى : من كان يريد الحياة الدنيا وزينتها نوف اليهم اعمالهم فيها و هم فيها لا يبخسون اولئك الذين ليس لهم فى الآخرة الا النار و حبط ما صنعوا فيها و باطل ما كانوا يعملون . (۱۱۸)

کسی که اراده کند زندگی دنیا و زینت آن را اجر اعمالشان را تمام و کامل به آنها می رسانیم و از راه در دنیا کمبودی برای آنها نیست اینانند کسانی که در آخرت برای آنها غیر آتش و عذاب چیز دیگری نیست و ثوابی برای کارهای آنها در آخرت نیست و آنچه عمل کردند باطل است .

و قال سبحانه : من كان يريد حرث الآخرة نزد له فى حرثه و من كان يريد حرث الدنيا نوبه منها فما له فى الآخرة من نصيب . (۱۱۹).

آن کس که اراده کند کشت و زرع آخرت را زیاد می کنیم ما در کشت و زرع او و آن کس که اراده کند کشت و زرع دنیا را به او بعضی از آنچه که اراده کرده می دهیم و برای او در آخرت نصیب و بهره ای نیست .

و قال تعالى ذاما لقوم : كلا بل تحبون العاجلة و نذرون الآخرة . (۱۲۰)

و از جهت مذمت قومی فرمود: نه چنین است بلکه اینها دنیا را دوست دارند و آخرت را واگذاشته اند.

و قال تعالى : ان هولاء يحبون العاجلة و يذرون ورائهم يوما يقيلا . (۱۲۱)

خدای متعالی فرمود: به درستی که اینها دنیا را دوست دارند و در پشت سر خود واگذاشته اند روز سنگین و سختی را.

و قال سبحانه : و ما اوتيتهم من شىء فمتاع الحياة الدنيا و زينتها و ما عند الله خير و ابقى . (۱۲۲)

در این عالم هر چه به شما داده شده اساس و زینتهای فانی این دنیا است . و آنچه نزد حق تعالی موجود است (در عالم بقا و نعمتهای دائمی) آنها بهتر و باقی تر است .

و قال تعالى : و ما هذه الحياة الدنيا الا لهو و لعب و ان الدار الآخرة لهى الحيوان لو كانوا يعلمون . (۱۲۳)

این زندگانی دنیا که در اختیار شماست جز موهومات و اسباب بازی چیز دیگری نیست و آنچه باقی و دائم است حیات و زندگانی خانه آخرت است و ای کاش می دانستند پی به این معنی می بردند.

بیان : در تفسیر گفته شده که لو شرطیه است بنابراین ، معنی چنین می شود: اگر فرق و تفاوت بین دنیا و آخرت را می دانستند سرگرم دنیا نمی شدند تا از آخرت باز مانند.

و قال تعالی : اعلموا انما الحیوة الدنیا لعب و لهو و زینة و تفاخر بینکم و تکاثر فی الاءموال و الاولاد کمثل غیث اعجب الکفار نباته ثم یهیج فتریه مصفرا ثم یکون حطاما و فی الاخرة عذاب شدید و مغفره من الله و رضوان و ما الحیوة الدنیا الا متاع الغرور. (۱۲۴)

بدانید به درستی که زندگی دنیا بازیچه و موهوم است و در نظر شما زینت داده شده و سبب شده است که با آن به یکدیگر فخر و مباهات می کنید و می کوشید تا در کثرت مال و اولاد از یکدیگر پیشی بگیرید. و فنا و زوال آن مانند گیاهان صحرا است که در اثر باران ظاهر می گردد و چند صباحی سبز و خرم است و به اندک زمانی خشک می شود و زنگ سبز آن به زردی تبدیل می گردد، پس پراکنده و متفرق می گردد لیکن در آخرت دو موضوع متقابل می باشد یکی از عذاب سخت که در اثر علاقه مند شدن به این موهومات از اصلاح آنجا باز مانده و در نتیجه بعد از مردن چون تحصیل ایمان و اعمال صالحه نکرده و عذاب سخت مبتلاست . و در مقابل آن آمرزش و رضای حق تعالی است برای کسانی که آخرت را بر دنیا کردند. و نیست زندگی دنیا مگر چیز مردار متعفن بد بو که به ظاهر خود مردم را فریب می دهد.

و قال تعالی : لا بغرنک تقلب الذین کفروا فی البلاد متاع قليل ثم ماء و بهم جهنم و بس المهاد لکن الذین اتقوا ربهم لهم جنات تجری من تحتها الانهار خالدين فیها نزا من عند الله و ما عند الله خیر للابرار. (۱۲۵)

این که می بینی کفار در دنیا تصرفات می کنند و از این طرف به آن طرف می روند و تجارت و بهره ها می برند این سبب نشود که مؤمنین به اشتباه بیفتند و امر بر آنها مشتبه گردد و احیانا موجب فریب و گول خوردن آنها گردد و میل به دنیا کنند و تصور کنند برای اشیای دنیا حقیقی هست ، بلکه آنها در دست کفار کشفیات و مرداری است که در مدت کمی در اختیار آنها قرار گرفته و در اثر علاقه مند شدن به آن و غفلت از خدا و تحصیل رضای او به جهنم کشیده می شوند و منزلگاه آنها آنجا می شود و حال آن که بد محلی است و آسایش و راحتی در آن نیست . و در مقابل اهل تقوی و ایمان که در دنیا از خدا ترسیدند و از کفر و گناهان دوری جستند برای آنهاست باغها که در کف آن نهرها جاری است و سکونت آنها در آنجا همیشگی و مدام است و آنجا محل نزول آنها است از طرف خدا برای ضیافت و میهمانی و مهمانخانه خداست که در آن وارد شده اند و آنچه از جانب خدا باشد برای نیکوکاران بهتر است از کثافات این دنیا.

و قال سبحانه : و لا تمدن عینیک الی ما متعنا به ازواج منهم زهرة الحیوة الدنیا لفتنهم فیه و رزق ربک خیر و ابقى. (۱۲۶)

چشم خیره نکنید که با دقت و حسرت بنگرید به سوی آنچه از کشفیات دنیا به افرادی از کفار داده ایم . این زینت های بی حقیقت دنیاست که برای امتحان در اختیار آنها قرار گرفته . و روزی پروردگارت که مؤمنین به قدر کفاف از راه تحصیل حلال به دست می آورند بهتر و باقی تر است .

و قال تعالی : قل متاع الدنیا قليل و الاخرة خیر لمن اتقى و لا تظلمون فتیلا. (۱۲۷)

ای پیغمبر گرامی به مؤمنین بگو اشیای دنیا در مقابل نعمتهای آخرت کم و بی ارزش و آخرت و نعمتهای آن بهتر است برای اهل تقوا و آنجا به شما حتی اندکی ظلم نمی شود.

بیان : فتیل چیزی است که در شکاف هسته خرماسست و آن کنایه از نهایت کمی است .

و قال النبی صلی الله علیه و آله : لابی ذر کن فی الدنیا کانک غریب واعدد نفسک من الموتی فاذا اصبحت لا تحدث نفسک بالمساء و اذا امسیت لا تحدث نفسک بالصباح وخذ من صحتک لسقمک و من شبابک لهرمک و من حیوتک لوفاتک فانک لا تدری ما اسمک غدا.

رسول خدا صلی الله علیه و آله به جناب اباذر، که از صحابه خاص آن بزرگوار بود، فرمود: در دنیا مانند شخص غریب باش و خود را در شما مردگان در آور. پس هرگاه وارد صبح شدی با خود حدیث شب مگو، یعنی امید زندگی شب نداشته باش که بگویی شب چنین خواهم کرد. و هرگاه به شب رسیدی با خود حدیث صبح مکن، یعنی به زنده بودن صبح امیدوار مباش! در نتیجه در انجام وظایف عبودیت و بندگی خدا عجله کن و آن را تاخیر نینداز؛ که در تاخیر، آفات بسیار است که یکی فوت وقت و رسیدن اجل است. و در حال صحت بدن بهره و استفاده نما پیش از مریض شدن. و از جوانی خود بهره بردار پیش از آن که پیر شوی، و از زندگی خود بهره مند شو؛ برای بعد از مرگ خود؛ برای این که تو نمی دانی فردا در شما زندگان هستی یا مردگان.

و قال صلی الله علیه و آله : اکثرُوا من ذکر هادم اللذات فانکم ان کنتم فی ضیق و سعه غلیکم فرضیتم به فاثبتتم و ان کنتم فی غنی بغضه الیکم فجذتم به فاجرتم فان احدکم اذا مات فقد قامت قیامته یری ماله من خیر او شر ان اللیالی قاطعات الاجال و الايام مدنیة الاجال و ان المر عند خروج نفسہ و حلول رمسه یری جزاء ما اسلف و قلة غناء ما خلف و لعله من باطل جمعه او من حق منعه .

بسیار یاد کنید آن چیزی را که همه لذات دنیا را خراب و ویران می کند، یعنی مرگ را. پس هرگاه در مضیقه و تنگی معیشت باشید این یادآوری سبب می شود که شما در وسعت قرار گیرید و همان مضیقه برای شما وسیع شود؛ چون توجه به کوتاهی عمر و به هم خوردن زندگی پیدا می کنید و همان چیز کم در نظر شما زیاد می آید زیرا می دانید به زودی آن را خواهید گذاشت و رفت. پس به همان چیز کم راضی می شوید و به شما ثواب داده می شود. و اگر در غنی و بی نیازی بوده باشید یاد مرگ آن را در نظر شما بی اعتبار قرار می دهد و با نظر علاقه مندی به آن نگاه نخواهید کرد، پس در نتیجه آن را بذل و بخشش می کنید و سبب اجر شما در آخرت می شود. پس به درستی که یکی از شما وقتی بمیرد و از این عالم برود قیامت او بر پا می شود. بنابراین، بین ما و قیامت مرگ فاصله است. می بیند آنچه برای او هست از خیر یا شر، یعنی بعد از مردن انسان می داند که اهل عذاب است یا رحمت. به درستی که گذشتن شب و روز مدت زندگی را تمام می کند و رسیدن به مرگ و وارد شدن آن عالم را نزدیک می کند. و هر کس بعد از خارج شدن جان از بدنش و فرو رفتن در قبرش آنچه از مال خود را پیش

فرستاد نتیجه آن را خواهد دید و می فهمد که آنچه باقی گذارده برای او نفعی ندارد، و شاید آن را از راه باطل جمع کرده و یا حقوق الهی را که به آن تعلق گرفته منع کرده .

و قال سعد لسلمان رضی الله عنه فی مرضه کیف تجد نفسک فبکی فقال ما یبکیک فقال و الله ما ابکی حزنا علی الدنیا و لکن بکائی لآن رسول الله صلی الله علیه و آله قال لیکن بلاغ احدکم من الدنیا کزاد الراكب فاخاف ان اکون قد تجاوزت ذلک و لیس حوله فی بیتة غیر مطهرة و اجابة و قصعة .

سعد در هنگام مرگ جناب سلمان به او گفت ای صحابه رسول خدا در این حال خود را چگونه می یابی ؟ سلمان گریه کرد. گفت سبب گریه تو چیست ؟ فرمود به خدا گریه من برای حزن و اندوه این نیست که از دنیا می روم ، بلکه می گریم برای اینکه پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: باید حظ و بهره شما از دنیا به حدی برسد که به قدر توشه مسافری بیشتر نداشته باشید. و من می ترسم از این فرمایش پیغمبر تجاوز کرده باشم و زیاده روی نموده باشم . جناب سلمان این مطلب را در حالی می گفت که در خانه ای که منزل او بود در اطراف آن به غیر از آفتابه و قدح و کاسه چیز دیگر دیده نمی شد.

و قال ثوبان : یا رسول الله ما یکفینی من الدنیا فقال : ما سد جوعتک و واری عورتک وان کانت لک بیت فیخ یخ و انت مسؤؤل عما بعد ذلک .

شخصی به نام ثوبان خدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله عرض می کند: یا رسول الله تا چه حد از دنیا از نظر دین برای من کافی است که در تحصیل آن مجاز باشم ؟ حضرت فرمود: به قدری که غذایی برای رفع گرسنگی و لباسی برای پوشانیدن بدن و عورت خود داشته باشی . و هرگاه بعد از این دو، خانه و محل سکونت هم داشته باشی . و هرگاه بعد از این دو، خانه و محل سکونت هم داشته باشی پس چه نیکوست . و از این زیادتر هر چه داشته باشی تو در قیامت مسؤؤل آن خواهی بود.

و قال : تفرغوا من هموم الدنیا ما استطعتم فانه من کانت الدنیا همته قسی قلبه و کان فقره بین عینیه و لم یعط من الدنیا غیر نصیبه المکتوب له و من کانت الاخرة همته جمع الله امره و جعل غناء فی قلبه و اتته الدنیا راغمة .

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: تا می توانید خود را از کارها و مهمات دنیایی فارغ کنید؛ برای این که هر کس کوشش خود را برای دنیا قرار دهد به چند عقوبت گرفتار می شود: یکی اینکه : قلب او قساوت پیدا می کند و سخت می شود. دوم این که ، فقر او مقابل چشمش قرار داده می شود، یعنی همیشه خود را فقیر می داند و به نظر احتیاج و تنگ دستی در خود می نگرد. سوم این که : هر چه سعی کند بیشتر از آنچه برایش مقرر شده نصیب او نخواهد شد، اما کسی که همت و کوشش او برای اصلاح امر آخرتش باشد خداوند متعال پراکندگی های امور او را جمع خواهد فرمود و غنا و بی نیازی او را در قلبش قرار می دهد، که همیشه و در هر حال خود را غنی می پندارد و محتاج خلق نمی بیند. تنها خود را محتاج خدای عظیم غنی بالذات می داند. و دیگر این که دنیا به سوی او می آید در حالی که او به نظر حقارت و پستی به دنیا می نگرد و در نزد او قدر و قیمتی ندارد.

و قال موسى بن جعفر عليهما السلام : اهينوا الدنيا فانه اهني ما يكون لكم اهون ما يكون عليكم فانه ما اهان قوم الدنيا الا هناههم الله العيش و ما اعزها قوم الا ذلوا و تعبوا و كانت عاقبتهم الندامة .

حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام فرمود: دنیا را در نظر خود خوار و پست و بی مقدار قرار دهید زیرا از دنیا برای شما از همه چیز گواراتر همان پست ترین چیزهاست برای شما. پس به درستی که شائن چنین است هیچ قومی به نظر حقارت و پستی در دنیا نظر نکردند مگر این که خدای متعالی عیش گوارا به آنها مرحمت فرمود، و هیچ مردمی به نظر عزت در دنیا نظر نکردند مگر این که ذلیل شدند و به زحمت افتادند و عاقبت کار آنها ندامت و پشیمانی گردید.

و قال صلى الله عليه و آله لآبى ذر: يا اباذر ان الدنيا سجن المؤمن و القبر امه و الجنة ماء واه الدنيا جنة الكافر و القبر عذابه و النار مثواه .

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله جناب ابی ذر غفاری فرمود: ای اباذر دنیا زندان مؤمن است ، و قبر محل امن و امان اوست ، و بهشت منزلگاه او می باشد. و دنیا برای کفار بهشت است . و قبر محل عذاب او و آتش جایگاه او می باشد.

و قال : الزاهد فى الدنيا يريح قلبه و بدنه

و فرمود: کسی که در دنیا زاهد باشد و به نظر بی ارزشی و بی اعتباری در دنیا بنگرد چنین کسی قلب و بدن او در آسایش است .

و قال : المؤمن من يتزودو الكافر يتمتع يا بن آدم عف عن محارم الله تكن عابدا و ارض بما قسم الله لك تكن غنيا و احسن لمن جاورك تكن مسلما و صاحب الناس بما تحب ان يصحبوك تكن منصفا انه كان قبلكم قوم جمعوا كثيرا و بنوا مشيدا و املوا بعيدا فاصبح جمعهم بورا و مساكنهم قبورا يا بن آدم انك مرتهن بعملك متعرض على ربك فجذ فى يدك وطاء الارض بما فى قدمك فانها عن قليل مسكنك لم تنزل فى هدم عمرک منذ سقطت على الارض من بطن امك .

فرمود: مؤمن در دنیا به فرک آخرت است و پیوسته توشه آنجا را تهیه می کند، و کافر همیشه به فکر بهره بردن از لذت این دنیاست و به یاد آخرت نمی باشد، ای فرزند آدم از آنچه خدا حرام کرده اجتناب کن و عفت داشته باش تا از اهل عبادت خدا محسوب گردی ، و به آنچه خدا روزی و قسمت تو فرموده است راضی باش تا غنی و بی نیاز باشی . و با همسایگان نیکی کن تا مسلمان باشی . و با مردم چنان رفتار کن که انتظار داری با تو رفتار کنند. هرگاه چنین کنی تو از اهل انصاف محسوب گردی به تحقیق که پیش از شما گروهی بودند که از اموال دنیا بسیار جمع کردند، و عمارات و بناهای محکم ساختند و آرزوهای دور و دراز داشتند، پس با چنین حال به یک مرتبه جمعیت آنها متفرق و پراکنده شده و در گورستان ساکن شدند و در قبرها منزل نمودند.

ای فرزند آدم به درستی که تو در گرو اعمال خود می باشی و در پیشگاه خدا در قیامت برای رسیدگی به اعمال حضور پیدا خواهی کرد. پس آن چه در دست داری و در اختیار تو است انفاق کن و در راه خدا بذل و بخشش نما. و در وقتی که گام بر زمین می گذاری خود را مهیا کن برای روزی که در دل آن جا خواهی گرفت : برای این که به

همین زودی محل سکونت تو آنجا خواهد بود. و بدان که تو از روزی که متولد شده ای پیوسته در راه تمام کردن عمر خویش می باشی .

و قال : من استغنی بالله احوج الله الناس اليه .

آن کس که خود را محتاج خدا دانست و بی نیازی و رفع حاجت خود را از خدا خواست خدای متعال دیگران را به او محتاج می گرداند.

و قال اميرالمؤمنين عليه السلام : الدنيا منتهى بصر الاعمى لا يبصر بما ورائها بشىء و البصير ينفذها بصره و يعلم ان الدار و رائها فالبصير منها شاخص و الاعمى اليها شاخص و البصير منها يتزود و الا عمى لها يتزود.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: نابینایان جز دنیا نمی بینند و نهایت بینایی آنها دنیاست و بیناها با چشم خود دنیا را سوراخ کرده و بیرون آن را نگاه می کنند و فنا و زوال و عدم بقای آن برای آنها محرز است و می دانند که دنیا دردی را دوا نمی کند. پس بینا از دنیا عبور می کند و نابینا به سوی دنیا حرکت می کند. بینا از آن بهره برداری می کند و آن را وسیله اصلاح آخرت می داند و نابینا هر کاری می کند برای دنیا می کند و دنیا را برای دنیا می خواهد.

و قال عليه السلام : الزهد قصر الامل و الشكر على النعم و الورع عن المحارم فان عرف ذلك عنكم فلا يغلب الحرام صبركم و لا تنسوا عند النعم شكركم ، فان الله تعالى قد اعذر عليكم بحجج ظاهرة مستقره و كتب بارزة ظاهرة .

فرمود: زهد کوتاه کردن آرزو است و شکر بر نعمتها و دوری و اجتناب از گناهان و محرمات می باشد. و اگر دارای زهد می باشید پس باید در مقابل کارهای حرام صبر خود را از دست ندهید و در هنگام نعمتها شکر را فراموش نکنید. به درستی که خداوند متعال عذری برای شما نگذاشته و فرستاده است به سوی شما حجت های ظاهر و برقرار، مانند، قرآن کریم و کتابهای بارز و ظاهر و انبیاء و اوصیاء و علماء.

و قال عليه السلام : ايها الناس انما الدنيا دار ممرکم و الاخرة دارالمستقر فخذوا من ممرکم لمستقرکم و اخرجوا من الدنيا قلوبکم قبل ان يخرج منها ابدانکم فلاخرة خلقتم و فی الدنيا حبستم و ان المر اذا مات قالت الملائكة ما قدم و قالت الناس ما خلف فله اياکم قدما کیلا یكون لکم و لا تقدموا کیلا یكون علیکم فانما مثل الدنيا کمثل السم یا کله من لا یعرفه .

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ای مردم دنیا خانه ای است که باید از آن عبور کنید و آخرت خانه ای است که در آن برقرار خواهید شد. پس از جای عبورتان برای جای قرارتان بهره بردارید. و خارج کنید از دنیا قلبهای خود را پیش از آن که خودتان از آن خارج شوید؛ پس برای آخرت خلق شده اید و در دنیا حبس شده اید. و کسی که از دنیا برود ملائکه می گویند این بنده چه چیز از پیش فرستاده و مردم می گویند چه از او باقیمانده . پس به سوی خداست وارد شدن شما. پیش فرستید تا آنجا برای شما نفع داشته باشد نه اینکه جلوتر روید تا برای شما ضرر داشته باشد. و بدانید که مثل دنیا مثل سم و زهر کشنده است آن را کسی می خورد که ندانم سم است و الا عاقل به دست خود خود را به هلاکت نمی رساند.

و قال عليه السلام : ان السعداء في الدنيا لها ربون منها اليوم .

اهل سعادت در دنیا کسانی هستند که از دنیا فرار می کنند.

و قال : ما يصنع بالمال و الولد من يخرج منها و يحاسب عليها عراة دخلتم الدنيا و عراة تخرجون منها و انما هي قنطرة فاعبروا عليها و لا تنظروها.

فرمود: چه می کند با مال و اولاد آن کس که از میان آنها خارج می شود و حساب می شود بر آن ، یعنی مال و اولادی که انسان از میان آنها می رود و آنها هیچ کمکی به او نمی توانند بکنند و در عالم آخرت از او سؤال می شود که این مال را از کجا آوردی و کجا مصرف نمودی ، و در تربیت اولاد خود و آشنا ساختن آنها به احکام دین تا چه اقدام کردی . با این حال مال و اولاد چه نفعی به حال انسان دارد؟ برهنه به دنیا آمده اید و برهنه بیرون خواهید رفت . و این است و جز این نیست که دنیا به منزله پلی است که از آن عبور می کنید، پس از آن بگذرید و انتظار بازگشت آن را نداشته باشید.

و قال عليه السلام في دعائه : اللهم توفني فقيرا و لا تتوفني غنيا و احشرنی في زمرة المساكين .

آن حضرت در دعای خود از خدای خود چنین تقاضا نمود که : خدایا مرا در حال فقر بمیران و مرا در حال غنا و داشتن ثروت و مال نمیران ، و در قیامت مرا در جمعیت فقرا و مساکین محشور فرما؟.

و قال : اشقى الاشقياء من اجتمع عليه فقر الدنيا و عذاب الاخرة .

آن بزرگوار فرمود: بد عاقبت تر از همه بد عاقبتان آن کس است که برای او جمع شود فقر دنیا و عذاب آخرت ، یعنی در دنیا به فقر و فلاکت و بدبختی به سر برد و در اثر نداشتن ایمان و اعمال نیک در آخرت هم معذب به عذاب شود.

و قال اميرالمؤمنين عليه السلام : الرغبة فيما عند الله تورث الروح و الراحة و الرغبة في الدنيا تورث الهم و الحزن .

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: رغبت و میل کردن به سوی آنچه در نزد حق تعالی است ، یعنی نعمتهای آخرتی سبب رسیدن به رحمت خدا و راحتی بدن است ، و میل کردن به دنیا سبب حزن و اندوه است ؛ چون اشیای دنیا بجا ندارد. هرگاه کسی دل بستگی به آن پیدا کند هنگام جدا شدن و از دست رفتن آن مبتلا به حزن و اندوه می شود و آن کس که دل به دنیا نبسته است در مقابل حوادث روزگار آرام و مطمئن است و غم و اندوهی ندارد.

و قال : ان من صفات اولياء الله الثقة به في كل شيء و الغنى به عن كل شيء و الافتقار به في كل شيء .

فرمود: سه علامت و نشانه از جمله صفات دوستان خداست :

اول این که : اعتماد و اطمینانش در همه امور به خداست دوم این که : عنا و بی نیازی خود را از طرف خدا می داند و بس و انتظار نفع و فایده از غیر خدا ندارد. سوم این که : خود را به خدا محتاج می داند و بس و می داند که تنها خدا قدرت دارد احتیاجات او را برآورد.

و قال : ادفع الدنيا بما يحضرک من الزاد و تبلغ به .

فرمود: به آنچه از زاد و توشه و امر معیشت که به آن رسیده ای و برای تو موجود است اکتفا کن و با همان دنیا را رد کن و خود را مقید به قیود بسیار مکن ، که سبب شود به تکلف و زحمت دچار گردی .

و کان علیه السلام ینشد و یقول :

ادفع الدنيا بما اندفعت

و اقطع الدنيا بما انقطعت

یطلب المرء الغنی عبثا

والغنی فی النفس لو قنعت

آن بزرگوار ایندو شعر را در اینمورد می خواند که معنی آن چنین است : دنیا را به هر چه ممکن است از خود دفع کن و از آن گذر کن . و این مسافتی که بعد از طی شدن آن به آخرت می رسی ، به هر نوع که می شود طی کن و قطع طریق بنما . شخص بیهوده از این طرف و آن طرف طلب بی نیازی می کند و حال آن که بی نیازی و غنای او در نفس اوست هرگاه قناعت کند.

و قال علیه السلام و الله لقد رقت مدرعتی هذه حتی استحيیت من راقعها و قال لی قائل الا تنبذها فقلت اعزب عنی عند الصباح یحمد القوم السری .

آن بزرگوار فرمود: به خدا قسم این پیراهن خود را این قدر وصله زدم تا این که از وصال خجالت کشیدم و شرم نمودم . و گوینده ای به من گفت چرا این را به دور نمی اندازی ؟ به او گفتم از من دور شو و این جمله اخیر را که ضرب المثلی است فرمود: هنگام صبح مردمی که در شب سیر کرده اند و راه و مسافت را پیموده اند مورد ستایش قرار می گیرند. کنایه از این که دنیا مانند شب است و هنگام مردن مانند صبح است پس هر کس این شب ظلمانی را بدون تکلف و زحمت طی کند و در هنگام مرگ که صبح او طالع می شود مورد مدح و ستایش قرار می گیرد، چون خود را برای زرق و برق دنیا معطل نکرده است که از قافله دین عقب افتاده باشد.

و قال : الزاهدون فی الدنيا ملوک الدنيا و الاخرة و من لم یزهد فی الدنيا و رغب فیها فهو فقیر الدنيا و الاخرة و من زهد ملکها و من رغب فیها ملکته .

و فرمود: کسانی که در دنیا زاهد باشند سلاطین دنیا و آخرت خواهند بود. و هر کس زهد نداشته باشد و رغبت و میل به جانب دنیا نماید پس او فقیر دنیا و آخرت است چون آنچه را در دنیا خواسته به دست او نیامده و آخرت خود را نیز

از دست داده ، چون توجه به غیر خدا داشته است . و کسی که زاهد باشد دنیا را مالک شده است . و کسی که میل و رغبت به دنیا نموده دنیا او را در اختیار خود آورد و مالک او گردد.

و قال نوف البکالی : کنت عند امیرالمؤمنین ذات لیلة فقام من فراشه و نظر الى النجوة ثم قراء آیات آل عمران : ان فی خلق السموات و الارض الخ . ثم قال یانوف اراقدا انت ام راقم فقلت بل راقم یا امیرالمؤمنین فقال یانوف طوبی للزاهدين فی الدنيا الراغبین فی لخرة اولئك قوم اتخذوا الارض بساطا و ترابها فراشا و مائها طیبیا و القرآن شعارا و الدعاء دثارا ثم قرضوا الدنيا قرضا الى منهاج المسيح .

نوف بکالی می گوید: شبی در خدمت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بودم . پس آن بزرگوار از بستر خواب خود برخاستند و نگاهی به ستارگان آسمان نمودند و آیاتی که در سوره مبارکه آل عمران است قرائت کردند. پس فرمود: ای نوف آیا در خوابی یا بیداری ؟ عرض کردم بلکه بیدارم یا امیرالمؤمنین . فرمود: ای نوف خوشا به حال کسانی که در دنیا زاهدند و رغبت و میل آنها به آخرت است . آنها مردمی هستند که به روی زمین و خاک آن می نشینند و از آب به جای بوی خوش استفاده می کنند، یعنی با آب خود را نظیف می کنند و همیشه ملازم قرآنند. و دعا را دثار برای خود قرار می دهند. و خود را از دنیا جدا می کنند و آن را از خود دور می کنند، همانند حضرت مسیح و در راه آن حضرت می روند.

یانوف ان الله تعالى اوحى الى المسيح ان قل لبني اسرائيل لا تدخلوا بيوتا من بيوتى الا بقلوب طاهرة و ثياب نقيه و السنة ناطقه صادقه و اعمالهم انى لا استجيب لا حد منهم دعاء و لا حد من خلقى قبله مظلمة .

ای نوف به درستی که خدای متعال جلّت عظمته به حضرت مسیح عیسی بن مریم علیه السلام وحی فرمود که : به بنی اسرائیل بگو در مساجد و خانه های من داخل نشوید مگر با قلب های پاک از شرک و ریا و با لباسهای نظیف و غیرآلوده و زبانهای گوینده که از روی راستی و صداقت به ذکر من مشغول باشند. و آگاه کن آنها را که من مستجاب نمی کنم دعای هیچ یک از آنها را در حالی که حتی از یکی از خلق من به عهده آنها باشد.

یا نوف ان رسول الله صلى الله عليه و آله قام فی مثل هذه الساعة فقال ان هذه الساعة لا ترد لا حد فيها دعوة الا ان يكون عريفا او عشارا او شرطيا او شاعرا او صاحب عرطبة و كوبة العرطبة الطبل الكبير و الكوب الصغير و روى بالعكس .

ای نوف به درستی که پیغمبر صلی الله علیه و آله در مثل چنین ساعتی از خواب برخاست پس فرمود: این ساعتی است که دعا در آن مستجاب است و رد نمی شود مگر این که دعا کننده یکی از این شش نفر باشد: ۱- عریف ، یعنی آن کسی که مردم را به ستمکاران بشناساند و اسرارشان را نزد آنها فاش کند. ۲- عشار، یعنی ده یک گیر (باجگیر و گمرکچی و راه دار) ۳- شرطی ، یعنی گزمه و همکار داروغه . ۴- شاعر و مراد شعر غیر حکمت و نصیحت است . ۵- صاحب عربطه ، یعنی نوازنده ساز یا نقاره چی و دهل زن . ۶- صاحب کوبه و آن نیز نوازنده یکی از آلات مذکور است . این شش طایفه گناهشان مانع است از این که درخواستشان روا گردد.

و قال : ما عاقبت احدا عصى الله فيك بمثل ان تطيع الله فيه وضع امر اخيك الى احسنه و لا تظنن بكلمة خرجت منه شرا و انت تجد لها في الخير محملا و من كتم سره ملك امره و كانت الخيرة بيده و من عرض نفسه للتهمة فلاحد يلو من الا نفسه و لا يلو من من اساء به الظن و عليكم باخوان الصدق تعيشوا في اكنافهم و لا تهأ و نوا بالحلف فيهنكم الله و لا تتعرضوا لما لا يعينكم و عليكم بالصدق فهو النجاة و النجاة و احذروا عدوكم من الجن والانس و لا تصحبوا الفجار و استشيروا ذى الدين و النصيحة ترشدوا و واخلو لاخوان في الله و لا تعيبون شيئا تاءتون بمثله .

در مقام عقاب و انتقال از متجاوز بهترین راه این است که خدا را درباره او اطاعت کنی .

(شاید مراد این باشد که از حدود الهی در انتقام از او تجاوز نکن و اکتفا کن به آنچه خدای متعال درباره او حکم تعیین فرموده) و قرار ده امر برادر دینی خود را در بهترین مورد آن . و هر گاه کلمه ای از دهان او خارج گردید گمان بد و شر درباره او مبر و تا جایی که ممکن است آن را حمل به خیر کن ، و کسی که راز خود را پنهان دارد اختیار کار خود را دارد و مالک امر خود می باشد، و هر کس خود را در معرض تهمت در آورد پس ملامت نکند مگر خود را و ملامت و سرزنش نکند کسی را که به او گمان بد برد. و بر شما باد که اختیار کنید برادران ایمانی که اهل صداقت و حقیقت هستند تا در کنار آنها و حمایت آنها بتوانید زندگی کنید.

و در قسم یاد کردن بی باک نباشید که آن را بی اهمیت بدانید که این سبب می شود که در نزد خدای متعال خوار و بی اعتبار گردید، و در آن دخالتی ننمایید و عمر عزیز خود را صرف کار بی فایده نکنید. و بر شما باد به راستی که نجات در راستی و درستی است . و از دشمن انس و جن که برای شما هست بترسید و متوجه باشید که شما را غافل گیر نکنند. و با بدکاران رفاقت و دوستی نکنید، و هرگاه خواستید مشورت کنید با کسی مشورت کنید که پای بند به احکام دین باشد و برای ادای حق برادری شما را نصیحت کند تا در اثر این مشورت راه رشد و صلاح برای شما ظاهر گردد. و برادری کنید با برادران دینی در راه خدا. و از افراد عیب جویی نکنید در اموری که خودتان مثل او آن را مرتکب می شوید.

و قال : سويد ابن غفلة دخلت على اميرالمؤمنين عليه السلام داره فلم ارفى البيت شيئا فقلت فاین الاثاث يا اميرالمؤمنين فقال يا بن غفلة نحن اهل بيت لا تتأثث في الدنيا نقلنا اجل متاعنا الى الاخرة ان مثلنا في الدنيا كراكب ظل تحت شجرة ثم راح و تركها.

شخصی به نام سويد بن غفله که از راویان حدیث است و با علی علیه السلام در جنگ صفین همراه بود- چنین نقل می کند که به خانه امیرالمؤمنین علیه السلام داخل شدم پس آنجا چیزی از اثاث و لوازم خانه ندیدم . پس عرض کردم یا امیرالمؤمنین اثاث خانه کجا است ؟ فرمود: ای پسر غفله ما خانواده ای هستیم که در دنیا برای خانه خود اثاث تهیه نمی کنیم ، بلکه چیزهای نفیس و پر قیمت خود را به خانه آخرت انتقال می دهیم . به درستی که مثل ما در دنیا مانند شخص سواری است که در زیر درختی بخوابد و استراحت کند پس از آن بیدار شود و آن درخت را واگذارد و برود.

و قال رسول الله صلى الله عليه و آله : ان اشد ما اتخوف عليكم منه اتباع الهوى و طول الامل فان اتباع الهوى يصد عن الحق و طول الامل ينسى الآخرة و ان الله يعطى الدنيا لمن يحب و يبغض و لا يعطى الآخرة الا لمن يحب و ان للدنيا ابناء و للآخرة ابناء فكونوا من ابناء الآخرة و لا تكونوا من ابناء الدنيا فان كل ولد يتبع بامه و ان الدنيا قد ترحلت مدبرة و الآخرة قد تجملت مقبلة و انكم فى يوم عمل ليس فيه حساب و يوشك ان تكونوا فى يوم حساب ليس فيه عمل .

پیغمبر اسلام صلى الله عليه و آله فرمود: به درستی که سخت ترین چیزها و خطرناک ترین آنها که از آن بر شما ترس و بیم دارم دو چیز است : یکی پیروی و متابعت از چیزهای دلخواه خود و دیگری آرزوی بی پایان و طولانی ، و ترس این دو به خاطر این است که هر کدام از این دو تالی فاسدی و لازمه خطرناکی در پی دارد.

اما پیروی از چیزهای دلخواه و تمایلات نفسانی سبب می شود که از رفتن به راه حق بازمانید. و اما امید زیاد زنده بودن در این دنیا و آرزوی رسیدن به هواهای نفسانی سبب می شود که انسان آخرت را فراموش کند و در نتیجه از تهیه توشه برای آن سرا غافل ماند. و به درستی که حق تعالی جل شانه دنیا را به دوست و غیر دوست می دهد به قول شاعر:

ادیم زمین سفره عام اوست

بر این خوان یغما چه دشمن چه دوست

لیکن آخرت را و نعمتهای باقیه بهشت را تنها به دوستان می دهد و عطا نمی فرماید آن را مگر به دوستان خود. و به درستی که برای هر کدام از دنیا و آخرت فرزندان است ، پس شما اختیار کنید فرزندی آخرت را.

(شاید مراد از تعبیر به فرزند پیرو بودن باشد، چنانچه فرزند به هر طرف که ما در می رود دنباله رو اوست . می فرماید: هر طریقی که به سوی آخرت می رود شما آن طریق را بروید) پس به تحقیق که هر فرزند پیرو مادرش می باشد، و به درستی که دنیا کوچ کرده و می رود و آخرت زینت کرده به سوی شما می آید. و اکنون در این دنیا شما در روز عمل می باشید و حسابی در کار نیست و به همین زودی ها در روز حساب واقع می شوند که در او جای عمل نیست .

و قال صلى الله عليه و آله : ايها الناس لا تغروا فان الله لو اهمل سيئا لاهمل الذرة و الخردلة و البعوضة .

پیغمبر اکرم صلى الله عليه و آله فرمود: ای مردم مغرور نشوید، پس به درستی که حق تعالی شانه اگر در اعمال بندگان مسامحه و اهمال می فرمود هر آینه ذره و خردل و بعوضه را صرف نظر و اهمال می فرمود.

این سه کلمه اشاره به سه آیه از قرآن کریم است : اول آیه -

فمن يعمل مثقال ذرة خيرا يره و من يعمل مثقال ذرة شرا يره (۱۲۸)

پس آن کس که به قدر سنگینی ذره خیر و خوبی کند آن را خواهد دید و کسی که به اندازه سنگینی ذره شر و بدی نماید آن را خواهد دید.

دوم آیه و نضع الموازين القسط ليوم القيمة فلا تظلم نفس شيئا و ان كان مثقال حبة من خردل اتينا بها و كفى بنا حاسبين (۱۲۹)

در قیامت میزانهای عدل به پا می کنیم و به هیچ کس ظلمی نمی شود و اعمال او کم یا زیاد خوب یا بد سنجیده می شود. و گرچه در کمی و کوچکی به مقدار سنگینی دانه خشخاش بوده باشد آن را به معرض حساب می آوریم و ما کافی هستیم برای رسیدگی به حساب بندگان .

سوم - آیه ان الله لا يستحيي ان يضرب مثلا ما بعوضة فما فوقها (۱۳۰)

خدای متعال حیا نمی فرماید که برای توضیح حق ، به اشیاء و چیزی های کوچک مانند پشه مثل بزند.

و قال ابن مسعود: انما اقسم في الدنيا اجال منقوصة و اعمال محفوظة و الموت ياءتي بغتة فمن يزرع خيرا يحصد زرعه رغبة و من يزرع شرا يحصد زرعه رهبة و من اعطى خيرا فالله اعطاه و من وقى شرا فالله وقاه المتقون سادة و الفقهاء قادة و مجالستهم زيادة و لو لم يكن فينا الا حبنا لما ابغض الله و هي الدنيا لكفى به ذنبا.

ابن مسعود گوید: این است و جز این نیست که خدای متعال جلت عظمت تقسیم فرمود در دنیا مدت های کوتاه و کارهای محفوظ و ضبط شده و مرگ ناگهان می رسد. پس کسی در دنیا کشت خوب کرده آنچه را کشته از روی میل و رغبت و خوشنودی درو می کند. و آن کسی که در دنیا کشت او شر و فتنه و گناه و فساد باشد از روی ترس و بیم درو می کند و نمی داند چه سرنوشت شومی برای او هست ، و به هر کس خیری داده شد بداند که از طرف خداست و او عطا فرموده . و هر کس از هر گونه شر و فتنه نگاه داشته شد خداست که او را نگاه داشته است . اهل تقوی بزرگان و بزرگوارانند. و فقهاء کسانی هستند که بندگان را به سوی رحمت خدا رهبری می کنند و هر کس با آنها نشست از آنها استفاده می کند و بر زیادتی علم و حکمت سرفراز می شود، و اگر در ما نبود مگر یک گناه هر آینه برای گناهکاری ما کافی بود و آن دوست داشتن ما است چیزی را که خدا دشمن می دارد، یعنی دنیا را.

و قد قال النبي صلى الله عليه و آله : حب الدنيا راءس كل خطيئة و مفتاح كل سيئة و سبب احباط كل حسنة و العجب ان الله تعالى يقول : انما اموالكم و اولادكم فتنة (۱۳۱)، و الناس يجمعونها مع علمهم انهم مفارقوها و محاسون عليها. و لقد احسن من قال فيها شعرا:

هي الدنيا تقول لمن عليها

حذار حذار من بطشي و فتكى

فلا یغمرکم حسن ابتسامی

فقولی مضحک و الفعل مبکی

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر گناه و خطایی از فرزند آدم سرزند چون دقت شود اصل آن دوستی و محبت دنیا است . و آن دوستی دنیا است که کلید هر گناه است و سبب آنچه موجب تعجب است این که خدای متعال جلت عظمته در قرآن کریم خبر می دهد که : مال و اولاد شما برای آزمایش و سبب امتحان شماست ، و با این حال مردم آن را جمع می کنند. و با این که می دانند از آن جدا می شوند و آن را می گذارند و می روند و در آخرت هم در مقابل آن باید محاسبه شوند مع الوصف آن را دوست می دارند. و شاعر چه نیکو گفته است در وصف دنیا که شعر او ذکر شد و مضمونش این است : اوست دنیا می گوید برای کسانی که در آن ساکن و به آن علاقه مندند از هیبت و خونریزی من بترسید و مغرور نکند شما را تبسم نیکو و خوش منظری که از من مشاهده می کنید، این ظاهر و گفتار من است که شما را می خنداند و خوشحال می کند لیکن کاری که من نسبت به شما انجام می دهم سبب گریه است .

باب سوم : در مذمت دنیا

قال :

عجبا عجبا لغفله الانسان

قطع الحيوه بذله و هوان

فكرت فى الدنيا فكانت منزلا

عندى كبعض منازل الركبان

مجرى جميع الخلق فيها واحد

فكثيرها و قليلها سيان

ابغى الكثير الى الكثير مضاعفا

و لو اقتصرت على القليل كفانى

لله درالوارثين كائنى

باخصهم متبرم بمكانى

قلقا تجهزنى الى دارالبلا

متحسرا لكرامتى بهوان

متبريا حتى اذا نشر الثرى

فوقى طوى كشحا على هجرانى

شاعر چنین می گوید: عجب است از غفلت انسان تا چه اندازه در غفلت است که زندگی را با ذلت و پستی طی می کند. من وقتی درباره دنیا فکر کردم آن را مانند بعضی از منزلهای سواران رهگذر یافتم. راه عبور تمام خلق در آن یکی بیش نیست، یعنی تولد و مردن. پس بسیار و کم آن یکسان است، یعنی چه بسیار لوازم دنیا را داشته باشد و چه مختصر همه از یک راه می روند و امتیازی در کار نیست. من در این دنیا طلب زیادتى می کنم و هر چه به دست می آورم باز دو برابر آن را می خواهم. و هرگاه به جزئی از ما یحتاج اکتفاء می کردم هر آینه مرا کفایت می کرد. گوارا باد وارثین را که گویا من مخصوص آنها جمع آوری می کنم. اضطرابی در

من یافت شده که در این دار بلا مرا وادار به جمع آوری کرده در حالی که خود را از کرامت و بزرگواری به پستی انداخته ام .
و در روز قیامت کسانی که برای آنها جمع آوری کرده ام از من بیزاری می جویند و دوری می کنند.

و قال :

نل ما بذلک ان تنال

فانما تعطی و تسلب لله

و اعلم بانک غافل

فی الغافلین و انت تطلب

و المشكلات کثیره

و الوقف عندالشک اصوب لله

یبغی المذهب فی الامور

جميعها و من المذهب لله

آنچه می خواهی در دنیا به دست آور که آنچه به تو داده اند پس خواهند گرفت . و بدان به درستی که تو یکی از افراد غافل هستی که در میان غافلین گرفتار شده ای و مرگ در طلب تو است و مشکلات زمانه بسیار است . و در موردی که یقین در صلاح آن نداری توقف و صبر نیکوتر است ؛ چون شخص می کوشد که نیکو را پیدا کند در میان همه و کیست که نیکو باشد.

و روی انه وجد علی باب مدینه یابن آدم غاقص الفرصه عند امكانها و کل الامور الی مدبرها و لا تحمل علی نفسک هم یوم لم یأتک فانه ان یکن من اجلک یاءتی الله فیه برزقک و لا تکن عبره للناظرین و اسوه بالمغرورین فی جمع المال علی المال فکم من جامع لبعل حلیته و تقتیر المرء علی نفسه توفیر لخرانه غیره .

نقل شده که بر دروازه شهری این کلمات یافته شد: ای پسر آدم هرگاه امکان پیدا کردی به قرص نانی به آن اکتفا کن . و امور را به مدبران واگذار. و امروز غم فردا را نداشته باش . اگر فردا از عمر تو باشد خداوند متعال روزی تو را خواهد رساند. و خود را عبرت دیگران قرارمده و روش مغرورین را در پیش نگیر که اموال را بالای یکدیگر جمع آوری کنی . پس چه بسیار کسانی که جمع می کنند برای شوهر زن خود که بعد از مرگ او به شوهر رود و آن اموال در اختیار آن شوهر قرار داده شود. و هر کس بر خود در امر معیشت سخت گیری کند او خزانه مال دیگری را پر کرده است .

و قال الخلیل . انما یجمع المرء المال لاحد ثلثه کلهم اعدائه اما زوج امرءته او زوجة ابنه او زوج بنته فمال المرء لهؤ
لاء ان ترکه فالعقل الناصح لنفسه الذی یاخذہ معه زادا لآخرته و لا یؤثر هولاء علی نفسه .

شعر:

یا جاهلا لا هیا والد هر یومقه

مفکرا ای باب عنه یغلغه

جمعت ما لا فقل لی هل جمعت له

یا غافل القلب ایاما تفرقه

خلیل بن احمد که یکی از اوتاد خود بوده گفته : شخص مال را برای یکی از سه نفر جمع می کند که هر سه دشمن او هستند: یا برای شوهر زنش یا زن پسرش یا شوهر دخترش ، که اگر شخص مالی بعد از خود بگذارد برای اینها است . پس آن کس که عاقل باشد و خیر خواه نفس خود باشد مال خود را توشه آخرت خود قرار می دهد و این دشمنان را بر خود مقدم نمی دارد. ای کسی که جمع می کنی در حال غفلت و روزگار در کمین تو است که از چه راهی در به روی تو بندد. ای غافل مالهایی که جمع کرده ای بگو ببینم آیا وقت خرج کردن آن را هم جمع کرده ای یعنی آیا می دانی که این قدر عمرداری که آن را به مصرف برسانی .

و لابی العتاهیه

اصبحت و الله فی مضیق

هل من دلیل الی الطریق

اف الدنیا تلاعبت بی

تلاعب الموج بالغریق

ابی العتاهیه گفته است : به خدا من در تنگنای دنیا گرفتار شده ام آیا راهنمایی هست که مرا برای نجات از کید و مکرهای دنیا راهنمایی نماید. اف باد بر دنیا که با من بازی می کند هم چنان که موج دریا با آدم غرق شده بازی می کند.

و قال ایضا:

نظرت الی الدنیا بعین مریضه

و فکره مغرقه و تدبیر جاهل

فقلت هی الدنیا الی لیس مثلها

و نافست منها فی غرور و باطل

وضعیت احقبا اما هی طویلہ

بلذات ایام قصار قلائل

باز می گوید به دنیا نظر کردم با چشم مریض و فکر کوتاه و تدبیر جاهلانه پس گفتم این دنیایی است که مثل آن نیست و از او در حال غرور و باطل عبور کردم و مدتهای طولانی عمر خود را بالذتهای روزهای کوتاه و کم ضایع کردم .

و قال :

و ان امرء دنیا اکبر همه

لمستمسک منها بحیل غرور

می گوید: کسی که دنیا را بزرگترین هم خود قرار دهد هر آینه چنگ زده و ریسمان سست بی اعتباری را گرفته که با کوچکترین حرکتی در پرتگاه نیستی خواهد رفت .

و قال آخر:

طلبتک یا دنیا فاعذرت الطلب

و ما نلت الا الهم و الغم و النصب

و اسرعت فی ذنبی و لم اقض حسرتی

و لم ارحظا کالقنوع لا هله

و ان یجمل الانسان ما عاش فی الطلب

هربت بذنبی منک ان تقع الهرب

ای دنیا تو را طلبیدم و نهایت کوشش خود را در این راه انجام دادم لیکن بجز هم و غم و زحمت چیز دیگری به من نرسیده در گناه خود سرعت و حسرت خود را به پایان نبردم پس از گناه خود فرار کردم بسوی تو اگر فرار واقع شود و ندیدم حظ و بهره مانند قناعت بر اهلش و این که انسان تا زنده است در طلب دنیا قانع باشد و حرص نداشته باشد.

و قال رسول الله صلى الله عليه و آله : لا تخالفوا على الله في امره فقالوا و ما ذاك يا رسول الله قال تسعون في عمران دار قد قضى الله خرابها.

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: در امر خدا مخالفت نکنید و بر خلاف رفتار ننمایید! عرض کردند: یا رسول الله مراد از این فرمایش چیست فرمود: شما سعی می کنید در آباد و معمور کردن خانه ای که خدای متعال حکم به خرابی آن نموده است .

و كان على بن الحسين زين العابدين عليهما السلام يتمثل بهذه و يقول :

و من يصحب الدنيا يكن مثل قابض

على الماء جاثية فروح الاصابع

نیست او در خیری هیچ دنیا با رفاقت همچنین ماند نمی دست آب وصف این که طوری همان بردارد از مشتی بخواهد و کند باز را خود انگشتان بنشیند زانو دو به است کسی مانند باشد داشته انتظار دوستی فرمود: می شعر متمثل السلام علیه العابدین زین حضرت > و قال النبی صلی الله علیه و آله : ان الله تعالى جعل الدنيا دار بلوی و الآخرة دار عقبی فجعل بلوی الدنيا لثواب الآخرة سببا و ثواب الآخرة من بلوی الدنيا عوضا فیاخذ لیعطی و یتلی لیجزی و انها سریعة الزوال و شکبة الانتقال فاحذروا حلاوة رضاعها لمرارة فطامها و اهجروا لذیذ عاجلها لكرامة آجلها و لا تواصلوها و قد قضی الله اجتنابها و لا تسعوا فی عمرانها و قد قضی الله خرابها فتكونوا بسخطه متعرضین و لعقوبته مستحقین .

و قال الشاعر:

الدار دار نوائب و مصائب

و فجيعة باحبه و حیائب

ما ینقضی رزئی بفرقه صاحب

الا اصبت بفرقه من صاحب

فاذا مضى الالاف عنك تظنه

و المونسون فانت اول ذاهب

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: به تحقیق خدای تعالی دنیا را دار محنت و بلا قرار داده و آخرت را دار عقوبت و جزا قرار داده . پس بلاهای دنیا را سبب جزای آخرت قرار داده و ثواب آخرت را عوض بلای دنیا. پس چیزهایی که بنده در دنیا به آن دلبستگی دارد از او می گیرد تا در آخرت نعمت باقیه به او عطا فرماید. و در اینجا او را مبتلا می کند تا آنجا به او جزا دهد. و دنیا زود گذر و شبکه انتقال است ، یعنی با بلاها و ناراحتیها. اینها در دام می افتند لیکن نتیجه اش این است که به آن عالم انتقال پیدا می کند. و دنیا به منزله مادر شیردهی است که به فرزندان خود شیر می دهد. و این شیر او گرچه شیرین است ولی به تلخی باز گرفتن نمی ارزد. لذا می فرماید دوری کنید از شیرینی شیر خواری به خاطر تلخی باز گرفتن آن و دوری کنید از این لذت موجود به خاطر آن سختی ها که در انتظار شماست . و خدا حکم فرموده است که از دنیا دوری کنید و اجتناب نمایید. پس شما خود را به او نجسبایید و مانند یار عزیز او را در آغوش نگیرید و سعی در عمران و آبادانی آن نکنید و حال آن که مشیت حق تعالی قرار گرفته در عاقبت کار به خرابی آن . پس هرگاه شما در عمران او کوشش کردید خود را متعرض غضب خدا نموده اید و مستحق عقوبت او گردیده اید. و مضمون شعر شاعر این است .

این خانه خانه بلاها و مصیبتهاست و جای مبتلا شدن به فراق دوستان است . هنوز ابتلای من به فراق دوستی تمام نشده که مبتلا به فراق دوست دیگر می گردم . و اگر هزارها سال با دوستان انس داشته باشی عاقبت جدایی است و تو اول کسی هستی که از آنها جدا می شوی .

باب چهارم : در ترک دنیا

روى عن النبى صلى الله عليه و آله انه قال : الناس فى الدنيا ضيف و ما فى ايديهم عارية و ان الضيف راحل و ان العارية مردودة الا و ان الدنيا عرض حاضر ياكل منها البر و الفاجر والاخرة وعد صادق يحكم فيه ملك عادل قاهر فرجم الله من نظر لنفسه و مهد لرمسه و حبله على عاتقه ملقى قبل ان ينفذ اجله و ينقطع امله و لا ينفع الندم .

از پیغمبر صلى الله عليه و آله سلم : چنین رسیده است که فرمود: مردم در دنیا به منزله میهمانانند و آنچه از لوازم دنیا در دست آنهاست امانت است و بالآخره میهمان باید کوچ کند و امانت هم رد شود. آگاه باشید دنیا سفره ای است گسترده که خوب و بد از آن می خوردند و آخرت وعده ای است راست که حاکم در آن سلطان عادل مسلطی است . پس خدا رحمت کند آن کس را که درباره خود بیندیشد و تهیه قبر خود را در حال آزادی و اختیار ببیند پیش از آن زندگانی او تمام شود و مدت آرزوهای او به پایان رسد و در آن وقت دیگر پشیمانی به او نفعی نرساند.

فقال الحسن عليه السلام : من احب الدنيا ذهب خوف الآخرة من قلبه و من اراد حرصا على الدنيا لم يزد منها الا بعدا و ازداد هو من الله بغضا و الحريص الجاهد و الزاهد القانع كلاهما متوف اكله غير منقوص من رزقه شيئا فكلام التهافت فى النار و الخير كله فى صبر ساعة واحدة تورث راحة طويلة و سعادة كثيرة و الناس طالبان طالب يطلب الدنيا حتى اذا ادركها هلك و طالب يطلب الآخرة حتى اذا ادركها فهو ناج فائز. و اعلم ايها الرجل انه لا يضرک ما فاتک من الدنيا و اصابک من شدائدھا اذا ظفرت بالآخرة و لا ينفعک ما اصبحت من الدنيا اذا حرمت الآخرة .

از حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام رسیده که فرمود: کسی که دنیا را دوست دارد خوف آخرت از دل او می رود. و کسی که زیاد برای دنیا حرص بزند غیر از دوری از دنیا بهره نمی برد و سبب می شود که بسیار مورد بغض و عداوت خدا قرار گیرد. و آن کس که با جدیت برای دنیا حرص می ورزد و آن کس که با قناعت و زهد اوقات طی می کند هر دو رزق مقرر خود را کاملاً دریافت خواهند کرد و چیزی از رزق زاهد قانع کم نخواهد شد. و آن حریص در اثر فعالیت بسیار و گفتار شر خود را مستحق آتش خواهد کرد. و تمام خیر در این است که زندگی دنیا را به آخرت سبب راحتی طولانی تو شود آخرت و سعادت بسیار در آن عالم نصیب تو گردد. و مردم در طلب کردن دو دسته اند: یک دسته دنیا را طلب می کنند تا وقتی که به آن رسیدند سبب هلاک آنها می گردد. و یک دسته طالب آخرتند که وقتی آن را درک کردند سبب نجات و رستگاری آنها فراهم می گردد. و بدان ای مرد که اگر به آخرت دست یافتی و آن را به دست آوردی آنچه از دنیا از تو فوت شود و آنچه شدائد دنیا به تو برسد ضرری متوجه تو نشده ، و اگر از مقامات و درجات آخرت محروم شدی آنچه از منافع دنیا به تو برسد برای تو فایده نخواهد داشت .

و کتب عمر بن عبدالعزيز الى الحسن البصرى عظمى . فکتب اليه ان راءس ما يصلحک الزهد فى الدنيا و الزهد بالیقین بالفکر و الفکر هو الاعتبار فاذا فکرت فى الدنيا لم تتخذھا اهلا ان تنفع نفسک بجمیعھا فكيف ببعضھا و وجدت نفسک اهلا ان تکرملھا بهوان الدنيا و اذکر قول الله عزوجل : و کل انسان الزمناه طائفة فى عنقه و نخرج له يوم القيامة کتابا یلقیه منشورا.(۱۳۲) فلقد عدل علیک من جعلک حسیبا علی نفسک لقوله تعالى : اقرا کتابک کفی بنفسک اليوم علیک حسیبا.(۱۳۳)

عمر بن عبدالعزیز به حسن بصری نوشت که مرا موعظه کن! پس برای او نوشت که: بزرگترین چیزی که تو را اصلاح می کند زهد در دنیا است. و زهد به وسیله یقین پیدا می شود و یقین به سبب فکر حاصل می گردد. و فکر عبارت است از عبرت گرفتن. پس زمانی که در امور دنیا فکر کردی آن را شایسته نمی دانی اگرچه تمام آن در اختیار تو باشد و به نفع تو باشد چه رسد به این که بعضی از آن را مالک باشی. و می دانی که گرمی داشتن نفست به این است که دنیا را خوار و بی مقدار بدانی و به یاد بیاور آیه کریمه قرآن را که خدای متعال می فرماید: و هر انسانی را نامه عملش را به گردنش آویزان خواهیم نمود و خارج می کنیم با او در قیامت کتابی که می بیند آن را گشوده. و خدای متعال با تو به عدالت رفتار فرموده که تو را محاسب برخوردت قرار داده و می فرماید: بخوان کتاب خود را و بس است که تو خود حساب خود را بنمایی.

و قال: لقد صبحت فی الدنيا اقواما كانوا و الله قرّة عینهم فی الصلوة و کلامهم شفاء الصدور و كانوا و الله فی الحلال ازهد منکم فی الحرام و كانوا علی النوافل اشدّ محافظة منکم علی الفرائض و كانوا و الله من حسناتهم و من اعمالهم الحسنه ترد علیهم اکثر وجلا من اعمالکم السيئة ان تعذبوا بها و كانوا و الله يخافون من حسناتهم ان يظهر اشدّ خوفا منکم من سیئاتکم ان شهروا و كانوا و الله يستترون حسناتهم کما تستترون انتم سیئاتکم و كانوا محسنین فهم مع ذلک یبکون و انتم تسیئون و تضحکون فانا لله و انا الیه راجعون ظهر الجفا و قلت العلماء و ترکت السنة و هجر الکتاب و شاعة البدعة و تعامل الناس بالمداينة و تقارضوا الثنا ذهب الناس و بقى حشالة من الناس و لتبکوا ان تدعوا فلا تجابوا و يظهر علیکم ایدی المشرکین فلا تغاثوا فاعدوا الجواب فانکم مسئولون و الله لو تکاشفتم ما تدافنتم فاتقوا الله و قدموا فضلکم فان من کان قبلکم كانوا یاخذون من الدنيا بلاغهم و یاءثرون بفضل ذلک اخوانهم المؤمنین و مساکینهم و ایتامه و اراملهم فانتبهوا من رقد+تکم فان الموت فضح الدنيا و لم یجعل لذی عقل فرحا.

فرمود: به تحقیق در دنیا کسانی صبح کردند که نور چشم آنها در نماز بود و کلام و گفتار آنها سبب شفای دردهای درونی و روحی بود. و آنها در حلال بیشتر احتیاط می کردند از شما در حرام و بر مستحبات بیشتر مواظبت داشتند از شما بر واجبات و قسم به خدا آنها از عباداتشان بیشتر می ترسیدند از شما بر کارهای بد و گناه. و می ترسیدند که برای تقصیر در انجام عبادات معذب بشوند و شما بر انجام گناهان چنین نمی ترسید. و آنها از ظاهر شدن کارهای خویشان بیشتر می ترسیدند از شما از ظاهر شدن کارهای بدتان که می ترسید به آنها مشهور شوید. آنها به خدا قسم کارهای خویشان را پنهان می کردند چنانچه شما کارهای بدتان را. و آنها نیکوکار بودند و با این حال گریه می کردند و شما کارهای بد می کنید و می خندید. فانا لله و انا الیه راجعون. و جفا و ستم ظاهر گردیده و علما کم شده اند. و سنت و دستورات پیغمبر و آل او ترک شده و از کتاب خدا و قرآن کریم دوری می کنند. و بدعتها و کارهای خارج از دین شایع شده. و مردم غیرت دین را از دست داده و با مداهنه و چاپلوسی با یکدیگر رفتار می کنند، یعنی این یکی در موقع لازم بدون حقیقت از آن دیگری مدح و ثنا می گوید تا در وقت دیگر او هم مدح او را گوید و اصلا مقید نیستند که آنچه می گویند حقیقت دارد یا نه. و مردمی بودن از دست رفته و تفاله ای بیش از مردم باقی نمانده. و باید به حال خود گریه کنید که دعا می کنید به اجابت نمی رسد و دشمنان و کفار و مشرکین بر شما مسلط شده اند و کسی به فریاد شما نمی رسد. بدانید اینها همه را از شما سؤال خواهند کرد پس جواب مهیا کنید. به خدا قسم اگر پرده برداشته شود و شما آن چنان که هستید ظاهر شوید برای دفن و به خاک سپردن یکدیگر اقدام نخواهید کرد. پس از خدا بترسید و زیادی مالهای خود را

پیش فرستید به تحقیق کسانی که پیش از شما بودند به قدر کفایت از دنیا اکتفا می نمودند و آنچه بیشتر داشتند به برادران دینی و فقراء غفلت بیدار شوید. به تحقیق مرگ سبب رسوا شدن اهل دنیا است و برای هیچ صاحب عقلی خوشنودی باقی نمی گذارد.

و اعلّموا انه من عرف ربه احبه فطاعه و من عرف عداوة الشيطان عصاه و من عرف الدنيا و عذرها باهلها زهد فيها و ان المؤمن ليس بذی لهو و لا غفلة و انما همته التفكير و الاعتبار و شعاره الذكر قائما و قاعدا و علی کل حال نطقه ذکر و صمته فکر و نظره اعتبار لانه يعلم انه یصبح و یمسی بین اخطار ثلاثة اما بلیة نازلة او نعمة زائلة او میتة قاصبة و لقد کدر ذکر الموت عیش کل عاقل فعجبا لقوم نودی فیهم بالرحیل و هم غافلون عن التزود و لقد علموا ان لکل سفر زادا لا بد منه حبس اولهم عن آخرهم و هم لاهون ساهون .

و روی فی قوله تعالى : و آتیناه الحكم صبیا(۱۳۴)، عن یحیی علیه السلام انه کان له سبع سنین فقال له الصبیان امض معنا نلعب . فقال : لیس للعب خلقنا.

و بدانید به درستی که آن کس که خدا را شناخت او را دوست دارد پس اطاعت می کند او را و آن کس که شناخت دشمنی شیطان را بر خلاف نظر او رفتار می کند و فرمان او را نمی برد. و کسی که دنیا و مکر و خدعه او را با اهلش دانست به او بی میل و بی رغبت می شود. و به تحقیق که مؤمن دارای لهو و لعب نیست و از خود و عاقبت کار خود غافل نمی شود. و جز این نیست که همت او فکر کردن و عبرت گرفتن است . و شعار او ذکر است . در هر حال ایستاده و نشسته گفتار او ذکر است و سکوت او فکر است و نظر و نگاه او عبرت است . زیرا می داند که هر صبح و شام یکی از سه خطر متوجه اوست : یا بلایی نازل می شود یا نعمتی از او گرفته می شود یا مرگ او را غافل گیر می کند. و به تحقیق که یاد مرگ عیش هر عاقل را مکدر کرده است . پس عجب است از قومی که در بین آنها بانگ کوچ کردن زده شده و آنها غافلند از برداشتن توشه و خرجی برای این راه دور و دراز و حال آن می داند هر سفری را خرجی لازم است ، آخر آنها به اول آنها ملحق می شوند و آنها در حال بازی و فراموشی به سر می برند.

روایت شده در ذیل این آیه شریفه : در حال کودکی مقام نبوت و پیغمبری به حضرت یحیی دادیم ، آن بزرگوار در سن هفت سالگی بود. اطفال به او گفتند بیا با ما بازی کن حضرت یحیی علیه السلام در جواب اطفال فرمود : خلقت ما برای بازی نیست .

و قال امیرالمؤمنین علیه السلام فی قول الله تعالى : و لا تنس نصیبک من الدنیا،(۱۳۵) قال : لا تنس صحتک و قوتک و شبابک و غناک و نشاطک ان تطلب الآخرة .

و قال اخرون هو الفکر من جمیع ما تملک لا تنس انه هو نصیبک من الدنیا کلها لو ملکته.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در معنی این آیه کریمه : فراموش نکن نصیب و بهره خود را از دنیا، فرمود: فراموش مکن صحت بدن و قوت آن و جوانی و غنی و بی نیازی و نشاط و آزادی افکار خود را که با اینها آخرت را طلب کنی .

دیگران در معنی آیه کریمه گفته اند مراد این است که ؛ فکر کنی که اگر جمیع دنیا را مالک بودی نصیب و بهره تو از دنیا همان است که برای خود پیش بفرستی و در آخرت ذخیره کنی .

و قال علی بن الحسین علیهما السلام : اعظم الناس قدرا من لم یبال الدنيا فی ید من کانت .

حضرت زین العابدین علیه السلام فرمود: بزرگترین مردم از حیث قدر و منزلت کسی است که اهمیت ندهد که دنیا در دست چه کسی است .

و قال محمد بن الحنفیه : من کرمت نفسه علیه هانت الدنيا عنده .

محمد حنفیه پسر امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: کسی که شخصیت خود را گرامی و محترم شمارد دنیا در نزد او خوار و بی مقدار باشد.

و قال رسول الله صلی الله علیه و آله : لا یزداد الزمان الا شدة و العمر الا نقصانا و الرزق الا قلة و العلم الا ذهابا و الخلق الا ضعفا و الدنيا الا ادبارا و الناس الا شححا و الساعة الا قربا یقوم علی الاشرار من الناس .

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: پیوسته زمان و روزگار او به شدت است . و عمرها رو به نقصان و کوتاهی است . و رزقها رو به کمی است . و علم رو به از بین رفتن است . و خلق رو به ضعفند، و دنیا در حال ادبار و گذشتن است . و مردم در حال زیادتیی بخلند و قیامت رو به نزدیکی است و بر مردم شرور و بد به پا می شود.

و قال : و کان الكنز الذی تحت الجدار عجبا لمن ایقن بالموت کیف بفرح و عجا لمن ایقن بالرزق کیف یحزن و عجا لمن ایقن بالنار کیف یذنب و عجا لمن عرف الدنيا و تقلبها باهلها کیف یطمئن الیها.

حضرت در باره گنجی که خدای متعال در سوره کهف در قصه ملاقات و رفاقت حضرت موسی و خضر با یکدیگر نقل می فرماید که سه جریان پیش آمد و آخری آنها بنا نمودن دیواری بود که خراب شده بود و حکمت آن را چنین بیان فرمود که این از یتیمانی است و در زیر آن گنجی است خواستم وقتی آنها بزرگ شدند از آن بهره مند گردند فرمود: مراد از آن گنج لوحی بود که در آن این کلمات نوشته بود: عجب است از کسی که یقین به مرگ دارد چگونه خوشحال است . و عجب است از کسی که یقین به رزق مقدار الهی دارد چگونه حزن و اندوه در او پیدا می شود. و عجب است از کسی که یقین به آتش و عذاب قیامت دارد چگونه گناه می کند. و عجب است از کسی که شناخته است دنیا را و می بیند که چگونه با اهل خود رفتار می کند و هیچ چیز آن ثابت و برقرار نیست چگونه به آن اطمینان می کند.

و قال رسول الله صلی الله علیه و آله : اذا احب الله عبدا ابتلاه و اذا احبة الحب البالغ افتناه فقالوا و ما معنی الافتناء قال لا یترک له مالا و لا ولدا و ان الله تعالی یتعهد عبده المؤمن فی نفسه و ما له بالبلاء کما یتعهد الوالدة ولدها باللبن و انه لیحمی عبده المؤمن من الدنيا کما یحمی الطیب المریض من الطعام .

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هرگاه خدای متعال بنده اش را دوست دارد او را به بلاها مبتلا می کند و هرگاه او را کاملاً دوست داشته باشد او را امتحان می کند و به فتنه می اندازد. عرض کردند. فتنه چیست ؟ فرمود: مال و اولاد برای او باقی نمی گذارد. و به تحقیق که خدای متعال به واسطه مبتلا کردن بنده در مال و اولادش او را از عذاب امان می دهد چنان که مادر به واسطه شیردادن فرزندش را از هلاکت امان می دهد. و به تحقیق که خدای متعال بنده اش را از دنیا پرهیز می دهد همان طور که طبیب مریض را از طعامی که برای او مضر است پرهیز می دهد.

و کان امیر المؤمنین علیه السلام یقول : اللهم انی اسئلك سلوا عن الدنيا و مقتا لها فاءن خیرها زهید و شرها عتید و صفوها یتکدر و جدیدها یخلق و ما فات فیها لم یرجع و مانیل فیها فتنه الا من اصابته منک و شملتة منک رحمة فلا تجعلنی ممن رضی بها و اطمئن الیها و وثق بها فان من اطمئن الیها خانه و من وثق بها اغرته .

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام : چنین مناجات می فرماید: خدایا من از تو سؤال می کنم که مرا از دنیا نجات دهی و مرا توفیق دهی که آن را دشمن دارم . پسه به تحقیق که بهترین چیزهای دنیا نا چیز و کم است . و شر و فتنه ها آن حاضر و موجود است ، و چیزهای نیکوی آن آلوده است . و تازه و جدید آن کهنه می شود، و آنچه که از آن از دست رفت باز نمی گردد. و آنچه از آن به کسی می رسد سبب فتنه و امتحان اوست ، مگر آن کس که از جانب تو نظر لطفی به او شود و رحمتی از تو شامل حال او گردد. پس مرا از کسانی قرار مده که به آن راضی شود و به آن اطمینان و وثوق پیدا کند. پس به تحقیق هر کس به دنیا مطمئن شد دنیا به او خیانت خواهد کرد و کسی که به او وثوق پیدا کرد او را مغرور می نماید.

و لقد احسن من و صفها بقوله :

رب ریح لاناس عصف

ثم ما ان لبثت ان سکنت

و کذاک الدهر فی اطواره

قدم ذلت و اخری ثبتت

و کذا لایام من عاداتها

انها مفسده ما اصلحت

نیست دلبستگی قابل و ثابت دنیا اوضاع که این خلاصه . کرده اصلاح را آنچه کند می فاسد است روزگار عادت همچنین دیگر قدم ماندن گردد قدمی لغزش سبب خود تغییرات در همچنین ندهد سکونت مکث مهلت آنها به پس بوزد بادی مردمی بسا چه : چنین آن مضمون شعر وصف نیکو چه شاعر < و قال غیره :

لا تحرصن علی الدنیا و ما فیها

و احزن علی صالح لم یکتسب فیها

دیگری گفته : حریص بر دنیا و آنچه در اوست مباش و حزن و غم و اندوه تو بر اعمال صالحی باشد که ممکن بود در دنیا کسب کنی و نکردی .

و قال آخر:

و اذکر ذنوبا عظاما منك قد سلفت

نسیت کثرتها و الله محصیها

دیگری گفته : به یاد بیاور گناهان بزرگ که در سابق ایام از تو سر زده و بسیاری از آنها را فراموش کرده ای و خدای متعال آنها را شماره کرده است :

و فی قوله تعالی : کم ترکوا من جنات و عیون و زرع و مقام کریم و نعمة کانوا فیها فاکهین کذلک و اورثناها قوما اخرین فما بکت علیهم السماء و الارض و ما کانوا منظرین . (۱۳۶)

چه بسیار باغستانها و چشمه های آب و کشت و زرعها و مقامهای نیکو و نعمتهایی که در آن بهره مند بودند از خود به جا گذاشتند و آنها را به مردم دیگر ارث دادیم و آسمان و زمین بر آنها گریه نکرد و مهلتی هم به آنها داده نشد.

و قال بعضهم :

مررت بخربه فادخلت راءسی فیها و قلت شعرا:

ناد رب الدار ذی المال الذی

جمع الدنیا بحرص ما فعل

فاجاب هاتف من الخزبه

کان فی دار سواها داره

عللته بالمنی حتی انتقل

بعضی از عباد گفت : به خرابه ای عبور کردم پس سر خود را در میان خرابه برده و شعری خواندم که فارسی آن چنین است : صدا بزن و ندا کن صاحب خانه را که اموال بسیار جمع کرد از روی حرص به دنیا پس چه کرد با آنها. پس هاتفی از آن خرابه جواب داد و شعری خواند که مضمون آن چنین است : برای او خانه ای غیر از این خانه بود که مرگ سبب و علت شد که به آنجا انتقال پیدا کرد.

و قال قتاده فی قوله تعالى : و قد خلت من قبلهم المثلثات (۱۳۷)، قال وقایع القرون الماضية و ما حل بهم من خراب الدیار و تعفیه الآثار.

قتاده درباره این آیه کریمه : به تحقیق پیش از آنها آثار عذاب و عقوبتها گذشت ، گفته مراد وقایع قرنهای گذشته و آنچه بر سر آنها آمد از خرابی دیارشان و برطرف شدن آثار آنها می باشد.

و مر الحسین علیه السلام قصر اوس . فقال : لمن هذا فقالوا لاوس فقال علیه السلام و داوس ان له فی الاخرة بدله رغيفا.

حضرت امام حسین علیه السلام به قصر اوس عبور فرمود پس فرمود: این از کیست ؟ عرض کردند: از اوس است . پس حضرت فرمود: اوس در قیامت آرزو می کند که ای کاش به عوض آن قرص نانی در آنجا داشت که از آن بهره مند می شد. خلاصه این که چه بسا کسانی که در دنیا مال و مکنت و عمارت و سایر اشیاء دنیوی داشته باشند و چون چیزی برای زندگی دائمی آخرت نفرستاده اند چون آنجا روند آرزو می کنند که ای کاش چیز کمی به عوض آنها در آخرت داشته باشند.

و قال ابو العتاهیه شعرا:

جمعوا فما اكلوا الذی جمعوا

و بنوا مساكنهم فما سكنوا

و كانهم كانوا بها طعنا

فما استراحوا ساعة طعنوا

ابوالعتاهیه گفته : دنیا را جمع کردند و آنچه را جمع کردند نخوردند. و خانه هایی بنا کردند و در آن ساکن نشدند. و گویا آنها در دنیا در حال کوچ کردن بودند پس ساعتی استراحت نکردند و از آنجا کوچ کردند.

و قال مسروق : ما ملئت دار حیره الا املئت عبره و انشد:

کم ببطن الارض ثاو من وزیر و امیر

و صغیر الشاءن عبد حامل الذکر حقیر

لو تاءملت قبور القوم فی یوم قصیر

لم تمیزهم و لم تعرف غنیا من فقیر

مسروق گفته : هیچ خانه از حیرت پر نشد مگر این که از عبرت پر شد. بعد در ضمن شعری چنین می گوید: چه بسیار در شکم زمین وزیرها و امیرها و کوچک شائنها و بندگان که حامل ذکر کوچک بودند پنهان شده اند اگر با تاءمل و دقت قبرهای آنها را ببینی در روز کوتاهی هیچ امتیاز و فرقی بین فقیر و غنی آنها نمی دهی .

و روی ان سعد بن ابی وقاص لما ولی العراق دعا خرقه ابنه نعمان فجاءت فی لمة من جوارها فقال لهن ایکن خرقه قلن هذه فقالت نعم فما استبداوک ابای یا سعد فوالله ما طلعت الشمس و ما شیء یدب تحت الخورنق الا و هو تحت ایدینا فغربت شمسنا و قد رحمنا جمیع من کان یحسدنا و ما من بیت دخلته حیره الا و عقبته عبره ثم انشاءت تقول :

فبینا نسوق الناس و الامر امرنا

اذا نحن فیهم سوقه نتنصف

فاف لدنیا لا یدوم سرورها

تقلت باناراتها و تصرف

هم الناس ما ساروا یسیرون حولنا

و ان نحن اومینا الی الناس اوقفوا

نقل شده که چون سعد بن ابی وقاص والی عراق گردید خرقه دختر نعمان را طلبید. پس او با جمعی از کنیزانش آمد. پس سعد گفت کدام یک از شما خرقه است ؟ کنیزان گفتند: این است . پس او گفت : بلی منم خرقه ، ای سعد! چه سبب شده که تو مرا خواستی و از احوال من سؤال می کنی ؟ به خدا قسم آنچه که خورشید بر آن می تابید و آنچه که زیر آسمان حرکت می کرد همه در اختیار ما بود. پس خورشید ما غروب کرد و همه کسانی که به ما حسد می بردند به ما رحم کردند. و هیچ خانه ای نیست که در آن خوشی داخل شود مگر این که دنبال آن آنچه سبب عبرت است داخل می شود. پس چند شعر گفت که در آن از بی اعتباری دنیا شکایت نموده که معنی آن این است : در بینی که مردم را می رانند و امر ما بود ناگهان قضیه به عکس شد و ما خود تحت نظر کسانی قرار گرفتیم و متفرق و پراکنده شدیم ، پس اف باد به دنیا که سرور و خوشنودی آن داوم ندارد و آثار

آن رنگ به رنگ و متقلب می شود. آنها که بر ما مسلط شدند همان مردمی هستند که در اطراف ما پراکنده بودند و ما چنان بر آنها تسلط داشتیم که هرگاه به آنها اشاره می کردیم توقف می کردند.

ثم قالت ان الدنيا دارفناء و زوال لا تدوم الى حال تنتقل باهلها انتقالا و تعقبهم بعد حال حالا و لقد كنا ملوك هذا القصر تطيعنا اهله و يحبوا الينا دخله فاءد برالامر و صاح بنا الدهر فصدع عصانا و شئت شملنا و كذا الدهر لا يدوم لا حد ثم بكت و بكى لبكائها و انشد شعرا:

ان للدهر صوله فاحذريها

لا تقولين قد آمنت الدهورا

قد يبیت الفتی معافا فیوڈی

و لقد كان امنا مسرورا

حرقه گفت : به تحقیق که دنیا خانه فنا و زوال است به یک حال ادامه پیدا نخواهد کرد. اهلش را از حالی به حال دیگر انتقال خواهد داد. و بعد از حالی حال دیگر برای آنها پیش می آورد. و هر آینه به تحقیق ما شاهان این قصر بودیم که اهل آن ما را اطاعت می کردند و منافع اطراف آن را به سوی ما می آوردند. پس امر برگشت و روزگار بر ما فریادی زد پس شکافت قدرت ما را و جمعیت ما را پراکنده کرد و روزگار همچنین است برای هیچ کس دوام ندارد. پس حرقه گریه کرد و سعد نیز از گریه او به گریه آمد و این شعر را گفت که مضمون آن این است : برای روزگار صلابت و هیبتی است از آن بترس و نگو که من از روزگار ایمن هستم . گاهی جوان مرد در حال عافیت وارد شب شده و مورد اذیت واقع می شود. و حال آن که ایمن و مسرور بود پس امنیت و سرور او تبدیل به وحشت و ناراحتی گردید.

فقال لها اذكري حاجتك لنفسك خاصة فقالت يدا الامير بالعطيه اطلق من لسانی بالمساءله فاعطاهم و اعطاها و اجزل فقالت شكرتك يد افتقرت بعد غنى و لا ملكتك يد استغنت بعد فقر و اصاب الله بمعروفك مواضعه و لا جعل الله لك الى اللئيم حاجه و لا اخلا الله من كريم نعمه الا و جعلك السبب في ردها اليه فقال سعد اكتبوها في ديوان الحكمه .

پس سعد باو گفت : حاجت خود را ذکر کن ! او چنین جواب داد: دست امیر به عطا و بخشش بازتر است از زبان من به سؤال . پس سعد باو و همراهانش عطای بسیار نمود. او در چند جمله به سعد دعا کرده و گفت : شکر کند تو را دستی که فقیر است بعد از غنی و بی نیازی . و مسلط بر تو نشود دستی که غنی شده بعد از فقر. و خداوند بخشش تو را به جای خود قرار دهد که بی مورد و بی جا بخشش نکنی . و حاجت تو را به لثیمان و پستان نیندازد. و نعمتی را از بزرگان نگیرد مگر اینکه تو را وسیله رد آن نعمت به او قرار دهد. پس سعد گفت : این کلمات را در دیوان حکمت بنویسند.

فلما خرجت من عنده سئلهما نسائهما فقلن ما فعل بك الامير فقالت احاط لي ذمتي و اكرم وجهي انما يكرم الكريم كريما.
 پس چون از نزد سعد بیرون شد زنهای او سؤال کردند که امیر با تو چه کرد؟ جواب داد مافوق انتظار من با من رفتار کرد و مرا گرامی داشت و آبروی مرا حفظ کرد و در حقیقت کریمی به کریمی کرم نمود.

و لقد احسن من قال شعرا:

و ما الدهر و الايام الا كماترى

رزیه مال او فراق حبیب

و ان امرء قد جرب الدهر لم يخف

تقلب یومیه لغیر ادیب

و چه نیکو گفته است این شاعر که مضمون شعرش این است : دهر و روزگار چنین است که می بینی یا از دست رفتن مالی است یا فراق دوستی . و به تحقیق کسی که در روزگار تجربه داشته باشد از تغییر دو روزش نمی ترسد در صورتی که عاقل باشد.

و قال آخر:

هو الموت لا ينجى من الموت والذى

احاذر بعد الموت ادهى و افظع

و دیگری گفته است : او مرگ است که هیچ کس از او نجات پیدا نخواهد کرد و آنچه را بعد از مرگ از آن می ترسم وحشتناک تر و سخت تر است .

و قال آخر:

اذا الرجال كثرت اولادها

و جعلت اوصى بها يعتادها

وقتی مردان فرزندان بسیار پیدا کردند و هنگام مرگ به آنها وصیت نمودند مرگ برای آنها امر عادى محسوب می شود.

و قال آخر:

و اضطربت من کبر اعضادها

فهی ذروع قددنی حصارها

از پیری بازوهای آنها سست و مضطرب شده پس آنها کشت وزرعی هستند که درو کردن آنها نزدیک شده .

و قال بعضهم : اجتزت بدار حیار کان معجبا بنفسه و ملکه فسمعت هاتفا ینشد و یقول :

و ما سالم عما قلیل بسالم

و ان کثرت احراسه و مرا کبعه

و من یک ذاباب شدید و حاجب

فعما قلیل یهجر الباب حاجبه

و یشح فی لحد من الارض ضیقا

یفارقه اجناده و مواکبه

و ما کان الا الموت حتی تفرقت

الی غیره احراسه و کتائبه

و اصبح مسرورا به کل کاشح

و اسلمه احبابه و حبابه

بنفسک فاکسبها السعاده جاهدا

فکل امر دهن بما هو کاسبه

بعضی از عباد گوید: عبور کردم به خانه حیار ظاهرا نام کسی است که او مغرور به خود و ملک و سلطنت خود بوده پس شنیدم هاتفی که این شعرها را می گفت که مضمون آن این است : کسی که دارای سلامتی است به همین زودی ها غیر سالم است ، یعنی سلامتی را از دست می دهد و گرچه پاسبانان و حافظان زیاد داشته باشد. و هر کس دروازه محکم و دربان داشته باشد به همین زودی ها دربان او خواهد رفت و دروازه بی صاحب و بی دربان خواهد ماند. و صبح می کند در لحد و در زیر زمین در تنگنا قرار می گیرد و لشگریان و حشم و از او جدا می شوند. و برای تفرقه خدم و حشم و لشگر او پیش از مرگ چیز دیگر لازم نیست ، به مجرد

مردن آنها متفرق می شوند. و صبح کرد در حالی که دشمنانش خوشحال می باشند و دوستان دست از او برداشته اند، بر تو باد که نفس خود را مراقبت کنی و کوشش کنی که او را سعادتمند کنی . و هر کسی گرو آن چیزی است که کسب کرده .

قال و كان بعضهم اذا نظروا المرأة الى جماله انشد شعرا:

يا حسان الوجوه سوف تموتون

و تبلى الوجوه تحت التراب

ياذوى الواجه الحسن المصونات

و اجسامها الغضاض الرطاب

اكثرها من نعيمها و اقلوا

سوف تهدونها لعقرالتراب

قد نعتك الايام نعبا صحيحا

بفراق الاقران و الاصحاب

بعضی از زهاد وقتی در آینه به صورت خود نگاه می کرد این اشعار را می گفت که مضمون آن یکی است :ای خوب صورتان به زودی خواهید مرد و این صورتهای زیر خاک پوسیده خواهد شد. ای صاحبان صورتهای خوب که در حفظ آن می کوشید و جسمها و بدنهای لطیف و نیکو چه بسیار به این بدنهای و صورتهای برسید و چه کم عاقبت زیر خاک پوسیده می شود. به تحقیق روزگار تو را به فراق دوستان و یارانت مبتلا کرده .

و قال غيره :

تذكر ولا تنسى المعاد ولا تكن

كانك في الدنيا مخلى و ممرح

فلا بد من بيت النقطاع و وحشه

و ان غرك البيت الانيق المدايح

بعض دیگر گفته : متذکر باش و معاد را فراموش مکن و مانند کسی نباش که در دنیا رها شده و مهار گسیخته باشد پس ناچار باید رفت در خانه ای که از همه دوستان منقطع است و وحشتناک می باشد و گرچه خانه مزین و مورد پسند دنیا تو را مغرور کرده است .

و وجد علی بعض القبور مکتوبه هذه الابیات :

تزود من الدنيا فانک لا تبقی

وخذ صفوها لما صفت و دع الزلعا

و لا تاءمنن الدهر انی امنته

فلم یبق لی خلا و لم یرع لی حقا

قتلت صنادید الملوک فلم ادع

عدوا و لم امهل علی ظنه خلعا

و اخلیت دارالملک من کل بارع

فشردتهم غربا و مزقتهم شرقا

فلما بلغت النجم عزا و رفعه

و صارت رقاب الخلق اجمع لی رقا

رمانی الردی رمیا فاخمد جمرتی

فها انا ذافی حفرتی مفردا ملقی

فافسدت دنیائی و دینی جهاله

فماذ الذی منی بمصرعه اشقی

بر بعض قبور این اشعار یافته شد که مضمون آن چنین است :

از دنیا توشه بردار پس به درستی که تو باقی نخواهی ماند. و از چیزهای نیکی که در اختیار تو است نتیجه بگیر، و واگذار لغزشها را. و به روزگار اطمینان نداشته باش که من به آن اطمینان کردم پس نه دوستی برای من باقی ماند و نه حقی مراعات شد. سلاطین بزرگ را کشتم پس هیچ دشمنی را وا نگذاشتم و خلقی را مهلت ندادم و به مظنه و گمان انتقام گرفتم خانه سلطنت را از

هر ضد و ند خالی کردم و آنها را به طرف شرق و غرب پراکنده کردم . پس وقتی به عزت و رفعت رسیدم و خود را در مقام ستاره ها دانستم و گردن جمیع خلایق در نزد من ذلیل شد ناگهان تیر مرگ به من رسید و چراغ عمر مرا خاموش کرد. پس آگاه باشید که من در قبر تنها افتاده ام . پس دین و دنیای خود را از روی جهالت فاسد کردم پس کسی در قبر شقی تر از من نیست .

و قال بعضهم : يا ايها الانسان لا تتعظم فليس بعظيم من خلق التراب و اليه يعود و كيف يتكبر من اوله نطفه مرده و آخره جيفه فذره و هو يحمل بين جنبه العذره و اعلم انه ليس بعظيم من تصرعه الاسقام و تفجعه الالام و تخذعه الايام لا ياءمن الدهران يسلبه شبابه و ملكه و ينزل من علو سريره الى ضيق قبره انما الملك هو العارى من هذه المعاييب .

بعضی از علماء گفته است :

ای انسان خود را بزرگ ندان . پس بزرگ نیست کسی که از خاک خلق شده و به خاک بر می گردد، و چگونه تکبر کند کسی که اولش نطفه بد بو است و آخرش مردار کثیف گندیده و در میان دو پهلوی خود عذره و نجاست حمل می کند. بدان به درستی که بزرگ نیست کسی که دردها او را به زمین می زند و بلاها او را عاجز می کند و روزگار او را گول می زند. ایمن نیست که جوانی او را بگیرد و سلطنت او را از دستش بگیرد و او را از بالای سریش به تنگنای قبر آورد. پس ملک و سلطنت آن است که این همه عیب را نداشته باشد.

ثم انشد شعرا:

این الملوک و ابناء الملوک و من

قاد الجیوش الایابس ما عملوا

باتوا علی قلل الاجبال تحرسهم

غلب الرجال فلم يمنعهم القلل

فانزلوا بعد عز عن معاقلهم

و اسكنوا حفرة يابس ما نزلوا

ناداهم صارخ من بعد ما دفنوا

این الاسره و التیجان و الكلل

این الوجوه التی كانت منعمه

من دونها تضرب الاستار و الحجل

فافصح القبر عنهم حين سائلهم

تلك الوجوه عليها الدود تنتقل

قد طال ما اكلوا دهرًا و ما شربوا

فاصبحوا بعد طيب الاكل قد اكلوا

سالت عيونهم فوق الخدود و لو

رئيتهم ما هناك العيش بارجل

پس از آن اشعاری انشاء کرده که مضمون آن به فارسی چنین است : کجایند شاهان و فرزندان آنها و کسانی که در پیش لشگرها به راه می افتادند و سپاهیان به دنبال آنها به حرکت می آمدند. آگاه باشید که چه بد عمل کردند. در قله های کوههای به سر می بردند و مردان شجاع در حفظ و حراست آنها می کوشیدند. و قله ها و آن جاهای سخت حافظ آنها نشد. پس از آن که در قصرهای بلند و محکم ساکن بودند و زیر کشیده شدند و در گودال گور ساکن شدند. و چه بد پایین آمدنی بود. در این هنگام بعد از دفن شدن آنها ندایی بلند شد که کجا رفت تختهای زرین ؟ کجا رفت تاجهای سلطنتی و آن زینتها که به خود آویزان می کردند؟ کجا رفت آن صورتهایی که در ناز و نعمت پرورش پیدا کرده و در پشت پرده ها، که در حجله ها زده شده بودند، پس قبر با زبان فصیح از طرف آنها در وقتی که از او سؤال کردند گفت : آن صورتها این است که الآن کرمها بر روی آن در حرکت می باشند. چه روزگار بسیار طول کشید که چیزهای لذیذ خوردند و آبهای گوارا آشامیدند پس صبح کردند در حالی که آنها خوراک مار و مور در دل زمین شدند. چشمهای آنها بر بالای خددا و صورتهای آنها جاری شده و آشکارا عیش آنها را در آنجا می بینی که چیست .

محفی نمائد که اشعار مذکور شباهت به اشعاری دارد که حضرت هادی علیه السلام در مجلس متوکل فرمودند و شاید همان اشعار باشد با مختصر تصرفی در آن (مترجم).

و قال الحسين عليه السلام : يا بن آدم تفكر و قل اين الملوک الدنيا و اربابها الذين عمروا ابرابها و احتفروا انهارها و مدنوا مدائنهم فارقوها و هم کارهون و ورثها قوم آخرون و نحن بهم عما قليل لا حقون . يا بن آدم اذكر مصرعك و في قبرك مضجعك و موقفك بين يدي الله تشهد جوارحك عليك يوم تذلل فيه الاءقدام و تبلغ القلوب الحناجر و تبيض وجوه و تسود وجوه و تبدو السرائر و يوضع الميزان القسط. يا بن آدم اذكر مصارع آبائك و ابنائك كيف كانوا و حيث حلوا و كانك عن قليل قد حلت محلهم و صرت عبرة للمعتبر. و انشد شعر:

اين الملوک التی عن حفظها غفلت

حتى سقاها بكاس الموت ساقيا

تلك المدائن في الافاق خالية

عادت خرابا و ذاق الموت بانيتها

اموالنا لذوى الوارث نجمعها

و دورنا لخراب الدهر نبنيها

حضرت امام حسين عليه السلام فرمود: ای پسر آدم فکر کن و بگو کجایند سلاطین دنیا و صاحبان آنان که خرابیهای دنیا را آباد کردند و نه‌رهای آن را حفر کردند و شهرهای آن را به پا داشتند از آن جدا شدند از روی کراهت و کسانی دیگر وارث آنها شدند و ما هم به همین زودیها به آنها ملحق خواهیم شد. ای فرزند آدم به یاد آور مصرع و محل افتادن و خوابگاه خود را در قبر. و به یاد بیاور وقوف قیامت و ایستادن خود را در مقابل حکم عدل الهی در حالی که اعضاء و جوارح تو بر تو. گواهی دهد، آن روزی که قدمها بر صراط بلغزد و قلبها از وحشت به گلوها رسد و صورتهایی سفید و صورتهایی سیاه باشد و اسرار و پنهانی ها ظاهر گردد و میزان عدل بر پا شود. ای پسر آدم به یاد آور محل افتادن پدران و فرزندان خود را که آنها چه موقعیتی در این دنیا داشتند و از اینجا به کجا رفتند و تو هم به همین زودی به آنها ملحق خواهی شد و سبب عبرت می شوی برای کسانی که اهل اعتبارند. پس این شعرها را بیان فرمود که مضمون آن این است: کجایند سلاطین دنیا که در اثر حفظ دنیا از آخرت غافل ماندند تا وقتی که شربت مرگ را از دست ساقی آن چشیدند. این شهرهای عالم است که در اطراف آن از اهلش خالی شده و خراب شده و بنا کنندگان آن شربت مرگ چشیدند. ما این مالها را برای وارث جمع می کنیم و خانه ها را برای خراب شدن در روزگار بنا می کنیم.

و ما عبر احد عن الدنيا كما عبر اميرالمؤمنين عليه السلام بقوله: دار بالبلاء محفوفة و بالغدر معروفة لا تدوم احوالها و لا تسلم نزالها احوالها مختلفة و ثارات منصرفة و العيش فيها مذموم و الايمان فيها معدوم و انما اهلها فيها اغراض مستهدفة ترميهم بسهامها و تفنيهم لجمامها و اعلموا عبادالله انكم و ما انتم فيه من هذه الدنيا على سبيل من قد مضى قبلكم ممن كان اطول منكم اعمارا و امر ديارا و ابعد اثارا اصبحت اصواتهم هامدة و رياحهم راكدة و اجسادهم بالية و ديارهم خالية و آثارهم عافيه فاستبدلوا بالقصور المشيدة و التمارق الممهدة و الصخور و الاحجار المسندة و القبور اللاطئة الملحدة التي قد بنى بالخراب فنائها و شيد بالتراب بنائها فمحلها مقترب و ساكنها مغترب بين اهل محلة موحشين و اهل فراغ متشاغلين لا يستاءسون بالاوطان و لا يتواصلون تواصل الجيران على ما بينهم من قرب الجوار و دنوا الدار فكيف يكون بينهم تراور و قد طحنهم بكلكلة البلى و اكتهم الجنادل و الثرى و كان قد صرتم الى ما صاروا اليه و ارتهنكم ذلك المضجع و ضمكم ذلك المستودع فكيف بكم لو تناهت بكم الاءامور و بعثرت القبور هنالك تبلو كل نفس ما اسلفت وردوا الى الله موليهم الحق و ضل عنهم ما كانوا يفترون.

تعبیر نکرده است احدی از دنیا چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام تعبیر فرموده به دنیا سرایی است که اهل آن را غم و اندوه فرا گرفته و به مکر و دغا شهرت یافته . همیشه بر یک حال باقی نمی ماند. و کسانی که در آن نازل می شوند و فرود می آیند سالم نمی مانند. حالات آن گوناگون است و نوبت هایش در تغییر است . زندگی در آن مذموم است و ناپسند. و ایمنی در آن نیست . و اهلش در آن هدف تیرهای بلا هستند که دنیا تیرهای خود را به جانب ایشان می افکند و هر یک را به دردی مبتلا می سازد و به مرگ نابودشان می نماید. بدانید ای بندگان خدا شما و آنچه از این دنیا دارید در راه پیشینیان می باشید و آنچه بر پیشینیان گذشته بر شما نیز خواهد گذشت آنهایی که پیش از شما بودند عمرهایشان از شما طولانی تر و دیارشان آبادتر و آثارشان مهمتر بود، صبح کردند در حالی که صداهایشان خاموش شده و شخصیت و اهمیت آنها از دست رفته و بدنهایشان پوسیده و شهرهایشان خالی مانده و آثارشان ناپدید گشته ، قصرهای مجلل و ساختمانهای محکم را و بالشهای نیکو و فراشهای گسترده را به سنگهای قبر و چسبیده به لحد تبدیل نمودند. آن قبرهایی که جلوخان آنها ویران شده و ساختمان آنها با خاک یکسان گشته . آن قبرها به هم نزدیک است ولی ساکن آنها در ما بین اهل محله ای ترسان و هراسانند و در بین گروهی که به ظاهر راحتند و در واقع گرفتار می باشند. به وطنها انس نمی گیرند و با هم آمیزش ندارند چون آمیزش همسایگان با این که نزدیک و همسایه می باشند.

و چگونه بینشان دید و بازدید باشد و حال آنکه پوسیدگی آنها را خورد کرده و سنگ و خاک آنان را خورده . و تصور کنید که شما رفته اید جایی که آنها رفته اند و آن خوابگاه شما را گرو گرفته و آن امانت گاه شما را در آغوش دارد. پس چگونه خواهد بود حال شما اگر کار شما به پایان رسد و مردگان را از قبرها بیرون آوردند. در آن هنگام هر نفسی به آنچه پیش فرستاده است مبتلی می شود و به سوی خدا که مالک به حق ایشان است باز گردیده می شوند و به کار ایشان نیاید آنچه را که افترا می بستند.

دخل ابو هذیل دار مأمون فقال : ان دارک هذه کانت مسکونه قبلک من ملوک درست آثارهم و انقطعت اعمارهم فالسعيد من وعظ بغيره .

ابو هذیل وقتی در کاخ مأمون وارد بر او شد گفت : این خانه قبل از تو محل سکونت دیگر سلاطین بود که اکنون در زیر خاک پوشیده شده اند و آثار آنها کهنه شده و عمرهای آنها منقطع شده است پس اهل سعادت آن کس است که به غیر خود پند و موعظه شود، یعنی از گذشتگان و آنچه بر آنها گذشته پند گیرد.

باب پنجم : در ترسانیدن بندگان به وسیله کتاب خدا

و قال تعالی : و نخوفهم فما یزیدهم الا طغیانا کبیرا. (۱۳۸)

آنها را می ترسانیم پس زیاد نمی کند آنها را مگر سرکشی بزرگ .

و قال تعالی : بل الساعة موعدهم و الساعة ادهی و امر. (۱۳۹)

قیامت وعده گاه آنهاست و آن اشد و تلخ تر است یعنی شدت هول قیامت چیزی است که سبب وحشت است .

و قال تعالی : ءامنتم من فی السماء ان یرسل علیکم حاصبا فستعلمون کیف نذیر. (۱۴۰)

آیا ایمنید از این که ملائکه آسمانها شما را به زمین فرو برند پس آنگاه زمین موج زده می باشد. آیا ایمنید کسانی که در آسمانها هستند بر شما تند بادی فرستند پس به زودی خواهید دانست چگونه است ترساندن من .

و قال تعالی : و ما نرسل بالایات الا تخويفا. (۱۴۱)

نفرستادیم آیات را مگر برای ترساندن .

و قال او امن اهل القرى ان یاءتیهم باسنا ضحی و هم یلعبون افامنوا مکر الله فلا یاءمن مکر الله الا القوم الخاسرون (۱۴۲).

آیا مردم بلاد خود را ایمن می دانند از آمدن عذاب ما بر آنها در روز در حالی که به بازی مشغول هستند. آیا از مکر خدا ایمنند پس ایمن از مکر خدا نیست مگر مردم زیانکار.

و قال تعالی : ویل لكل آفاک اثمیم یسمع ایات الله تتلی علیه ثم یصر مستکبرا کان لم یسمعها فبشره بعذاب الیم. (۱۴۳)

وای بر هر دروغگوی گنه کار که آیات خدا را می شنود که بر او تلاوت می گردد پس اصرار می ورزد در حالی که تکبر دارد گویا آیات خدا را نشنیده است پس بشارت بده او را به عذاب دردناک .

و قال تعالی : و لو یؤخذ الله الناس بظلمهم ما ترک علیها من دابة. (۱۴۴)

اگر خدا تعالی مردم را به ظلمهایی که از آنها سر می زند مؤ اخذ کند جنبه ای را به روی زمین نگذارد، یعنی همه را هلاک فرماید. ولی عفو و بزرگواری او اقتضا می کند که آنها را رها کند و مؤ اخذ نفرماید.

و قال تعالی : طهر الفساد فی البر و البحر بما کسبت ایدی الناس لیذیقهم بعض الذی عملوا لعلهم یرجعون. (۱۴۵)

فساد در زمین و دریا ظاهر شد به سبب آنچه مردم به دست خود کسب کردند تا به آنها بچشانند بعض آنچه عمل کرده اند شاید آنها برگردند به سوی خدا و توبه کنند.

و قال : و تلک القرى اهلکناهم لما ظلموا. (۱۴۶)

این مردم بلاد را هلاک کردیم چون که ظلم کردند.

و قال تعالى : فبظلم من الذین هادوا حرمنّا علیهم طیبات احلت لهم. (۱۴۷)

به سبب ظلمی که از جماعت یهود سر زد حرام کردیم بر آنها چیزهای طیبی که بر آنها حلال کرده بودیم ، یعنی در نتیجه ، ظلم به محرومیت از رزقهای طیب و طاهر گرفتار شدند.

و قال تعالى : و لولا کلمة سبقت من ربک لکان لزاما و اجل مسمى. (۱۴۸)

و اگر نبود کلمه ای که سبقت گرفته است از پروردگار تو هر آینه هلاکت ملازم آنها بود در وقت گناه و معصیت . پس سبب تاءخیر عذاب دو چیز است : یکی کلمه خدا که سبقت گرفته و دیگر اجل مسمى که وقتی معین است .

بعضی فرموده اند: مراد از کلمه ای که از جانب خدا سبقت گرفته این آیه کریمه است :

و ما کان الله لیعذبهم و انت فیهم و ما کان الله بهم و هم یستغفرون. (۱۴۹)

تا وقتی که تو ای پیغمبر در میان امت هستی خدا آنها را عذاب نمی فرماید. و نیز خدا آنها را عذاب نمی فرماید و حال آن که آنها استغفار می کنند.

و قال امیرالمؤمنین علیه السلام : کان فی الناس امانان من عذاب الله رسول الله و الاستغفار فرفع احدهما و هو رسول الله و بقى علیهم امان و هو الاستغفار.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده : در میان مردم دو چیز امان از عذاب خدا بود: یکی رسول خدا، و دیگری استغفار. پس یکی از آن دو برداشته شد و آن رسول الله صلی الله علیه و آله است و برای آنها امان دیگری باقی مانده و آن استغفار است .

و قال رسول الله صلی الله علیه و آله : مهلا عباد الله عن معصية الله فان الله شدید العقاب .

و قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ان الله لم یعط لیاءخذو و لو انعم علی قوم ما انعام و بقوا ما بقى اللیل و النهار ما سلبهم تلک النعم و هم شاکرون الا ان یتحولوا من شکر الی کفر و من طاعة الی معصية و ذلک قوله تعالى : ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم. (۱۵۰)

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ای بندگان خدا باز ایستید از گناه و معصیت خدا پس بدرستی که عذاب خدا سخت است . و نیز پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: خدای متعال به بندگان نعمت عطا نکرد که باز گیرد. و اگر به مردمی انعام فرمود و

آنها باقی بمانند تا وقتی که شب و روز باقی است آن نعمت ها را از آنها نخواهد گرفت و حال آن که آنها شکر آن نعمتها را به جا آورند مگر این که عوض شکرگزاری کفران نعمت کنند و عوض اطاعت و بندگی خدا مرتکب گناه و معصیت شوند. و این است مضمون آیه کریمه که خدای متعال می فرماید: به درستی که خدا تغییر نمی دهد آنچه برای قوم و مردمی هست تا این که تغییر دهند آنچه در نفسهای آنهاست یعنی حالاتشان تغییر کند.

و قال امیرالمؤمنین علیه السلام : ان الله تعالى یبتلی عباده عند طول السیئات بنقص الثمرات و حبس البرکات و اغلاق خزائن الخیرات لیتوب تائب و یقلع مقلع و یتذکر متذکر و ینزجر و قد جعل الله الا ستغفار سببا للرزق و رحمة للخلق فقال سبحانه : فقلت استغفروا ربکم انه کان غفارا یرسل السماء علیکم مدرارا و یمدد کم باموال و بنین و یجعل لکم جنات و یجعل لکم انهارا.(۱۵۱)

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: خدای متعال هنگامی که بندگان گناه را ادامه می دهند آنها را مبتلا می فرماید به کمی میوه هایشان و برکات را از آنها باز می دارد و معادن خیر را از آنها منع می کند برای این که توبه کنندگان توبه کنند و گناه کاران از گناه باز ایستند و آنها که خدا را از یاد برده اند متذکر گردند و اهل هوا و هوس خود را منع کنند و باز ایستند. و به تحقیق خدای متعال استغفار را سبب رزق و موجب رحمت خلق قرار داده پس خدای سبحان می فرماید: پس گفتم از خدای خود طلب آمرزش و مغفرت کنید به درستی که او آمرزنده است . و استغفار سبب می شود که خدای تعالی از آسمان بر شما باران می بارد و مال و فرزندان شما از زیاد می کند و برای شما باغستانها و نه‌رهای جاری قرار می دهد.

فرحم الله من قدم توبته و اخر شهوته و استقال عثرته فان امله خادع له و اجله مستور عنه و الشیطان یتوکل به یمنیه التوبه لیسوفها و یزهی له المعصیه لیرتکبها حتی تاءتی علیه منیه و هو اغفل ما یکون فیالها حسره علی ذی غفله ان یکون عمره حسره علیه و ان تؤ دیه ایامه الی شقوه فنسئل الله ان یجعلنا و ایاکم ممن لا یتطره نعمه و لا یقتصر به عن طاعه ربه غایه و لا تجعل به بعد الموت ندامه و لا کائبه .

پس خدا رحمت کند کسی را که توبه خود را پیش اندازد و شهوت خود را عقب اندازد، و برای لغزشهای خود طلب بخشش کند، برای اینکه آرزوهای او با او خدعه و مکر می کند و اجل و وقت مرگ او بر او پوشیده است . و شیطان بر او موکل است به آرزوها او را از توبه باز می دارد تا آن را به عقب اندازد و انتظار فرصت ببرد. و شیزان گناهان را در نظر او زینت می دهد تا به جا آورد. تا این که ناگهان مرگ او در رسد و او در حال غفلت باشد. پس چه بسیار حسرت هست بر غافلی که عمر او سبب حسرت او گردد و زندگی او باعث شقاوت او گردد. پس از خدای خود سؤال می کنیم که ما و شما را از کسانی قرار دهد که نعمتها او را مغرور و سرمست نکند و سرگرم نعمت نشود به قدری که از طاعت خدا باز ایستد و از کسانی قرار دهد که بعد از مرگ به پشیمانی مبتلا گردد و به حزن و اندوه گرفتار شود.

و قال رسول الله صلى الله عليه وآله : و لو انهم حين نزول عنهم النعم و تحل بهم النقم فزوعوا الى الله توبه من نفوسهم و صدقا من نياتهم و خالص طوياتهم لرد عليهم كل شارد و لا صلح لهم كل فاسد.

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: و اگر مردم هنگامی که نعمتها از آنها زائل و برداشته می شد و بر آنها نعمتها حلول می کرد در پیشگاه عالم جهت توبه خالص و واقعی و از روی صدق نیت و قلوب خالص از هر شایبه اظهار جزع و فزع می کردند هر آینه بر آنها رد می کرد هر پراکنده ای را و هر آینه برای آنها اصلاح می فرمود: هر فاسدی را.

و قال النبی صلی الله علیه و آله : ان الله تعالی ملکا یُنزل فی کل لیلۃ فینادی یا ابناء العشرین جدوا و اجتهدوا یا ابناء الثلاثین لا تغرنکم الحیوة الدنیا و یا ابناء الاربعین ماذا اعددتم للقاء ربکم و یا ابناء الخمسین اتکم النذیر و یا ابناء الستین زرع عن حصاده و یا ابناء السبعین نودی لکم فاجیبوا یا ابناء الثمانین اتکم الساعة و انتم غافلون ثم یقول لولا عباد رکع و رجال خشع و صبیان رضع و انعام رتع لصبت علیکم العذاب صبا.

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: به درستی که خدا را ملکی است که در هر شب به زمین نزول می کند. پس در میان مردم دنیا فریاد می زند و آنها را ندا می کند ای کسانی که بیست سال از عمر شما می رود جدیت و کوشش کنید. وای کسانی که سی سال از عمر شما گذشته زندگانی دنیا شما را مغرور نکند. وای چهل ساله ها چه چیز تهیه دیده اید برای ملاقات حق تعالی و پروردگار خودتان . وای پنجاه ساله ها شما را نذیر و ترساننده از عذاب آمد و به شما اعلان خطر شد. وای شصت ساله ها شما به منزله زرع هستید که وقت درو کردن آن رسیده باشد. وای هفتاد ساله ها برای رفتن شما را صدا زده اند و ندا کرده اند پس اجابت کنید داعی حق را وای هشتاد ساله ها قیامت آمد و شما به آن رسیدید و هنوز غافلید. پس می گوید: اگر نبودند بندگان کمر خمیده و مردان خاضع و خاشع و اطفال شیرخوار و حیوانات چرنده بیابان هر آینه عذابی شدید بر شما می ریخت .

و قال رسول الله صلى الله عليه وآله : اكرموا ضعفاكم فانما ترزقون و تنصرون بضعفائکم .

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: گرامی دارید ضعیفان خودتان را پس جز این نیست که به خاطر ضعیفان روزی داده می شوید و یاری می گردید:

و قال صلی الله علیه و آله : یا بنی هاشم و یا بنی عبدالمطلب و یا بنی عبد مناف و یا بنی قضی اشتروا انفسکم من الله و اعلموا انی انا النذیر و الموت المغير والساعة الموعده.

آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: ای فرزندان هاشم و ای فرزندان عبدالمطلب و ای فرزندان عبد مناف و ای فرزندان قضی ، با این الفاظ تمام خویشان و بستگان را ندا در داد. بعد از آن فرمود: نفسها و جانهای خود را از خدا خریداری کنید. و بدانید من از جانب خدا آمده ام که شما را از عذاب دردناک الهی بترسانم ، پس مغرور نسبت داشتن با پیغمبر اکرم نشوید. و بدانید مرگ تغییر دهنده است ، یعنی حیات را به موت تغییر می دهد و قیامت وعده گاه است .

و لما نزل علیه : و انذر عشیرتک الاقریین (۱۵۲)، سعد علی الصفا و جمع عشیرته و قال : یا بنی عبدالمطلب یا بنی عبد مناف یا بنی قصی اشتروا انفسکم من الله فانی لا اغنی عنکم من الله شیئا یا عباس عم محمد صلی الله علیه و آله یا صفیه عمته یا فاطمه ابنته ثم نادای کل رجل باسمه و کل امرئة باسمها الا یجی الناس یوم القیمة یحملون الاوزار و یقولون بان محمدا صلی الله علیه و آله منا و ینادون یا محمد یا محمد و اعرض بوجهه هکذا و هکذا و اعرض عن یمینه و شما له فو الله ما اولیائی منکم الا المتقون ان اکرمکم عندالله اتقیکم. (۱۵۳)

چون که این آیه نازل شد: و خویشان نزدیکت را از عذاب بترسان، حضرت بر کوه صفا بالا رفت و طایفه و عشیره خود را جمع کرد و فرمود: ای پسران عبدالمطلب ای پسران قصی خریداری کنید جانهایتان را از خدا؛ پس به درستی که من شما را از چیزی بی نیاز نمی کنم. ای عباس عموی پیغمبر! ای صفیه عمه او! ای فاطمه دختر او! پس هر مرد و زن را به اسم او صدا زد و فرمود: آگاه باشید مردم روز قیامت می آیند در حالی که وزر و وبال خود را به دوش گرفته اند و می گویند محمد- صلی الله علیه و آله از ماست و صدا بلند می کنند یا محمد یا محمد، پس حضرت صورت مبارک خود را به این طرف و آن طرف گرداند و از راست و چپ رو برگرداند و فرمود: به خدا قسم دوستان من نیستند مگر اهل تقوا. و گرامی ترین شما نزد خدا با تقواترین شما هستند.

و روی انه صلی الله علیه و آله لما مرض مرضه الذی مات فیه خرج متعصبا متعمدا علی ید امیرالمؤمنین علیه السلام و الفضل بن عباس فتبعه الناس . فقال : یا ایها الناس انه قد آن منی حقوق یعنی رجیلا و قد امرت ان استغفر لاهل البقیع ثم جاء حتی دخل البقیع . قال : السلام علیکم یا اهل التربة السلام علیکم یا اهل الغربة لیهنکم ما اصبح الناس فیه ات الفتن کقطع اللیل المظلم یتبع اولها آخرها ثم استغفر لهم و اطال الاستغفار و رجع فصعد المنبر و اجتمع الناس حوله فحمدالله و اثنی علیه ثم قال ایها الناس انه قد آن منی حقوقی فاءن جبرئیل کان یاءتینی یعارضنی بالقرآن فی کل سنة مرة و انه قد عارضنی به فی هذالسنة مرتین و لا اقوال ذلک الا لخصورا جلی فمن کان له علی دین فلیذکره لا عطیه و من کان له عندی عدة فلیذکرها اعطه ایها الناس لا یتمنی متمنی و لا یدعی مدع فانه و الله لا ینجی الا العمل و رحمة الله ولو عصیت لهویت ثم رفع طرفه الی السماء و قال اللهم هل بلغت .

روایت شده که : آن بزرگوار چون مریض شد در مرضی که در آن به رحمت الهی واصل گردید از منزل خارج شد در حالتی که سر مبارک را به عصابه بسته بود و بر شانه امیرالمؤمنین علیه السلام و فضل بن عباس تکیه داده بود. پس مردم به همراه آن حضرت حرکت کردند. پس فرمود: ای مردم رفتن من از میان شما نزدیک شده و من مأمور شده ام که برای اهل بقیع استغفار کنم. پس تشریف آورد تا این که وارد بقیع شد. پس فرمود: سلام بر شما ای کسانی که در این تربت پاک آرمیده اید. و سلام بر شما ای کسانی که در این بلاد و دیار غربت به سر می برید. هر آینه گوارا باد شما را دوری از فتنه هایی که مردم صبح کرده اند در آن فتنه ها مانند پاره های شب تاریک یکی پس از دیگری ظاهر می گردد. پس استغفار فرمود و طول داد استغفار را برای آنها. پس به مسجد بازگشت فرمود و بالای منبر تشریف برد و مردم در اطراف او جمع شدند. و حمد و ثنای خدا را گفت پس فرمود: ایها الناس به درستی که رفتن من از میان شما نزدیک شده، برای این که جبرئیل در هر

سال یک مرتبه قرآن را بر من عرضه می داشت اما در این سال دو مرتبه عرضه داشته . و این نیست مگر برای نزدیک شدن اجل من . پس هر کس از من طلبی دارد به یاد بیاورد تا به او بپردازم . و هر کس را وعده داده ام بگویند تا به او عطا کنم . ای مردم کسی آرزوی بیجا نداشته باشد و ادعای بی مورد نکند. قسم به خدا که سبب نجات نیست مگر دو چیز عمل و رحمت خدای متعال . و اگر من معصیت کنم سرنگون خواهم شد. (شاید مراد عذاب جهنم باشد نعوذ بالله) پس چشم مبارک خود را به طرف آسمان انداخت و گفت : خدایا من رساندم به مردم آنچه باید برسانم .

و قال صلی الله علیه و آله : ایاکم و محقرات الذنوب فان لها من الله طالبا و انها لتجمع علی المرء حتی تهلكه .

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: پرهیزید و دوری کنید از گناهان کوچک که آنها مورد مواءخذه قرار می گیرد و در نامه عمل هر کس جمع می شود تا این که او را به هلاکت اندازد.

و قال علیه السلام : لو تعلمون ما اعلم لضحکتکم قليلا و لبکیتم كثيرا علی انفسکم و لخرجتم علی الصعدات تبکون علی اعمالکم . ولو تعلم البهائم من الموت ما تعلمون ما اکلتم سمینا.

می فرماید: اگر شما آنچه را که من می دانم می دانستید هر آینه کم خنده می کردید و بسیار به حال خودتان گریه می کردید و هر آینه خارج می شدید بر کوهها و بر اعمال خود گریه می کردید. و اگر حیوانات از مردن می دانستند آنچه را شما می دانید هیچ گاه گوشت سمین و فربه نمی خوردید.

و قال صلی الله علیه و آله : اما و الله لو تعلمون ما اعلم لبکیتم علی انفسکم و لخرجتم علی الصعدات تندمون علی اعمالکم و لترکتکم اموالکم لا حارس لها و لا خائف علیها و لکنکم نسیتم ما ذکرتم و امنتم ما حذرتم فبئسکم ما ربکم و تشئت علیکم امرکم اما و الله لوعدت ان الله الحقنی بمن هو خیرلی منکم قوم و الله میامین الرأی مراجیح الحکمة مقاویل الصدق منادیک البغی مضوا قدما علی الطريق و اخضوا علی الحجة ظفروا بالعقبی الدائمة و الکرامة الباقیة اما و الله لیظهر علیکم غلام ثقیف الدیال المال یاءکل خضرکم و یذیب شحمتکم انه ابا درجة یعنی بذلک الحجاج بن یوسف لهما یهتّم به .

فرمود: آگاه باشید به خدا قسم اگر می دانستید آنچه را من می دانم هر آینه به خود می گریستید و به کوهها می رفتید و از گناهان خود پشیمان می شدید و هر آینه رها می کردید اموال خود را بدون حافظ و خوفی هم بر آن یاد شما آورده اند و ایمن شده اید از آنچه که شما را از آن ترسانیده اند و به شک و شبهه گرفتار شدید و کارهای شما پراکنده شده آگاه باشید به خدا قسم به من وعده داده شده که خدای متعال مرا ملحق فرماید به کسانی که برای من از شما بهتر باشند مردمی که دارای رایهای متین و محکم هستند و کارهای آنها حکمیانه و گفتار آنها صدق ، از بغی و سرکشی دوری می کنند. و آنها از گذشته بر طریق حق بوده اند و پنهان شده اند با این که حجت بر حقانیت خود دارند آنها بر عالم بقا و دائمی ظفر پیدا کرده اند و به بزرگواری دائمی و همیشگی رسیده اند. آگاه باشید به خدا قسم پسر ثقیف بر شما مسلط می شود که مالها را جمع می کند و نعمت های خوب شما را می خورد و در اثر ظلم و ستم پیه شما را آب می کند و او در نهایت درجه ظلم و ستم نسبت به شما خواهد بود. مقصود حضرت حجاج بن یوسف بوده برای اهمیت او در ظلم و ستم .

و قال صلى الله عليه وآله : ان الزاهدين فى الدنيا تبكى قلوبهم و ان ضحكوا و يشند حزنهم و ان فرحوا و يكثر مقتهم انفسهم و ان اغتبطوا بما رزقوا.

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: زاهدین در دنیا قلبهایشان گریان است گرچه می خندند، و حزن آنها بسیار است گرچه در ظاهر خوشحال به نظر می رسند. و خود را بر کارهای خلاف خود بسیار ملامت می کنند گرچه مورد غبطه باشند به واسطه نعمت هایی که به آنها روزی داده شده است .

و قال صلى الله عليه وآله فى خطبة : اما بعد فان الدنيا قد ادبرت و اذنت بوداع و ان الآخرة قد اقبلت و اشرفت باطلاع الا و ان اليوم مضمار و غدا السباق و السبعة الجنة و الغاية النار افلا تائب من خطيئته قبل منيته الاعمال لنفسه قبل يوم يؤسه و حسرته الا و انكم فى ايام عمل من ورائه اجل فمن عمل فى ايام عمله قبل حضورا جله نفعه و لم يضره اجله و من قصر فى ايام عمله فقد خسر عمله و ضره اجله الا فاعموا فى الرغبة كما تعملون فى الرهبة الا و انى لم اركالجنة نام طالبها و لا كالنار نام هاربها و انه من لم ينفعه الحق يضره الباطل و من لم يستقم به الهدى يرد الضلال الا وانكم قد امرتم بالضعن و دلتم على الزاد و ان اخوف ما اتخوف عليكم اتباع الهوى و طول الامل فتزودوا من الدنيا فى الدنيا مما تنجون به انفسكم .

آن حضرت در خطبه خود فرمود: بعد از حمد و ثنای پروردگار عالم جلت عظمتش پس به درستی که دنیا پشت کرده است و اعلان وداع نموده و آخرت رو کرده است و می آید و مشرف است یعنی به همین زودی ظاهر خواهد شد. آگاه باشید امروز روز عمل است و فردا در قیامت روز سبقت است و سبقت به جانب بهشت است برای مؤمنین و متقین و پایان کار کفار جهنم است . پس آیا توبه کننده ای نیست که قبل از رسیدن وقت موتش توبه کند. آیا کسی نیست که برای نجات خود عملی انجام دهد پیش از روزی که مایوس و ناامید باشد و دست او به کاری نرسد و سرانجام به حسرت مبتلا گردد. آگاه باشید شما در روزهای عمل هستید که دنبال او تمام شدن فرصت است ، پس کسی که عمل کند و روز مهلت پیش از رسیدن روز مرگش عمل او به او نفع می دهد و تمام شدن مدت و رسیدن روز موعود به حال او ضرری ندارد. و کسی که کوتاهی در عمل کند در مدتی که مهلت دارد و عملش و رسیدن آن روز آخر به حال او ضرر دارد چون اول عذاب و سختی اوست و آن روز به خسران و ضرر خود پی می برد. پس آگاه باشید عمل کنید در روز ایمنی مانند روزی که می ترسید. آگاه باشید من ندیدم مثل بهشت را که طالب آن به خواب رود و ندیدم مثل آتش را که فرار کننده از آن به خواب رود. و به تحقیق هر کس از حق بهره نبرد باطل به او ضرر می زند و هر کس هدایت او را به راه راست راهنمایی نکرد ضلالت او را گمراه می کند. آگاه باشید شما در این دنیا امر شده اید به بهره برداشتن و راهنمایی شده اید به آنچه که برای زاد و توشه سفر پرخطر طولانی آخرت باید بردارید. و به درستی که آنچه بیشتر از هر چیز بر شما می ترسم دو چیز است یکی پیروی از هواها و تمایلات نفسانی و دیگر آرزوی بسیار ماندن در دنیا و تهیه لوازم آن خرجی راه بردارید در حالی که در دنیا هستید و چیزهای آن در اختیار شماست از آن چیزها که به سبب آن می توانید خود را نجات دهید.

يقول العبد الفقير الى رحمه الله و رضوانه الحسن بن محمد الديلمي تغمدہ الله برحمته و رضوانه ان هذا الكلام منه لعظيم الموعظه و جليل الفائدة بليغ المقالة لو كان كلام ياءخذ بالازدجار و الموعظه لكان هذا يكفى به قاطعا لعلائق الامال و قادحا لزناده الا تعاض و الا يقاظ ياءتخذ الله با عناق المتفكرين فيه و المتبصرين الى الزهد و يضطرهم الى عمل الاخره فاعتبروا و تفكروا و تبصروا الى معانيه يا اولى الالباب .

این بنده فقیر به سوی رحمت خدا و رضایت او هست فرزند محمد الدیلمی ، که خدا او را به رحمت و رضایت خود فرو گیرد، می گوید: به درستی که این کلام از آن بزرگوار بسیار موعظه بزرگی است و فایده مهم دارد و گفتار رسایی است که اگر کلامی برای موعظه و بازداشتن از معاصی خواسته باشیم هر آینه همین ما را کافی است که قطع علایق دنیا کنیم و آرزوها را کوتاه کنیم و بهترین ریسمان است بر گردن اهل فکر که آنها را موعظه کند و از خواب غفلت بیدار نماید و سبب بینایی آنها گردد که ناچار به اعمال و کارهای نافع برای آخرت پردازند. پس ای صاحبان عقل عبرت بگیرید و فکر کنید و به معانی آن بینایی پیدا کنید.

و قال صلى الله عليه و آله فى خطبة اخرى تجرى هذا المجرى : انظروا الى الدنيا نظر الزاهدين فيها الصارفين عنها فانها و الله عن قليل تزيل الثاوى الساكن و تفجع المترف الامن لا يرجع ما تولى منها فادبر و لا يدري ماهوات منها فينتظر سرورها مشوب بالحزن و جلد الرجال منها الى الضعف و الوهن فلا تغرنكم كثرة ما يعجبكم فيها لقلة ما يصحبكم منها فرحم الله امرء تفكر فاعتبر فابصر و كانما هو كائن من الدنيا عن قليل لم يكن و ما هو كائن من الآخرة عما قليل لم يزل و كل معدود منقص و كل متوقع ات و كل ات قريب دان و العالم الى الله لعبد و كله الله بنفسه جائر عن قصد السبيل سائر بغير دليل ان دعى الى حرث الدنيا عمل و ان دعى الى حرث الآخرة كسل كان ما عمل له واجب عليه و مادنى عنه ساقط عنه و ذلك زمان لا يسلم فيه الا كل مؤ من ان شهد لم يعرف و ان غاب لم يتفقد اولئك مصابيح الهدى و اعلام السرى ليسوا بالمصابيح و لا المذابيح البذر اولئك يفتح الله عليهم ابواب رحمة و يكشف عنهم ضرقتهم . يا ايها الناس انه سيأتى عليكم زمان يكفى فيه الاسلام كما يكفى الاناء بما فيه يا ايها الناس ان الله تعالى قد اعادكم من ان يحم عليكم و لم يعذبكم من ان يبتليكم لقوله تعالى : ان فى ذلك لايات و ان كنا لمبتلين . (١٥٤)

در خطبه دیگر که در همین مورد و به همین مضمون است فرمود: به دنیا از روی زهد و بی رغبتی نگاه کنید و توجه خود را از آن بردارید. به خدا قسم به همین زودی ها ساکنین آن از آن کوچ خواهند کرد و مترفین و اهل طغیان ناگهان نیست و نابود می گردند. آگاه باشید کسی که از راه اشتباهش برنگردد به زودی به بدبختی گرفتار خواهد شد و از آینده خود نیز خبر خوش ندارد که انتظار آن را ببرد سرور دنیا با حزن و اندوه آمیخته شده و مردان قوی رو به ضعف و سستی می روند. پس بسیاری چیزها که از آنها خوششان می آید شما را مغرور نکند، برای این که زود از دست شما می رود. پس خدا رحمت کند کسی را که فکر کند و عبرت بگیرد پس بینا شود. و گویا آنچه از دنیا می باشد به همین زودی ها نابود است و آنچه از آخرت می باشد به این کیفیت است که هرگز زایل نخواهد شد. و هر چه به شمار آید ناقص است و هر چه توقع آن هست آینده است . و عالم کسی است که قدر خود را بداند. و همین جهالت برای شخص بس است که قدر خود را نداند و به تحقیق دشمن ترین بندگان در

پیشگاه قدرت حق آن کس است که خدا او را به خود واگذارد و از راه راست منحرف گردد و بدون راهنما راه بیماید. اگر او را به سوی منافع دنیا بخوانند به سرعت می رود. و اگر به سوی کارهای آخرت دعوت کنند و حال کسالت رو می آورد. گویا آنچه از کار دنیا انجام می دهد بر او واجب است و آنچه از امور آخرت که در آن سستی می ورزد از او ساقط است. و این در زمانی است که سالم نمی ماند در آن مگر هر مؤمن گمنام که اگر حضور پیدا کند شناخته نشود و اگر غائب و پنهان باشد کسی از او جستجو نکند. اینان چراغهای هدایت اند و راهنمای بندگان. آنها اهل فساد و شایعه ساز نیستند، بلکه اینانند که خدا درهای رحمتش را به سوی آنها گشوده و به سبب آنها بلاها را دفع می فرماید. ای مردم زود باشد بیاید بر شما زمانی که اسلام برای شما کافی باشد چنانچه آنچه در ظرف است او را کافی است یعنی حقایق اسلام به نحوی ظاهر شود که دیگر احتیاج به غیر آن نباشد. ای مردم خدای متعال شما را از عذاب حمیم جهنم پناه داد و عذاب را سبب امتحان شما قرار نداده. چنانچه فرموده: به تحقیق که در این علامات است گرچه ما آنها را مبتلا کنیم.

مخفی نماند که الفاظ این خطبه های شریف در متن کتاب خیلی مغلوط بود لذا این خطبه آخر را از کتاب نهج البلاغه نقل می کنم و خطبه های گذشته را تا حدی اصلاح کردم چنانچه غلطی ملاحظه شد به اصل آن مراجعه بشود (مترجم).

و قال علی علیه السلام فی خطبة اخرى تجری هذالمجرى : الا و ان الدنيا قد تصرمت و آذنت بانقضاء و تنکر معروفها و ادبرت حذا فهی تحفز بالفناء سكانها و تحدو بالموت جيرانها و قد امر منها ما كان حلوا و كدر منها ما كان صفوا یبق منها الا سملة كسملة الا داوة او جرعة كجرعة المقللة لو تمررها الصديان لم ينقع فازمعو عباد الله الرحيل عن هذه الدار المقدور على اهلها الزوال و لا يغلبنكم فيها الامل و لا يطولن عليكم فيها الامل فو الله لو حننتم حنین الو له العجال و دعوتهم بهدیل الحمال و جارتم جوار متبتل الرهبان و خرجتم الى الله من الاموال و الاولاد التماس القرية اليه فی ارتفاع درجة عنده او غفران سيئة احصتها كتبه و حفظها رسله لكان قليلا فيما ارجو لكم من ثوابه و اخاف عليكم من عقابه و الله لو انماثت قلوبكم انميئا و سالت عيونكم من رغبة اليه اورهة من دما ثم عمرتم فی الدنيا مالدينا باقيه ماخرت اعمالكم ولو لم تقو شيئا من جهدكم انعمه عليكم العظام و هداه اياكم للاءيمان .

آگاه باشید دنیا رو به فنا و نیستی نهاده و گذشتش را اعلام کرده و خوشی آن باقی نمی ماند. و به زودی رو برمی گرداند و ساکنین خود را به فنا و نیستی می کشاند و همسایگان را به سوی مرگ میراند. سیرنی های آن به تخیل مبدل شده و صافی های آن تیره گردیده. پس از این دنیا باقی نمانده مگر ته مانده ای مانند ته مانده آب در مشک کوچکی یا باقی نمانده از آن مگر جرعه ای پس تشنه تشنگی او بر طرف نشود. پس ای بندگان خدا برای کوچ کردن از این سرا که برای اهلش زوال و نیستی مقدر شده آماده شوید. و آرزو بر شما غالب نشود و مدت زندگانی در آن به نظر شما طولانی نیاید. پس سوگند به خدا اگر بنالید مانند ناله شتران غمزده فرزندان مرده و بخوانید مانند خواندن کبوتر و فریاد و زاری نمایید مانند فریاد و زاری راهبی که دنیا را ترک کرده و از مالها و فرزندان در راه خدا بگذرید برای درخواست تقرب از جهت بلندی مقام و منزلت نزد او یا آمرزش گناهی که نوشته شده و فرشتگان او آن گناه را ثبت نموده اند هر آینه کم است در مقابل ثوابی که از جانب خداوند متعال من برای شما امیدوارم و کم است در مقابل عذاب او که من بر شما می ترسم. و به خدا قسم اگر برای شوق

به حق تعالی یا برای ترس از او دل‌های شما گداخته شود یا از چشم‌هایتان خون جاری گردد و به این حال در دنیا زندگی کنید مادامی که باقی است این اعمال و منتهی درجه کوشش شما برابری با نعمتهای بزرگ خداوند که به شما عطا فرموده نمی نماید و مساوی راهنمایی نمودن او شما را به سوی ایمان نمی گردد.

و قال رسول الله صلى الله عليه و آله : انه ليظهر النفاق وترفع الامانة و تقيض الرحمة و يتهم الاعمين و يؤتمن الخائن اتكم الفتن كامنات الليل المظلم .

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: به تحقیق که نفاق ظاهر می گردد و امانت برطرف می شود و رحمت تمام می شود و امین متهم می شود و خائن امین می گردد و فتنه ها مانند شبهای تاریک به سوی شما می آید.

و جاء في قوله تعالى : و نادوا يا مالک ليقتض علينا ربك (۱۵۵)، قال ينادون اربعين عاما فلا يجيبهم ثم يقول انكم ما تكون فيقولون ربنا اخرجنا منها فان عدنا فانا ظالمون فيدعون اربعين عاما فيقال لهم اخسئوا فيها و لا تكلمون فيئس القوم بعدها فلم يبق الا الزفير والشهيق كما تتناهق الحمير.

در تفسیر این آیه کریمه : ندا می کنند ای مالک از خدا بخواه که عذاب ما تخفیف داده شود یا این که کار ما تمام شود و خدای متعال ما را بمیراند، فرمود: چهل سال این ندا را می کنند و کسی به آنها جواب نمی دهد پس از چهل سال به آنها جواب داده می شود که شما اینجا باید باشید و مرگی برای شما نیست و عذاب شما دائمی است پس می گویند: ای خدای ما را از این عذاب خارج فرما اگر باز عود و بازگشت به گناه کردیم ما ظلم کننده و مستحق عذاب می باشیم . پس چهل سال می گذرد و به آنها و گفته آنها اعتنایی نمی شود تا اینکه به آنها چنین جواب داده می شود دور شوید و حرف ننزید. پس آنها بعد از این جریان مایوس می شوند و دیگر امیدی برای آنها باقی نماند مگر صدای زفیر و شهیق در جهنم همچنان که خر صدا می کند. زفیر و شهیق به یک معنی است و فرق بین آنها این است که زفیر اول صدای خر است و شهیق آخر آن .

و قال صلى الله عليه و آله يشهد باهل النار الجوع على ما هم فيه من العذاب فيستغيثون بالطعام فيغاثون بطعام ذي غصة و عذاب اليم و شراب من حميم فيقطع امعائهم فيقولون لخرنة جهنم ادعوا ربكم يخفف عنا يوما من العذاب فيقال لهم الم تك تاءتيكم رسلكم بالبينات قالوا بلى قالوا فادعوا و ما دعاء الكافرين الا في ضلال .

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: اهل جهنم در شدت گرسنگی واقع می شوند با آن عذابها که برای آنهاست ، پس طلب طعام می کنند. و در مقابل خواسته آنها طعامی به آنها داده می شود که آن را ذی غصه می نامند به جهت این که در گلوی آنها می ماند و فرو بردنش برای آنها سخت است و غذایی دردناک است ، و آبی به آنها می دهند که از گرمی و داغی احشاء و امعاء آنها را قطعه قطعه می کند. پس به خازنین جهنم می گویند که از خدای خود بخواهید که یک روز عذاب ما را تخفیف دهد. به آنها گفته می شود: آیا پیغمبران خدا بر شما وارد نشدند و در میان شما مبعوث نگردیدند و احکام الهی را برای شما بیان نکردند؟ عرض می کنند، بلی پیغمبران آمدند. گفته می شود: دعا کنید و هر چه می خواهید بخواهید و نیست خواسته های کافران مگر در هلاکت .

و قال الحسن علیه السلام : ان الله تعالى لم يجعل الاغلال في اعناق اهل النار لانهم اعجزوه و لكن اذا اطفئ بهم الله ارسالهم في قعرها ثم غشي عليه فلما افاق من غشوته قال يا بن آدم نفسك نفسك فانما هي نفس واحدة ان نجوت و ان هلكت لم ينفعك نجات من نجى .

ترجمه :

حضرت امام حسن علیه السلام فرمود: این که خدای متعال جلت عظمته اهل آتش را غل به گردن آنها قرار می دهد نه برای این است که آنها خدا را عاجز کنند، یعنی بتوانند فرار کنند و لیکن وقتی شعله آتش آنها را گرفت آن غل سنگین آنها را به قعر جهنم می کشد. چون حضرت این را فرمود حالت غش به او عارض شد چون به حال اول برگشت فرمود: ای فرزند آدم در نجات خود بکوش در نجات خود بکوش که آن یک نفس است اگر نجات پیدا کردی نجات پیدا کردی و اگر هلاک شدی به تو نفعی نمی دهد نجات آن کس که نجات یافت .

و قال رسول الله صلى الله عليه و آله : ويل للاغنياء من الفقراء يوم القيمة يقولون ربنا ظلمونا حقوقنا التي فرضت عليهم في اموالهم .

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: وای بر اغنیاء از فقراء در روز قیامت می گویند: خدایا اغنیاء به ما ظلم کردند و حقوق ما را ندادند آن حقوقی که تو بر آنها در مالهایشان واجب فرمودی .

و قال علیه السلام : بئس العبد عبد سهی و لهی و غفل و نسی القبر و البلاء و بئس العبد عبد طغی و بغی و نسی المبدء و المنتهى و بئس العبد عبد يقوده الطمع و يطغيه الغنى ويرديه الهوى الحديث رواه الخليفة بن الحصين .

فرمود: بد بنده ای است بنده فراموش کار و بازیگر و آن که غفلت کند از خدا و احکام خدا و قیامت و ثواب و عقاب و بهشت و جهنم و امثال اینها و فراموش کند قبر و پوسیده شدن و کهنه شدن در آن را. و بد بنده ای است بنده ای که سرکشی کند و ظلم نماید و اول و آخر را فراموش کند، یعنی اول خلقت خود را با اراده و قدرت الهی و بازگشت به سوی رحمت او. و بد بنده ای است بنده ای که طمع او را می کشاند و ثروت او را سرکش می کند و تمایلات او را پست و بی ارزش می کند. تا آخر حدیث که آن را خلیفه پسر حصین نقل کرده .

قال قيس بن عاصم : و فدت على رسول الله صلى الله عليه و آله في جماعة من بنى تميم فقال لي اغتسل بماء و سدر فاعتسلت ثم رجعت اليه فقلت يا رسول الله صلى الله عليه و آله اعطنا موعظة ننتفع بها فقال يا قيس ان مع العز ذلا و ان مع الحياة موتا و ان مع الدنيا آخرة و ان لكل شىء حسيبا و على كل شىء رقيب و ان لكل حسنة ثوابا و لكل سيئة عقابا و انه لا بد لك يا قيس من قرين يدفن معك و هو حي و تدفن معه و انت ميت فان كان كريما اكرمك و ان كان لثيما اسلمك ثم لا تدفن الا معه و لا يدفن الا معك فلا تجعله الا صالحا لانه اذا كان صالحا لا يونسك الا هوون كان فاحشا لا يوحشك الا هو فقال يا رسول الله لو نظمت شعرا فتخرنا على من يلينا من العرب فاراد ان يدعو حسانا لينشد فيه فقال له رجل يقال له صلصال بن دهمسن شعرا.

تخیر خلیطا من فعالک انما

قرین الفتی فی القبر ما کان یفعل

فلا بد الموت من ان تعده

لیوم ینادی المرفیه فیقبل

فان کنت مشغولا بشی فلا تکن

بغیر الذی یرضی به الله تشغل

فلن یصحب الانسان من بعد موته

و من قبله الا الذی کان یعمل

الا انما الانسان ضیف لا هله

یقیم قلیلا بینهم ثم یرحل

قیس بن عاصم می گوید: من با جماعتی از طایفه بنی تمیم بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شدیم پس آن حضرت به من فرمود: با آب و سدر غسل کن! پس غسل کردم و به خدمت آن حضرت باز گشتم و عرض کردم یا رسول الله به ما موعظه ای فرما که به آن نفع ببریم. پس حضرت شروع به موعظه بلیغه ای فرمود که اکنون ذکر می شود. فرمود: ای قیس هر عزتی را دلتی است. و با زندگی دنیا مرگ هست. و بر هر چیز حافظ و مراقبی هست. و برای هر خوبی ثوابی و برای هر بدی عذابی می باشد. و به تحقیق ای قیس تو ناچار باید رفیق و دوستی از اعمال و کردار داشته باشی. و او با تو در قبر تو دفن می شود در حالی که زنده است و تو با او دفن می شوی و حال آن که مرده ای. پس اگر آن رفیق تو با کرامت و بزرگواری باشد تو را گرامی می دارد و اگر لثیم و پست باشد تو را واهی گذارد و نفعی برای تو نخواهد داشت. پس تو با اوایی و او نیز با تو و ملازم یکدیگر خواهید بود. پس او را قرار نده مگر صالح، زیرا اگر صالح باشد مونس تو غیر او نیست. و اگر از نظر شرع مقدس اسلام زشت و ناپسند باشد تو را به ترس و وحشت نمی اندازد مگر او. قیس عرض کرد یا رسول الله دوست داشتیم این موعظه شریف در قالب اشعاری در می آمد که بقای آن بیشتر و سبب افتخار ما بود بر عربها که در اطراف ما هستند. پس پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله اراده فرمودند که حسان شاعر را دعوت کنند تا این کار را انجام دهد شاعر دیگر که او را صلصال بن دلهمس می گفتند حاضر بود و کلمات شریفه رسول الله صلی الله علیه و آله را به نظم آورده که اشعار او ذکر شد اکنون ترجمه آن تقدیم می گردد.

برای خود رفیق و دوستی از افعال و کارهای خود قرار ده و اختیار کن ، چون که قرین و مونس انسان در قبرش آن کارهایی است که در دنیا انجام می داده . و ناچار باید هر کس بعد از مردن چیزی داشته باشد که در وقتی که او ندا می کنند که چه آورده ای و چه کرده ای آن عمل را ارائه دهد. پس آن عمل باید شایسته باشد که مورد قبول واقع گردد. پس هرگاه در دنیا مشغول به کاری هستی به غیر آنکه مورد رضای خداست مشغول نباش . و هرگز بعد از مردن و قبل از آن در همین دنیا با انسان مصاحبت و رفاقت نمی کند مگر عملش . آگاه باشید انسان در این دنیا در نزد اهل و کسانش به منزله مهمانی است که اندکی در میان آنها می ماند و بعد از آن کوچ می کند و به عالم دیگر می رود.

و قال رسول الله صلى الله عليه و آله : لكل انسان ثلاثة اخلا اما احدهم فيقول ان قدمتنى كنت لك و اما الآخر فيقول انا معك الى باب الملك ثم اودعك وامضى عنك و اما الثالث فيقول انا معك لا افارقك فاما الاول فما له و اما الثاني فاهله و ولده و اما الثالث فعمله فيقول و الله كنت عندى اهون الثلاثة فليتنى لم اشتغل الا بك .

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: برای هر انسان سه دوست است . اما یکی از آنها می گوید: اگر مرا پیش فرستادی برای تو نفع خواهم داشت و اما دیگری می گوید من با تو هستم تا آن در ورودی که بر خداوند وارد می شود. (مراد قبر است .) و اما سوم می گوید من با تو هستم و از تو جدا نخواهم شد. پس آن اول مال اوست و دوم اهل و اولاد او هستند و سوم عمل اوست . و چون آن سه دوست را می بیند و وفاداری سومی را مشاهده می کند می گوید: ای عمل به خدا قسم تو در نزد من از آن دو، بی اهمیت تر بودی و به تو کمتر اعتنا می کردم و ای کاش من در زندگانی خود مشغول نبودم مگر به تو.

و قال العرياص بن ساويه وعظنا رسول الله صلى الله عليه و آله موعظة زرفت العيون و وجلت منها القلوب فقلنا يا رسول الله ان هذه موعظة مودع فما تعهد اليها قال لقد تركتكم على الحجة البيضاء ليلها كنهارها لا يزيغ بعدها الاهالك و من يعيش منكم يري اختلافا كثيرا فعليكم بما عرفتم من سنتي من بعدى و سنة الخلفاء الراشدين من اهل بيتي فعضلوا عليهم بالنواجد و اطيعوا الحق و لو كان صاحبه عبدا حبشيا فاءن المؤمن كالجبل الانوف حيث ما قيد استقاد.

عریاص بن ساویه گفت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله موعظه فرمود ما را به موعظه ای که چشمها را گریاند و قلبها را ترساند. پس گفتیم : یا رسول الله این موعظه خدا حافظی است پس چه عهد می فرمایی به سوی ما. فرمود شما را واگذارم بر حجت های روشن که شب آن مانند روزش می باشد و بعد از آن گمراه نمی شود مگر هلاک شوند . و هر کس از شما زنده ماند و اختلافات بسیار مشاهده کرد پس بر شما باد به آنچه که می شناسید از سنت من بعد از من و سنت خلیفه های راستین و راهنما از اهل بیت من . پس با آنها با جدیت موعظه شوید و حق را اطاعت کنید از هر کس دیدید و شنیدید اگرچه صاحب آن غلام حبشی بوده باشد. پس به درستی که مؤمن مانند کوه بلند و سرکشیده است هر کجا هست ثابت است .

و قال اميرالمؤمنين عليه السلام في قوله تعالى : ثم لتسئلن يومئذ عن النعيم ، (١٥٦) قال : الصحة و الامن و القوة و العافية . و قيل الماء البارد في ايام الحر.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در این آیه کریمه : هر آینه در آن روز از نعمتها سؤال می شوید، فرمود: مراد از نعمت صحت بدن و امنیت و قوت و عافیت است . و گفته شده که : مراد آب سرد است در روزهای گرم .

مطابق روایات صحیح مراد از نعمت در این آیه کریمه ولایت اهل بیت پیغمبر و ائمه معصومین علیهم السلام می باشد (مترجم).
و کان رسول الله صلی الله علیه و آله اذا شرب الماء قال : الحمد لله الذی لم یجعلہ اجاجا بذنوبنا و جعله عذبا فراتا بنعمته .

وجود مقدس پیغمبر صلی الله علیه و آله هرگاه آب می آشامیدند می فرمودند: تمام حمد مختص آن خدایی است که این آب را به سبب گناهان ما شور و تلخ قرار نداد و آن را به نعمت و رحمتش شیرین و گوارا نمود.

و قال سفیان بن عیینہ ما من احد من عبادالله الا والله الحجة علیه اما مهمل لطاعة الله او مرتكب لمعصية او مقصر فی شكره .

سفیان بن عیینہ گفته : هیچ کس از بندگان حق تعالی نیست مگر این که خدای متعال جلت عظمت بر او حجتی دارد، یعنی از راهی مقصر و محکوم پیشگاه الهی می باشد. یا این که مسامحه و کوتاهی در اطاعت و بندگی خدا نموده است ، یا این که مرتکب معصیتی شده ، و یا اینکه کوتاهی در شکرگزاری خلاق عالم جلت عظمت نموده است .

قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یقول الله تبارک و تعالی یا بن آدم ما تنصنی اتحب الیک بالنعیم و تتبغض الی بالمعاصی خیری الیک نازل و شرک الی صاعد و لم یزل و لا یزال فی کل یوم ملک کریم یاءتینی عنک بعمل قبیح یا بن آدم لو سمعت و صفک من غیرک و انت لا تدری من الموصوف لساغت الی مقتہ .

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند متعال می فرماید: ای فرزند آدم تو با من با انصاف رفتار نمی کنی من با تو دوستی می کنم و نعمتهایی به تو مرحمت می کنم و تو با من دشمنی می کنی و معصیت مرا انجام می دهی . خیر و رحمت من به سوی تو نازل است و شر تو به سوی من صاعد است . همیشه در هر روز ملک بزرگواری اعمال قبیحه ای را از تو به سوی من می آورد. ای پسر آدم اگر کسی آنچه در تو هست از اعمال شنیعه و اخلاق ردیه و رفتار قبیحه توصیف کند و تو زندانی این صفات چه کسی است ، یعنی مراد او را ندانستی و نفهمیدی که تو را توصیف می کند فوراً شروع می کردی به ملامت و سرزنش صاحب این کارها.

و قال علیه السلام : لا یغرنک من ربکم طول النسیه و تمادی الامهال و حسن التقاضی فان اخذه الیم و عذابه شدید ان الله تعالی فی کل نعمة حقا و هو شکره فمن اداه زاده و من قصر فیه سلبه منه فلیراکم الله من انقمة و جلین کما یریکم بالنعمة فرحین .

فرمود: مغرور نکنند شما را طول فراموشی از پروردگارتان مهلت زیادی که خدا به شما مرحمت فرماید و نیکو حکم کردن ، پس به تحقیق مؤ اخذ الهی دردناک است و عذاب او سخت است . به درستی که برای خدا در هر نعمتی حقی هست و آن شکرگزاری اوست پس کسی که آن را اداء کرد نعمت را بر او زیاد خواهد فرمود و کسی که در شکرگزاری کوتاهی کرد نعمت را از او

خواهد گرفت . پس در کفران نعمت برای شما از طرف حق تعالی دو ترس است : یکی سلب نعمت و دیگری عذاب کما اینکه در شکر نعمت دو فرح و شادی هست یکی برخورداری از نعمت و دیگری زیاد شدن و دوام پیدا کردن آن .

قال ابن عباس آخر آیه نزلت : واتقوا یوما ترجعون فیه الی الله ثم توفی کل نفس ما کسبت و هم لا یظلمون . (۱۵۷)

ابن عباس گفته آخر آیه ای که نازل شد آیه مذکور است که معنی آن به فارسی چنین است : بترسید از روزی که در آن به سوی خدا بازگشت خواهید کرد پس هر کس کاری انجام داده و کسب کرده و او خواهد رسید و ظلمی به او نخواهد شد.

و قال رسول الله علیه و آله : انی لاعرف آیه من کتاب الله لو اخذ بها جمیع الناس کفتهم . قالوا یا رسول الله صلی الله علیه و آله و ما هی فقال : و من یتق الله یجعل له مخرجا و یرزقه من حیث لا یحتسب . (۱۵۸)

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: به درستی که من آیه ای از قرآن می شناسم که اگر تمام مردم پیرو آن باشند آنها را کافی است . عرض کردند: یا رسول الله کدام است ؟ فرمود: این آیه است : کسی که از خدا بترسد و محرمات را ترک بنماید خداوند متعال برای او راه خروجی از مشکلات و بلیات قرار می دهد و او را از جایی روزی می دهد که گمان نمی برده .

باب ششم : در بر حذر داشتن از عقوبت گناهان در دنیا

قال الله تعالى : فكلوا اخذنا بذنبة فنهم من ارسلنا عليه حاصبا و منهم من اخذته الصيحة و منهم من خسفناه الارض و منهم من اغرقنا و ما كان الله ليظلمهم و لكن كانوا انفسهم يظلمون . (۱۵۹)

در حالات کسانی که عذاب بر آنها در این عالم نازل گردید خدای متعال می فرماید: پس تمامی آنها را به گناهانشان گرفتیم . بعضی از آنها با تندباد به هلاکت رسیدند. مانند قوم عاد. و بعضی از آنها در اثر صیحه آسمانی ، که صدای جبرئیل بوده ، هلاک شدند. و قومی دیگر را غرق دریا کردیم چون فرعون و اتباعش . و دسته ای را به زمین فرو بردیم ، مانند: قارون . و چنین نیست که خداوند به آنها ظلم کرده باشد لیکن خود آنها بودند که به خود ظلم نمودند.

و قال رسول الله صلى الله عليه و آله : يظهر في امتي الخسف و القذف قالوا متى يكون ذلك يا رسول الله قال اذ ظهرت المغارف و القينات و شرب الخمر و الله لياءتين اناس من امتي على عشرو بطرولعب يصحبون قرده و خنازير لاستحالمهم الحرام و اتخاذهم القينات و شرب الخمر و اكلهم الربا و لبسهم الحرير.

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: در امت من خسف و قذف ظاهر می شود، یعنی فرو رفتن به زمین و فرو ریختن بلا بر آنها از آسمان مانند بمبارانها که در این زمان معمول شده . گفتند: یا رسول الله چه زمان این بلاها ظاهر خواهد شد؟ فرمود: هنگامی که ظاهر شود استعمال آلات لهو و زهای خواننده و نوشیدن مسکرات . به خدا قسم مردمی از امت من بر سرکشی و طغیان و بازی شب می کنند و صبح می کنند در حالی که به صورت میمون ها و خوک ها مسخ شده اند؛ برای اینکه چیزهای حرام و حلال می دانند و زهای خواننده برای خود تهیه می کنند و شراب می خورند و ربا می گیرند و لباس حریر می پوشند.

قال عليه السلام : اذا جارالحاكم قـل المطر و اذا غدر باهل الذمه ظهر عليهم عدوهم و اذا ظهرت الفواحش كانت الرجفة و اذا قلت الامر بالمعروف اسبيح الحريم و انما هو التبديل ثم التدبير ثم التدمير.

فرمود: هنگامی که حاکم اسلام جور و ظلم کرد باران رحمت از آسمان کم می گردد. و هنگامی که با اهل ذمه و کسانی که در پناه اسلام هستند بی وفایی و شکستن عهد انجام شد دشمنان آنها به آنها مسلط می گردند و وقتی که فواحش و گناهان ظاهر شدن زمین می لرزد و اهلش را هلاک می کند. و در هنگامی که امر به معروف کم شد محرمات و کارهای حرام مباح می گردد. و برای امر به معروف سه مرتبه است اول تبدیل ، یعنی کارهای خلاف به کارهای مشروع و دینی بدل شود. دوم تدبیر، یعنی با نقشه صحیح منحرفین را به راه دین برگرداندن . سوم تدمیر، یعنی اگر از اصلاح آنها مایوس شدند آنها را به هلاکت رسانده و اعدام نمایند.

باب هفتم : در کوتاه کردن آرزوها

قال الله تعالى : فذرهم ياكلوا و يتمتعوا ويلهمم الامل فسوف يعلمون . (۱۶۰)

واگذار آنها را بخورند و بهره مند شوند و آرزوهایشان آنها را از رسیدن به سعادت ابدی باز دارد پس زود باشد که بدانند چه فرصت خوبی در دنیا داشتند و چه کمالاتی در اثر علم و عمل می توانستند به دست آورند.

و قال رسول الله صلى الله عليه و آله : جاء الاجل دون رجاء الامل .

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: اجل اولاد آدم می رسد و امید و آرزوها به پایان نمی رسد.

و قال بعضهم : لو رآيت الاجل و مسيره لا بغضت الامل و غروره .

بعضی فرموده اند: اگر اولاد آدم اجل و راه آن را می دیدند هر آینه آرزوها و مغرور شدن به آن را دشمن می داشتند.

و قال انس : كنا عند رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم فوضع ثوبه تحت راسه و نام فهب ریح عاصفة فقام فزعا و ترك رداءه فقلنا يا رسول الله مالک فقال ظننت ان الساعة قد قامت .

انس گفت : خدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله بودیم . آن حضرت جامه خود را زیر سر نهاد و به خواب رفت . پس باد شدید وزید . پیغمبر صلی الله علیه و آله ترسناک از خواب برخاست و ردای خود را بر نداشت ما عرض کردیم : یا رسول الله صلی الله علیه و آله شما را چه روی داد؟ فرمود: گمان کردم قیامت بر پا شد.

و قال عليه السلام : يهرم ابن آدم و يبقى معه اثنان الحرص و طول الامل .

فرمود: فرزند آدم پیر می شود و با او دو چیز باقی می ماند یکی حرص و دیگری آرزوی طولانی و دور و دراز.

و قال اميرالمؤمنين عليه السلام في خطبة : اتقوا الله فكم من مؤمل مالا يبلغه و جامع مالا ياءكله و لعله من باطل جمعه و من حق منعه اصابه حراما و ورثه عدوا فاحتمل اصره و باء بوزره و رد على ربه خاسرا اسفا لا حقا قد خسر الدنيا و الآخرة ذلك هو الخسران المبين .

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه خود فرموده : از خدا بترسید چه بسیار کسی که آرزو دارد چیزی که به او نمی رسد و چه بسیار جمع کننده چیزی که آن را نمی خورد و شاید از راه باطل آن را جمع کرده و شاید حقوقی که به آن تعلق گرفته منع کرده و نداده یا حق شریکی در آن بوده و او را از دادنش خودداری کرده از راه حرام به دست آورده و از روی عدوان و تجاوز به ارث برده ، گنااهش را حمل کرده و وزر و وبالش را به عهده گرفته و به سوی خدای خود رفته در حالت زیان کاری و تأسف که به او عارض شده به تحقیق در دنیا و آخرت زیان و ضرر نموده و این است ضرر آشکار.

و قال اصمعی سمعت اعرابیا يقول : ان الآمال قطعت اعناق الرجال كالسراب اخلف من رجاه و غر من رآه و من كان الليل و النهار مطيته اسرعه السير و يلحقه المحل .

اصمعی گفته : شنیدم که اعرابی می گفت به درستی که آرزوها گردن مردان را قطع کرد مانند آب نما که آن کس به امید آب به سوی او می رود خلافتش بر او ظاهر گردد و گول می زند کسی را که آن را ببیند و آن کس که شب و روز دو مرکب تندرو او می باشند به سرعت او را می برند و به محل منظور و مورد نظرش ملحق می کنند.

و انشد بعضهم :

و یمشی المرء ذا اجل قریب

و فی الدنيا له امل طویل

و یعجل للرحیل و لیس یدری

الی ماذا یقریه الرحیل

شخص می رود در حالی که اجلش نزدیک است و در دنیا برای او آرزوی طولانی هست و تعجیل می کند برای رفتن و نمی داند که رفتن او به کجا منتهی می گردد و به چیز نزدیک می گردد.

و قال آخر:

یا ایها المطلق آماله

من دون آمالک آجال

کم ابلت الدنيا و کم جدت

فینا و کم تبلی و تغتال

ای کسی که جلو آرزوهای خود را رها کرده هنوز به آرزوها نرسیده اجلها هست . دنیا چه بسیار نو و کهنه دارد در ما و چه بسیار امتحان و غافل گیریها دارد.

و قال الحسین علیه السلام : یا بن آدم انما انت ایام کما مضی یوم ذهب بعضک .

امام حسین علیه السلام فرمود: ای پسر آدم این است و جز این نیست که تو چند روزی پیش نیستی و هرگاه یک روز بگذرد بعضی از تو گذشته است .

و قال بعضهم لرجل کیف أصبحت فقال أصبحت و الله فی غفله من الموت مع ذنوب قد احاطت بی و اجل مسرع اقدم علی هول لا ادری علی ما اقتحم فمن اسوء حالا منی و اعظم خطرا ثم بکی .

بعضی از زهاد گفته : به مردی گفتم که چگونه صبح کردی ؟ جواب داد به خدا قسم صبح کردم در حال غفلت از مرگ با گناهان بسیار که به من احاطه کرده و اجل و مرگی که با سرعت به جانب من می آید. وارد می شوم بر هول و وحشتی که نمی دانم بر چه جای هولناکی می افتم پس با چنین حال کیست که از من بدحال تر باشد و خطرش بزرگتر باشد این بگفت پس بگریست .

دخل ابوالعتاهیه علی ابی نواس فی مرضه الذی مات فیه فقال کیف تجد نفسک فقال ابو نواس شعرا:

رب فی الغنی سفلا و علوا

و ارانی اموت عضوا فعضوا

ذهبت جدتی بطاعه نفسی

فتذکرت طاعه الله نضوا

لیس من ساعه نضت بی الا

نقصتني بمر هالی جزوا

قد اسأت کل الاسائه فاللهم

صفحا عنا و عفوا عفوا

ابولعتاهیه داخل شد بر ابونواس در مرضی که در آن مرد پس گفت چگونه خود را می یابی ؟ ابونواس در جواب شعری گفت که ترجمه اش این است :

چه بسا در حال بی نیازی به پستی و بلندی رسیدم . و می بینم اعضای من یکی پس از دیگری می میرد. همه کوشش من در اطاعت از نفس طی شد و در حال خستگی و سستی به یاد عبادت خدا افتادم . هیچ ساعتی از عمر من نمی رود مگر این که با تلخی های خود جزوی از من را ناقص می کند. به تحقیق بد کردم به نهایت بدی خدایا از من در گذر و ما را مشمول عفو خود بفرما.

و قال الآخر:

يُمد المني للمرء آمال نفسه

و سهم الردى من لحظ عينيه قد نزع

لمن يجمع المال البخیل و قد اءرى

مصارع من قد کان بالامس قد جمع

آرزوها شخص را به دنبال خواهشهای دل می کشاند. و حال آن که تیر پستی از مقابل چشم او گذر می کند. برای چه کسی بخیل مال جمع می کند و حال آن که قبرهای کسانی را می بیند که دیروز با او بودند و جمع کردند و گذاشتند و رفتند.

باب هشتم : در کوتاهی عمرها و به سرعت گذشتن و مغرورنشدن به آن

قال النبی صلی الله علیه و آله : اعمار امتی ما بین الستین الی السبعین و قل من یتجاوزها.

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: عمرهای امت من ما بین شصت و هفتاد است و کم است که کسی از هفتاد بیشتر شود.

و جاء فی قوله تعالی : اولم نمرکم ما یتذکر فیہ من تذکر (۱۶۱)، انه معاتبه لابن الاربعین . و قیل : لابن ثمانیة عشر سنه و قد جائکم النذیر، و هو الشیب .

در تفسیر آیه کریمه که مفاد آن این است که : (آیا به شما عمر ندادیم آنچه که به یاد افتد در او کسی که یادآور می شود) آمده است که این آیه عتاب است برای کسی که سن او به چهل سال و بعضی فرموده اند هیجده سال رسیده باشد. و به تحقیق به سوی شما ترساننده آمد، یعنی پیری .

و فی قوله تعالی : و قد بلغت من الکبر عتیا (۱۶۲)، جاوزت الستین .

مراد از آیه کریمه که از قول حضرت زکریا نقل فرموده که : (به تحقیق رسیدم از پیری به حالت شکستگی) این است که از شصت سال رد شدم .

و روی : ان الله تعالی ملکا ینادی یا ابناء الستین عدوا انفسکم فی الموتی .

و روایت شد که : برای حق تعالی ملکی است که فریاد می کند ای کسانی که شصت سال از عمر شما گذشته خود را در شمار مردگان در آورید.

و قال بعضهم : یوشک ان من ساد الی منهل ستین سنه ان یرده .

بعضی گفته اند: نزدیک است کسی که سیر او به حد شصت سال رسیده است او را برگردانند، یعنی پیش تر نرود.

و انشد بعضهم :

تزود من الدنیا فانک لا تبقی

و خذ صوفوها لما صفت و دع الزلعا

و لا تاءمن الدهر انی امنته

فلم یبق لی خلا و لم یبق لی خلفا

بعضی فرموده اند: توشه و بهره بردار از دنیا که تو در آن باقی نخواهی ماند و از چیزهای نیکوی آن برای خود بردار و واگذار چیزهای پست را. از خطرات روزگار ایمن مباش بدرستی من ایمن شدم پس نه دوستی برای من باقی گذاشت و نه فرزندی .

و قال آخر:

تزود من الدنيا فانك راحل

و بادر فان الموت لا شك نازل

و ان امرء قد عاش ستين حجه

و لم يتزود للمعاد فجاهل

دیگری گفته : بهره برداری کن از دنیا به درستی که تو کوچ کننده ای و پیشی بگیر به تحقیق که مرگ بدون شک وارد می شود. و به تحقیق کسی که شصت سال زندگانی کرد و برای معاد خود زاد و توشه بر نگرفت پس جاهل است .

و قال آخر:

اذا كانت الستون عمرک لم یکن

لدائک الا ان تموت طیب

و ان امرء قد عاش ستين حجه

الی منهل من ورده لقریب

اذا ذهب القرن الذی انت فیهم

و خلفت فی قرن فانت غریب

دیگری گفته : وقتی که عمر تو به شصت سال رسید دیگر طیبی برای درد تو به غیر از مردن نیست . و به درستی که کسی که شصت سال زندگی کند به سوی محل ورود خود نزدیک شده است . وقتی که گذشت آن قرنی که تو در آن با کسانی که وجود داشتند زندگی می کردی و باقی ماندی در قرن بعد پس تو غریبی .

و قال : فی قوله تعالی : انما نعد لهم عدا، (۱۶۳) قال الانفاس یخسرها من انفقها فی غیر طاعة الله .

در تفسیر آیه کریمه مذکور که فارسی آن این است که : جز این نیست که شماره کرده ایم برای آنها شماره کردنی فرمودند: مراد نفسهای انسانی است که هر کس آنها را در غیر طاعت خدا صرف کرده باشد به خسران و زیان افتاده است .

و قال بعضهم : العمر قصیر و السفر بعید فاشتغل بصلاح ایامک و تزود لطول سفرک و انتفع بما جمعت فقدمه من ممرک الی ممرک قبل ان تتزعج عنه فتحاسب به و یحصی به غیرک فما اقل مکنتک فی دار الفناء و اعظم مقامک فی دار البقاء.

بعضی از عباد فرموده : عمر کوتاه است و سفر دور است پس مشغول شو به اصلاح روزهای خود و توشه بردار برای سفر طولانی خود. و به آنچه جمع کرده ای بهره مند شو و نفع ببر. پس پیش بفرست از خانه مرورت که دنیا است برای خانه قرارت که آخرت است پیش از آن که قطع علاقه کنی از آن و دست از آن برداری ، پس حساب آن بر تو باشد و در تصرف دیگری در آید. پس چه بسیار کم است ماندن تو در این خانه فانی و چه بسیار بزرگ است ماندن تو در خانه باقی .

و قال بعضهم شعرا:

لهفی علی عمر ضیعت اوله

و مال آخره الاسقام و الهرم

کم اقرع السن عند الموت من ندم

و این یبلغ قرع السن و الندم

هلا انتهیت و وجه العمر مقبل

و النفس فی جده و العزم مخترم

بعضی گفته اند: تأسف من بر عمری است که اولش را ضایع کردم و در آخر آن گرفتاری پیری و مرضها شدم . چه بسیار دندانها را به روی یکدیگر باید فشار دهم وقت مردن ولی به کجا می رسد فشار دندان و پشیمانی . چرا باز نایستادی از گناه و حال آن که جهت عمر برگشته است و نفس در کوشش است و عزم خاموش .

و قال فی قوله تعالى : لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم ، قال الشباب . ثم ردناه اسفل سافلین (۱۶۴)، قال الهرم .

فرمود: مراد از احسن تقویم در این آیه کریمه که خدا می فرماید: هر آینه به تحقیق خلق کردیم انسان را در احسن تقویم ، جوانی است . و مراد از اسفل سافلین که می فرماید: پس برگردانیدیم او را به اسفل سافلین ، پیری است .

و قال : بعضهم الشيب زائد الموت و نذير الفنا و رسول المنيه و قاطع الامنيه و اول مراحل الاخره و مقدمه الهرم و رائد الانتقال و نذير الاخره و واعظ فصيح و هو للجاهل نذير و للعاقل بشير و هو سمه الوقار و شعار الخيار و مركب للحمام و الشباب حلم المنام .

بعضی گفته اند: پیری قاصد مرگ است ، و ترساننده از فنا و نیستی است ، فرستاده مرگ است ، قطع کننده آرزوها است ، و اول منازل آخرت است ، و مقدمه شکستگی ، و قاصد انتقال ، ترساننده آخرت و واعظ فصیح است . و برای جاهل ترساننده است و برای عاقل بشارت دهنده است . و آن علامت وقار است و شعار نیکان و مرکب مرضها و جوانی ایام غفلت و خواب است .

و قيل : لشيخ من العباد ما بقي منك مما تحب له الحيوه فقال البكاء على الذنوب .

به پیری گفته شد: از آنچه زندگی را برای آن می خواستی چه باقی مانده ؟ جواب داد گریه بر گناهان .

و قال النبی صلی الله علیه و آله : خیر شبابکم من تزیا بزی کھولکم و شر کھولکم من تزیا بزی شبابکم .

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: بهترین جوانان شما جوانی است که مانند پیران رفتار کند و بدترین پیران شما آن است که بخواهد به روش جوانان در آید.

و قال صلی الله علیه و آله : قال الله تعالى : و عزتی و جلالی انی لاستحیی من عبدی و امتی یششیان فی الاسلام ان اعذبهما. ثم بکی صلی الله علیه و آله فقیل : مم تبکی یا رسول الله ؟ فقال : ابکی لمن استحیی الله من عذابهم و لا یستحیون من عصیانه .

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خدای متعال جلت عظمتش فرموده : به عزت و جلال خود قسم یاد می کنم من هر آینه از بنده خود از زن و مرد آنان که در اسلام موی خود را سفید کرده اند حیا می کنم که آنها را عذاب کنم .

آنگاه پیغمبر صلی الله علیه و آله گریست . عرض کردند: یا رسول الله برای چه گریه می کنید؟ فرمود: گریه ام برای کسانی است که خدا از عذاب کردن آنها حیا می فرماید و آنها از گناه و معصیت خدا حیا نمی کنند.

و قال ، بعضهم : من اخطاته سهام المنیه قیده عقال الهرم .

بعضی گفته اند: کسی که تیرهای مرگ از او رد شود و به او اصابت نکند زانو بند پیری او را پای بند می کند.

و قال بعضهم : شعرا:

انی اری رقم البلاء فی

قرن رءسک قد نزل

و اریک تعثر دائما

فی کل یوم بالعلل

و الشیب و العلل الكثير

من علامه الاجل

فاعمل لنفسک ایها

المغرور فی وقت العمل

من می بینم نوشته بلا در بالای سر تو فرود آمده است . و می بینم که تو در هر روز در اثر علت ها لغزش پیدا می کنی . و پییری و دردهای بسیار علامت مرگ است . پس ای مغرور تا وقت باقی است برای خود کاری بکن .

و قال بعضهم :

و لقد رایت صغیره

فسرت شیئا بالخمار

قالت غبار قد علاک

فقلت ذاغیر الغبار

هذا الذی نقل

الملوک الی القبور من الدیار

است برده قبرها سوی به دیارها و شهر از را سلاطین که چیزی این . غبار غیر گفتم است آمده بالا گرد گفت کردم تفسیر کوچکی پوشش آن چیز دیدم تحقیق به آینه هر<

باب نهم : در مرض و دردها و مصلحت آنها

قال رسول الله صلى الله عليه وآله : يوما لاصحابه ايكم يحب ان يصح و لا يسقم قالوا كلنا يا رسول الله . فقال اتحبون ان تكونوا كالحمير الضالة الا تحبون ان تكونوا اصحاب الكفارات و الذى نفسى بيده ان الرجل لتكون له الدرجة فى الجنة ما يبلغها بشىء من عمله و لكن بالصبر على البلاء و عظيم الجزاء لعظيم البلاء و ان الله اذا احب عبدا ابتلاه بعظيم البلاء فان رضى فله الرضا و ان سخط فله السخط.

روزی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به اصحاب فرمود: کدام یک از شما دوست دارد که صحیح باشد و به مرض نزدیک نباشد؟ عرض کردند: یا رسول الله همه ما چنین هستیم . فرمود: آیا می خواهید مانند خران گم شده باشید آیا دوست ندارید که به واسطه بلاها گناهان شما بر طرف شود و بلاها کفاره گناهان شما باشد. قسم به خدایی که جان من به دست قدرت اوست برای شخص در جائی در بهشت هست که به آن نخواهد رسید مگر به صبر بر بلا و جزای بزرگ در مقابل بلای بزرگ است .

و به درستی که خدای متعال چون بنده را دوست دارد او را مبتلا می کند به بلای بزرگ . پس اگر راضی شد خدا از او راضی است ، و اگر به غضب آمد و ناراحت شد خدا بر او غضب خواهد کرد.

و قال عليه السلام : لو يعلم المؤمن حاله فى السقم ما احب يفارق السقم .

حضرت فرمود: اگر مؤمن می دانست که در مرض چه ثوابها برای او هست دوست نداشت که مرض از او جدا شود.

و قال عليه السلام : يود اهل العافية يوم القيمة ان لحومهم قرضت بالمقاريض لما يرون من ثواب اهل البلاء.

حضرت فرمود: در روز قیامت کسانی که در دنیا با صحت و عافیت به سر بردند دوست دارند که گوشت بدن آنها را با مقراض در دنیا چیده بودند برای آنچه که می بینند از ثوابها که به اهل بلا می دهند.

و قال موسى : يارت لأمراض يضينى و لا صحة تسينى و لكن بين ذلك امراض تاره فاذا كرك واصح تارة اشكرک .

موسی عرض کرد: خدایا نه مرضی که مرا از پای در آورد و نه صحتی که موجب شود فراموشی نعمتهای تو را، و لیکن بین این دو که گاهی مریض شوم و به یاد تو افتم و گاهی صحت بدن داشته باشم و شکر تو را به جا آورم .

و روى : ان ابا الدرداء مرض فعادوه ، فقالوا اى شى تشتكى فقال ذنوبى ، قالوا فای شى تشتهى فقال المغفرة من ربى فقالوا لاند عولک طبیباً؟ فقال الطیب امراضنى . قالوا فاستله عن سبب ذلك فقال : سئلته فقال انى افعل ما اريد.

نقل شده که : ابودرداء مریض شد پس جمعی به عیادت او رفتند گفتند: از چه شکایت داری ؟ گفت : از گناهان خود. گفتند: چه چیز میل داری ؟ گفت : آمرزش از طرف خدا. گفتند: آیا طبیبی برای تو طلب کنیم ؟ گفت : طبیب مرا مریض کرده . گفتند: پس از او سبب و علت آن سؤال کن گفت : من سؤال کردم فرمود: من آنچه اراده کنم به جا خواهم آورد.

و مرض رجل فقیل : له الا تتداوی ؟ فقال : ان عادا و ثمود و اصحاب الرس و قرونا بین ذلک کنیرا کان لهم اطباء و ادواء فلا الناعت بقی و لا المنعوت له و لو کانت الا دواء لما مات طبیب و لا ملک .

مردی مریض شد به او گفته شد: چرا خود را معالجه نمی کنی ؟ پس گفت : قوم عاد و ثمود و اصحاب رس و کسانی که در بین آنها در زمانهایی بودند برای آنها طبیب ها بود و دواهایی داشتند نه آن کس که وصف دواها را می دانست و خاصیت آنها را مطلع بود باقی ماند و نه آن کسی که برای او وصف دواها گفته شد. و اگر دواها از دردها جلوگیری می کرد هر آینه هیچ طبیب و سلطانی نمی مرد.

باب دهم : در ثواب عیادت مریض

عن ابی عبدالله علیه السلام قال قال رسول الله : صلى الله عليه و آله الحمی رائد الموت و سجن الله فی ارضه و حرها من جهنم و هی حظ كل مؤ من النار و نعم الوجع الحمی تعطی كل عضو حقه من البلاء و لا خیر فیمن لا یتلی . و ان المؤمن اذا حم حمة واحدة تناثرت عنه الذنوب كورق الشجرة . فان آن علی فراشه فانینہ تسبیح و صیاحه تهلیل و تقلبه فی فراشه کمن یضرب فی سبیل الله فان اقبل یعبد الله فی مرضه کان مغفورا له و طوی له . و حمی لیلة کفارة سنة لان المها یقی فی الجسد سنة فهی کفارة لما قلبها و لما بعدها . و من ابتلی لیلة فقبلها و ادى شکرها كانت له کفارة ستین سنة لقبولها و منة لصبره علیها . و المرض للمؤمن تطهیر و رحمة و للکافرین عذاب و لعنة . و لا یزال المرض بالمؤمن حتی لا یبقی علیه ذنب . و صداع لیلة تحط کل خطیئة الا الکبائر .

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: تب فرستاده مرگ است و زندان خدا در زمین او و گرمی او از جهنم است . و آن بهره هر مؤمن از آتش است . و نیکی دردی است تب ، حقوق اعضاء بدن را از بلاها عطا می کند . و خیری نیست در کسی که مبتلا نشود . و مؤمن وقتی که یک مرتبه تب کند گناهان مانند برگ درخت از او فرو می ریزد . اگر بر فراش خود ناله کند ناله اش ثواب تسبیح دارد . و هرگاه از درد فریاد زند ثواب گفتن لا اله الا الله دارد . و هرگاه از شدت درد از این پهلوی به آن پهلوی بغلتد مانند کسی است که شمشیر در راه خدا بزند . و اگر در آن حال برای عبادت خدا بر خاست مورد مغفرت و آمرزش حق قرار می گیرد . و خوشا به حال او تب یک شب کفاره گناهان یک سال است ! برای این که الم و درد او تا یک سال در بدن او باقی می ماند . پس آن کفاره ما قبل و ما بعد می باشد . و کسی که یک شب مبتلا شود و آن بلا را قبول کند و ناراضی نباشد و شکر خدا به جا آورد کفاره شصت سال او می گردد؛ برای اینکه آن را قبول کرده . و این منتهی است بر او در مقابل صبرش . و مرض برای مؤمن سبب پاکی و رحمت می گردد و برای کافر سبب عذاب و لعنت است . و مؤمن همیشه در مرض هست تا گناهی بر او باقی نماند . و سر درد یک شب همه گناهان را می ریزد مگر گناهان کبیره .

و قال صلی الله علیه و آله : للمریض فی مرضه اربع خصال : یرفع عنه القلم و یاءمر الله الملک یکتب له ثواب ما کان یعمله فی صحته و تساقط ذنوبه کما یتساقط ورق الشجر و من عاد مریضا لم یسئل الله تعالی الا اعطاه و یوحی الله تعالی الی ملک الشمال لا نکتب علی عبدی مادام فی وثافی شیئا والی ملک الیمین ان اجعل انینہ حسنات . و ان المرض ینقی الجسد من الذنوب کما ینقی الکیر خبث الحدید . و اذا مرض الصغیر کان مرضه کفارة لوالدیه .

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: از برای مریض در حال مرضش چهار خصلت هست : اول اینکه : قلم از او برداشته می شود . و خدا امر می فرماید ملک را که ثواب در نامه عملش می نویسد ، یعنی آن کارهای خوب که سابق انجام می داده و اکنون در اثر مرض نمی تواند انجام دهد ثواب آن کارها را در نامه عملش می نویسد . دوم اینکه : گناهانش می ریزد چنان که برگ از درخت می ریزد . سوم اینکه : هر کس او را عیادت کند چیزی از خدا سؤال نمی کند مگر این که به او عطا می فرماید . چهارم اینکه : خدای متعال به ملک دست چپ می فرماید ننویس بر بنده من چیزی را تا وقتی که در پناه من است ، یعنی مریض است . و

به سوی ملک دست راست خطاب می کند که ناله های بنده مرا حسنه و ثواب قرار بده و بنویس . و به تحقیق که مرض بدن را از گناهان پاک می کند، چنان که کوره آهنگری زنگار آهن را پاک می کند و هنگامی که طفل خرد سالی مریض شود مرض . او کفاره پدر و مادر است .

و روی : فیما ناجی به موسی ربه ان قال یارب اعلمنی مالعیادة المریض من الاجر فقال سبحانه : اوکل به ملکا یعوده من فی قبره الی محشره قال یا رب فما لمن غسله قال اغسله من ذنوبه کما ولدته امه فقال یا رب فما لمن شیع جنازته قال اوکل بهم ملائکتی یشیعونهم فی قبورهم الی محشرهم قال یا رب ما لمن عزا مصابا علی مصیبة قال اظله بظلی یوم لا ظل الا ظلی .

نقل شده : در آنچه که موسی با خدای خود مناجات کرد عرض کرد: ای خدای من آگاه کن مرا که برای عیادت مریض چقدر اجر و ثواب است ؟ پس خداوند سبحان فرمود: موکل می کنم بر او ملکی را که عیادت می کند او را در قبرش و با او هست تا این که وارد صحرای محشر شود. موسی عرض کرد: ای خدای من چه ثوابی هست برای کسی که او را غسل دهد؟ فرمود: من او را می شویم از گناهانش ، چنان که از مادر متولد شده . پس گفت : ای خدای من چه ثواب است برای کسی که تشیع جنازه او کند؟ فرمود بر آنها ملائکه ام را موکل می کنم که همراهی می کنند آنان را در قبرشان تا به محشرشان . موسی عرض کرد: ای خدای من چیست برای کسی که تسلیت بگوید مصیبت زده را در مصیبت او؟ فرمود: او را سایه رحمت خود داخل می کنم در روزی که سایه ای جز سایه من نیست .

و قال النبی صلی الله علیه و آله : عاید المریض یخوض فی الرحمة فاذا جلس ارتمس فیها و یتحب الدعاء له فیقول العائد للمریض : اللهم رب السموات السبع و رب الارضین السبع و ما فیهن و ما بینهن و ما تحتهن و رب العرش العظیم اشفه بشفائک و ادوه بدوائک و عافه من بلائک و اجعل شکایتہ کفارة لما مضی من ذنوبه و لما بقی ، و یتحب للمریض الدعا لعائده فان دعائه مستجاب و یکره الا طاعة عند المریض .

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود عیادت کننده مریض در رحمت خدا سیر می کند و چون در نزد آن مریض نشست در رحمت خدا فرو می رود. و مستحب است در نزد مریض دعا کردن در حق او، پس عیادت کننده چنین گوید: ای خدایی که تربیت کننده ای و صاحب آسمانهای هفت گانه و صاحب زمین های هفت گانه و آنچه در آنهاست و آنچه بین آنهاست و آنچه زیر آنهاست ، و تو پروردگار عرش عظیم هستی شفا بده او را به شفای خودت و دوا بده به دواي خود و عافیت و سلامتی بده او را از بلاهای خودت .

خدایا شکایت او را در حال مرضش کفاره گناه گذشته و باقیمانده او قرار بده ! و مستحب است برای مریض دعا کردن در حق عیادت کننده ، که دعای او مستجاب است . و نشستن زیاد و طولانی در نزد مریض کراهت دارد.

باب یازدهم : در توبه و شرایط آن

قال الله تعالى : يا ايها الذين امنوا توبوا الى الله توبة نصوحا (۱۶۵) یعنی بالنصوح لا رجوع فيها الى الذنب .

خداوند می فرماید: ای کسانی که ایمان آورده اید به سوی خدا برگردید برگشتنی که نصوح باشد.

مراد از نصوح این است که بعد از توبه در آن بازگشت به گناه نباشد.

قال الله تعالى : انما التوبة على الله للذين يعملون السوء بجهالة ثم يتوبون من قريب فاولئك يتوب الله عليهم . (۱۶۶)

خدای متعال فرموده است : این است و جز این نیست قبول بازگشت بر خدا از برای کسانی است که از روی جهالت و نادانی کار بد و گناه می کنند پس به زودی بازگشت به سوی خدا می کنند پس اینها را خدا توبه می دهد یعنی بازگشت آنها مورد قبول خداست .

مراد از جهالت که در آیه کریمه است جهالت به عذاب الهی است ، و گفته شده که : مراد جهالت به عظمت خدای متعال و مؤ اخذه او بندگان را به گناهانشان در حالی که در گناه واقع می شوند می باشد.

ثم قال تعالى : و ليست التوبة للذين يعملون السيئات حتى اذا حضر احدهم الموت قال اني تبت الان و لا الذين يموتون و هم كفار (۱۶۷) نفی سبحانه قبول التوبة عند مشاهدة اشراط الموت و انما هي مقبولة ما لم يتيقن الموت .

پس خدای سبحان فرمود: و نیست بازگشت برای کسانی که اعمال و کارهای بد به جا می آورند تا وقتی که مرگ یکی از آنها حاضر می شود و می گوید. من الآن بازگشت می کنم . و نیز بازگشت نیست برای آنان که بمیرند و آنها کافر باشند.

خداوند نفی فرموده قبول توبه گناهکار را در هنگام مشاهده آثار مرگ و آن کس که با کفر بمیرد. و این است و جز این نیست که توبه قبول است تا وقتی که یقین به مرگ نداشته باشد.

فان الله تعالى وعد قبوله بقوله : و هو الذي يقبل التوبة عن عباده و يعفو عن السيئات (۱۶۸)، و بقوله عن نفسه . عاقر الذنب و قابل التوب شديد العقاب (۱۶۹) فالتوبة واجبة في نفسها عن القبيح و عن الاخلال بالواجب .

پس به درستی که خدای متعال وعده فرموده قبول توبه را به قول خود که در آیه مبارکه چنین می فرماید: اوست خدایی که قبول فرماید توبه را از بندگان و از گناهان او عفو فرمود: و باز مطابق آیه دیگر از طرف خود می فرماید که : او آمرزنده گناهان است و قبول کننده توبه است و دارای عذاب سخت است . پس خلاصه این که توبه ذاتا از دو چیز واجب است ، یکی گناه و دیگری ترک واجب .

صم ان كانت التوبه عن حق الله تعالى من ترك الصلوه و الصيام و الحج و الزكوه و سائر الحقوق اللازمه للنفس و البدن اولا احد هما فيجب على التائب الشروع فيها مع القدره او العزم عليها مع عدم القدره عليها في وقت القدره و الندم على الاخلال بها في الماضي و العزم على ترك العود.

پس اگر توبه از حق خدا، بوده باشد مانند: ترک نماز، روزه، حج، زکات و دیگر حقوق که بر نفس و بدن یا بر یکی از آنها لازم است، پس بر کسی که می خواهد بازگشت کند واجب است که شروع کند در انجام آنچه ترک کرده است در صورت قدرت. و اگر در حال حاضر قدرت ندارد تصمیم بگیرد که در حال قدرت آنها را انجام دهد. و نیز باید از اخلال به واجبات که در گذشته ترک کرده است پشیمان باشد و تصمیم بگیرد که در آینده دیگر عود و بازگشت به گناه نکند.

و ان كانت التوبه عن حق الناس يجب رده عليهم ان كانوا احياء و الى ورثتهم بعد موتهم ان كانت ذلك المال بعينه و الا فمثله و ان لم يكن لهم وارث تصدق بهم عنهم ان علم مقداره و الا فيما يغلب على ظنه مساواته و الندم على عصبه و العزم على ترك العود الى مثله و يستغفر الله تعالى على تعدى امره و امر رسوله و تعدى امر امام زمانه فلكل منهم حق في ذلك يسقط بالاستغفار.

و اگر توبه از حق مردم باشد آن حق را به آنها رد کند اگر زنده باشند. و به ورثه آنها رد کند بعد از مردن آنها اگر عین آن مال موجود باشد. و اگر عین آن تلف شده است مثلش را بدهد. و اگر برای آنها وارثی نباشد به نیابت آنها صدقه بدهد در صورتی که مقدار آنها را بداند. و اگر مقدار آن را فراموش کرده به قدری بدهد که ظن غالب پیدا کند که مساوی با آن است، یعنی این قدر بدهد که یقین کند بیش از آن نیست. و در هر صورت ندامت و پشیمانی از غصب مال مسلمان داشته باشد و تصمیم بگیرد که هرگز به آن عود ننماید و مثل آن را انجام ندهد. و از خدای متعال طلب مغفرت و آمرزش کند از این که از امر او و از امر پیغمبر و امام تعدی نموده چون هر کدام در این مورد حقی دارند که با استغفار ساقط می شود.

و ان كان توبته عن اخذ عرض او نيمه او بهتان عليهم بكذب فيجب انقياده اليهم و اقراره على نفسه بالكذب عليهم و البهتان و ليستبرء لهم عن حقهم ان نزلوا او يراضيه بما يرضون به عنه .

و اگر توبه او از متعرض شدن به آبروی کسی یا سخن چینی بین آنها و بهتان به دروغ بوده باشد، پس در این صورت واجب است خود را در اختیار آنها قرار دهد و اقرار به خطای خود بنماید و دروغ خود را اظهار کند و از آنها طلب رضایت کند که ذمه او را بری کنند و حق خود را به او ببخشند. اگر از ناراحتی خود پایین آمدند. والا آنها را به هر نوعی که راضی می شوند از خود راضی کند.

و ان كان عن قتل نفس عمدا او جراح او شى في ابدانهم فينقاد اليهم بالخروج من حقوقهم على الوجه المأمور به من قصاص او جراح اوديه عن قتل نفس عمدا ان شاؤ او رضوا بالديه و الا فالقتل بالقتل .

و اگر توبه او از قتل نفس عمدی است یا جراحاتی که بر بدن کسی وارد آورده پس باید خود را در اختیار آنها قرار دهد تا از حقوق آنها بیرون آید، به آن قسمی که در دین به آن امر شده از قصاص یا پرداخت دیه از قتل نفس عمدی اگر خواستند و راضی به دیه شدند والا کشتن در مقابل کشتن .

و ان كانت التوبة عن معصيته من زنا او شرب خمر و امثاله فالتوبة عنه الندم على ذلك الفعل و العزم على ترك العود اليه . و ليست التوبة قول الرجل استغفر الله ربي و اتوب اليه و هو لا يودى حقه و لا حق رسوله و لا حق امامه و لا حق الناس فيقول الرجل هذا من دون ذلك استهزاء بنفسه و يجر عليها ذنبا بكذبه كما روى ان بعض الناس اجتاز على رجل و هو يقول استغفر الله و هو يشتم الناس و يكرر الاستغفار و يشتم فقال السامع استغفر الله من هذا الاستغفار و ترجع بل انت تهزاء بنفسك .

و اگر گناهی که از آن توبه می کند زنا یا شراب خوردن و مانند آن باشد پس توبه از آن پشیمانی از آن کار است و تصمیم گرفتن بر ترک عود به آن . و نیست توبه ، گفتن شخص استغفرالله ربی و اتوب الیه و حال آنکه حق خدا و رسول و امام و همچنین حق مردم را رد نکرده باشد. و در حقیقت این استغفار استعزاء به نفس خودش می باشد و به وسیله این دروغ گناه دیگری انجام می دهد. چنانچه نقل شده . شخصی عبورش به مردی افتاد که به مردم دشنام می داد و مکرر استغفار می کرد. پس آن شخص شنونده گفت : ای مرد از این استغفار استغفار کن و از این عمل برگرد، که تو با این نوع استغفار استهزاء به خود می کنی .

و قال رسول الله صلى الله عليه و آله : ايها الناس توبوا الى الله توبة نصوحا قبل ان تموتوا و بادروا بالاعمال الصالحة قبل ان تشغلوا واصلحوا بينكم و بين ربكم تسعدوا و اكثروا من الصدقة ترزقوا و اءمروا بالمعروف تحصنوا و انهوا عن المنكر تنصروا يا ايها الناس ان اكيستم اكثركم للموت ذكرا و ان اخوفكم احسنكم استعدادا له و ان من علامات العقل التجا في عن دارالغرور و الانابة الى دارالخلود و التزود لسكنى القبور و التاهب ليوم النشور.

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای مردم پیش از مردن توبه کنید و به سوی خدا بازگشت نمایید، چنان بازگشتی که دیگر عود به گناه نکنید. و پیشی بگیرید به اعمال صالحه پیش از آنکه مشغول شوید. و اصلاح کنید بین خود و خدا را تا سعادتمند شوید. و در راه خدا صدقه بسیار دهید تا روزی داده شوید. امر به معروف کنید تا محفوظ بمانید. نهی از منکر کنید تا یاری شوید. ای مردم به درستی که زیرک ترین شما کسی است که مهیا بودنش برای مرگ نیکوتر باشد، و به درستی که از علامات عقل چند چیز است : یکی اینکه : خود را از خانه دروغین دنیا دور نگهداشته و توجهش به خانه آخرت باشد. دیگر اینکه : مشغول تهیه و برداشتن توشه باشد برای وقتی که در قبر ساکن می شود. یکی دیگر آنکه : خود را آماده و مهیا کرده باشد برای روز نشور و قیامت .

و كانت رسول الله صلى الله عليه و آله يقول : في دعائه اللهم اغفر لي كل ذنب علي انك انت التواب الرحيم .

و قيل ان ابليس قال و عزتك لا ازال و ادعوا ابن آدم على المعصية مادامت الروح في بدنه . فقال الله تعالى : بعزتي و جلالتي لا امنعه التوبة حتى يعزب بروحه . و ما يقبض الله عبدا الا بعد ان يعلم انه لا يتوب لو ابقاه كما اخبر سبحانه عن جواب اهل النار من قولهم : ربنا اخرجنا نعمل صالحا غير الذي كنا نعمل اولم نعمركم ما يتذكر فيه من تذكر و جاء كم

النذیر (۱۷۰) و لو ترى اذ وقفوا على النار فقالوا يا ليتنا نرد و لا نكذب بايات ربنا و نكون من المؤمنین بل بد الهم ما كانوا یخفون من قبل و لو ردوا لعادوا لما نهوا عنه و انهم لکاذبون (۱۷۱)

حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله در دعای خود می فرمود و به درگاه خدای متعال عرضه می داشت : خدایا بیامرز برای من هر گناهی که بر من هست به درستی که تو بسیار قبول کننده توبه هستی و به بندگان خود مهربانی .

و گفته شده که : ابلیس ملعون گفت قسم به عزت تو دست از گمراه کردن برندارم و فرزند آدم را به سوی گناه بخوانم تا روح در بدن اوست . پس خدای متعال جلت عظمت فرمود: به عزت و جلال خودم بنده ام را از توبه منع نمی کنم تا روح از بدن او خارج شود. و خدا هیچ بنده ای را قبض روح نمی فرماید مگر بعد از آن که بداند اگر او را باقی بدارد. توبه نمی کند، همچنان که خدای متعال جلت عظمت در دو آیه مذکور از جواب به اهل عذاب خبر داده است در حالی که آرزوی بازگشت به دنیا می کنند که ترجمه آن این است : ای خدای ما خارج کن ما را عمل صالح به جا می آوریم غیر آنچه به جا آوردیم . خداوند در جواب می فرماید آیا به شما عمر ندادیم به قدری که به یاد بیفتد در او کسی که اهل پند شنیدن است و پیغمبران آمدند و شما را از عذاب ترسانند. و در آیه دوم می فرماید: و اگر ببینی آنها را آن هنگام که بر آتش ایستاده اند پس گویند ای کاش ما را بر می گردانند و دیگر منکر آیات خدای خود نمی شدیم و از مؤمنین می بودیم ، بلکه ظاهر شد بر آنها آنچه که قبلا پنهان می کردند. و اگر بر گردانده شوند هر آینه بازگشت می کنند به آن چیزی که از آن نهی شده بودند. و به تحقیق آنها در این آرزوی خود دروغ گویانند.

و کان رسول الله صلی الله علیه و آله یستغفر الله فی کل یوم سبعین مرة یقول استغفر الله ربی و اتوب الیه و کذلک اهل بیهة علیهم السلام و صلحاء اصحابه لقوله تعالی و ان استغفروا ربکم ثم توبوا الیه (۱۷۲)

پیغمبر صلی الله علیه و آله در هر روز هفتاد مرتبه استغفار می کرد و می گفت : استغفر الله ربی و اتوب الیه : طلب آمرزش می کنم از خدای خود و به سوی او بازگشت می نمایم . و همچنین بودند خاندان آن بزرگوار و صالحین و نیکان اصحابش ، که اجابت می کردند این فرمایش خدای متعال جلت عظمت را که می فرماید: طلب آمرزش کنید از خدای خود پس به سوی او باز گردید.

و قال رجل : یا رسول الله انی اذنبت فقال استغفر الله . فقال انی اتوب له ثم اعود فقال کلما اذنبت استغفر الله فقال اذا تكثر ذنوبی فقال له عفو الله اکثر فلا یزال یتوب حتی یكون الشیطان هوالمذ حور. و قال : ان الله تعالی افرح بتوبة العبد منه لنفسه و قد قال : ان الله یحب التوابین و یحب المتطهرین (۱۷۳)

مردی عرض کرد: یا رسول الله من گناه کرده ام . فرمود: استغفار کن ، یعنی از خدا طلب آمرزش کن ! گفت : من به سوی خدا بازگشت نمودم و دوباره برگشتم . فرمود: هر گاه گناه کردی از خدا طلب آمرزش کن ! گفت : در این هنگام گناهان من زیاد می شود. حضرت فرمود: عفو خدای متعال زیادتر است . آن قدر توبه بنده را قبول می فرماید تا اینکه شیطان را از او مایوس و دور فرماید. و فرمود: خدای متعال از توبه بنده خوشنودتر می شود از خود بنده از توبه اش . و

به تحقیق خدای متعال فرموده است . به درستی که خدا دوست دارد توبه کنندگان را دوست دارد که کسانی را که تحصیل طهارت و پاکی می کنند.

و قال رسول الله صلى الله عليه و آله : ما من عبد اذنب ذنبا فقام فتطهر و صلى ركعتين و استغفر الله الا غفرله و كان حقيقا على الله ان يقبله لانه سبحانه قال : و من يعمل سوء او يظلم نفسه ثم يستغفر الله يجد الله غفورا رحيمًا. (۱۷۴)

رسول الله صلى الله عليه و آله فرمود: بنده ای نیست که گناهی از او سر زند پس برخیزد و با غسل یا وضو و یا تیمم تحصیل طهارت کند و دو رکعت نماز به جا آورد از خدا طلب آمرزش کند مگر اینکه خدا او را بیامرزد. و بر خدا سزاوار است که او را قبول فرماید؛ چون وعده فرموده که : هر کس عمل بدی کنید یا ظلم به نفس خود نماید پس از خدا طلب آمرزش کند می یابد خدا را بسیار آمرزنده و مهربان .

و قال : ان العبد ليزن الذنب فيدخل به الجنة قيل و كيف ذلك يا رسول الله قال يكون نصب عينيه لايزال يستغفر منه و يندم عليه فيدخله الله به الجنة و لم اراحسن من حسنة حدثت بعد ذنب قديم ان الحسنات يذهبن السيئات ذلك ذكرى للذاكرين .

حضرت فرمود: به درستی که بنده هر آینه گناهی می کند پس به سبب آن داخل بهشت می شود! عرض شد: این چگونه می شود یا رسول الله ؟ حضرت فرمود: آنگاه همیشه در مقابل چشم اوست و فراموش نمی کند آن را و همیشه از خدا طلب مغفرت می کند و پشیمان است از آن پس خدای متعال به واسطه آن او را داخل بهشت می کند. و بهتر از حسنه ای که بعد از گناه کهنه و قدیم انجام ندیدم ، به درستی که خوبی ها بدیها را می برد. این تذکری است برای اهل ذکر و کسانی که قابلیت تذکر را دارند.

و قال : اذا اذنب العبد كان نقطة سوداء على قلبه فان هوتاب و اقلع و استغفر صفا قلبه منها و ان هو لم يتب و لم يستغفر كان الذنب على الذنب و السواد على السواد حتى يغمر القلب فيموت بكثرة غطاء الذنوب عليه و ذلك قوله تعالى : كلا بل ران على قلوبهم ما كانوا يكسبون (۱۷۵) یعنی الغطاء.

و فرمود: هنگامی که بنده گناه کند نقطه سیاهی بر قلب او پیدا می شود، پس اگر توبه کرد و از گناه باز ایستاد و از خدا طلب آمرزش نمود قلب او از آن نقطه سیاه صفا پیدا می کند. و اگر توبه نکرد و استغفار ننمود گناه بر گناه واقع می گردد و سیاهی بر سیاهی می نشیند تا اینکه قلب او را می پوشاند. پس قلب او در اثر زیادی گناه می میرد و پرده گناه آن را فرو می گیرد. و این است معنای گفته خدای متعال که می فرماید: نه چنین است بلکه انجام گناهان قلبهای آنان را پوشانیده و چرکین و زنگ آلود کرده است .

و العاقل يحسب نفسه قدمات و يسئل الله الرجعة ليتوب و يقلع و يصلح فاجابه الله فيجد و يجتهد و جاء في قوله تعالى : و لنذيقنهم من العذاب الادنى دون العذاب الاكبر لعلهم يرجعون . (۱۷۶)

و انسان عاقل چنین فرض و حساب می کند که مرده است و از خدا سؤ ال بازگشت به دنیا را می نماید تا توبه کند و از گناه باز ایستد و خود را اصلاح کند، و خدای متعال او را اجابت فرموده ، پس در زندگی تازه خود جدیت و کوشش نماید.

خداوند در آیه مزبور می فرماید: هر آینه از عذاب نزدیک و کوچکتز که عذاب دنیا باشد پیش از عذاب بزرگتر که عذاب جهنم باشد به آنها می چشاییم شاید برگردند، مراد این است که آنان را به مصیبت های دنیا نه عذاب اکبر در مال و اهل و فرزند و خودشان مبتلا می کنیم که شاید از گناهان دست بردارند و رجوع به عبادت و بندگی حق تعالی نمایند. و مراد از عذاب اکبر عذاب جهنم است . و مراد از (العلم یرجعون) این است که شاید برگردند و ترک معصیت کنند و این ممکن نیست مگر در دنیا.

و اوحی الله الی داود: احذر ان آخذک علی غرة فتلقانی بغیر حجة ، یرید التوبة .

و خدا به داوود علیه السلام وحی فرمود: بترس از اینکه تو را در حال غرور بگیرم و مرا بدون حجت ملاقات کنی ، که مراد از حجت توبه است .

و روی ان الکلمات التی تلقاها آدم من ربه فتاب علیه قوله تعالی : ربنا ظلمنا انفسنا و ان لم تغفر لنا و ترحمنا لنکونن من الخاسرین (۱۷۷).

روایت شده : آن کلماتی که آدم از پروردگار خود دریافت کرد پس به سبب گفتن آن خدای متعال توبه او را قبول کرد همین است که در این آیه کریمه از قول آدم و حوا نقل می فرماید: که ای خدا ما ظلم کردیم به خودمان و اگر تو نیامرزی ما را و به ما رحم نکنی هر آینه ما از زیان کاران خواهیم بود.

و روی انه و زوجته حوارثیا علی باب الجنة محمد و علی و فاطمه و الحسن و الحسین صلوات الله علیهم اجمعین صفوتی من الخلق فساءلا الله بهم فتاب علیهم .

روایت شده که آدم و زوجه اش حوا دیدند بر در بهشت نوشته : محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام برگزیدگان من از میان خلائق می باشند، پس از خدا سؤ ال کردند به حق آنها و خدای متعال توبه آنها را قبول فرمود:

و التوبة علی اربع خصال قوائم ندم بالقلب و عزم علی ترک العود و خروج من الحقوق و ترک بالجوارح .

توبه بر چهار خصلت استوار است : اول ندامت و پشیمانی قلبی دوم عزم بر ترک عود و بازگشت به گناه . سوم خود را از حقوق مردم خارج کردن . چهارم اعضاء و جوارح خود را از گناه پاک کردن .

و التوبه النصوح ان يتوب فلا يرجع فيما تاب عنه و التائب من الذنب كمن لا ذنب له و المصر على الذنب مع الاستغفار يستهز بنفسه و يسخر معه الشيطان و ان الرجل اذا قال استغفرک یا رب و اتوب الیک ثم عاد ثم قال کتب فی الرابعه من الکذابين .

توبه نصوح توبه ای است که در آن رجوع به گناه نباشد. و توبه کننده از گناه مانند کسی است که گناه نکرده باشد. و آن کس که اصرار بر گناه دارد و استغفار می کند خود را استهزاء و مسخره می کند. و با این حالت شیطان او را مسخره می کند. و به تحقیق شخص وقتی بگوید: ای خدا من از تو طلب آمرزش می کنم و بازگشت به سوی تو می نمایم پس به گناه عود کند و برگردد و باز چنین بگوید تا چهار مرتبه ، در مرتبه چهارم از دروغگویان نوشته شود.

و قال بعضهم : کن وصی نفسک و لا تجعل الرجال اوصیائک و کیف تلومهم علی تضییع وصیتک و قد ضیعتها انت فی حیوتک .

بعضی از زهاد فرموده اند: تو خود وصی خود باش در اصلاح کارهای خود و دیگران را وصی خود قرار مده که آنها به وصیت تو عمل نخواهند کرد. و حق نداری آنها را ملامت کنی در این کار و چگونه ملامت می کنی آنها را و حال آنکه تو خود کار خود را در حال حیات و زندگی اصلاح نکردی .

وسمع امیرالمؤمنین علیه السلام رجلا یقول : استغفر الله فقال : شکلتک امک او تدری ما حد الاستغفار الاستغفار درجه العلیین و هو اسم واقع علی سنه معان : اولها الندم علی ما مضی و الثانی العزم علی ترک العود الیه ابدًا و الثالث ان یؤدی الی المخلوقین حقوقهم حتی تلقا الله املس و الرابع آن تعمد الی کل فریضة ضیعتها فتؤدی حقها و الخامس ان تعمد الی اللحم الذی نبت علی السحت و المعاصی فتذیبه و السادس ان نذیق الجسم الم الطاعة کما اذقته حلاوة المعصية فعند ذلک تقول استغفرالله .

امیرالمؤمنین علیه السلام شنیدند که مردی می گوید استغفرالله حضرت فرمود: مادرت به عزایت بنشیند آیا می دانی حد استغفار چیست ؟ استغفار درجه بلند مرتبه هاست . و آن اسمی است که مجموع بر شش معنی اطلاق می شود: اول اینکه : نادم و پشیمان باشی از آنچه در گذشته از تو سرزده . دوم اینکه : عزم کنی که هرگز به آن کار عود نکنی . سوم اینکه : حقوق همه خلق را رد کنی تا خدا را ملاقات کنی در حالی که از حقوق مردم پاک باشی چهارم اینکه : هر واجبی از واجبات الهی را که ترک و ضایع نموده ای انجام دهی و حق آن را ادا نمایی . پنجم اینکه : گوشتی که از حرام بر بدن تو روییده با ریاضت و عبادت ، مانند روزه و بیداری شب ، آن را آب کنی تا مجددا گوشت بروید. ششم اینکه : به جسم و بدن خود سختی عبادت را بپشانی چنانچه به او شیرینی گناه و معصیت را چشانیده ای .

و لقد احسن بعضهم شعرا:

مضى امسك الماضى شهيدا معدلا

و اصبحت فى يوم عليك شهيدا

و ان كنت بالامس اقترفت اساءه

فتن بالاحسان و انت حميد

و لا تذع فعل الصالحات غد

لعل غدا ياتى و انت فقيد

دیروز تو گذشت در حالی که شاهد عادل بود بر تو و صبح کردی و وادی روزی شدی که بر تو شاهد است . و اگر در روز گذشته در حال بدی جدا شدی پس امروز نیکی و خوبی را دو برابر انجام بده تا جبران گذشته شده باشد، و وامگذار کارهای خوب را تا فردا شاید فردا بیاید و تو نباشی .

و قال آخر:

تمتع انما الدنيا متاع

و ان دوامها لا يستطاع

و قدم ما ملكت و انت حى

امير فيه متبع مطاع

و لا يغررك من توصى اليه

فقصر وصيه المرء الضياع

و ما لى ان املك ذاك غيرى

و اوصيه به لولا الخداع

و قال آخر:

اذا ما كنت متخذاً وصياً

فكن فيما ملكت وصی نفسک

ستحصد ما زرعت غذا و تجنی

اذا وضع الحساب ثمار غرسک

بهره ببر هر چه می خواهی که این دنیا متاعی بیش نیست و برای تو استطاعت نیست که آن را برای خود دوام دهی . و آنچه که مالک آن هستی تا زنده ای پیش بفرست ، چون در آن امارت و فرمانروایی داری و اختیار آن به دست تو است . و مغرور کسی نباش که به او وصیت نمایی ، کوتاهی کردن در وصیت برای شخص خدعه و مکر است . و چیست مرا که ولی و مالک کنم در مال خود غیر خودم را و به او وصیت کنم اگر خدعه و مکر نباشد.

و دیگری گفته : هنگامی که وصی برای خود گرفتی پس خود در آنچه مالک او هستی وصی خود باش . زود باشد که در روز حساب آنچه از خوب و بد در این عالم کشتی میوه آن را بچینی و درو کنی .

باب دوازدهم : در ذکر مرگ و پندهای آن

قال الحسن بن ابی الحسن محمد الدیلمی مصنف هذا الكتاب تغمدہ اللہ برحمتہ انہ من جعل الموت نصب عینہ زهد فی الدنیا و ہون علیہ المصائب و رغبہ فی فعل الخیر و حثہ علی التوبہ و قیدہ عن الفتک و قطعہ عن بسط الامل فی الدنیا و قل ان یفرح قلبہ بشی من الدنیا و ما انعم اللہ تعالیٰ علی عبد بنعمہ اعظم من ان یجعل الدار الاخرہ نصب عینہ و لہذا من اللہ علی ابراہیم و ذریتہ بقولہ تعالیٰ : انا اخلصناہم بخالصہ ذکری الدار. (۱۷۸)

مصنف این کتاب حسن ابن ابی الحسن محمد دیلمی کہ خدا او را با رحمت خود پیوشاند چنین گوید: بہ تحقیق کسی کہ مرگ را در مقابل دو چشم خود قرار دہد و ہمیشہ ناظر بہ آنان باشد در دنیا زہد می ورزد، و مصیبتہای روزگار برای او سهل و آسان می گردد، و میل و رغبت بہ کارہای خیر پیدا می کند، و این در نظر داشتن مرگ او را وادار بہ توبہ می نماید و او را مانع می شود از اینکه بہ مؤمنی قصد سویی کند کہ غفلت او را بکشد یا مجروح نماید، و او را از آرزوہای مبسوط باز می دارد. و فرح و شادی دنیا در قلب او کم یافت شود. و خدا هیچ نعمتی بہ بندہ مرحمت نفرمودہ است کہ عظیم تر باشد از اینکه خانہ آخرت را ہمیشہ مقابل چشمش قرار دہد. و برای ہمین خدای متعال بر ابراہیم و ذریہ او منت گذاردہ است کہ می فرماید: بہ درستی کہ ما آنها را خالص کردیم بہ این نحو خالص کردن کہ آنها بہ یاد آخرت می باشند.

و قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ : اکثرُوا من ذکر ہادم اللذات فانکم ان کنتم فی ضیق وسعہ علیکم فرضیتم بہ و ان کنتم فی غنی بغضہ فجذتم بہ فاجرتم لائن المنايا قاطعات الآمال و اللیالی مدنیات الآجال و ان المرء عند خروج نفسہ و حلول رمسہ یری جزاء ما تقدم و قلہ غنی ما خلف و لعلہ من باطل جمعہ و من حق منعہ .

رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ فرمود: بسیار یاد کنید شکنندہ و خراب کنندہ لذات را پس بہ درستی کہ شما اگر در مضیقہ و تنگ دستی بودہ باشید آن حالت را بہ توسعہ تبدیل می کند پس بہ آن راضی می شوید. و اگر در غنی و بی نیازی بودہ باشید آن را دشمن جلوه می دہد پس جود و بخشش می کنید و سبب اجر شما می گردد، برای اینکه مرگ آرزو را قطع می کند و طی شدن شبہا سبب نزدیکی مرگ ها می گردد. و ہر کس وقت بیرون شدن جانش و وارد شدن در قبرش نتیجہ آنچه از اعمال از پیش فرستادہ می بیند. و می بیند آنچه از او باقی ماندہ نفع او بہ حالش کم است و چہ بسا شاید از راہ باطل جمع کردہ باشد و حق را منع نمودہ باشد.

و قال امیرالمؤمنین علیہ السلام : من علم ان الموت مصدرہ و القبر مودہ و بین یدی اللہ موقفہ و جوارحہ شہیدۃ لہ طالت حسرتہ و کثرت عبرتہ و دامت فکرہ .

حضرت امیرالمؤمنین علیہ السلام فرمود: کسی کہ بداند مرگ بازگشت اوست و قبر جای وارد شدن اوست و در مقابل قدرت حق تعالی ایستادن اوست و اعضا و جوارحش شاهد بر او هستند حسرت و افسوس او طولانی می شود و گریہ او بسیار می شود و فکر او ادامہ پیدا می کند.

و قال صلى الله عليه وآله : من علم انه يفارق الاحباب و يسكن التراب و يواجه بالسحاب كان حريبا بقطع الاءمل و حسن العمل فاذكروا رحمكم الله قوله تعالى . و جاءت سكرة الموت بالحق ذلك ما كنت منه تحيد فكشفنا عنك غطاءك فبصرک اليوم حدید(۱۷۹) یعنی شاهدهتہ ما بقی عندک فیہ شک و لا ارتباب بعد ما کنت ناسیا لہ غیر مکتث بہ فقال صلى الله عليه وآله : اتدرون من اکیسکم ؟ قالوا لا یا رسول الله قال اکثرکم للموت ذاکرا و احسنکم استعدادا لہ فقالوا و ما علامتہ یا رسول الله ؟ قال التجافی دارالغرور و الانابة الی دار الخلود و التزود لسکنی القبور و التواءہب لیوم النشور.

آن بزرگوار صلى الله عليه وآله فرمود: کسی که بداند از دوستان جدا می شود و در خاک ساکن می گردد و با حساب روبرو می گردد سزاوار است که قطع امید و آرزو دنیا بنماید و عمل خود را نیکو کند. پس خدا شما را رحمت کند به یاد قول حق تعالی باشید که می فرماید: سختی های مرگ آمد و این است آنچه از آن فراری بودی پس کشف کردیم از تو پرده پیش چشم تو را پس چشم تو امروز تیز بین است یعنی آنچه را که در وی شک داشتی مشاهده می کنی و می بینی بعد از آن که او را فراموش کرده بودی و آن در نظر تو بی اهمیت بود. پس پیغمبر صلى الله عليه وآله فرمود: آیا می دانید زیرک ترین شما کیست ؟ عرض کردند: نه یا رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: آن کس که بیشتر به یاد مرگ باشد و آن کس که بهتر مهیای مرگ باشد. پس عرض کردند: یا رسول الله صلى الله عليه وآله علامت آن چیست ؟ فرمود: دوری کردن و پهلوی تهی کردن از خانه دروغین ، یعنی دنیا و قصد کردن به خانه همیشگی یعنی آخرت ، و زاد و توشه برداشتن برای ساکن شدن قبرها و مهیا شدن برای روز نشور و قیامت .

و لقد احسن من قال شعرا:

اذکر الموت هادم اللذات

و تجهز لمصرع سوف یاتی

و قال آخر:

ماذا تقول و لیس عندک حجه

لو قد اتاک منغض اللذات

ماذا تقول اذا دعیت و لم تجب

فاذا ترکت فانت فی غمراتی

ماذا تقول اذ حللت محله

لیس التقاه لا هلهما بتقاه

و به تحقیق شاعر نیکو گفته : به یاد بیاور مرگ را که خراب کننده لذتهاست و آماده شو برای خوابگاهی که به زودی می آید.

چه خواهی گفت و حال آنکه حجتی نداری اگر آمد تو را شکننده لذات . چه می گویی وقتی دعوت شدی پس جواب نمی گویی وقتی واگذاشته شوی پس تو در شاداید و سختیها هستی چه خواهی گفت وقتی وارد شدی در محله ای که موثقین برای اهل او موثق نیستند.

باب سیزدهم : در مبادرت به عمل

يقول مصنف هذا الكتاب رحمه الله انتبه ايها الانسان من رقدتك و افق من سكرتك و اعمل و انت في مهل قبل حلول الاجل .

وجد مما في يدك لما بعد موتك فان امامك عقبه امامك عقبه كئودا لا يقطعها الا المخفون فاحسن الاستعداد لها من دارتد خلتا عرياناً و تخرج منها عرياناً كما قال تعالى : و لقد جئتمونا فرادى كما خلقناكم اول مرة و تركتم ما خولناكم وراء ظهوركم و ما نرى معكم شفعائكم الذين زعمتم . (۱۸۰)

مصنف این کتاب خدا رحمتش کند گوید: ای انسان بیدار شو و از مستی خودت به هوش بیا و عمل کن در حالی که در مهلت هستی پیش از رسیدن اجل و از آنچه در دست تو است اتفاق کن برای آن منزلی که در پیش داری ؛ چون در پیش عقبات سخت داری که طی نمی کنند آن را مگر سبک باران . پس خوب مهیا شو برای پیمودن آن عقبات و گردنه ها از این خانه که برهنه وارد آن شدی و برهنه بیرون خواهی شد، چنانچه خدای متعال می فرماید: هر آینه به سوی ما می آید تنها چنانچه در اول شما را تنها خلق کردیم . و آنچه که در دنیا در اختیار شما قرار دادیم و شما را از آخرت بازداشت ، ترک خواهید کرد و دست از آن خواهید برداشت و آن را پشت سر خود در دنیا خواهید گذاشت . و ما نخواهیم دید با شما آنچه را گمان می کردید شفیعیان شما خواهند بود.

و قال النبی صلی الله علیه و آله و سلم : اعملوا فی الصحة قبل السقم و فی الشباب قبل الهرم و فی الفراغ قبل الشغل و فی الحیوة قبل الموت و قد نزل جبرئیل الی و قال لی یا محمد ربک یقرءک السلام و یقول لک کل ساعة تذکرنی فیها فہی لک عندی مدخرة و کل ساعة لا تذکرنی فیها فہی منک ضایعة .

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: به اعمال و عبادات و کارهای نیکو بپردازید در حالتی که چهار نعمت از نعم الهی در اختیار شماست پیش از آنکه در چهار چیز که ضد آنهاست واقع گردید: اول صحت بدن قبل از مریض شدن . دوم جوانی قبل از پیر شدن . سوم فارغ بودن از کارها پیش از گرفته شدن به شغلای دنیوی . چهارم زندگی پیش مرگ . و به تحقیق جبرئیل امین بر من نازل شد و برای من گفت : یا محمد صلی الله علیه و آله هر ساعتی از زندگی خود که به یاد و ذکر من باشی آن برای تو در نزد من ذخیره و محفوظ است . و در هر ساعتی که به یاد من نباشی و ذکر مرا نگویی آن ساعت از تو ضایع و باطل شده است .

و اوحی الله الی داود یا داود کل ساعة لا تذکرنی فیها عدمتها من ساعة .

و خداوند متعال جلت عظمت به حضرت داوود پیغمبر وحی فرمود که : ای داوود هر ساعتی که در آن به یاد من نیستی آن را از ساعت عمر خود مشمار، یعنی بیهوده از دست رفته است و از آن بهره مند نشدی .

و قال امیرالمؤمنین علیه السلام : ان امرء ضیع من عمره ساعة فی غیرما خلق له الجدیدان يطول علیها حسرتہ يوم القيمة .

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: کسی که یک ساعت از عمر خود را در غیر آنچه برای آن خلق شده صرف کند هر آینه سزاوار است که در روز قیامت حسرت و افسوس طولانی داشته باشد.

و قد روی ان شابا ورث من ابيه مالا جزیلا فجعل یخرجه فی سبیل الله فشکت امه الی صديق کان لابیة و قالت انی اخاف علیه الفقر فامرہ ذلک الصديق ان یستبقی لنفسه من الاموال فقال له الشاب ما تقول فی رجل ساکن فی ربط البلد و قد عزم ان یتحول الی داخل المدینة فجعل یبعث بغلمانہ رحله و متاعه الی داره بالمدينة فذلک خیر ام کان یرحل بنفسه و یتربح متاعه خلفه لا یدری یبعث به الیه فعرف الصديق انه صادق فی مثاله ذلک فامر بانفاقه فی الصدقات .

و به تحقیق روایت شده که جوانی از پدر مال بسیار به ارث برد. پس شروع کرد در راه خدا انفاق کردن . مادرش در نزدیکی از دوستان پدرش شکایت کرد و گفت : می ترسم این پسر به فقر گرفتار شود. پس آن دوست در نزد آن جوان آمد و او را امر نمود که از آن مال مقداری برای خود نگاه دارد. آن جوان برای دوست پدرش مثالی ذکر کرد که : چه می گویی درباره مردی که در گمرک شهر باشد و قصد آمدن در شهر را داشته باشد پس به وسیله غلامان و کارکنان خود آنچه همراه دارد از مال و متاع بفرستد در شهری که قصد وارد شدن در آن را دارد. آیا این بهتر است یا اینکه خود بیاید و آنچه در تصرف او بود پشت سر خود واگذارد و حال آنکه نمی داند آیا به سوی او فرستاده می شود یا نه ؟ پس آن دوست دانست که آن پسر در مثالی که می گوید راستگو است و حقیقت چنین است پس او را امر کرد که در راه خدا انفاق کند و صدقه بدهد.

فعلیک یا اخی بدوام الصدقات فدوامها من دلیل سعادت الدنیا و الاخره و لا تحقرن قلیلها فان قلیلها ینتظم الی قلیل مثله فیصیر کثیرا و بادر باخراج الزکوة اذا و جبت من المال تطوعا فان الصدقه لا تخرج من ید المومن حتی یفک بها سبعین شیطانا کلهم قد عنی علی ابن آدم ینهاه عن اخراجها و لا تستکثر یا اخی ما تعطیه فی الصدقه و طاعه الله اذا استکبرها المومن صغرت عندالله و اذا صغرت عند المومن کبرت عندالله .

پس ای برادر بر تو باد که دائما در دادن صدقات رغبت داشته باشی چون دوام آن از چیزهایی است که دلیل سعادت دنیا و آخرت است و کوچک ندان قلیل آن را، که آن قلیل ها به یکدیگر منضم می گردد پس بسیار می شود، یعنی قطره ها جمع می شود و دریا تشکیل می دهد. و پیشی بگیر به خارج کردن زکات از روی طوع و رغبت وقتی که بر مال تو واجب شد به تحقیق که صدقه از دست مؤ من خارج نمی شود تا اینکه او را از دست هفتاد شیطان برهاند که همه مانع او می شوند و دست فرزند آدم را می گیرند و او را باز می دارند از دادن صدقه . و آنچه از صدقات در راه خدا می دهی به نظر تو بزرگ نیاید، چون آنچه از طاعات و عبادات و انفاقات وقتی که در نظر مؤ من بزرگ بیاید در نزد خدا کوچک است . و وقتی به نظر مؤ من کوچک باشد در نزد خدا بزرگ است .

و فی الخبر ان موسی علیه السلام قال لابیلیس : اخبرنی بالذنب الذی اذا عمله ابن آدم استحوذت علیه فقال اذا اعجبتہ و نفسه و استکبر علمه و صدقته و نسی ذنوبه استحوذت علیه و ایاک ثم ایاک ان تنهر سائلا او ترده خائبا ولو بشق

تمررة و ان الح فى السئوال بل ترده ردا جمیلا اذا لم یکن شیئا تعطیه فانه ابقى لنعمة الله علیک فانه ربما کان السائل ملکا بعته الله الیک فى صورة آدمی یختبرک به لیری کیف تصنع بما رزقک و اعطاک .

و در خبر است که موسی علیه السلام از شیطان ملعون سؤال کرد که مرا خبر ده به آن گناهی که هر گاه از فرزند آدم سر زند تو بر او غلبه و تسلط پیدا خواهی کرد؟ پس شیطان گفت : وقتی که از خودش خوشش آید و به نظر عجب و خودبینی در خود بنگرد، و عمل خود را بزرگ شمارد، و صدقه ای که داده در نظر او جلوه کند، و گناه خود را از نظر ببرد در این هنگام بر او مسلط خواهم شد. و حذر کن و اجتناب نما از اینکه به سائلی پرخاش کنی یا او را مایوسانه برگردانی . پس او را مایوس نکن گر چه به یک نصف خرما باشد و گرچه در سواحل هم بسیار اصرار کند، بلکه او را به نیکویی رد کن وقتی که چیزی نباشد که به او دهی ، پس به درستی که عطای به سائل سبب بیشتر باقی ماندن نعمتهای خداوند است بر تو. و چه بسا ممکن است که سائل ملکی باشد که خدای متعال او را در صورت آدمی به سوی تو فرستاده که امتحان کند تو را تا ببیند چگونه در آنچه خدا به تو روزی فرموده و عطا کرده است عمل می کنی .

ففى الحديث ان الله تعالى لما ناجى موسى قال يا موسى انل السائل و لو باليسير و الافره ردا جمیلا فانه یاءتیک من لیس بانس و لا جان بل ملائكة من ملائكة الرحمن سلونک عما حق لک و یختبرون فیما رزقک .

در حدیث است که خداوند متعال جلت عظمته چون که موسی بن عمران علیه السلام مناجات کرد فرمود: ای موسی به سائل عطا کن گر چه کم باشد. و اگر چیزی ندادی لااقل او را به نیکویی رد کن ؛ چون کسی که پیش تو می آید نه از بشر است و نه از جن ، بلکه ملکی است از ملائکه خداوند رحمن که از تو سؤال می کند از آنچه بر زمه تو است و امتحان می کند تو را در آنچه به تو روزی فرموده .

و روى ان بعض العلماء کان جالسا فى المجلس و حوله اصحابه فدخل مسکین فسئل شیئا فقال لهم العالم اتدرون ما یقول لکم هذا المسکین یقول اعطوانی احمل لکم الی دار الاخره یكون لکم ذخیره تقدمون علیه غدا فى عرصه المحشر.

نقل شده که بعضی از علما در مجلسی نشسته بود و در اطراف او اصحاب او بودند. در این حال فقیری وارد شد از اهل مجلس سؤال کرد که به او چیزی بدهند. پس آن عالم به حاضرین فرمود: می دانید این سائل چه می گوید؟ می گوید به من عطا کنید از آنچه در اختیار شماست تا برای شما حل کنم و به شما کمک کنم و آن را به خانه آخرت برسانم تا اینکه برای شما ذخیره باشد و فردای قیامت بر آن وارد شوید.

فیا اخی یجب علیک ان تبعث معهم شیئا جزیلا من مالک الی دار البقاء لیكون ثوابک غدا الجنة فى دار النعیم الباقى الدائم .

پس ای برادر من بر تو واجب است که با آنها چیزهای زیادی از مالی که امروز در اختیار تو است و بعد از مردن تو از اختیار تو خارج خواهد بود از این خانه فانی به خانه باقی بفرستی تا فردای قیامت و در عالم آخرت بهشت را به تو عوض بدهند که دارای نعمتهای باقی و دائمی است و فانی نخواهد گردید.

و الله در القائل حیث یقول :

یا صاحب انک راحل فتزود

فحساک فی ذالایوم ترحل او غد

لا تغفلن فالموت لیس بغافل

هیئات بل هو للایام بمرصد

فلیاءتین منه علیک بساعه

فتود انک قبلها لم تولد

و لتخرجن الی القبور مجردا

مما شقیئت بجمعه صفر البید

ای رفیق من تو از این دنیا کوچ خواهی کرد پس برای مخارج راه خود چیزی بردار. و کوچ کردن تو از این دنیا امروز است یا فردا زیاد دور نیست. از مرگ غافل مشو که او از غافل نیست هرگز بلکه در کمین اولاد آدم است به واسطه مرگ برای تو ساعتی خواهد آمد که آرزو کنی قبل از آن از مادر زاییده نمی شدی. و هر آینه تو برهنه و با دست خالی از این دنیا به سوی قبر خارج می شوی و دست تو تهی است از آن چیزهایی که برای جمع آن خود را به مشقت و رحمت انداختی.

و قال الخلیل بن احمد: لصدیق له من الاغنیاء انما تجمع مالک لا جل ثلاثه انفس کلهم اعدائک اما زوج امرتک بعدک او زوج ابنتک او زوجه ابنک و کلهم یتمنون موتک و مبغض تستطیل عمرک فان کنت عاقلا ناصحا لنفسک فخذ مالک معک زادا لآخرتک و لا توثر احدا من هواء علی نفسک.

و لقد اجاد الشاعر حیث قال :

تورع عما حرم الله و امثل

اوامرہ و انظر غدا ما انت عامل

فانت بهذا الدار لا شک تاجر

لدار غد فانظر غدا من تعامله

خلیل بن احمد به دوستش که از اغنیاء بوده چنین گفته : این است و جز این نیست که تو مال خود را به خاطر یکی از سه نفر جمع می کنی در حالی که همه آنها دشمن تو هستند. و آن سه یکی شوهر زن پسر تو. و اینها همه آرزوی مرگ تو را می کنند و از طول عمر تو ناراحتند. پس هرگاه تو مرد عاقلی هستی و خیرخواه خود هستی مال خود را برای توشه و خرجی آخرت خود بردار و هیچ یک از این سه نفر را بر خود اختیار مکن ! و شاعر چه نیکو گفته است : که از آنچه خدا حرام کرده دوری کن و آنچه را خدا امر فرموده به جا آور و نتیجه عمل خود را در نظر داشته باش که فردا عاید تو خواهد شد. تو در این دنیا بدون شک تاجر هستی و نتیجه تجارت تو در عالم آخرت عاید تو خواهد شد. پس ببین طرف معامله تو کیست و چه معامله می کنی .

و قال رجل صالح لبعض العلماء: اوصني قال اوصيك بشي واحد اعلم ان الليل و النهار يعملان فيك فاعمل انت فيهما و هذا القول اذا تدبره العاقل علم انه ابلغ العظا ت .

مرد صالحی به بعضی از علماء گفت : مرا وصیتی فرما! آن عالم بزرگوار فرمود: تو را وصیت می کنم به یک چیز و آن این است که : بدانی شب و روز در تو عمل می کنند، یعنی به مرور آنها تو رو به فنا و نیستی می روی پس تو هم در آنها عمل کن به انجام اعمال صالح و خدمت به خلق . این گفته را هرگاه شخص عاقل در آن تدبر کند می داند که بلیغ ترین و نیکوترین موعظه است .

و قيل : لعالم ما احمد الاشياء و ا حلاها في قلب المومن ؟ قال : شي واحد و هو ثمره العمل الصالح . قيل له : فمانهايه السرور؟ قال : الا من من الوجل عند حلول الاجل . ثم تمثل بهذين البيتين .

و لدتك اذ ولدتك امك باكيا

و الناس حولك يضحكون سرورا

فاجهد لنفسك ان تكون اذا بكوا

في يوم موتك ضاحكا مسرورا

به عالمی گفتند پسندیده ترین چیزها کدام است و شیرین ترین چیزها در قلب مؤ من چیست ؟ فرمود: یک چیز است و آن ثمره و نتیجه عمل صالح است . گفته شد: نهایت سرور و خوشحالی انسان چیست ؟ فرمود: ایمن بودن از ترس در وقتی که اجل را مشاهده کنی و مرگ تو برسد. سپس آن عالم از بابت مثال دو شعر مزبور را گفت که فارسی آن این است :

روز که تو آمدی به دنیا عریان

مردم همه خندان تو بودی گریان

کاری بکن ای دوست که وقت رفتن

مردم همه گریان تو باشی خندان

و قال رجل للصادق علیه السلام اوصنی قال : له اعد جهازك و اكثر من زاک لطول سفرک و کن وصی نفسک و لا تکن تاء من غیرک ان یبعث الیک علیک بحسناتک الی قبرک فانها لن یبعثها احد من ولدک الیک فما ابین الحق لذی عینین ان الرحیل احد الیومین تزودوا من صالح الاعمال و تصدقوا من خالص الاموال فقددنی الرحلة و الزوال .

شعر:

خرجت من الدنيا فقامت قیامتی

غداه اقل الحاملون جنازتی

و عجل اهلی حفر قبری فصیروا

خروجی عنهم من اجل کرامتی

مردی خدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام عرض کرد: مرا وصیتی فرما! حضرت فرمود: خود را آماده کن و خرجی راه را زیاد بردار؛ چون سفر طولانی است . و خود وصی خود باش و اطمینان به غیر خود نداشته باش که برای تو خیراتی بعد از تو به سوی قبر تو بفرستد چون که کسی از فرزندان تو چیزی برای تو نخواهد فرستاد. پس چه ظاهر است حق برای آن کس که دارای دو چشم است که کوچ کردن امروز یا فردا است . توشه بردارید از اعمال نیکو و صدقه و انفاق کنید از مالهای خالص خودتان ، که کوچ کردن و بیرون رفتن از این عالم دنیا نزدیک است . بیرون شدم از دنیا پس قیامت من به پا شد. فرداست که حمل کنندگان جنازه مرا با حقارت حمل کنند و اهل من با عجله و شتاب قبر مرا بکنند. و بزرگترین کرامت برای من بیرون بردن مرا از بین خودشان قرار دهند.

یجب علی العاقل ان یحافظ علی اول اوقات الصلوه و یسارع الی فعل الخیرات فیکثر من الاعمال البر و الصدقات فان العمر لحظات و یقال فلان قدمات فاذا عاین فی قبره الاهوال و الحیرات قال اعیدونی الی الدنیا تصدق بما لی فیقال له هیئات .

بر هر عاقل واجب است که اوقات نماز را حفظ کند و به سوی انجام نیکیها سرعت کند پس اعمال نیک بسیار انجام دهد و صدقه زیاد بدهد، چون که عمر لحظه هایی بیش نیست که ناگهان گفته می شود فلان کس مرد. پس وقتی که در قبر خود به وحشت و حسرت گرفتار گردد گوید: مرا به دنیا برگردانید تا اموال خود را در راه خدا انفاق کنم . در جواب به او گفته می شود هیئات .

فاغتنم ایها اللیب ما بقی لک من الا وقات فان بقیه عمرک لا بقاء لها فاستدرک بها ما فات و اجتهد ان تجعل بصرک لا خریک فهو اعود علیک من نظرک الی دنیاک فان الدنیا فانیه و الا باقیه و السعید من استعد لما بین یدیہ و اسلف عملا صالحا یقدم علیه قبل نزول المنون یوم لا ینفع مال و لا بنون .

پس ای عاقل غنیمت شمار آنچه از اوقات زندگی تو باقی مانده ؛ به تحقیق که بقیه عمر نیز باقی نخواهد ماند. پس با آن جبران کن آنچه را که از دست رفته . و کوشش کن که بینایی خود را برای آخرت قرار بدهی که آن برای تو بهتر است از توجه و نظر داشتن به دنیایت ؛ چون دنیا فانی است و آخرت باقی و با سعادت آن کس است که مهیا شده باشد برای عالمی که در پیش دارد و پیش از رسیدن مرگ و روزی که مال و اولاد نفع نمی دهد عمل صالحی پیش بفرستد که بر آن وارد شود.

شعر:

بادر شبابک ان یهرما

و صحه جسمک ان یسما

و ایام عزک قبل الممات

فما کل من عاش ان یسلما

و قدم فکل امرء قادم

علی کل ما کان قد قدما

جوانی خود را غنیمت بشمار و به کارهای نیک پیشی بگیر قبل از پیر شدن و صحت جسم خود را پیش از مریض شدن و روزهای عزت خود را پیش از مردن . پس چنین نیست که هر کس زنده باشد سالم باشد و پیش بفرستد پس هر کس وارد می شود بر هر چه پیش فرستاده .

اقول فی جمع المال و البخل علی نفسه و انفاقه فی سبیل الله تعالی کما قال تعالی فی کتابه : و لا یحسبن الذین یبخلون بما اتیهم الله من فضله هو خیرا لهم بل هو شر لهم سیطوقون ما بخلوا به یوم القیمه . (۱۸۱)

می گویم : در جمع مال و بخل نمودن بر خودش و انفاق کردن در راه همچنان است که خدای متعال در کتاب کریم خود فرموده : و گمان مبر کسانی که بخل می کنند از آنچه خداوند متعال از فضل خود به آنها مرحمت فرموده آن برای آنها خوب است ، بلکه آن شر است برای آنها. به زودی در روز قیامت آنچه که از آن بخل می کردند طوق گردن آنها شود.

و فی الخبر عن النبی صلی الله علیه و آله قال : یصور الله مال احدکم شجاعا اقرع فیطوق فی حلقه و یقول انا مالک الذی منعتنی ان تتصدق بی ثم ینھشها بانیا به فیصیح عند ذلک صیاحا عظیما.

در خبر است که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: مال شما به امر خدا به صورت اژدهایی زهردار می شود و در گردن صاحبش می پیچید و می گوید: منم مال تو که مرا از دادن در راه خدا منع کردی پس او را با دندانهایش نیش می زند که در این هنگام صیحه و نعره می زند.

ثم علیک یا طالب الجنة و نعيمها بترک حب الدنيا و زینتها لان الله قد ذمها فی کتابه العزیز فقال : من کان یرید الحیوة الدنيا و زینتها نوف الیهم اعمالهم فیها و هم فیها لا یبخسون ، ای لا ینقصون من المال و الجاه اولئک الذین لیس لهم فی الاخرة الا النار و حبط ما صنعوا فیها و باطل ما کانوا یعملون . (۱۸۲) والاحباط هو ابطال اعمالهم فی الدنيا.

پس بر تو باد ای طالب بهشت و نعمتهای آن به ترک کردن دوستی دنیا و زینتهای آن ؛ برای آن که خدا در کتاب عزیزش در مذمت آن کسی که اراده کند زندگی دنیا و زینت های آن را فرموده : نتیجه اعمال و عبادات آنها را به نحو وافی و کامل در دنیا به آنها می دهیم و هیچ نقصانی در آن از بابت مال و ریاست برای آنها نیست و برای اینها در آخرت غیر از عذاب و آتش چیز دیگر نیست و اعمال آنها باطل و حبط می شود. مراد از (احباط) این است که : اعمالشان باطل گردد.

و قال الله تعالی : من کان یرید العاجلة عجلنا له فیها ما نشاء لمن نرید ثم جعلنا له جهنم یصلیها مذموما مدحورا. (۱۸۳) و قال تعالی : من کان یرید حرث الاخرة نزدله فی حرثه و من کان یرید حرث الدنيا نوته منها و ما له فی الاخرة من نصیب . (۱۸۴) و حرث الاخرة هو العمل للاخرة الذی یستحق به العبد دخول الجنة لان الحرث هو زرع الارض .

خدای متعال فرموده : کسی که اراده کند دنیا را ما نیز به او در دنیا آنچه خواسته باشیم می دهیم پس قرار می دهیم برای او جهنم را که در آن انداخته می شود در حالی که مورد مذمت و دور از رحمت خدا می باشد. و فرموده است : کسی که اراده کند کشت و زرع آخرت را زیاد می کنیم برای او کشت و زرع او را و کسی که اراده کند کشت و زرع دنیا را به او می دهیم بعضی از آن را و نیست برای او در آخرت بهره ای و کشت آخرت آن عملی است که برای آخرت انجام شود و بنده به واسطه آن مستحق دخول بهشت گردد؛ چون مراد از (حرث) کشت زمین است .

و قال بعض الصالحین شعرا:

ان الناس الا هالک و ابن هالک

و ذو نسب فی الهالکین غریق

اذا امتحن الدنيا لیب تکشف

له من عدو فی ثیاب صدیق

و قال الاخر:

كاحلام نوم او كظلم زائل

ان اللبيب بمثلها لا يخدع

بعضی از صلحا فرموده اند نیستند مردم مگر هلاک شونده و فرزند هلاک شونده و صاحب نسب که در میان هلاک شوندگان غرق است . وقتی عاقل دنیا را امتحان کند برای او کشف می شود که دشمنی است به لباس دوست درآمده ، و دیگری گفته : دنیا مانند رویا و خواب آرزوی کاذب است . یا مانند سایه ای است که به اندک وقتی زایل می گردد. و شخص عاقل به چنین چیزها مغرور نمی شود و فریب نمی خورد.

و قال النبی صلی الله علیه و آله : ان اهل الجنة لا یندمون علی شیء من امور الدنيا الا علی ساعة مرت بهم فی الدنيا لم یذكر الله تعالی .

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: به تحقیق اهل بهشت ندامت و پشیمانی بر چیزی از دنیا ندارند مگر بر ساعتی که بر آنها گذشته در دنیا و ذکر خدای متعال نکرده اند.

و قال ایضا صلی الله علیه و آله : ما من یوم یمر الا و الباری عزوجل ینادی عبدا ما انصفتنی اذکرک و تنسی ذکری و ادعوک الی عبادتی و تذهب الی غیر وارزقک من خزانتی و آمرک لتصدق لوجهی فلا تطیعنی و افتح علیک ابواب الرزق و استقرضک من مالی فتجهنی و اذهب عنک البلاء و انت معتکف علی فعل الخطایا یا بن آدم ما یکون جوابک لی غذا اذا اجبتنی .

و نیز پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: هیچ روزی بر اولاد آدم نمی گذرد مگر اینکه خداوند عزوجل می فرماید: ای بنده من ، تو با من به انصاف عمل نمی کنی من تو را یاد می کنم و تو مرا فراموش می نمایی . و تو را به سوی عبادت خود می خوانم و تو به سوی غیر من می روی و روزی می دهم تو را از خزانه خودم و به تو امر می کنم که برای رضای من صدقه دهی پس اطاعت مرا نمی کنی . و درهای رزق را به روی تو می گشایم و از تو قرض می خواهم تو مرا منع می کنی . و بلاها را از تو دفع می کنم و تو بر کارهای خطا و گناه ثابت مانده ای . ای پسر آدم چه جواب به من می دهی در فردای قیامت در وقتی که از تو سؤال کنم و تو بخواهی جواب دهی ؟.

و قال بعض العلماء: یا اخی ان الموتی لم یمکوا من الموت لانه محتوم لا بدمنه و انما یمکون من حسره الفوت کیف لا یتزودون من الاعمال الصالحه التي يستحقون بها الدرجات العلی و لانهم ارتجلو من دار لم یتزود و امنها و حلوا بدار لم یعمروها فیقولون حینئذ یا حسرتی علی ما فرطت فی جنب الله .

بعضی از علماء فرموده اند: ای برادر به درستی که مرده ها از مرگ گریه نمی کنند؛ چون حتمی است و ناچار از آن است و جز این نیست که گریه می کنند از حسرت آنچه از عمر که از آنها فوت شد و بیهوده از دست دادند که چگونه بهره نبردند از اعمال صالحه که به واسطه آن مستحق درجات بالای بهشت گردند، و برای اینکه آنها کوچ کرده اند از خانه ای که توشه بر نداشتند از آن و وارد شدند به خانه ای که آن را معمور و آباد نکردند. پس در این هنگام فریاد آنها بلند می شود که چه بسیار است حسرت و افسوس بر آنچه از دست دادیم و کوتاهی کردیم در ذات حق تعالی شاءه و آنچه به ما امر فرمود.

و قال النبی صلی الله علیه و آله : ما من لیلة الا و ملک الموت ینادی یا اهل القبور لمن تغبطون الیوم و قد عاینتم هول المطلاع فیقول الموتی انما تغبط المؤمنین فی مساجد هم لاءنهم یصلون و لانصلی و یؤتون الزکوة و لا نزکی و یصومون شهر رمضان و لا نصوم و یتصدقون بما فضل عن عیالهم و نحن لا نتصدق و یذکرون الله کثیرا و نحن لا تذکر فوا حسرتاه علی ما فاتنا فی دار الدنیا.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هیچ شبی نمی گذرد مگر اینکه ملک الموت ندا می کند ای ساکنین قبرها برای چه امروز غبطه و افسوس دارید و حال آنکه بر شما ظاهر شد هول مطلع، یعنی ورود در قبر و اطلاع پیدا کردن از آنچه در مراحل بعد باید در آن واقع شوید؟ پس مرده ها می گویند که: ما افسوس می بریم بر مؤمنین که در مساجد خود در دنیا هستند نماز می گزارند و ما نماز نمی گزاریم، زکات می دهند و ما نمی دهیم. روزه می گیرند و ما نمی گیریم از آنچه از مخارج خود و عائله زیاد می آورند صدقه می دهند و ما نمی دهیم. و ذکر خدا می گویند و ما نمی گوییم پس چه بسیار است حسرت و افسوس ما بر آنچه در خانه دنیا از دست ما رفت.

و قال لقمان لابنه : یا بنی لو کنت تحب الجنة فان ربک یحب الطاعة فاحب ما یحب لیعطیک ما تحب و ان کنت تکره النار فان ربک یکره المعصیه فاکره ما یکرهه لینجیک مما تکرهه . و اعلم ان من وراء الموت ما هو اعظم وادهی قال الله تعالی فی محکم کتابه : و نفخ فی الصور فصعق من فی السموات و من فی الارض الا من شاء الله ثم نفخ فیهِ اخری فاذا هم قیام ینظرون . (۱۸۵)

لقمان به فرزندش گفت: ای پسر من اگر تو بهشت را دوست داری خدای تو هم اطاعت و عبادت را دوست دارد پس تو دوست بدار آنچه او دوست دارد تا عطا کند به تو آنچه را دوست داری و اگر تو آتش را مکروه و ناخوش داری تو هم گناه و معصیت را مکروه دارد پس مکروه دار آنچه را او مکروه دارد تا نجات دهد تو را از آنچه کراهت داری. و بدان به درستی که بعد از مردن چیزهای عظیم تر و وحشتناکتر هست. خدای تعالی در کتاب محکمش می فرماید: دمیده می شود در صور پس می میرد آن کس که در آسمانها و زمین است و دمیده می شود در آن بار دیگر پس ناگهان ایستاده و نگاه می کنند.

و قد روث الثقات عن زین العابدین علیه السلام ان الصور قرن عظیم له راءس واحد و طرفان و بین الطرف الاسفل الذی یلی الارض الی الطرف الاعلی الذی یلی السماء مثل ما بین تخوم الارض السابعة الی فوق السماء السابعة فیهِ اثقاب بعدد ارواح الخلائق . و سعة فمه ما بین السماء و الارض و له فی الصور ثلاث نفحات نفخة الفزع و نفخة الموت و نفخة البعث . فاذا فنیتم ایام

الدنيا امرالله عزوجل اسرافيل ان ينفخ فيه نفخة الفزع . فاذا رأت الملائكة اسرافيل و قد هبط و معه الصور قالوا قد اذن الله فى موت اهل السماء و الارض فهبط اسرافيل عند بيت المقدس فيستقبل الكعبة فينفخ فى الصور نفخة الفزع .

به تحقیق کسانی که مورد اطمینان می باشند از حضرت امام زین العابدین علیه السلام روایت کرده اند که صور قرنیه است بزرگ از برای او سری است و دو طرف . و ما بین طرف پایین که به جانب زمین است تا طرف بالا که به جانب آسمان است مانند ما بین ته زمین هفتم است تا بالای آسمان هفتم . در او سوراخهاست به تعداد ارواح همه مخلوقات . وسعت دهنه آن به قدر ما بین آسمان و زمین است و حضرت اسرافیل سه مرتبه در صور می دمدمد: یکی نفخه فزع ، دیگری نفخه مرگ و سوم نفخه زنده شدن . پس وقتی روزهای دنیا تمام شد خدا به اسرافیل می فرماید که بدمدم در صور دمیدن فزع را، چون ملائکه اسرافیل را ببینند که با صور فرود می آید گویند: خداوند اذن مرگ اهل آسمان و زمین را داده است . پس اسرافیل در نزد بیت المقدس پایین می آید و مقابل کعبه می ایستد و در صور می دمدم دمیدن فزع .

قال الله تعالى و يوم ينفخ فى الصور ففزع من فى السماوات و من فى الارض الا من شاء الله و كل اتوه اخرين ، الى قوله تعالى : من جاء بالحسنة فله خير منها و هم من فزع يومئذ امنون . (۱۸۶) و تزلزلت الارض و تذهل كل مرضعه عما ارضعت و تضع كل ذات حمل حملها و يصير الناس يميمون و يقع بعضهم على بعض كأنهم سكارى و ما هم بسكارى ولكن من عظيم ما هم فيه من الفزع و تبيض لحى الشيبان من شده الفزع و تطير الشياطين هاربه الى اقطار الارض و لو لا ان الله تعالى يمسك ارواح الخلائق فى اجسادهم لخرجت من هول تلك النفخة فيمكثون على هذه الحالة ما شاء الله تعالى .

خدای متعال می فرماید: و در صور دمیده شود پس هر کس که در آسمان و زمین است به فزع و ترس می آید مگر آن کس را که خدا بخواهد. و همه می آیند او را در حالی که مطیع و منقاد و ذلیلند. تا آنجا که می فرماید: کسی که این عمل خوب را آورد برای او بهتر از آن هست . و آنها از ترس و فزع آن روز ایمنند. و زمین به لرزه آید. و هر شیر دهنده از آنچه شیر می دهد غفلت می کند. و هر صاحب حملی حملش را می گذارد. و مردم وحشت زده می روند و بعضی بر بعضی واقع می شوند گویا مستند و حال اینکه مست نیستند، لیکن بزرگی فزع و ترسی است که در او واقع شده اند و ریش جوانان از شدت ترس سفید می گردد. و شیاطین می پرند و به اطراف زمین فرار می کنند و اگر نبود اینکه خدا خواسته است که روحها را در بدنهای نگاه دارد هر آینه روحها از هول و وحشت این نفخه و دمیدن از بدنهای خارج می شد. پس به همین حال هستند به اندازه ای که خدا خواهد.

ثم ياءمر الله ان ينفخ اسرافيل فى الصور نفخة الصعق فيخرج الصوت من الطرف الذى بلى الارض فلا يبقى فى الارض انسى و لا جنى و لا شيطان و لا غير هم ممن له روح الا صعق و مات و يخرج الصوت من طرف الذى بلى السماء فلا يبقى فى السموات ذو روح الا مات . قال الله تعالى : الا من شاء الله ، و هو جبرئيل و ميكائيل و اسرافيل فاولئك الذين شاء الله .

پس خدای متعال به اسرافیل امر می نماید که در صور نفخه موت را بدمدمد. پس صدا از طرفی که به جانب زمین است خارج می شود پس باقی نماند دز زمین آدمی و نه جنی و نه شیطان و نه غیر اینها از کسانی که صاحب روح هستند مگر اینکه بمیرند. صدا از طرفی که به جانب آسمان است خارج می شود پس باقی نماند در آسمان صاحب روحی مگر اینکه بمیرد. و این جا خدا استثناء می

فرماید و می گوید: مگر آن کس که خدا بخواهد که عبارتند از: جبرئیل میکائیل ، اسرافیل و عزرائیل . اینها کسانی هستند که به خواست خدا زنده مانده اند.

فیعول الله تعالی : یا ملک الموت من بقى من خلقى فقال يا رب انت الحى الذى لا يموت بقى جبرائیل و میکائیل و اسرافیل و بقیة انا فیامر الله بقبض ارواحهم فیقبضها ثم یقول الله یا ملک الموت من بقى فیعول ملک الموت بقى عبدک الضعیف المسکین ملک الموت فیعول الله مت یا ملک الموت باذنى فیموت ملک الموت و یصیح عند خروج روحه صیحه عظیمه لو سمعها بنی آدم قبل موتهم لهلکوا و یقول ملک الموت لو کنت اعلم ان فى نزع ارواح بنی آدم هذه المراره و الشده و الغصص لکنت على قبض ارواح المومنین شفیقا.

پس خدای متعال می فرماید: ای ملک الموت چه کسی از مخلوقاتم باقیمانده ؟ عرض می کند: خدایا تویی آن زنده که نمی میرد چهار ملک که من هم یکی از آنها هستم باقی مانده است . پس خدا او را امر می فرماید به قبض روح آن سه . و او قبض می کند. پس خدا می فرماید ای ملک الموت چه کسی باقی مانده ؟ عرض می کند: بنده ضعیف و مسکین تو ملک الموت . خدا می فرماید: ملک الموت بمیر به اذن من ! پس ملک الموت می میرد. و در هنگام خروج روحش چنان صیحه می زند که هرگاه آدمیان زنده بودند و صیحه او را می شنیدند همه هلاک می شدند. ملک الموت می گوید: اگر می دانستم که در نزع روح بنی آدم این قدر تلخی هست و شدت و غصه آن تا این حد است هر آینه در قبض روح مؤمنین شفقت و مهربانی به کار می بردم .

فاذا لم یبق احد من خلق الله فى السماء و الارض نادى الجبار جل جلاله یا دنیا این الملوك و ابناء الملوك این الجباریه و ابناءهم و این من ملک الدنيا باقطارها این الذین کانوا یاکلون رزقى و لا یخرجون من اموالهم حقى . ثم یقول لمن الملك الیوم فلا یجیبه احد فیجیب هو عن نفسه فیعول . لله الواحد القهار. ثم یأمر الله السماء فتمور ای تدور بافلاکها و نجومها کالرحی و یأمر الجبال فتسیر کما تسیر السحاب ثم تبدل الارض بارض اخری لم یکتسب علیها الذنوب و لا سفک علیها دم بارزه لیس علیها جبال و لا نبات کما دهاها اول مره و کذا تبدل السموات کما قال الله تعالی : یوم تبدل الارض غیر الارض و السموات و برز و الله الواحد القهار.(۱۸۷) و یعید عرشه على الماء کما کان قبل خلق السموات و الارض مستقلا بعظمته و قدرته .

پس چون که باقی نماند از خلق خدا احدی در آسمان و زمین خدای جبار جل جلاله ندا فرماید: ای دنیا کجایند شاهان و فرزندان آنها؟ کجایند جباران و ظالمان و اولاد آنها؟ و چه شدند آنها که دنیا را به تمامه مالک شدند؟ کجا رفتند آنها که روزی مرا می خوردند و حق مرا از اموال خود خارج نمی کردند؟ پس می فرماید: امروز ملک از آن کیست ؟ احدی نیست که جواب دهد. پس ذات مقدس حق تعالی خود جواب خود را می فرماید و می گوید برای خدای یگانه قهار است . پس خدا به آسمان امر فرماید پس به همه افلاک و ستاره هایش مانند آسیا دور می زند و کوهها را امر می فرماید پس مانند ابرها سیر می کنند. پس بدل می فرماید زمین را به زمین دیگری که در آن گناه نشده باشد، و خون ناحق علنا و آشکارا در آن ریخته نشده باشد نه کوهی در آن باشد و نه گیاهی ، همچنان که در اول امر آن را خلق فرمود: و همچنین آسمان بدل می شود. چنانچه خدای متعال می فرماید: روزی که بدل شود زمین به غیر این زمین و آسمانها و مخلوقات ظاهر گردند برای

خدای یگانه قهار. و عود می کند عرش خدا بر آب چنان که قبل از خلقت آسمان و زمین بود در حالی که استقلال آن به قدرت و عظمت خدای متعال جلت عظمت می باشد.

ثم ياءمر الله السماء ان تمطر على الارض اربعين يوما حتى يكون الماء فوق كل شئ اثني عشر ذراعا فتنبت اجساد الخلائق كما ينبت البقل فتتداني اجزائهم التي صارت ترابا بعضهم الى بعض بقدره العزيز الحميد حتى انه لو دفن في قبر واحد الف ميت و صارت لحومهم و اجسادهم و عظامهم النخره كلها ترابا مختلطه بعضها في بعض لم يختلط تراب ميت بميت اخرى لان في ذلك القبر شقيا و سعيدا جسد ينعم بالجنه و جسدا يعذب بالنار نعوذ بالله منها.

پس خدای متعال امر می فرماید که آسمان چهل روز بر زمین ببارد تا اینکه آب به اندازه دوازده ذراع بالای همه چیز باشد. پس جسد های مخلوقات بروید، چنان که دانه ها از زیر خاک روییده شوند. پس به قدرت خدای عزیز و حمید اجزای خاک شده و ذرات متفرقه خلایق به هم نزدیک گردد و بعضی به بعض دیگر پیوندند، حتی اینکه اگر در یک قبر هزار میت دفن شده باشد و گوشت ها و جسد ها و استخوان های پوسیده آنها همه خاک شده و با هم مخلوط گردیده باشد از هم جدا شوند، چنان که خاک میتی به خاک میت دیگر مخلوط نخواهد ماند؛ برای اینکه در این قبر آدم شقی هست و آدم سعید نیز هست . یک جسد است که باید متنعم به نعمت های الهی در بهشت باشد و یک جسد است که باید معذب به عذاب جهنم باشد، که از آن به خدا پناه می بریم . پس باید از یکدیگر جدا شوند.

ثم يقول الله تعالى ليحيى جبرائيل و ميكائيل و اسرافيل و حملة العرش فيحيون باذن الله فيامر الله اسرافيل ان ياءخذ الصور بيده ثم ياءمر الله ارواح الخلائق فتاءنى فتد خل فى الصور ثم ياءمر الله اسرافيل ان ينفخ فى الصور للحيوه و بين النفختين اربعين سنه قال فتخرج الارواح من اثقاب الصور كانها الجراد المنتشر فتملا ما بين السماء و الارض فتدخل الارواح فى الارض الى الاجساد و هم نيام فى القبور كالموتى فتد خل كل روح فى جسدها فتدخل فى خياشيمهم فتحيون باذن الله تعالى فتنشق الارض عنهم كما قال : يوم يخرجون من الا جداث سراعا كانهم الى نصب يوفضون خاشعه ابصارهم ترهقهم ذله ذلك اليوم الذى كانوا يوعدون. (۱۸۸)

پس خدای متعال می گوید: باید زنده شوند جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و جمله عرش ! پس زنده می شوند به اذن خدا. پس امر می فرماید: اسرافیل را که صور را به دست بگیرد و امر می فرماید: ارواح خلایق را که بیایند و داخل در صور شوند. و امر می فرماید اسرافیل را که بدمد در صور برای زنده شدن . و بین این دو نفخه چهل سال است . پس خارج می شوند از سوراخ های صور که گویا ملخ های پراکنده هستند. پس مابین زمین و آسمان از ارواح پر می شود. پس ارواح داخل زمین می شوند و به سوی اجساد می روند در حالی که آنها در قبرها مانند مرده ها می باشند، پس هر روحی از راه خیشوم داخل در جسد خودش می شود. پس به اذن خدا زنده می شوند. پس زمین از روی آن بدن ها شکافته می شود، چنانچه خدا می فرماید: روزی که خارج می شوند از قبرها در حال سرعت گویا آنها به سوی پرچم نصب شده سرازیر می شوند، چشم های آنها خاشع است و ذلت آنها را پوشیده و فرا گرفته این است که روزی که وعده داده شده بودند.

و قال تعالى : ثم نفخ فيه اخرى فاذا هم قيام ينظرون . (۱۸۹) ثم يدعون الى عرصه المحشر فبإمر الله الشمس ان تنزل من السماء الرابعه الى السماء الدنيا قريب حرها من رروس الخلائق فيصيبهم من حرها امر عظيم حتى يعرقون من شد حرها و كبرها حتى يخوضون في عرقهم ثم يبعثون على ذلك حفاه عراه عطاشا كل واحد دالغ لسانه على شفثيه قال فيبكون عند ذلك حتى ينقطع الدمع ثم ييكون بعد الدموع دما.

خداوند می فرماید: پس بار دیگر در صور دمیده می شود ناگهان آنها ایستاده نظر می کنند سپس به سوی صحنه قیامت خوانده می شوند. و خدا امر فرماید که خورشید از آسمان چهارم به آسمان دنیا آید که گرما و حرارت آن نزدیک سرهای مردم باشد. پس از آن گرما امر عظیمی بر آنها وارد می گردد تا اینکه از شدت گرما عرق می کنند و در زحمت واقع می شوند تا اینکه در غرق خود فرو می روند. در این حال با پاها و بدنهای برهنه و تشنه ؛ که بر آنها فشار آورده به نحوی که هر کدام زبانشان بر لبهایشان افتاده باشد؛ بر انگیخته می شوند. در آن حال به قدری گریه کنند که اشک چشم آنها تمام شود پس خون گریه کنند.

قال الراوی : و هو الحسن بن محبوب يرفعه الى يونس بن ابي فاخته قال : رایت زين العابدين عليه السلام عند بلوغه الى هذا ينتحب و يبكي بكاء الشكلى و يقول آه ثم آه على عمرى كيف ضيعته فى غير عبادته الله و طاعته لا كون من الناجين الفائزين .

راوی ، که حسن بن محبوب است ، از یونس بن ابی فاخته نقل می کند که می گوید: حضرت زین العابدین علی بن الحسین علیهما السلام را دیدم که چون به اینجا رسید صدای مبارکش به گریه بلند شد و مانند زن فرزند مرده گریه کرد و فرمود: آه پس آه بر عمرم که چگونه آن را در غیر عبادت خدا ضایع کردم و طاعت خدا به جا نیاوردم تا از اهل نجات و رستگاری باشم .

قال الله تعالى فى سورة المومنون : حتى اذا جاء احدهم الموت قال رب ارجعون لعلى اعمل صالحا فيما تركت ، (۱۹۰) يعنى فيما تركته لورائى و رأتى فاتصدق به و اكون من الصالحين . فيقول له ملك الموت : كلا انها كلمه هو قائلها، اى قال هذه الكلمه لما شاهده من شده سكرات الموت و احوال ما عاينه من عذاب القبر و هول المطلاع و من هول سؤل المنكر و نكير.

خدای متعال جلت عظمت در سوره مؤ منون ، چنین می فرماید: تا وقتی که مرگ به سراغ یکی از آنها آید می گوید خدایا مرا به دنیا بازگردان شاید در آنچه از خود باقی گذاشتم پشت سر خود برای وارثان عمل صالح انجام دهم و صدقه دهم و از اهل صلاح باشم . پس ملک الموت او را گوید: نه چنین است ، این کلمه ای است که او می گوید برای آن سختی ها که مشاهده کرده و وحشتها که دیده است از عذاب قبر و هول مطلاع و سؤل از اعمال و عقاید او.

قال الله تعالى : و لو ردوا لعادوا لما نهوا عنه و انهم لكاذبون ، (۱۹۱) اى لوردوا لعادوا الى ما كانوا عليه من بخلهم باموالهم فلم يتصدقوا و لم يطعموا الجوعان و لم يكسوا العريان و لم يواسوا الجيران بل يطيعون الشيطان فى البخل و ترك الطاعة . ثم قال : و من و رائهم برزخ الى يوم يبعثون . و البر زخ فى التفسير القبر. ثم قال : فاذا نفخ فى الصور فلا انساب بينهم يومئذ و لا

یتسائلون فمن ثقلت موازينه فاؤلئك هم المفلحون و من خفت موازينه فاؤلئك الذين خسروا انفسهم في جهنم خالدون تلفخ و جوههم النار (۱۹۲)

خدای متعال می فرماید: اگر رد شوند هر آینه باز می گردند به آن چیز که از آن نهی شده اند و آنها دروغ می گویند، یعنی اگر رد شدند باز می گردند به سوی آنچه که بر آن بودند از بخیل بودنشان به مالهایشان پس صدقه نمی دهند و طعام به گرسنگان نمی دهند و برهنه را نمی پوشانند با همسایگان مواسات نمی کنند، بلکه در بخل و ترک طاعت پیرو شیطانند پس خداوند فرمود: و از عقب آنها برزخی است تا روزی که مبعوث شوند. و برزخ از قبر است تا قیامت. پس خداوند فرمود: گاهی که در صور دمیده شود نسب بین آنها نیست و از یکدیگر سؤ ال نمی کنند و کسانی که میزان اعمال آنان سنگین باشد آنان رستگارانند و کسانی که ضرر کرده اند و در جهنم همیشگی می باشند و صورتهای آنها به آتش می سوزد...

و معنی قوله : فاذا نفخ في الصور فلا انساب بينهم ففى الخبر الصحيح عن النبى صلى الله عليه و آله : ان الخلائق اذا عاينوا يوم القيمة و دقه الحساب و اليم العذاب ان الاب يومئذ يتعلق بولده فيقول اى بنى كنت لك فى دار الدنيا الم اربك و اغذيك و اطعمك من كدى و اكسيك و اعلمك الحكم و الاداب و ادرسك آيات الكتاب و ازوجك كريمه من قومى و انفقت عليك و على زوجتك فى حياتى و أترك على نفسى بمالى بعد وفاتى فيقول صدقت فيما قلت يا ابى فما حاجتك فيقول يا بنى ان ميزانى قد خفت و رجحت سيئاتى على حسناتى و قالت الملائكة تحتاج كفه حسناتك الى حسنه واحده حتى ترجع بها و انى اريدان تهب لى حسنه واحده بها ميزانى فى هذا اليوم العظيم خطره قال : فيقول الولد لا و الله يا ابت انى اخاف مما خفته انت و لا اطيق اعطيك من حسناتى شيئا. قال فيذهب الاب عنه باكيا نادما على ما كان اسدى اليه فى دار الدنيا.

معنی آیه مزبور که می فرماید: وقتی در صور دمیده شد نسبی بین آنها نیست. در خبر صحیح است که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: خلائق چون روز قیامت دقت حساب و دردناکی عذاب را ببینند در آن روز پدر به فرزند می آویزد پس می گوید: چگونه پدری بودم برای تو در دنیا؟ آیا تو را تربیت نکردم؟ و به تو غذا ندادم و از زحمت خود طعام تو را فراهم نکردم؟ و تو را لباس نپوشاندم؟ و دو را به آداب و حکمتها آشنا نکردم و قرآن کریم را به تو نیاموختم؟ و دختر نیکویی از قوم خود به تو تزویج نکردم؟ و نفقه تو و زوجه ات را در زندگی خود ندادم: و مال خود را بعد از وفاتم در اختیار تو قرار ندادم؟ پسر می گوید: ای پدر آنچه فرمودی همه راست است. الحال بگو حاجت تو چیست؟ می گوید: ای پسر میزان اعمال من سبک است و سیئات من سنگین است. ملائکه می گویند: کفه حسنات تو احتیاج به یک حسنه دارد تا سنگین شود. از تو می خواهم که یک حسنه و ثواب به من ببخشی تا با آن میزان خود را سنگین کنم در این روزی که خطر آن عظیم است؟ سپس فرمود: فرزند به پدر می گوید: به خدا قسم من هم می ترسم از آنچه که تو از آن می ترسی و قدرت ندارم که از حسنات خودم چیزی به تو بدهم، پس فرمود: پدر از نزد فرزند می رود در حالی که گریان است و از خوبیهای که در دنیا به فرزندش کرده پشیمان است.

و كذلك قيل : ان الام تلقى ولدها فى ذلك اليوم فتقول يا بنى الم يكن بطنى لك وعاء فيقول بلى يا امه فتقول الم يك ثديى لك سقاء فيقول بلى يا امه فتقول ان ذنوبى قد اثقلتني فاريد ان تحمل عني ذنبا واحدا فيقول

الیک عنی یا امه فانی مشغول بنفسی فترجع عنه باکیه و ذلک تاءویل قوله تعالی : فلا انساب بینهم یومئذ و لا یتسائلون .

و همچنین گفته شده که : در آن روز ما در فرزندش را ملاقات می کند پس می گوید: ای پسر! شکم من ظرف تو نبود؟ می گوید: بلی ای مادر، می گوید: آیا پستان من مشک شیر برای تو نبود؟ می گوید: بلی ای مادر. سپس می گوید گناهان من زیاد است و بار من سنگین است می خواهم گناهی از گناهان مرا تحمل کنی . می گوید: دور شو از من ای مادر که من گرفتار خودم هستم . سپس مادر گریه کنان برمی گردد. این بود تاءویل آیه کریمه که ذکر شد و فارسی آن این است که : نسب از بین برداشته می شود و در این روز منسوبین از یکدیگر سؤالی ندارند.

قال : و یتعلق الزوج بزوجه فیقول یا فلاته ای زوج کنت لک فی الدنیا فثنی علیه خیرا و تقول نعم الزوج کنت لی فتقول انی اطلب منک حسنه واحده لعلی انجو بها مما ترین من دقه الحساب و خفه المیزان و الجواز علی الصراط فتقول له لا و الله انی لا اطیق ذلک و انی لا خاف مصل ما تخافه انت فیذهب عنها بقلب حزین حیران . و ذلک ورد فی تاءویل قوله تعالی : و ان تدع مثقله الی حملها لا یحمل منه شی و لو کان ذاقری، (۱۹۳) یعنی ان النفس مثقله بالذنوب تسال اهلها و قرابتها ان یحملوا عنها شیئا من حملها و ذنوبها فانهم لا یحملونه بل یكون حالهم یوم القیمه نفسی نفسی کما قال الله : یوم یفر المرء من اخیه و امه و ابیه و صاحبته و بنیه لکل امرء منهم یومئذ شان یغنیه . (۱۹۴)

فرمود: مرد نزد زوجه خود می آید و می گوید: ای فلان چگونه شوهری بودم من از برای تو در دنیا؟ پس زوجه او را ثنا می کند و خیر او را می گوید که تو خوب شوهری بودی از برای من . پس شوهر می گوید: من از تو یک حسنه می خواهم که شاید وسیله نجات من فراهم شود و از دقت حساب ، و سبکی میزان و عبور بر صراط که می بینی نجات پیدا کنم . پس زوجه می گوید: نه والله نمی توانم به تو کمک کنم و من می ترسم از همان چیزی که تو می ترسی . پس مرد با قلب حزین و حیران از نزد زوجه خود می رود. این مطلب در تاءویل این آیه کریمه وارد شده که ترجمه اش این است که : اگر آن کس که بارش سنگین است کسی را بخواند که از سنگینی او قدری بکاهد چیزی از سنگینی او حمل نخواهد کرد گرچه از خویشان نزدیک هم باشد، یعنی نفسی که به گناه سنگین است از اهل خودش سؤالی می کند و اقربای خود را می خواند که چیزی از آن بردارند و بار گناه او را سبک کنند. و آنها حمل نمی کنند و چیزی را بر نمی دارند بلکه حال آنها در روز قیامت نفسی نفسی می باشد، یعنی هر کس به فکر نجات شخص خود می باشد. چنانچه خدا می فرماید: روزی که شخص از برادرش و پدر و مادرش و زن و فرزندانش فرار می کند و برای هر یک از آنها در این روز گرفتاری هست که دیگر فرصت ندارد که به دیگری برسد.

قال رسول الله صلی الله علیه و آله : اخبرنی جبرئیل قال بینما الخلاق وقوف فی عرصه القیامه اذ امر الله تعالی ملائکه النار ان یقودوا جهنم فیقودها سبعون الف ملک بسبعین الف زمام فیجد الخلاق حرها و و هجها من مسیره شهر للراکب المجد و قد تطایر شررها و علا زفیرها فاذا دنت من عرصه القیامه صارت ترمی بشرر کالقصر فلا یبقی یومئذ من نبی و لا وصی نبی و لا شهید الا وقع من قیامه جائیا علی رکبتیه و غیرهم من سایر الخلق یخر علی وجهه و کل منهم ینادی یا رب نفسی نفسی الا انت یا نبی الله .

فانک قائم تقول یا رب نجنی و ذریتی و شیعتی و محب ذریتی . قال فیطلب النبی صلی الله علیه و آله ان تتأخر عنهم جهنم فیامر الله تعالی خزنه جهنم ان یرجعوها الی حیث اتت منه و ذلک فی تفسیر قوله تعالی فی سوره الفجر: و جی ء یومئذ بجهنم یومئذ یتذکر الانسان و انی له الذکری (۱۹۵) و معنی یتذکر یعنی ابن آدم یتذکر ذنبه و معاصیه و یندم کیف ما قدم ما له ليقدم علیه یوم القیمه . و قوله تعالی : و انی له الذکری یوم القیمه حیث ترک الذکری فی دار الاعمال و ما تذکر الا فی دار الجزاء فما تنفعه الذکری . و قوله تعالی یحکی عن ابن آدم یقول : یا لیتنی قدمت لحيوتی (۱۹۶) ای قدمت امامی قتصدقت به لوجه ربی و تزیدت من عمل الخیر و الصلوه و العبادات و التسبیح و ذکر الله حتی نلت به فی هذا الیوم درجات العلی و النعم الدائم فی اعلی الجنان مع الشهداء و الصالحین .

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل به من خبر داد گفت در بین اینکه خلایق در عرصه قیامت توقف دارند ناگهان امر خدای متعال صادر می شود که ملائکه موکل به آتش جهنم را بکشند بیاورند به محشر. پس هفتاد هزار ملک آن را با هفتاد هزار مهار می کشند. پس خلایق گرما و حرارت او را از مسافت یک ماه که سواره تندرو طی کند احساس می نمایند. و شعله های او در هوا پر می زند و صدای زفیر آن بلند شود پس وقتی که نزدیک به عرصه قیامت شود جرقه ای می زند مانند قصر و کوشک پس باقی نماند در این روز پیغمبری و نه وصی پیغمبری و نه شهیدی مگر اینکه به زانو می آیند و دیگر مردم به رو می افتند و همه فریاد می کنند خدایا مرا نجات بده مرا نجات بده و نجات خود را از خدا خواهانند مگر تو یا رسول الله صلی الله علیه و آله که ایستاده ای و می گویی خدایا نجات بده مرا و ذریه مرا و شیعیان مرا و دوستان ذریه مرا! فرمود: سپس پیغمبر می خواهد که آتش به عقب برگردد و از مردم دور شود. پس خدای متعال امر فرماید که خزنه جهنم او را به جای خود برگردانند. این معنی در تفسیر آیه کریمه در سوره فجر است . که می گوید در این روز جهنم آورده شود و در این روز انسان به یاد می آورد و چگونه برای او یاد آوردن نفع دارد، یعنی روز قیامت اولاد آدم گناهانش را به یاد می آورد و پشیمان می شود و می بیند چگونه آنچه پیش فرستاده بر آن وارد شده و چگونه در دنیا یادآور نشد که خانه اعمال بود و می توانست خود را اصلاح کند و امروز که روز جزاست به یاد آورده ؛ بنابراین یاد نمودن برای او فایده ای ندارد. و فرمایش حق تعالی که از زبان اولاد آدم نقل می فرماید که می گوید: ای کاش پیش فرستاده بودم برای زندگانیم ، یعنی ای کاش برای رضای خدا صدقه داده بودم ، و کارهای خیر، و عبادات ، نماز ذکر، دعا و تسبیح زیاد انجام داده بودم تا اینکه امروز از آن فایده و بهره می بردم و درجات عالی و نعمتهای باقی در مجاورت انبیاء و شهدا و صالحین نصیب من می گردید:

و انما سمی الله تعالی حیوه الاخره آخره لان نعیم الجنه خالدہ دائمہ لا نفاذ له باق بقاء الله تعالی بخلاف الدنيا فان الحیوه فیها منقطعه مع انه مشوب بالهم و الغم و المرض و الخوف و الضعف و الشیب و الدین و غیر ذلک .

علت اینکه خدای متعال زندگانی آخرت را آخرت نامید از این جهت است که نعمت های بهشت همیشه و دائم است و تمام نمی شود تا خدا باقی است بهشت و نعمتهای آن هم باقی است . به خلاف دنیا که زندگی در آن موقت و منقطع است و همان زندگی کوتاه نیز آلوده به هم و غم ، مرض ، و ترس ، و ضعف و پیری ، و مقروض شدن و غیر اینها می باشد.

فاستيقظ يا اخي من نومك و اخرج من غفلتك و حاسب نفسك قبل يوم الحساب و اخرج من تبعات العباد و صالح الذين اخذت منهم الربا و اعتذر الى من قذفته بالزنا و اغتبتته و نلت من عرضه فان العبد مادام فى الدنيا تقبل توبته اذا تاب من ذنوبه و اذا اعتذر من غرمائه رحموه و عفوا عنه و اسقطوا عنه حقوقهم الذى عليه فاما فى الآخرة فلا حق يوهب و لا معذرة تقبل و لا ذنب يغفر و لا بكاء ينفع . و قال عليه السلام : ما فرع امرء فزعة الا كانت فزعته عليه حسرة يوم القيمة فما خلق امرء ليلهو . انظر الى قوله تعالى : ايحسب الانسان ان يترك سدى . (١٩٧) و قال تعالى : افحسبتم انما خلقناكم عبثا . (١٩٨)

پس ای برادر از خواب غفلت بیدار شو و حساب خود را پیش از روز حساب بکن . و خود را از حقوق بندگان خارج کن ! از کسانی که ربا گرفته ای به آنها رد کن یا آنها را راضی کن و مصالحه کنید . و کسی را که قذف کرده ای و نسبت عمل منافی عفت به او داده ای از او عذر بخواه و او را از خود راضی کن ! و هر کس را غیبت کرده ای یا متعرض آبروی او شده ای از او طلب عفو کن ! برای اینکه بنده تا در دنیا است اگر از گناهانش توبه کند توبه او قبول می گردد . و اگر از طلبکارانش عذر بخواهد به او رحم می کنند و عفوش می نمایند و حقوقی که بر او دارند از او ساقط می کنند . اما در آخرت نه حقی بخشیده می شود و نه عذری قبول می شود و نه گناهی آمرزیده می شود و نه گریه نفع می بخشد . فرمود: هیچ لهوی را کسی مرتکب نمی شود مگر اینکه در قیامت سبب حسرت او می گردد چون که کسی برای کار لهو خلق نشده است . به کلام خدا نظر کنید که می فرماید: آیا انسان گمان می برد مهمل و گذاشته می شود . و نیز خدای متعال می فرماید: آیا گمان کردید که شما را عبث و بازیچه خلق کردیم .

و اعلموا ايها الاخوان ان العمر متجر عظيم موبح و كل نفس منه جوهره و كيف لا يكون كذلك و قد قال رسول الله صلى الله عليه و آله : من قال اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له الها واحدا فردا صمدا لم يتخذ صاحبه و لا ولدا كتب الله له بكلماته خمسا و اربعين الف حسنة و محى عنه اربعين الف سيئة و رفع له خمسا و اربعين الف درجة فى عليين .

بدانید ای برادران که عمر تجارتی است که ربح و نفع آن عظیم است و هر نفسی از آن گوهر گران مایه ای است . و چگونه چنین نباشد و حال آن که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : کسی که بگوید گواهی می دهم اینکه : خدایی نیست مگر خدای یگانه ، شریکی برای او نیست ، الهی است یگانه و بی مثل ، صمد است جوفی ندارد و همسر و اولادی برای خود نگرفته خدا برای او چهل و پنج هزار هزار حسنه می نویسد و از نامه عمل او چهل هزار هزار گناه و سیئه محو می نماید و برای او چهل و پنج هزار هزار درجه در اعلا علیین بالا می برد .

فقال : له جبرائيل يا رسول الله كل شىء يحصى حسابه الا قول الرجل لا اله الا الله وحده لا شريك له فانه لا يحصى ثوابه الا الله فان الله تعالى ادخر لك و لا متك فاذكروني اذكر كم و ان الله سبحانه يقول اهل ذكرى فى ضيافتى و اهل طاعتى فى نعمتى و اهل شكرى فى زيادتى و اهل معصيتى لا يثابهم من رحمتى ان تابوا فانا احببهم و ان مرضوا فانا طيبهم اداويهم بالحنن و المصائب لا طهرهم من الذنوب و المعيب .

پس جبرئیل خدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: یا رسول الله هر چیز حساب آن به شمار می آید مگر گفتن مؤمن : خدایی جز خدای یگانه نیست و شریکی از برای او نمی باشد، پس به تحقیق که این ذکر ثوابش را نتواند شماره کند مگر خدای متعال ، پس به درستی که خدای متعال برای تو و امت تو این آیه کریمه را ذخیره فرموده است : پس یاد کنید مرا یاد می کنم شما را. و به درستی که خدای متعال می فرماید: اهل ذکر من در مهمانی من هستند. و اهل طاعت و بندگی من در نعمت من هستند. و اهل شکر من در زیادتی و افزایش نعمتم هستند. و اهل معصیت را از رحمتم مایوس نمی کنم . اگر توبه کنند من دوست آنها هستم . اگر مریض شوند من طبیب آنها هستم ، آنها را به محنتها و مصیبت ها مداوا می کنم تا آنها را از گناهان و عیب ها پاک کنم .

و قال علی بن الحسین علیهما السلام : العقل دلیل الخیر و الهوی مرکب لمعاصی و الفقه وعاء العمل و الدنيا سوق الاخره و النفس تاجره و الليل و النهار رءس المال و المكسب الجنه و الخسران النار هذا و الله التجاره التي لا تبود و البضاعة التي لا تخسر. و قال مثله صلی الله علیه و آله . و سوق الفائزين من شيعته و شيعه آبائه و ابنائه علیهم السلام و لقد جمع الله هذا كله بقوله تعالى : يا ايها الذين آمنوا لا تلهكم اموالکم و لا اولادکم عن ذکر الله و من يفعل ذلك فاءولئك هم الخاسرون . (۱۹۹)

حضرت علی بن الحسین زین العابدین علیهما السلام می فرماید: عقل راهنمای خیرات است و هوا و هوسهای نفسانی مرکب گناهان است . فهم ظرف عمل ، دنیا بازار آخرت است . و نفس تاجر این بازار است . و شب و روز سرمایه است . و سود این تجارت بهشت است . و ضرر آن آتش است . این است به خدا تجارت آن چنانی که فانی نخواهد شد و بضاعت و جنسی که در معامله آن ضرر نیست . و مثل این فرسایش از رسول خدا - صلی الله علیه و آله رسیده است . و در آن ذکر شده که : دنیا بازار رستگاران از شیعیان است که پیرو ائمه خود علیهم السلام می باشند. و به تحقیق که جامع همه این فرمایشات این آیه کریمه است : ای کسانی که ایمان آورده اید مالها و اولادتان شما را از ذکر خدا باز ندارد و کسانی که چنین کنند پس اینان از زیان کارانند.

و قال سبحانه : رجال لا تلهيهم تجاره و لا بيع عن ذکر الله . (۲۰۰)

مردانی هستند که تجارت و معامله آنها را از یاد خدا باز نمی دارد.

و قال تعالى : فاعرض عن من تولى عن ذکرنا و لم يرد الا الحيوة الدنيا ذلك مبلغهم من العلم . (۲۰۱)

رو برگردان از کسی که از یاد ما روگردانده و اراده نکرده است مگر زندگانی دنیا این است نهایت علم آنان .

و قال تعالى : و لا تطع من اغفلنا قلبه عن ذکرنا و اتبع هويه و كان امره فرطا . (۲۰۲)

اطاعت نکن کسی که غافل کردیم قلب او را از ذکر ما و پیرو هوای خود می باشد و در کار او زیاده روی است .

و قال علی علیه السلام : ان الله سبحانه و تعالى جعل الذكر جلاء للقلوب تسمع به بعد الوقرة و تبصر به بعد اغشوه و تنقاد به بعد المعانده و ما برح الله عزت آلائه فی البرهه بعد البرهه و فی ازمان الفترات عباد ناجا هم فی فکرهم و کلمهم فی

ذات عقولهم فاستصبحوا بنور يقظه في الابصار و الاسماع و الافئده يذكرون بايام الله و يخوفون مقامه بمنزله الادله في الفلوات من اخذ القصد حمدوا اليه طريقه و بشروه بالنجاه و من اخذ يمينا و شمالا ذموا اليه الطريق و حذروه من الهلكه و كانوا كذلك مصايح تلك الضلمات و ادله تلك الشبهات و ان للذكر لا هلا اخذوه من الدنيا بدلا فلم تشغلهم تجاره و لا بيع عنه يقطعون به ايام الحياه و يهتفون بالزواج عن محارم الله في اسماع الغافلين و ياءمرون بالقسط و ياءتمرون به و ينهون عن المنكر و يتناهون عنه فكانما قطعوا الدنيا الى الاخره و هم فيها فشاهدوا ما وراء ذلك فكانما اطلعوا غيوب اهل برزخ في طول الاقامه فيه و حققت القيامه عليهم عداتها فكشفوا غطاء ذلك لا هل الدنيا حتى كانهم يرون ما لا يرى الناس و يسمعون ما لا يسمعون فلو مثلتهم لعقلك في مقاومهم المحموده و مجالسهم المشهوده و قد نشروا دواوين اعمالهم و فرغوا لمحاسبه انفسهم على كل صغيره و كبيره امروا بها فقصروا عنها او نهوا عنها ففرطوا فيها و حملوا ثقل اوزارهم ظهورهم فضعفوا عن الاستقلال بها فنشجوا نشيجا و تجاوبوا نحيبا يعجون الى ربهم من مقام ندم و اعتراف ذنب لرايت اعلام هدى و مصايح دجى قد حفت بهم الملائكه و تنزلت عليهم السكينه و فتحت لهم ابواب السماء و اعدت لهم مقاعد الكرامات في مقام اطلع الله عليهم فيه فرضى سعيهم و حمد مقامهم يتنسمون بدعائه روح التجاوز رهائن فاقه الى فضله و اسارى ذله لعظمته جرح طول الاسى قلوبهم و طول البكاء عيونهم لكل باب رغبه الى الله منهم يدقارعه يستلون من لا تضيق لديه المنادح و لا يخيب عليه الراغبون فحاسب نفسك لنفسك فان غيرها من الا نفس لها حسيه غيرك (٢٠٣)

على عليه السلام می فرماید: خداوند سبحان ذکر و یاد خود را صیقل و روشنائی دلها قرار داد، که به سبب آن بعد از کرمی شنوند و بعد از تاریکی می بینند و بعد از دشمنی و ستیز فرمان می برند. و همیشه برای خدا که نعمتها و بخششهای ارجمند است در باره از زمان بعد از پاره دیگر و در روزگاری که آثار شرایع در آنها گم گشته بندگان است که در اندیشه هایشان با آنها راز می گوید و در حقیقت عقلهایشان با آنها سخن می فرماید. پس با نور بیداری چشمها و گوشها و دلها استصباح می کنند و زندگی خود را روشن می نمایند. و روزهای خدا را به یاد مردم می آورند و آنها را از عظمت حق تعالی می ترساند. آنها به منزله راهنمایان در بیابانها هستند که هر کس راه را درست و صحیح می پیماید راه را می ستایند و او را بشارت به نجات می دهند؛ چون پایان راه راست نجات است. و هر کس طریق اعوجاج پیش گیرد و به چپ یا راست برود راه او را مذمت می کنند و او را از هلاکت بر حذر می دارند. و آنها با این اوصاف چراغهای این تاریکیها هستند و راهنمای در این شبیه ها. و به تحقیق برای ذکر خدا اهلی هست که آن را به عوض دنیا اختیار کرده اند و تجارت و معاملات آنها را از آن باز نمی دارد و ایام زندگانی خود را با آن به پایان می رسانند. و برای بازداشتن دیگران از کارهایی که خدا حرام فرموده و فریاد می زنند و گفتاری که سبب جلوگیری از آن کارهاست در گوشهای بی خبران وارد می کنند. و به امور عادلانه امر می کنند و خود نیز به آن عمل می کنند. و از منکرات و زشتیها دیگران را باز می دارند و خود نیز باز می ایستند. و به واسطه یقین خود گویا دوران دنیا را طی کرده و به آخر رسیده اند و آنچه در پی دنیا است با نور ایمان دیده اند. و گویا عالم برزخ و طول مدت آن را مطلع شده اند و آشکارا زندگی پنهان اهل برزخ را مشاهده می کنند که قیامت وعده های خود را علیه ایشان ثابت نموده. پس با بیانات و مواعظ خود پرده را از اهل دنیا برداشته به طوری که گویا آنها می بینند آنچه را که مردم نمی بینند و می شنوند آنچه را آنها نمی شنوند. و اگر آنها را با عقل خود در مقامهای پسندیده و مجلسهای شایسته آنها تصور کنی در حالی که دفترهای

محاسبه اعمالشان را باز کرده و خود را برای حساب خود فارغ و آماده کرده اند بر هر امر کوچک و بزرگ که مأمور انجام آن بوده اند و در آن تقصیر نموده اند یا آنچه نهی از آن شده اند و آن را مرتکب شده و افراط نموده اند؛ و گناهان سنگین خود را بر پشتشان بار کرده و از برداشتن آن ضعیف و ناتوان گردیده اند، و گریه را در گلوئی خود نگاه می دارند و ناله و فریاد آنها به درگاه خدا بلند است و اظهار ندامت و اقرار به تقصیر و گناهان خود می نمایند. هر آینه نشانه های هدایت را در آنها می بینی و آنها به منزله چراغها در تاریکی هستند. ملائکه اطراف آنها را گرفته اند و موجبات اطمینان بر آنها نازل گشته و دردهای آسمان برای آنها باز شده و جاهای ارجمند برایشان مهیا گردیده در جایی که خدا بر آنها مطلع است و از کوشش آنها راضی است و روش آنها را می ستاید در حالی که به مناجات با خدا نسیم عفو و بخشش را استشمام می کنند. ایشان گروگان به فضل و کرم خدا و اسیران تواضع و فروتنی در مقابل عظمت و بزرگواری او هستند. بسیاری اندوه دلهای و بسیاری گریه چشمهایشان را مجروح ساخته است. و برای هر دری که راه رغبت و توجه به خداست ایشان را دست کوبنده ای است. از کسی سؤال می کنند که در دادن نعمتهای بسیار به بندگان در مضیقه و تنگی قرار نمی گیرد و تقاضا کنندگان از درگاهش محروم بر نمی گردند. پس تو به حساب خویش برس! زیرا به حساب دیگران محاسبی غیر از تو می رسد.

و روی عن النبی صلی الله علیه و آله قال : ارتعوا فی ریاض الجنه فقالوا و ما ریاض الجنه فقال الذکر غدوا و رواحا و من کان یحب ان یعلم منزله عند الله فلینظر کیف منزله الله عنده فان الله تعالی ینزل العبد حیث انزل الله العبد من نفسه الا ان خیر اعمالکم و اذکاهما اطمینها عند ملیکم و ارفعها عند ربکم فی درجاتکم و خیر ما طلعت علیه الشمس ذکر الله و ان الله تعالی اخبر عن نفسه فقال انا جلیس من ذکرنی و ای منزله ارفع منزله من جلیس الله تعالی .

روایت شده که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: بهره مند شوید در باغهای بهشت. عرض کردند یا رسول الله باغهای بهشت چیست؟ فرمود: ذکر گفتن در صبح و شام! پس ذکر بگوئید و به یاد خدا باشید. و کسی که می خواهد منزلت و مقام خود را در نزد خدای متعال بداند پس ببیند منزلت حق تعالی در نزد او چگونه است؛ چون که خدای متعال به بنده نظر می فرماید به هر نظر که بنده به او نظر کند. آگاه باشید که بهترین اعمال شما و نیکوترین آنها مقبول ترین آنها در نزد مولایتان و رفیع ترین آنها در نزد پروردگارتان در درجاتند و بهترین چیزی که خورشید بر آن طلوع کند ذکر و یاد خداست که منزله از هر عیب است. و خداوند تعالی از ذات مقدس خود خبر داده و فرموده: من همنشین کسی هستم که مرا یاد کند و چه مقامی بالاتر است از مقام همنشینی با خدا.

و روی انه ما اجتمع قوم یذکرون الله تعالی الا اعتزل الشیطان عنهم و الدنیا فیقول الشیطان للدنیا الاترین ما یصنعون فتقول الدنیا دعهم فلو قد تفرقوا اخذت باعناقهم .

روایت شده که: مردمی در جائی جمع نمی شوند که به ذکر خدا مشغول گردند مگر اینکه شیطان و دنیا از آنها جدا شوند. شیطان به دنیا گوید که: آیا نمی بینی اینها چه می کنند. دنیا می گوید: واگذار آنها را هرگاه متفرق شدند گریبان آنها را خواهم گرفت.

و قال النبی صلی الله علیه و آله : یقول الله تعالی من احدث و لم یتوضا فقد جفانی و من احدث و توضا و لم یصل رکعتین و لم یدعنی فقد جفانی و من احدث و توضا و صلی رکعتین و دعائی فلم اجبه فیما یسئل من امر دینه و دنیاہ فقد جفوتہ و لست برب جاف .

پیغمبر صلی الله علیه و آله سلم فرمود: خدای متعال جلت عظمتہ می فرماید: کسی که حدثی از او سر زند و وضو نسازد به من جفا کرده . و کسی که حدثی از او سر زند و وضو بسازد و دو رکعت نماز به جا نیاورد و مرا نخواند و دعا نکند پس به تحقیق به من جفا کرده . و کسی که حدثی از او سر زند و وضو تجدید کند و دو رکعت نماز به جا آورده و دعا کند و مرا بخواند پس من او را در آنچه از امر دین و دنیا سؤال می کند اجابت نکنم به تحقیق من به او جفا کرده ام و من خدای جفا کار و ظالم نیستم . نتیجه این که دعای او را اجابت خواهم کرد.

و روی انه اذا کان آخر اللیل یقول الله هل من داع فاجیبه هل من سائل فاعطیه سواله هل من مستغفر فاغفر له هل من تائب فاتوب الیه .

روایت شد: چون آخر شب می شود خدای متعال می فرماید آیا کسی هست دعا کند تا او را اجابت کنم ؟ آیا کسی هست سؤال کند تا به او عطا کنم ؟ آیا کسی هست از من طلب آموزش کند تا او را بیامرزم ؟ آیا توبه کننده ای هست تا توبه او را قبول نمایم .

و روی ان الله تعالی اوحی الی داود علیه السلام یا داود من احب حبیباً صدق قوله و من انس بحبیب قبل قوله و رضی فعله و من وثق بحبیب اعتمد علیه و من اشتاق الی حبیب جد فی المسیر الیه .

یا داود ذکری للذاکرین و جنتی للمطیعین و زیارتی للمشتاقین و انا خاصه للمحبین .

روایت شد که حق تعالی به داوود علیه السلام وحی فرمود که : ای داوود کسی که دوستی را دوست داشته باشد گفتارش را قبول خواهد کرد. و کسی که به دوستی انس و علاقه داشته باشد از کار و گفتارش راضی است . و کسی که اطمینان به دوستی را دارد در رفتن به سوی او کاملاً جذبیّت می کند. ای داوود یاد من برای یادکنندگان است و بهشت من برای فرمان برداران است و زیارت من برای مشتاقین به من است و من مخصوص دوستانم هستم .

و قال علی علیه السلام : علی کل قلب خادم من الشیطان فاذا ذکر الله تعالی خنس و اذا ترک الذکر التقمه فجذبه و اغواه و استزله و اطغاه .

علی علیه السلام فرمود: بر هر قلبی از قلبهای اولاد آدم شیطانی موکل است و همیشه با اوست پس وقتی که به یاد خدا باشد و خدا را یاد کند از او دور و پنهان می گردد. و چون ذکر حق تعالی را ترک کند بر او مسلط می شود و او را به خود جذب می کند و گمراه می نماید و به لغزش می اندازد و به سرکشی واد می دارد.

و روی کعب الاحبار قال : اوحی الله الی نبی من انبیائه ان اردت ان تلقانی غذا حظیره القدس فکن ذاکرا غریبا محزوناً مستوحشا کالطیر الوحدانى الذى يطير فى الارض المقفره یاءکل من رووس الاشجار المثمره فاذا جائه الليل آوی الی و کره و لم یکن مع الطیر استیحاشا منه و استیناسا بریه .

کعب الاحبار گفته : خدا به سوی نبی از انبیای خود وحی فرمود که : اگر می خواهی رحمت مرا فردای قیامت در بهشت دیدار کنی ذاکر من و غریب و دارای حزن و اندوه بوده باش . و از مردم وحشت داشته باش مانند مرغی که به تنهایی در بیابانهای خشک و بی آب و گیاه پرواز می کند و خوراک او از بالای درختهای میوه دار است . پس هرگاه شب شود به لانه خود پناه می برد و با سایر مرغها نیست چون از آنها وحشت دارد و انس او با خدا است .

و قال رسول الله صلی الله علیه و آله ان الملائکه یمرون علی مجالس الذکر فیقفون علی رووسهم و یبکون لبکائهم و یومنون علی دعائهم . و اذا صعدوا الی السماء یقول الله تعالی ملائکتی این کنتم و هو اعلم بهم فیقولون ربنا انت اعلم کنا حضرنا مجلسا الذکر فراءیناهم یسبحونک و یقدسونک و یتغفرونک و یخافون نارک و یرجون ثوابک فیقول سبحانه اشهد کم انی قد غفرت لهم و آمنتهم من ناری و اوجبت لهم جنتی . فیقولون ربنا تعلم ان فیهم من لم یذکرک . فیقول سبحانه قد غفرت له بمجالسه اهل ذکری فان الذاکرین لا یشقی بهم جلیسهم .

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به تحقیق ملائکه عبور می کنند بر مجلسهای ذکر پس بالای سر آنها می ایستند. و چون آنها گریه می کنند ملائکه می گیرند و چون دعا می کنند آمین می گویند. و چون به آسمان بالا می روند خدای متعال می فرماید: ای ملائکه کجا بودید و حال آنکه از آنها آگاه است پس می گویند: ای پروردگار ما تو عالم تری ما در مجلسی از مجالس ذکر حاضر شدیم پس آنها را دیدیم که تسبیح تو می گویند و تو را تقدیس می کنند و از تو طلب آمرزش می کنند، از عذاب آتش تو می ترسند و به ثواب تو امیدوار هستند. پس خداوند سبحان می فرماید: گواه می گیرم شما را که من آنها را آمرزیدم و از آتش خود ایمن داشتم و واجب کردم برای آنها بهشت خود را پس ملائکه عرض می کنند. خدایا تو می دانی که در بین آنها کسی بود که ذکر تو را نگفت : پس خدای سبحان می فرماید: او را برای همنشینی با اهل ذکر آمرزیدم ؛ چون که همنشین اهل ذکر به سبب مجالست با آنها شقی نمی گردد.

و روی عن بعض الصالحین انه قال : نمت ذات لیله فسمعت هاتفا یقول اتنام عن حضره الرحمن و هو یقسم الجوائز بالرضوان بین الاحبه و الخلان فمن اراد منه المزید فلا ینام لیله الطویل و لا یقنع من نفسه بالقلیل .

از بعضی اهل صلاح و نیکان روایت شده که گفت : در شبی به خواب رفتم شنیدم کسی فریاد زد که آیا به خواب می روی و از حضور حضرت حق غافل می شوی و حال آن که حق تعالی بین دوستان و محبین جایزه قسمت می فرماید پس کسی که زیادی نعمت خدا را می خواهد نباید شب دراز را به خواب رود به عبادت کمی قناعت کند.

و قال کعب الحبار: مکتوب فی التوریه یا موسی من احبنی لم ینسانی و من رجا معروفی الح فی مسئلتی یا موسی لست بغافل عن خلقی ولكن احب ان تسمع ملائکتی ضجیح الدعاء و تری حفظتی تقرب بنی آدم الی مما انا مقویهم

علیه و مسببه لهم یا موسی قل لبنی اسرائیل لا تبطننکم النعمه فیما جلکم السلب و لا تغفلوا عن الذکر و الشکر فتسلبوا النعم و یحل بکم الذل و الحوا بالدعاء تشملکم الا جابه و تهیئکم النعمه بالعافیه .

کعب الاحبار گفت : در تورات نوشته شده ای موسی کسی که مرا دوست دارد فراموش نمی کند مرا. و کسی که امید به خوبیها و نعمتهای من از حال اصرار در سؤال از من و التماس می کند ای موسی من از حال بندگانم غافل نیستم و حاجات آنها را بشنوند. و می خواهم ملائکه ای که حافظ بر آنها هستند ببینند چگونه بندگان من از من چیز می خواهند و به من تقرب می جویند به سبب فوتی که من به آنها داده ام و اسبابی که برای آنها ترتیب داده ام. ای موسی به بنی اسرائیل بگو: نعمت های من شما را مغرور نکند که به زودی از شما گرفته شود. و غافل از ذکر و شکر نگردید که سبب زوال نعمت از شما گردد، و گرفتار ذلت گردید. و اصرار به دعا داشته باشید تا اجابت به شما برسد. و به سبب عافیت و صحت بدن نعمت بر شما گوارا گردد.

و جاء فی قوله تعالی : اتقوا الله حق تقاته ، (۲۰۴) قال یطاع فلا یعصی و یذکر فلا ینسی و یشکر فلا یکفر.

در تفسیر این آیه کریمه که می فرماید: از خدا بترسید چنانچه حق آن است ، فرموده اند مراد این است که : خدا اطاعت شود و معصیت او را نکنند. و ذکر او گفته شود و فراموش نگردد. و شکر او کنند و کفران نکنند.

و قال رسول الله صلی الله علیه و آله لابی ذر: اقلل من الشهوات یقلل علیک الفقر و اقلل من الذنوب یخفف علیک الحساب و اقع بما او تيته یسهل علیک الموت و قدم مالک امامک یسرک اللحاق به و انظر العمل الذی تحب ان یاءتیک بعد الموت و انت علیه فاعمله و لا تتشاغل عما فرض علیک بما ضمن لک واسع مسکنک الذی لا زوال له فی منزل الانتقال عنه .

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به جناب ابوذر فرمود: ای اباذر شهوات نفسانی خود را کم کن تا فقر و احتیاج تو کم شود. و گناه مکن یا اینکه اقلا کم گناه کن تا حساب تو در قیامت کم و سبک باشد. و قناعت کن به همانی که از طرف خدا به تو رسیده است تا مردن برای تو سهل و آسان گردد و مال خود را جلوتر از خودت به آخرت بفرست تا چون آنجا رفتی و رود و پیوستت به آن مال خوشحالت کند و نظر کن آن عملی که آن را دوست داری که بعد از مردن با تو باشد و تو بر آن وارد شوی پس آن را عمل کن . و طلب رزقی که خدا برای تو ضامن شده تو را باز ندارد از عمل و عبادتی که خدا بر تو واجب فرموده . و آن مسکن و منزلی که دائمی می خواهی در آن باشی توسعه بده در همین منزلی که از او کوچ خواهی کرد و انتقال پیدا می کنی .

باب چهاردهم : در حال مؤمن در هنگام مرگ

قال النبی صلی الله علیه و آله : ان المؤمن اذا حضره الموت جائت الیه ملائكة الرحمن بجریدة بیضاء فیقولون لنفسه اخرجی راضیة مرضیة الی روح و ریحان و رب غیر غضبان فتخرج کالطیب من المسک حتی یتناولها بعض من بعض فینتھی بها الی باب السماء فیقول سكانها و ما اطیب رائحة هذه النفس و كلما صعدوا بها من سماء الی سماء قال اهلها مثل ذلك حتی یؤتی بها الی الجنة مع ارواح المؤمنین فتستریح من غم الدنیا و اما الکافر فتأتیہ ملائكة العذاب فیقولون لنفسه اخرجی کارهة مکروهة الی عذاب الله و نکاله و رب علیک غضبان .

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: به درستی که وقتی مرگ مؤمن می رسد ملائکه رحمت الهی با جرائد سفید به سوی او می آیند و به نفس می گویند خارج شو برو در حالی که از خدا راضی هستی و خدا هم از تو راضی است به سوی آسایش دائمی و زندگی طیب و طاهر و خدایی که بر تو غضبناک نیست پس خارج می شود مانند بوی خوش از مشک خارج می گردد و آنرا دست به دست می کنند تا می رسد به در آسمان ، دربانان و ساکنان آن می گویند چه نیکو است بوی این روح . و هر چه بالا می برند از آسمانی به آسمانی اهل آن مثل آن را می گویند تا او را به سوی بهشت می آورند با ارواح مؤمنین . پس از غمهای دنیا راحت می شود. و اما کافر پس ملائکه عذاب به سوی او می آیند و او به درشتی گفتگو می کند و روح او را از روی کراحت از بدنش خارج می کنند و به سوی عذاب و عقوبت الهی می برند و خداوند متعال بر او غضبناک است .

و قال النبی صلی الله علیه و آله : اما ترون المحتضر یشخص ببصره قالوا بلی قال یتبع بصره بنفسه .

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: آیا نمی بینید محتضر چگونه چشم خود را تیز می کند؟ عرض کردند بلی یا رسول الله : فرمود: چشم او به دنبال جانش می باشد.

و قال النبی صلی الله علیه و آله : ما من بیت الا و ملک الموت یاءتیه فی کل یوم خمس مرات فاذا وجد الرجل قد انقطع اجله و نفذ اكله القی علیه غم الموت فغشیه کرباته و غمرته غمراته فمن اهل بیته الناشرة شعرها و الضاربة وجهها و الباکية شجوها و الصارخة بویلها فیقول ملک الموت ویلکم فما الجزع و الفزع و الله ما اذهبت لواحد منکم رزقا و لا قربت اجلا و لا اتیتته حتی امرت و لا قبضت روحه حتی استاءمرت و ان لی فیکم عودة ثم عودة حتی لا یبقی منکم احد.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هیچ خانه ای نیست مگر اینکه ملک الموت روزی پنج مرتبه به آنجا سرکشی می کند. پس وقتی که یکی از آنها مدت زندگانی دنیایش تمام شده باشد و رزقی که در دنیا باید بخورد به آخر رسیده باشد ملک الموت غم و اندوه مرگ را بر او می افکند. پس فرو می گیرد او را ناراحتی های آن و مشکلات و سختیهای آن بر او رو می آورد. پس بعضی از اهل بیت او موی خود را می کنند و به صورت خود می زنند و گریه می کنند از روی حزن و صدا را به اوایلا بلند می کنند. پس ملک الموت می گوید وای بر شما این جزع و فزع برای چیست به خدا قسم من رزقی از شما نبردم و برای شماها مرگی را نزدیک نکردم . و در نزد او نیامدم تا اینکه از جانب خدا مأمور شدم . و روح او را نگرفتم مگر پس

از آنکه از خدای متعال اجازه گرفتم . و به تحقیق من به سوی شما باز می گردم پس باز می گردم تا اینکه هیچ کدام از شما باقی نماند.

ثم قال : و الذی نفسی بیده لو یرون مکانه و یسمعون کلامه لذهلوا عن میتهم ولبکوا علی نفوسهم حتی اذا حمل المیت فی نعشه رفرت روحه فوق نعشه تنادی یا اهلی و یا ولدی لا تلعبن بکم الدنیا کما لعبت بی مال جمعته من حلة و من غیر حلة و خلفته لکم فالمهنة لکم و التبعة علی فاحذروا مثل ما قد نزل بی .

پس فرمود: به خدایی که جان من در دست قدرت اوست اگر می دیدند مکان او را و می شنیدند کلام او را هر آینه از میت خود غافل می شدند و به حال خود می گریستند. تا اینکه میت را بر تابوت حمل می کنند و او را بر می دارند، روح بر بالای بدن او پر می زند و فریاد می کند. ای اهل من ای اولاد من دنیا شما را به بازی نگیرد چنانچه مرا بازی داد. مالی از حلال و غیر حلال جمع کردم و باز گذاشتم برای شما. اکنون گوارایی آن برای شماست و محاسبه آن بر من . پس شما بترسید از آنچه بر سر من آمد.

و لقد احسن القائل شعرا:

لقد لهوت وجدت الموت فی طلبی

و ان فی الموت لی شغل عن اللعبی

لو شمرت فکرتی فیما خلقت له

ما اشتد حرصی علی الدنیا و لا طلبی

و هر آینه به تحقیق شاعر نیکو گفته : هر آینه به تحقیق من سرگرم بازی هستم و مرگ با جدیت در طلب من است . و یاد مرگ مرا از بازیهای دنیا باز می دارد. اگر فکر من دقت و جدیت می کرد در آنچه که برای آن خلق شده حرص و طلب من برای دنیا این قدر شدت نداشت .

و قال الوراق :

ابقیت مالک میراثا لوارثه

فلیت شعری ما ابقى لک المال

القوم بعدک فی حال یسرهم

فکیف بعدهم حالت بک الحال

ملؤا البكاء فما يبكيك من احد

و استحکم القیل فی المیراث و القال

انستهم العهد دنیا اقبلت لهم

و ادبرت عنک و الایام احوال

وراق گفته : مال خود را ارث برای وارثان باقی گذاشتی پس کاش می دانستی که این مال برای تو نخواهد ماند. آنها که وارثند بعد از تو در حال خوشنودی و شادی به سر می برند برای آن ارث اما بر تو چه می گذرد آنها اطلاع ندارند. همه می گویند، لیکن هیچ کدام بر تو نمی گیرند و همه قیل قال آنها برای سهم ارث است دنیایی که به آنها رو کرده و به تو پشت کرده تو را از یاد آنها برده و روزگار متحول و دگرگون است .

و قال آخر:

هون الدنيا و ما فیها علیک

و اجعل الهم لمابین یدیک

ان هذا الدهر یدنیک الی

ملک الموت و یدنیه الیک

فاجعل العده ما عشت له

انه تاتیک احدی لیلتیک

دیگری گفته : دنیا و آنچه در اوست در نظر خود خوار و بی مقدار کن و تمام همت و کوشش خود را برای عالمی که در پیش داری قرار بده این روزگار هر چه بگذرد تو را به سوی ملک الموت و او را بسوی تو نزدیک می کند. پس تا زنده هستی خود را آماده و مهیا کن برای دیدار او که او امشب یا فردا شب خواهد آمد.

و قال سلمان (ره): اضحکنی ثلاث و ابکانی ثلاث اضحکنی غافل و لیس بمغفول عنه و ضاحک ملافاه و الموت یطلبه و مومل الدنيا و لا یدری متی اجله و ابکانی فراق الاحبه و هول المطلاع و الوقوف بین یدی الله عزوجل لا ادری اسا خط هوام راض .

سلمان فارسی رحمه الله گفته : سه چیز مرا به تعجب آورد و خندانید و سه چیز مرا گریانید. و به تعجب آورد و خندانید مرا کسی که غافل است و از او غافل نیستند. و آن کسی که دهن از خنده پر می کند و حال آنکه مرگ آنها را می طلبد. و آن کس که آرزومند دنیا است و نمی داند مرگ او چه زمان است . و به گریه آورد مرا فراق دوستان ، و هول و وحشتی که در اثر اطلاع به چیزهایی که بعد از مرگ آگهی بر آن حاصل می شود، و ایستادن در مقابل میزان عدل الهی و حال آنکه نمی دانم که آیا خدا از من راضی است یا نه .

و اعلموا رحمکم الله انما يتوقع الصحيح سقما یرد به و موتا من البلاء یدنیه فکانه لم یکن فی الدنیا ساکن و الیها راکن نزل به الموت فاصبح بین اهله و ولده لا یفهم کلاما و لا یرد سلاما قد اصفر وجهه و شخص بصره و شرح صدره و بیس ريقه و اضطربت اوصاله و فلقت احشاءه و الا حبه حوله یری و لا یعرف و یسمع فلا یردو ینادی فلا یجیب خلف القصور و خلت منه الدور و حمل الی اعناق الرجال یسرعون به الی محل الاموات و دارالخسران و بیت الوحده و الغربه و الوحشه ثم قسموا امواله و سکنوا داره و تزوجوا ازواجه و حصل هو برمسه فرحم الله من جعل الهم هما واحدا ثم اکل قوته و احسن عمله و قصر امله .

بدانید خدا شما را رحمت کند هر شخص صحیح البدنی منتظر است بیماری را که به او وارد شود و مرگی را که او را به کهنه شدن نزدیک کند به نحوی که گویا این چنین کس ابدًا ساکن دنیا نبوده . مرگ بر او وارد می شود پس بین اهلش و اولادش دگرگون می گردد که کلامی را نمی فهمد و قدرت رد سلام ندارد. صورتش زرد شده ، چشمهایش قدرت حرکت ندارد. سینه اش متلاشی شده ، رطوبتهای بدنش خشک شده ، اعضای بدنش پراکنده شده و احشائش شکافته شده است . دوستان در اطراف او هستند که آنها را می بیند و نمی شناسد، می شنود و قدرت رد کردن جواب را ندارد، و او را ندا می کنند و نمی تواند جواب بگوید. قصرها و خانه ها را ترک کرده و بر گردن مردان حمل شده و او را به سرعت به محله خاموشان و اموات می برند. و در خانه ای وارد می شوند که متوجه خسران و ضرر خود می شوند؛ چون می توانستند آن را آباد کنند و نکردند و این خسران و ضرر بزرگی است ؛ چون دیگر وقت از دست او رفته . و در خانه تنهایی و غربت و وحشت ساکن می شود. و دیگران در خانه دنیایی او ساکن می شوند. و زنهای او به دیگران شوهر می کنند. و او در خاک منزل می کند. پس خدا رحمت کند کسی را که تصمیم خود را یکی کند برای اصلاح آخرت خود. و آنچه برای او از حلال ممکن است قوت خود قرار دهد. و به آن اکتفا کند. و اعمال نیکو به جا آورد و آرزوهای خود را کوتاه کند.

و روی انه اذا حمل عدو الله الی قبره نادى الی من تبعه یا اخوتاه احذروا مثل ما قد وقعت فیه انی اشکو دنیا غرتنی حتی اذا اطمأنت الیها وضعتنی و اشکو الیکم اخلاء الهوی حتی اذا وافقتهم تبروا منی و خذلونی و اشکو الیکم اولادا آثرتهم علی نفسی و اسلمونی و اشکو الیکم مالا کدحت فی جمعه فی البر و لبحر و قاسیت الاهوال فاءخذہ اعدائی و صار و بالا علی و عاد نفعه لغیری و اصبحت مرتھنا به و اشکو الیکم بیت الوحده و الوحشة و الظلمة و المسائلة عن الصغیره من عملی و الکبیره فاحذروا مثل ما قد نزل بی فوا طول بلائی و عظیم عنائی ما لی من شفیع و لا حمیم .

و روایت شده که چون دشمن خدا را بردارند و به جانب قبر ببرند صدا می زند به کسانی که دنبال جنازه او هستند می گوید: ای برادران من دوری کنید از آنچه من در آن واقع شدم . به درستی که من از دنیایی شکایت می کنم که مرا گول زد و فریب داد تا چون به او مطمئن شدم مرا خوار کرد. و از دوستانی شکایت می کنم که هواپرست بودند و من با آنها موافقت کردم و اکنون از من بیزاری می جویند و مرا ذلیل و بی چاره کردند. و به شما از اولادی شکایت می کنم که برخود مقدم داشتیم و مرا واگذاشتند. و به شما از مالی شکایت می کنم که برای جمع آوری آن رحمت کشیدم در سفر دریا و خشکی رفتم و خود را به خطرهای انداختم پس اکنون نصیب دشمنان من شده و وبال بر من گردیده ، نفع آن به دیگری می رسد و من در گرو آن می باشم و به شما شکایت می کنم از رفتن در خانه تنهایی و وحشتناک و تاریک که در آنجا از من سؤال از کوچک و بزرگ اعمال می شود. پس شما دوری کنید از آن بلاها که بر من وارد شده . آن چقدر طولانی است بلای من و به چه زحمتهای بزرگ گرفتار شدم . اکنون نه شفیی دارم که برای من در پیشگاه خدای متعال وساطت کند و نه دوستی دارم که از من حمایت کند و مرا یاری نماید.

و کان رسول الله صلی الله علیه و آله اذا دخل الجبانه يقول : السلام علیکم ایها الاءبدان البالية و العظام النخرة التی خرجت من الدنیا بحسراتها و حصلت منها برهنها اللهم ادخل علیهم روحا منک و سلاما و منک یا ارحم الراحمین .

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله چون وارد قبرستان می گردید می فرمود: سلام بر شما ای بدنهای کهنه و استخوانهای پوسیده که از دنیا به حسرت و اندوه تمام بیرون رفته اید و اکنون در گرو کارها و اعمالتان می باشید. خدایا رحمت از خودت و سلام از ما و خودت بر آنها داخل فرما ای خدایی که رحمتت بر بندگان از همه بیشتر است .

و قال عبدالله الجرهیمی و کان من المعمرین تبعث یوما جنازه فخنقننی العبره فانشدت شعرا:

یا قلب انک فی الدنیا لمغرور

فاذکر و هل ینفعن الیوم تذکیر

فبینما المرء فی الاحیاء مغتبطا

اذ صار فی الرمس تعفوه الا عاصیر

یبکی الغریب علیه لیس یعرفه

و ذو قرابته فی الحی مسرور

فاسترزق الله خیرا و ارضین به

فبینما العسر اذا دارت میاسیر

و قال رجل من اصحاب الجنازه : تعرف لمن هذا الشعر؟ فقلت لا و الله . فقال : هو لصاحب هذه الجنازه و انت غریب تبکی علیه و اهله مسرورون .

عبدالله جرهمی ، که مرد معمری بود، گوید: روزی دنبال جنازه ای حرکت می کردم پس گریه مرا گرفت و اشعاری که شنیده بودم و نمی دانستم صاحبش کیست به زبان آوردم . و معنی اشعار به فارسی چنین است : ای قلب به درستی که تو در دنیا مغرور شده ای پس به یاد بیاور و آیا امروز یادآوری دیگر فایده دارد. در بین اینکه شخص در بین زندگان به لذایذ زندگی مشغول است ناگهان در خاک فرو می رود و گل و خاک او را فرو می گیرد، غریبی که او را نمی شناسد بر او می گرید و خویشان و نزدیکان او در میان زندگان به سرور و خوشی مشغولند. پس از خدا طلب خیر کن و به آن راضی باش که در این بین سختی و مشکلات ناگهان به یسر و وسعت بر می گردد.

پس در این حال مردی گفت : ای فلان می دانی این اشعاری که گفتم از کیست ؟ گفتم نه به خدا. گفت از صاحب این جنازه است و تو که غریبی بر او می گرایی و اهل او در حال سرورند برای ارثی که می خواهند از او ببرند.

فقال ابو العتاهیه شعرا:

اری الدنيا تجهز بانطلاق

مشمرة علی قدم و ساق

فلا الدنيا بباقیه لحي

و لا حی علی الدنيا بباقي

ابوالعتاهیه گفته : دنیا را می بینم که با جدیت تمام مهبای رفتن است نه دنیا برای زنده ای می ماند و نه زنده ای در دنیا باقی خواهد ماند.

و قال بعضهم : محله الاموات ابلغ العظاات فوردوا القبور و اعتبروا بالنشور.

بعضی فرموده اند محله مردگان رساترین موعظه هاست پس وارد شوید در قبرستان و میان قبرها و عبرت بگیرید از روزی که قیامت بر پا شود و اینها سر از خاک بردارند.

و روی بعضهم یدخل المقبره لیلا فینادی و یقول یا اهل القبور من انتم ثم یجیب عن نفسه نحن الابهاء و الامهات و الاخوه و الاخوات نحن الاحباب و الجیران نحن الاصدقاء و الاخوان نحن الاحبه و الخلان طحتتنا البلاء و اكلنا الجنادل و الثری .

نقل شده که : بعضی از عرفاء داخل در قبرستان می شد و ندا می داد که ای اهل قبور شما چه کسانی هستید؟ سپس خودش از طرف آنها جواب می داد که ماییم پدران و مادران و برادران و خواهران ، ماییم دوستان و همسایگان ، ماییم رفیقان و برادران ماییم محبان و علاقه مندان به یکدیگر. بلاها ما را خرد کرده و آسیا نموده و سنگ ها و خاک ما را خورده است .

و انشد بعضهم و قال :

خمدوا و ليس يجاب من نادهم

هم موتی و کیف اجابه الاموات

بعضی چنین فرموده اند: آنان ساکتند و جواب نمی دهند کسی را که آنها را صدا کند، آنها مردگانند و چگونه مردگان جواب دهند.

و قال البراء بن عازب : بينما نحن مع رسول الله صلى الله عليه و آله اذا ابصر بجنازة تدفن فبادر اليها مسرعا حتى وقف عليها ثم بكى حتى بل ثوبه ثم التفت اليها فقال يا اخواني لمثل هذا فليعمل العاملون احذروا هذا واعملوا له .

براء بن عازب گفته : در بین اینکه با رسول خدا صلی الله علیه و آله بودیم ناگهان چشم آن بزرگوار به جنازه ای افتاد که او را دفن می کردند. پس به سرعت به طرف آن رفت تا اینکه بر بالای آن قبر ایستاد پس چنان گریه کرد که جامه و لباسش از اشک چشمش تر شد. پس روی مبارک به جانب ما کرد و فرمود: برادران من برای اینجا باید عمل کنندگان عمل کنند از اینجا بترسید و برای آن عمل کنید.

و كتب بعضهم الى ملك يعظه ايها الملك اعدل برعيتك و ارحم من تحت يدك و لا تتجبر عليهم و لا تعل قدرك و لا تنس قبرك الذي هو منتهى امرك فان الموت ياءتيك و ان طال عمرك و الحساب امامك و القيمه موعدك و قد كان هذا الامر الذي انت فيه بيد غيرك فلو بقي له لم يصل اليك و سينتقل عنك كما انتقل عنه و انه لا يبقى لك و لا يبقى له فقدم لنفسك خيرا تجده محضرا و تزود من دارالغرور لدار الفرح و السرور و اعتبر بمن كان قبلك ممن خزن الاموال و جدد الاقلال و جمع الرجال فلم يستطع دفع المنيه و لا رد الرزیه فلا تغتر بدنیا دنیه لم يرضها الله جزاء لاوليائه و لا عذابا لاعدائه .

بعضی از بزرگان به سلطانی نامه نوشت و او را موعظه کرد که : ای سلطان با رعیت خود با عدالت رفتار کن ، و به زیردستان خود رحم کن ، و بر آنها تکبر مکن ، و قدر خود را بالا مبر، و قبر خود را که منتهای زندگی تو است فراموش نکن . پس به تحقیق که مرگ تو را خواهد آمد گرچه عمر طولانی بنمایی . و حساب کارهای تو در پیش تو است . و قیامت وعده گاه تو است . و این امر سلطنت که در دست تو است به دست غیر تو بود. و اگر برای او باقی می ماند به تو نمی رسید و به زودی از تو به دیگری انتقال پیدا می کند. نه برای او باقی می ماند و نه برای تو باقی خواهد ماند. پس چیزی برای خود پیش فرست تا آنجا آن را

حاضر بیابی و بهره بردار از این منزل غرور و ناپایدار برای آن منزل فرح و سرور. و از حال گذشتگان عبرت بگیر که آنها مالها را جمع و خزانه کردند و تازه نمودند استقلال و شخصیت های خود را. و مردان جنگجو را جمع آوری کردند. با همه اینها نتوانستند مرگ را از خود دفع کنند و قادر نشدند بلاها را از خود رد کنند. پس مغرور مشو به دنیای بی مقدار که خدای متعال راضی نشد آن جزای دوستانش باشد و نه عذاب دشمنانش.

و اعتبر يقول القائل شعرا:

و كيف يلذ العيش من كان موقنا

بان المنايا بغته ستعاجله

و كيف يلذ النوم من كان مؤمنا

بان اله الخلق لا بد سائله

و كيف يلذ العيش كان صائرا

الى جدث يبلل الثياب منازل

و كيف يلذ النوم من اثبتتواله

مناقيل اوزان الذی هو فاعله

و عبرت بگیر به قول این شاعر که می گوید: چگونه از عیش دنیا لذت می برد کسی که یقین دارد مرگ و اجل او ناگهان می رسد و به زودی او را از این عالم به عالم دیگر خواهد برد. و چگونه از خواب لذت می برد کسی که ایمان دارد که خدای متعال از او سؤال خواهد فرمود: و چگونه از زندگانی دنیا لذت می برد کسی که به سوی قبر می رود که در آن پوسیده می شود، چگونه از خواب لذت می برد کسی که برای او ثابت کرده اند که میزانی هست که اعمال به آن سنجیده می شود.

باب پانزدهم : در پند و موعظه

قال : جامع هذا الكتاب ان الموعظه لا تنجع فيمن لا زاجر له ولا واعظ من نفسه و ما وهب الله تعالى لعبده هبة انفع له من زاجر من نفسه و قل ان تنجع الموعظه في اهل التجبر و التكبر و اني لا عجب من قوم غدوا في مطارق العناق و الثياب الرقاق يحيطون الولايات و يتحلون الامانات و يتعضون الخيانات حتى اذا بلغوا بغيتهم و نالوا منيتهم خافوا من فوقهم من اهل الفضل و الفقه و ظلموا من دونهم من اهل الضعف و الحرفه و سمنوا ابدانهم و اهزلوا دينهم و عمروا دنياهم و اخربوا آخرتهم و اوسعوا دورهم و ضيقوا قبورهم .

نویسنده این کتاب می گوید که : موعظه نفع نمی دهد کسی را که در وجود خودش پند دهنده ای نباشد. و خدای متعال به هیچ بنده ای بخشش نرموده بخششی که نفعش بیشتر باشد از منع کننده ای که در نفسش باشد. و ظالمان و متکبران خیلی کم است که موعظه برای آنها نفعی داشته باشد. و من در عجبم از قومی که صبح می کنند در حالی که پوششها و فراشهای زیبا و جامه ها و لباس نرم و نازک به بلاد و شهرها احاطه می کنند و امانتها را حلال می دانند و مرتکب خیانتها می شوند تا اینکه به مقصود خود برسند. و چون به آروزی خود رسیدند از اهل فضل و فقه که از آنها بالاترند می ترسند و به ضعفا و زیردستان و کارگران ظلم می کنند، و بدنهای خود را چاق و گنده می نمایند و دین خود را ضعیف و لاغر، و دنیای خود را آباد می کنند و آخرت خود را خراب ، خانه را وسیع و قبر را تنگ می کنند.

یتکی احدثه علی شماله و یاءکل غیر ما له و یدعو بحلو بعد حامض و رطب بعد یابس و حار بعد بارد حتی اذا عظته الکظه و اثقلته البطنه و غلبه الیشم قال یا جاریه هاتی هاضوما و هاتی حاطوما و الله یا جاهل یا مغرور ما حطمت طعامک بل حطمت دینک و ازلت یقینک .

یکی از آنان به پهلوی خود تکیه می دهد و مالی را که از خود او نیست می خورد و طلب می کند شیرینی بعد از ترشی و غذای مرطوب بعد از غذای خشک و چیز گرم بعد از سرد تا اینکه پرخوری او را به زحمت اندازد و سنگینی شکم او را ناراحت کند و تخمه بر او غلبه نماید. فریاد می زند: ای کنیزک بیاور چیزی که سبب هضم غذاست و آنچه غذا را خرد و دفع می نماید. به خدا ای نادان ای گول خورده غذای خود را هضم نکردی بلکه دین خود را خرد کردی و یقین خود را بر طرف نمودی .

فاین مسکینک و این یتیمک و این جارك و این من غصبتہ و ظلمتہ و استاءثرت بهذا علیه و تجبرت بسلطانک علیه حتی اذا بالغ هذا فی المظالم و ارتطم فی المائم قال قد زرت و قد حججت و قد تصدقت و نسی قول الله تعالى : انما یتقبل الله من المتقین . (۲۰۵) و قوله : تلك الدار الاخره نجعلها للدين لا یزیدون علوا فی الارض و لا فسادا و العاقبه للمتقین . (۲۰۶) و قال النبی صلی الله علیه و آله : ما آمن بالقرآن من استحل محارمه .

و قال امیرالمؤمنین علیه السلام : لیس من شیعتی من اكل مال المؤمن حراما. انما یعیش صاحب هذا الحال مفتونا و یموت مغرورا و یقول يوم القیمه لمن . دخل الجنة من اهل السعادة هو و امثاله الم تكن معكم قالوا

بلی ولکنکم فتنم انفسکم و تربصتم و ارتبتم و غرنکم الامانی حتی جاء امرالله و غرکم بالله الغرور فالیوم لایؤخذ منکم فدیة و لا من الذین کفروا. دل هذا علی انهم غیر الکافرین .

پس آیا چه وقت به فقرا و یتیمان رسیدی ؟ و چه وقت به حال همسایگان رسیدگی نمودی ؟ و چه شد آن مالها که از مردم غصب نمودی و آن ظلم ها که نسبت به مظلومان و بی پناهان از تو سر زد و آن تسلطها که بر آنها پیدا کردی و به واسطه مقامی که داشتی بر آنها تکبر نمودی تا آنکه به این مرتبه از ظلم رسید و در گناهان فرو رفت . می گوید: من زیارت رفتم ، من حج بیت الله انجام دادم . و فرمایش خدای عالم را فراموش می کند که می فرماید: خدا اعمال و عبادات را از اهل تقوا می پذیرد. و باز می فرماید: این خانه آخرت را برای کسانی قرار دادیم که در روی زمین اراده علو و برتری و فساد نکنند. و عاقبت نیکو برای متقین و اهل تقوی می باشد.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ایمان به قرآن نیاورده هر کس حرامهای آن را حلال بداند.

و امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: از شیعیان و پیروان من نیست هر کس مال مؤمنی را از راه حرام بخورد. همانا کسی که حالش چنین باشد که ذکر شد زندگی او به حالت فتنه و امتحان می گذرد و مرگ او در حال غرور و فریب خوردگی می رسد، یعنی خود را گول زده و گمان می کند بدون توبه و اصلاح مشمول رحمت خدا می شود. و چون روز قیامت شود می بیند اهل سعادت به بهشت می روند او و امثال او می گویند مگر ما در دنیا با همدیگر نبودیم ؟ آنها که اهل بهشتند می گویند بلی ما با هم بودیم لیکن شما به فتنه و فساد افتادید و در انتظار ماندید و به شک و تردید گرفتار شدید و آرزوهای دنیا شما را گول زد. تا امر خدا که مرگ باشد آمد و شیطان شما را گول زد پس امروز دیگر از شما و از کفار فدیه قبول نمی شود. و اینکه می فرماید: از شما و کفار، دلیل بر این است که اشخاص مزبور غیر کفار هستند، یعنی کسی که تصور نکند که منظور از آنچه خدا در این آیات فرموده کفار است نه گناهکاران مؤمنین ، بلکه چون می فرماید شما و کفار معلوم می شود مراد غیر کفار از اهل معصیت و گناه است در صورتی که بدون توبه و اصلاح نفس مرده باشند.

باب شانزدهم : در شرائط قیامت و هولها و وحشت‌های آن

قال الله تعالى : فهل ينظرون الا الساعة ان تاءتيهم بغتة فقد جاء اشراطها: (۲۰۷)

آیا انتظار می برند مگر قیامت را که ناگهان بیاید آنها را پس به تحقیق شرائط و علامات آن آمد.

و قال تعالى : بل الساعة موعدهم و الساعة ادهی و امر. (۲۰۸)

بلکه وعده گاه آنها قیامت و قیامت داهیه آن بزرگ و تلخ تر است .

و قال تعالى : ان الساعة اتية لا ريب فيها. (۲۰۹)

به درستی که قیامت می آید شکی در آن نیست .

و خطب رسول الله صلى الله عليه و آله فقال : ان اصدق الحديث كتاب الله و افضل الهدى هدى الله و شر الامور محدثاتها و كل بدعته ضلالة . فقام اليه رجل و قال : يا رسول الله متى الساعة ؟ فقال ما المسؤؤل باعلم بها من السائل لا تاءتيكم الا بغتة فقال فاعلمنا اشراطها. فقال لا تقوم الساعة حتى يقيض العلم و تكثر الزلازل و تكثر الفتن و يظهر الهرج و المرج و تكثر فيكم الاهواء و يخرب العامر و يعمر الخراب و يكون خسف بالمشرق و خسف بالمغرب و خسف بجزيرة العرب و تطلع الشمس من مغربها و تخرج الدابة و يظهر الدجال و ينتشر ياءجوج و ماءجوج و ينزل عيسى بن مريم فهناك تاءتي ریح من جهة اليمن الين من الحرير فلا تدع احدا فيه مثقال ذرة من الايمان الا قبضته و انه لا يقوم الساعة الا على الاشرار ثم تاتي نار من قبل عدن تسوق ساير من علا الارض تحشرهم .

پیغمبر اکرم صلى الله عليه و آله خطبه خواند و فرمود: به درستی که راست ترین حدیث کتاب خداست و بهترین هدایت هدایت خداست و بدترین امور چیزهای تازه پیدا شده است و هر بدعتی سبب گمراهی است . پس مردی برخاست و عرض کرد: یا رسول الله قیامت چه وقت است ؟ حضرت فرمود: سؤال شده عالم تر از سؤال کننده نیست . قیامت نمی آید مگر ناگهانی . پس آن مرد عرض کرد: یا رسول الله آگاه فرما ما را به علامات و نشانه های قیامت . حضرت فرمود: به پا نمی شود قیامت مگر اینکه : علم ترک شود و زلزله زیاد شود، فتنه بسیار شود و هرج و مرج ظاهر گردد، و هوا و هوسها در شماها زیاد شود. و تعمیر شده ها خراب شود و خراب شده ها تعمیر شود. و در مشرق و مغرب و جزیره العرب در زمین فرو روند. و دابة الارض خارج گردد. و دجال ظاهر شود. و یاءجوج و ماءجوج در زمین پراکنده شوند. و عیسی بن مریم از آسمان نازل گردد. پس در این حال باد نرمی مانند حریر از طرف یمن بوزد پس وانگذازد احدی را که در او ذره ای از ایمان باشد مگر اینکه از او بگیرد و قیامت به پا نشود مگر وقتی که مردم همه از اشرار و بدان باشند. پس آتشی از طرف عدن آید که مردم روی زمین را به محشر برساند.

فقالوا: متى يكون يا رسول الله ؟ قال : اذا داهن قرائكم امرائكم و عظمت اغنيائكم و اهنتم فقرائكم و ظهر فيكم الغنا و فشا الزنا و علا البناء و تغنيتم بالقرآن و ظهر اهل الباطل اهل الحق و قل الامر بالمعروف و النهی عن المنکر و اضيعت

الصلوة و اتبعت الشهوات و میل مع الهوى و قدم امراء الجور فكانوا خونة و الوزرا فسقة و ظهر الحرص فى القراء و النفاق فى العلماء فعند ذلك ينزل بهم البلاء مع انه ما تقدست امة لا ينتصر لضعيفها من قویها تزخرف المساجد و تذهب المصاحف و تعلی المنابر و تكثر الصفوف و ترتفع الضججات فى المساجد و تجتمع الاجساد و اللسن مختلفه و دين احدهم لعقة على لسانه ان اعطى شكرو ان منع كفر لا یرحمون صغیرا و لا یوقرون کبیرا یستاءثرون انفسهم توطى حريمهم و یجورون فى حکمهم یحکم علیهم العبيد و تملكهم الصبيان و تدبر امورهم النساء تتحلى الذکور بالذهب و الفضة و یلبسون الحریر و الدیباچ و یسبون الجوارى و یقطعون الارحام .

پس عرض کردند: ای پیغمبر خدا چه زمانی چنین می شود فرمود: در وقتی که قاریان با چاپلوسی با امرا و حکام رفتار کنند. و اغنیا و مالداران را بزرگ شمارید و به فقراء اهانت کنید و به نظر حقارت به آنها بنگرید و غنا و آواز خوانی حرام در میان شما ظاهر گردد. و زنا و عمل منافی عفت علنا و آشکارا انجام شود. و بناها را عالی و بلند بسازند. و قرآن را با غنا و آواز بخوانند. و اهل باطل بر اهل حق غلبه کنند. و امر به معروف و نهی از منکر در میان مردم کم شود. و نماز ضایع گردد. و مردم به دنبال شهوات نفسانی بروند. و به هوا و هوسها میل شود. و فرمان فرمایان ظالم به سر کار آیند. و آنها اهل خیانت باشند و وزرای آنها فاسق و گناهکار باشند. و قاریان قرآن حریص در امر دنیا گردند. و نفاق در علماء ظاهر گردد. و در این هنگام بلا بر آنها نازل گردد. با اینکه امتی که برای ضعیفانشان از اقویا انتقام نگیرند پاکی و قداست پیدا نخواهند کرد مساجد را زینت کنند. قرآنها را طلا کاری کنند. و منبرها را بلند کنند. و صفوف و جماعت مردم زیاد باشند. و شیون و صداهاى بیجا در مساجد بلند گردد. و مردم بدنهایشان با هم جمعند ولی زبانهایشان مختلف است. و دین هر کدام لقلقه زبان اوست و در قلب آنها ایمان رسوخ نکرده. اگر به آنها عطا شود شکر می کند و اگر روزی او برای امتحان کم یا منع گردد کافر گردد. به صغیرها و کوچک ها رحم نمی کنند و به پیران احترام روا نمی دارند. همیشه خود را بر دیگران مقدم می دارند. و حریم حفظ خود را می کنند. و در حکم جور و ظلم می کنند. و غلامان و افراد پست بر آنها حکومت می کنند. و بچه ها امور آنها را به دست می گیرند. و تدبیر امور آنها به دست زنان است. مردها به طلا و نقره زینت می کنند و لباس حریر و دیباچ می پوشند. و دختران را اسیر می کنند و قطع ارحام می کنند.

و یحیفون السبیل و ینصبون العشارین و یجاهدون المسلمین و یسالمون الکافرین فهناک یکثر المطر و یقل النبات و تکثرا لهزات و تقل العلماء و تكثر الامراء و تقل الامناء.

و راه زنی می کنند. و باجگیران را در راهها و می دارند. و با مسلمین جنگ می کنند و با کفار سازش می کنند. پس در چنین زمان باران زیاد است و گیاه کم است، و تفریحات زیاد است، و علماء کم می شوند، و حاکمان زیاد می شوند و افراد امین کم می شوند.

فعند ذلك تنحر الفرات عن جبل من ذهب فيقتل الناس عليه فيقتل من المائة تسعه و تسعين و یسلم واحد.

پس در این هنگام فرات از کوهی از طلا جدا می شود و مردم بر او جنگ می کنند که از صد نفر نود و نه نفر کشته و یکی سالم می ماند.

و قال رجل : صلى بنا رسول الله صلى الله عليه و آله من غلس ، فنادى رجل متى الساعة يا رسول الله لم يجبه حتى اذا اسفر فارفع طرفه الى السماء فقال تبارك خالقها و واضعها و مهدها و محلها بالثبات ثم قال ايها السائل عن الساعة تكون عند خبث الامراء و مدهاتة القراء و نفاق العلماء.

مردی گفت : صبح زود که هنوز هوا تاریک بود با پیغمبر صلی الله علیه و آله نماز خواندیم پس مردی صدا زد یا رسول الله قیامت چه وقت است ؟ حضرت جواب او را نداد تا وقتی که هوا روشن شد. پس چشم خود را به طرف آسمان بلند کرد و فرمود: بزرگ است خالق آن و قرار دهنده آن و گرداننده آن و زینت دهنده آن به ستاره های ثابت . پس فرمود: ای کسی که از قیامت سؤال نمودی قیامت وقتی است که امیرها و حکام خبیث باشند و قاریان چاپلوس باشند و در علماء نفاق باشد.

و اذا صدقت امتی بالنجوم و کذبت بالقدر ذلک حین يتخذون الامانة مغنما و الصدقة مغرما و الفاحشة اباحة و العبادة تکبرا و استطالة على الناس .

و زمانی که امت من علم نجوم و پیش گویی های از این راه را تصدیق کنند و قضا و قدر الهی را تکذیب کنند و این هنگامی است که امانت را برای خود غنیمت بدانند و دادن صدقه را ضرر حساب کنند و کار بد و فحشاء را مباح شمارند و عبادت را سبب تکبر و مسلط شدن بر مردم می دانند.

و قال صلى الله عليه و آله : و الذى نفسى بيده لا تقوم الساعة حتى يكون عليكم امراء فجرة و وزراء خونة و عرفاء ظلمة و قراء فسقة و عباد جهال يفتح الله عليهم فتنة غرباء مظلومة فيتيون فيها كما تاهت اليهود فح ينقص الاسلام عروة عروة حتى يقال الله الله .

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: قسم به خدایی که جان من به دست قدرت اوست قیامت بر پا نشود تا اینکه امیرانی بر شما مسلط شوند که فاسق و فاجر باشند، و وزیرانی که خیانت کار باشند و عارفانی که ظالمند و قاریانی که فاسقند و عبادت کنندگانی که جاهل باشند. خدا بر آنها فتنه های تاریک زمین را می گشاید. پس در آن فتنه ها سرگردان می شوند چنانچه یهود سرگردان شدند. پس در این هنگام اسلام حلقه حلقه ناقص می گردد تا جایی که فریادها به خدا خدا بلند گردد.

و قال اميرالمؤمنين عليه السلام : ما من سلطان اتاه الله قوة و نعمة فاستعان بها على ظلم عباده الا كان حقا على الله ان ينزعها منه . الم تر الى قوله تعالى : ان الله لا يغير ما بقوم حتى يغيروا ما بانفسهم . (٢١٠)

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: نیست سلطانی که خداوند متعال به او قوتی و نعمتی مرحمت فرماید پس با آن نعمت و قوت خدایی بر بندگان خدا ظلم و ستم روا دارد و آن را وسیله اذیت آنها قرار دهد مگر اینکه خدا آن نعمت و مقام را از او می گیرد. آیا ندیدی فرمایش حق تعالی را که می فرماید: به تحقیق خدا تغییر نمی دهد آنچه به قومی مرحمت فرموده تا اینکه تغییر دهند آنچه در نفسهای آنهاست .

و قال النبی صلی الله علیه و آله : لا تزال هذه الامة تحت ید الله و کنفه ما لم یمل قرائها امرائها و لم یوال صلحائها اشرارها فاذا فعلوا ذلك نزع الله یدہ منهم ورماهم بالفقر و الفاقة و سلط علیهم اشرارهم و ملاء قلوبهم رعبا و رمی جبارتهم بالعذاب المہین فیدعون دعاء الغریق لا یتستجیب لهم .

پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: این امت همیشه دست رحمت الهی بر سر آنهاست و در پناه خدا هستند تا وقتی که قاریان آنها به امراء و حکام آنها میل کنند و به سوی آنها بروند و نیکان و صالحان آنها به اشرار و بدان آنها دوست شوند چون چنین کردند خداوند دست رحمت خود را از سر آنها بردارد و آنها را به فقر و فاقه مبتلا کند و جباران و ظالمان آنها را به عذاب خوار کننده مبتلا کند پس دعای غریق بخوانند و خدا مستجاب نفرماید.

و قال : بئس العبد عبد یسئل المغفرة و هو یعمل بالمصیة یرجو النجاة و لا یعمل لها و یخاف العذاب و لا یحذره و یعجل الذنب و یؤخر التوبة و یتمنی علی الله الایمانی الکاذبة فویل له ثم و یل له من یوم العرض علی الله تعالی .

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: بد بنده ای است بنده ای که از خدا طلب مغفرت و آمرزش می کند و به گناه مشغول است.

امید نجات دارد و لیکن برای آن عمل نمی کند. از عذاب می ترسد و از آن حذر نمی کند. تعجیل در گناه می کند و توبه را تاخیر می اندازد. بر خدا آرزوی دروغ دارد پس وای بر او پس وای بر او از روز عرضه بر خدا.

و روی ان عمر بن هبیره لما وی العراق من قبل هشام بن عبدالملک احضر السبعی و الحسن البصری و قال لهما ان هشام بن عبدالملک اخذ بیعتی له علی السمع و الطاعة ثم و لانی عراقکم من غیران اسئله و لا تزال کتبه تاتینی بقطع قطاع الناس و ضرب الرقاب و اخذ الاموال فما تریان فی ذلک ؟ فاما السبعی فداهنه و قال قولاً ضعيفاً و اما الحسن البصری فانه قال یا عمرانی انھاک عن التعرض لغضب الله برضا هشام و اعلم ان الله یمنعک من هشام و لا یمنعک هشام من الله تعالی و لا اهل الارض ایاتیک کتاب من الله بالعمل بکتابه و العدل و الاحسان و کتاب من رسول الله نبیک و کتاب من هشام بخلاف ذلک فتعمل بکتاب هشام و تترك کتاب الله و سنه رسوله ان هذا لهو الحرب الکبیر و الخسران المبین فاتق الله و احذرہ فانه یوشک ان ینزل الیک ملک من السماء فینزلک من علو سریرک و تجرک من سعه قصرک الی ضیق قبرک ثم لا یوسعه علیک الا عملک ان کان حسناً و لا یوحشک الا هو ان کان فبیحاً.

و روایت شد: چون عمر بن هبیره از طرف هشام بن عبدالملک حاکم بر عراق گردید دو نفر از علما را به نام سبعی و حسن بصری حاضر کرد جریان ماءموریت خود را با آنها در میان گذاشت و با آنها گفت : هشام بن عبدالملک از من عهد گرفته که اطاعتش کنم و گفتار او را گوش دهم . پس مرا حاکم عراق شما نمود بدون اینکه من از او خواسته باشم . و پیوسته نامه او می رسد که با مردم سخت گیری کنم و گردن آنها را بزنم و مالهای آنها را بگیرم ، نظر شما در این مورد چیست ؟ سبعی با مدافعت و چاپلوسی و سستی و ضعف تکلم کرد. اما حسن بصری ، پس گفت : ای عمر من تو را نهی می کنم از اینکه متعرض

غضب خدای متعال شوی برای اینکه رضای هشام را به دست آوری . و بدان که خدای متعال تو را از شر هشام حفظ و نگهداری می کند ولی هشام قدرت ندارد که جلو غضب خدا را بر تو بگیرد و همه اهل زمین نیز چنین قدرتی را ندارند. اگر دستوری و فرمانی از جانب حق تعالی آید که تو را به عدل و احسان امر فرماید و همچنین کتابی و فرمانی از طرف پیغمبر آید و نامه ای هم از طرف هشام آید آیا به خلاف قول خدا و رسول به کتاب هشام عمل می کنی و دستور خدا و سنت پیغمبر را ترک می نمایی ؟ هرگاه چنین کنی تو به حرب خدا و رسول رفته ای و دچار زیانکاری گردیده ای . پس از خدا بترس و از غضب او دوری کن ، چون نزدیک است که ملکی از آسمان بیاید و تو را از بالای تخت به زیر بکشد و تو را از این قصر وسیع به قبر تنگ ببرد پس آن را وسعت ندهد مگر عمل تو اگر خوب باشد. و سبب وحشت تو نباشد مگر همان عمل تو اگر قبیح باشد.

و اعلم انک ان تنصر الله ينصرک و يثبت اقدامک فان الله تعالى ضمن اعزاء من يعزه و نصر من ينصره . و قال سبحانه : ان تنصروا الله ينصرکم و يثبت اقدامکم . (۲۱۱) و قال سبحانه : و لينصرن الله من ينصره . (۲۱۲)

و بدان به درستی که تو اگر خدا را یاری کنی خدا تو را یاری کند و تو را ثابت قدم می دارد. به درستی که خدا تعالی ضامن شده عزت دادن به کسی که خدا را عزیز بدارد و یاری کردن کسی که او را یاری کند. خدای سبحان فرموده : اگر خدا را یاری کنید خدا شما را یاری می کند قدمهای شما را ثابت می کند. و خدای متعال فرموده : و هر آینه خدا کسی را یاری می کند که او را یاری کند.

و قال صلى الله عليه و آله : كيف انتم ظهر فيكم البدع حتى يربوا فيها الصغير و يهوم الكبير و يسلم عليه الاعاجم و اذا ظهر البدع قيل سنة و اذا عمل بالسنة قيل بدعة قيل و متى يا رسول الله يكون ذلك قال : اذا ابتعتم الدنيا بعمل الآخرة .

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: شما چگونه اید زمانی که در میان شما بدعتها ظاهر شود تا اینکه اطفال در آن رشد، و نمو کنند، و بزرگان در آن پیر شوند، و عوام تسلیم آن گردند تا آنجا که وقتی بدعت ظاهر شود گویند سنت است و هنگامی که عمل به سنت شود می گویند بدعت است . عرض شد: یا رسول الله در چه زمانی چنین می شود؟ فرمود: در وقتی که شما دنیا را با عمل آخرت خریداری نمایید.

و قال ابن عباس : لا يأتى على الناس زمان الا ماتوا فيه سنيه و احيوا فيه بدعه حتى تموت السنن و تحيى البدع . و بعد فو الله ما اهلك الناس و ازالهم عن الجحيم قديما و حديثا الا علماء السوء قعدوا على طريق الآخرة فمنعوا الناس سلوكها و الوصول اليها و شككهم فيها. مثال ذلك مثل رجل كان عطشانا فرى جره مملوه فيها ماء فاراد ان يشرب منها فقال له رجل لا تدخل يدك فيها فان فيها افعى ينسك و قد ملاتها سما فامتنع الرجل من ذلك ثم ان المخبر عن ذلك اخذ يدخل يده فيها فقال العطشان لو كان فيها سما لما ادخل يده فيها و كذلك حال الناس مع علماء السوء زهدوا الناس فى الدنيا و رغبوهم فيها و منعوا الناس من الدخول الى الولاه و التعظيم لهم و دخلوهم اليه و عظموهم و

مدحوهم و حسنوا اليهم افعالهم و وعدوهم بالسلامه لابل قالوا لهم قد راءينا لكم المنامات بعظيم المنازل و القبول ففتنوههم و غروهم و نسوا قول الله تعالى : ان الا برار لفى نعيم و ان الفجار لفى جحيم (۲۱۳) و قوله تعالى : ما للظالمين من حميم و لا شفيع يطاع (۲۱۴) و قوله : و يوم يعض الظالم على يديه (۲۱۵) و قوله تعالى : يوم لا يغنى مولى عن مولى شيئا.

ابن عباس گفته : بر مردم زمانی بیاید که سنتهای دینی را در آن بمیرانند و بدعتها را زنده کنند تا بمیرد همه سنتها و زنده شود همه بدعتها. و بعد از آن به خدا قسم مردم را هلاک نمی کنند و آنها را از حجتها و دلیلهای دینی قدیما و جدیدا جدا نمی کنند مگر علمای بد پس در راه آخرت می ایستند و مردم را منع می کنند از پیمودن و رسیدن به آن و آنها را به شک می اندازند. مثال این مطلب مانند مردی است که تشنه باشد پس ظرف آبی را ببیند که مملو از آب باشد پس قصد آشامیدن از آن آب کند. مردی گوید: دست خود را در آن مکن که افعی در آن می باشد و تو را نیش می زند و این ظرف را پر از سم کرده است. پس آن تشنه کنار می رود. ولی آن مردی که او را منع می کرد شروع می کند دست خود را در آن آب فرو بردن و خوردن. آن مرد تشنه می گوید. اگر در این آب سم بود او دستش را داخل آن نمی کرد. همچنین است حال مردم با علمای بد، آنها را از دنیا بر حذر می دارند و خود آنها در آن رغبت و میل می کنند و مردم را منع می کنند از داخل شدن بر حکام جور و احترام گذاشتن به آنها و خود داخل می شوند و آنها را تعظیم و احترام می کنند و آنها را مدح می کنند و کارهای آنها را می ستایند و به آنها وعده سلامتی می دهند. بلکه بالاتر به آنها می گویند برای شما خوابهای خوب دیده ایم که دارای منزلهای نیکو هستید و مورد قبول می باشید. پس با این حرفها آنها را به فتنه می اندازند و مغرور می کنند. و فرمایش حق تعالی را فراموش کرده اند که می فرماید: به درستی که نیکان در نعمت ها هستند و بدان در عذاب. و این فرمایش حق تعالی را که : نیست برای ظالمان دوستی و نه شفیع که اطاعت شود. و نیز می فرماید: روزی که ظالم پشت دست خود را به دندان می گزد. و همچنین این فرمایش را که می فرماید: روزی که دوستی دوستی را از چیزی بی نیاز نمی کند.

و قال النبی صلی الله علیه و آله : الجنة محرمة علی جسد غدی بالحرام .

و قال امیرالمؤمنین علیه السلام . لیس من شیعتی من اکل من مال امرء حراما.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: بهشت حرام است بر جسدی که از حرام غذا خورده و نمو کرده باشد.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: از شیعه من نیست آن کس که مال کسی را به حرام بخورد.

و قال النبی صلی الله علیه و آله : لا یشم ریح الجنة جسد نبت علی الحرام .

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: بوی بهشت را نمی شنود بدنی که گوشت آن از حرام روییده باشد.

و قال علیه السلام : ان احدکم لیرفع یدیه الی السماء فیقول یا رب و مطعمه حرام و ملبسه حرام فای دعاء یستجاب لهذا و ای عمل یقبل منه و هو ینفق من غیر حل ان حج حراما و ان تصدق تصدق حراما و ان تزوج تزوج بحرام و ان صام افطر علی حرام فیاویحه اما علم ان الله طیب لا یقبل الا الطیب . و قد قال فی کتابه : انما یتقبل الله من المتقین . (۲۱۶)

فرمود: یکی از شما دست به طرف آسمان بر می دارد و می گوید ای خدا ای خدا و حال آنکه طعام او و لباس او حرام است . پس برای چنین شخص چه دعایی مستجاب شود و چه عملی از او قبول گردد. و حال آنکه از غیر حلال خرج می کند. اگر حج کند حج حرام کرده و اگر صدقه دهد صدقه حرام داده و اگر زن بگیرد به حرام گرفته . و اگر روزه دارد بر حرام افطار کرده . پس وای بر او آیا نمی داند که خدا پاک است و قبول نمی فرماید مگر پاک را. و به تحقیق در قرآن کریم فرمود: این است و جز این نیست که خدا از متقین و اهل تقوی قبول می فرماید:

و قال النبی صلی الله علیه و آله : لیكون علیکم امراء سوء فمن صدق فی قولهم و اعانهم علی ظلمهم و غشی ابوابهم فلیس منی و لست منه و لن یرد علی الحوض .

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر آینه حاکمان بد بر شما مسلط می گردند پس هر کس گفتار آنها را تصدیق کرد و آنها را کمک کرد بر ظلم کردنشان و پوشید درهای آنها را، یعنی بر در منازل آنها اجتماع کنند که سبب اهمیت آنها گردد پس چنین کس از من نیست و من از او نیستم و بر حوض من وارد نخواهد شد.

فقال صلی الله علیه و آله لحذیفه : کیف انت یا حذیفه اذا کانت امراء ان اطعمتوهم کفروکم عصیتموهم قتلوکم فقال حذیفه کیف اصنع یا رسول الله قال جاهدکم ان قویت و اهرب عنهم ان ضعف .

حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: ای حذیفه چگونه ای تو آن هنگام که حاکمان ظالم بوده باشند که اگر فرمان آنها را ببری شما را کافر می کنند و از دین بیرون می برند و اگر مخالفت آنها کنید شما را می کشند حذیفه عرض کرد: چه کنم یا رسول الله ؟ فرمود: اگر قوتی داری با آنها جهاد کن و اگر ضعیف هستی از آنها فرار کن .

و قال صلی الله علیه و آله : صنفان من امتی اذا صلحنا صلح الناس و اذا فسدنا فسد الناس الامراء و العلماء.

حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: از امت من دو دسته اند که اگر صالح شدند امت من صالحند و اگر فاسد شدند امت من فاسد گردند: یکی حکام و دیگری علماء.

قال الله تعالی : و لا ترکوا الی الذین ظلموا فتمسکم النار. (۲۱۷)

خداوند می فرماید: به ظالمان اتکاء نکنید که آتش شما را فرو می گیرد.

و قال : و لا تطغوا فیه فیحل علیکم غضبی . (۲۱۸)

در آن طغیان نکنید که به غضب من گرفتار خواهید شد.

و الله ما فسدت امور الناس الا بفساد هذين الصنفين و خصوصا الجائر في الحكم القابل الرشا في الحكم .

قسم به خدا امور و کارهای مردم تباه نشد مگر برای تباهی این دو دسته و مخصوصا جور و ظلم کنندگان در حکم که در حکم قبول رشوه نمایند.

و لقد احسن ابو نواس في شعره :

اذا خان الامير و كاتباه

و قاضى الامر داهن فى القضاء

فويل ثم ويل ثم ويل

لقاضى الامر من قاضى السماء

ابونواس گفته : وقتی که حاکم و نویسندگانش خیانت کنند و قاضی بر خلاف حکم کند پس وای وای بر آن قاضی از حاکم بر حق خدای متعال .

و جاء فى تفسير قوله تعالى : لا تجد قوما يؤمنون بالله و اليوم الآخر يوادون من حاد الله و رسوله (۲۱۹) الآية ، نزلت فيمن يخالط السلاطين و الظلمة .

و در تفسیر گفته باری تعالی : نمی یابی قومی را که ایمان به خدا و روز دیگر یعنی قیامت آورده باشند با کسانی دوستی کنند که دشمن خدا و رسول است ... آمده است که : درباره کسانی نازل شده است که با سلاطین و ظالمان آمیزش داشته باشند.

و قال عليه السلام : الاسلام علانية باللسان و الایمان سر بالقلب و التقوى عمل بالجوارح كيف تكون مسلما و لا يسلم الناس منك و كيف تكون مؤمنا لا تاءمنك الناس و كيف تكون تقيا و الناس يتقون من شرک و اذاک .

فرمود: اسلام چیزی است آشکار به زبان و ایمان سری است در قلب ، یعنی پوشیده و پنهان است و خدا می داند و خود شخص . و تقوی عمل به اعضاء و جوارح است . چگونه تو مسلمانی و مردم از تو سالم نیستند؟ و چگونه مؤمنی که مردم از تو در امان نیستند؟ و چگونه دارای تقوی هستی و حال آنکه مردم از شر و اذیت تو اجتناب می کنند؟

و قال ان من ادعى حبنا و هو لا يعمل بقولنا فليس منا و لا نحن منه اما سمعوا قول الله تعالى يقول مخربرا عن نبیه : قل ان كنتم تحبون الله فاتبعوني يحببكم الله . (۲۲۰)

و فرمود: به درستی که کسی که ادعا کند دوستی ما را و او به گفتار ما عمل نکند پس از ما نیست و ما از او نیستیم . آیا گفته حق تعالی را نشنیده اند که می فرماید: در حالیکه از پیغمبرش خبر می دهد: بگو اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد.

و لما بايع اصحابه اخذ عليهم العهد والميثاق بالسمع لله تعالى و له بالطاعه في العسر و اليسر و على ان يقولوا الحق اينما كانوا و ان لا ياخذهم في الله لومه لائم .

و چون اصحابش با او (امام علی علیه السلام) بیعت کردند از آنها عهد و ميثاق گرفت که شنوای فرمان حق باشند و اطاعت او نمایند در حالت سختی و آسانی و بر اینکه حق بگویند هر کجا باشند و از ملامت ملامت کنندگان نترسند.

قال : ان الله ليحصى على العبد كل شيء حتى انينه في مرضه و الشاهد على ذلك قوله الله تعالى : ما يلفظ من قول الا لديه رقيب عتيد.(۲۲۱) و قوله تعالى : و ان عليكم لحافظين كراما كاتبين يعلمون ما تفعلون (۲۲۲) و قوله تعالى : و ان تبدوا ما في انفسكم او تخفوه يحاسبكم به الله .(۲۲۳)

فرمود: به درستی که خدا شماره می فرماید و به حساب می آورد هر چه از بنده سرزند حتی ناله کردن در حال مرض را. و شاهد بر این آیات کریمه قرآن است که می فرماید هیچ گفتاری را به زبان نیاورد مگر اینکه نزد او حاضرند دو ملک رقیب و عتید و آن را می نویسند. و به تحقیق که بر شما نگهبانان هستند که نویسندگان با کرامت و بزرگواری هستند می دانند چه می کنید. و اگر ظاهر کنید آنچه در باطن خود دارید یا بیوشانید خدا شما را بر آن محاسبه فرماید.

باب هفدهم : در عقاب زنا و ربا

قال النبى صلى الله عليه و آله : ان لاهل النار صرخة من نتن فروج الزناة فايكم و النرنا فيه ست خصال ثلاث فى الدنيا و ثلاث فى الآخرة فاما التى فى الدنيا فانه يذهب بهاء الوجه و يورث الفقر و ينقص العمر و اما التى فى الآخرة يوجب سخط الله و سوء الحساب و عظم العذاب ان الزناة ياتون يوم القيمة تشعل فروجهن نارا يعرفون بنتن فروجهن .

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: به درستی که برای اهل آتش ناله و فریادی هست از بوی گند فرجهای زناکاران ، پس حذر کنید و دوری نمایید از زنا. پس به درستی که در آن شش خصلت است که عقوبت این گناه است سه چیز در دنیا و سه چیز در آخرت . اما آنچه در دنیا است اول اینکه : نور صورت را می برد. دوم اینکه : سبب فقر می شود. سوم آنکه : عمر زانی کوتاه می شود. و اما آنچه در آخرت است اول اینکه : سبب غضب حق تعالی می گردد. دوم اینکه : سبب سختی محاسبه قیامت می گردد. سوم اینکه : عذاب سخت برای آن هست . به درستی که روز قیامت زانیان می آیند در حالی که آتش از فرجهای آنها شعله می کشد. و به بوی بد و گند فرجهایشان شناخته می شوند.

و قال النبى صلى الله عليه و آله : ان الله مستخلفكم فى الدنيا فانظروا كيف تعملون فاتقوا الزنا و الربا.

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: به تحقیق خدا شما را در دنیا خلیفه قرار داد پس دقت کنید چگونه عمل می کنید. پس از عمل زنا و گرفتن و دادن ربا حذر کنید و احتراز نمایید.

قيل قالت المعتزلة فى مجلس الرضا عليه السلام ان اعظم الكبائر القتل لقوله تعالى : و من يقتل مومنا متعمدا فجزاؤه جهنم خالدًا (٢٢٤) الآية و قال الرضا عليه السلام : اعظم من القتل عندى اثما و اقبح منه بلاء الزنا لان القتال لم يفسد بضرب المقتول غيره و لا بعده فسادا و الزانى قد افسد النسل الى يوم القيمة و احل المحارم . فلم يبق فقيه الا قبل يديه و اقربا قاله .

گفته شده که : جماعت معتزله که یکی از فرق اسلام هستند در مجلسی که حضرت علیه السلام تشریف داشتند راجع به بزرگترین گناهان در اسلام مذاکره نمودند. پس همگی اتفاق کردند که قتل و کشتن شخص مؤمن بزرگترین گناه است ، چون خدا می فرماید: کسی که مؤمنی را عمدا بکشد جزای او جهنم است همیشه ...

حضرت رضا علیه السلام فرمود آنچه گناهش از قتل نزد من بیشتر است و بلای آن قبیح تر است زناست ؛ برای اینکه قاتل با کشتن مقتول فسادى به غیر کشتن او انجام نمی دهد و بعد از کشتن او دیگر فسادى بر آن نیست . و زانى نسل را تا روز قیامت فاسد و تباه می کند و حرامهایی را حلال می کند پس فقیهی در مجلس نماند مگر اینکه دست مبارک آن حضرت را بوسید و به درستی فرمایش آن حضرت اقرار کرد.

و قال صلى الله عليه و آله : اذا كانت فيكم خمس رميتم بخمس اذا اكلتم الربا رميتم بالخسف و اذا ظهر فيكم الزنا اخذتم بالموت و اذا جارت الحكाम ماتت البهائم و اذا اظلم اهل الملة ذهبت الدولة و اذا تركتم السنة ظهرت البدعة .

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: زمانی که در شما پنج خصلت ظاهر شود به پنج بلا گرفتار خواهید شد: وقتی ربا خواری را پیشه خود ساختید به نقص اموال مبتلا می شوید وقتی در میان شما زنا ظاهر شد به مرگ ناگهانی مبتلا می شوید وقتی حاکمان ظلم کردند به مردن حیوانات مبتلا می شوید وقتی ملتی ظلم کردند دولت و قدرت آنها از دست می رود و دشمن بر آنها مسلط می شود. وقتی سنتهای دینی را ترک کردید بدعتها ظاهر می گردد.

و قال صلی الله علیه و آله : ما تقض قوم عهدهم الا سلط علیهم عدوهم و ما جارقوم الا کثر القتل بینهم و ما منع قوم الزکوة الا حبس القطر عنهم و لا ظهرت فیهم الفاحشة الا فشافیهم الموت و ما یخسر قوم المکیال و المیزان الا اخذوا بالسنین .

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هیچ مردمی عهد شکن نشدند مگر اینکه دشمن آنها بر آنها مسلط گردید و هیچ قومسی ظلم نکردند مگر اینکه کشتار در بین آنها زیاد شد. و هیچ قومسی از پرداخت زکات امتناع نکردند مگر اینکه از آمدن باران ممنوع شدند.

و در ما بین آنها عمل عفت و فحشاء ظاهر نشد مگر اینکه در میان آنها مرگ مفاجات شیوع پیدا کرد. و هیچ قومسی کم فروشی نکردند مگر اینکه به خشکسالی مبتلا شدند.

و قال صلی الله علیه و آله : اذا عملت امتی خمس عشر خصلة حل بهم البلاء اذا کان الفیء دولا و الامانة مغنما و الصدقة مغرما و اطاع الرجل امرائه و عصی امه و بر صدیقه و جفا اءباه و ارتفعت الا صوات فی المساجد و اکرم الرجل مخافة شره و کان زعیم القوم ارذلهم و لبسوا الحریر و اتخذوا المغنیات و شربوا المخمور و اکثروا الزنا فارتقبوا عند ذلک ریحا حمراء و خسفا اومسحا او ظهر العدو علیکم ثم لا تنصرون .

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر گاه امت من دارای پانزده خصلت شدند و به آن عمل کردند بلا بر آنها نازل خواهد شد: ۱- وقتی که غنیمت جنگی را دولت شخصی خود کردند. ۲- امانت را غنیمت شمرده و تصرف کردند. ۳- صدقه دادن را برای خود ضرر حساب کردند. ۴- از زنان اطاعت و مادران را نافرمانی و اذیت کردند. ۵- به رفیقان نیکی و پدران را اذیت کردند. ۶- صداها را در مسجد در غیر از اذان بلند کردند. ۷- از ترس شر اشخاص آنها را گرامی و محترم داشتند. ۸- افراد رذل و پست در میان مردم رئیس و زعیم باشند. ۹- لباس حریر و ابرایشم پوشیدند. ۱۰- زندهای خواننده در مجالس عمومی و خصوصی آوردند. ۱۱- شرب خمر کردند. ۱۲- عمل منافی عفت در میان آنها شایع گردید. پس در این حال انتظار داشته باشند باد سرخ یا زمین شکافته شدن و آنها را فرو بردن یا مسخ شدن و از صورت آدمی خارج شدن یا دشمن بر آنها غلبه کردن و از هیچ جانب یاری نشدن .

مخفی نماند که در این روایت دوازده چیز بیشتر ذکر نشده و اول روایت که فرموده پانزده خصلت سه صفت آن ذکر نشده است . (مترجم).

باب هجدهم : در وصیت لقمان به فرزندش

قال يا بنی لا یکن الدیک اکیس منک و اکثر محافظه علی الصلواہ الا ترأه عند کل صلوة یوذن لها و بالاسحار یعلن بصوته و انت نائم .

لقمان فرمود: ای پسر من خروس از تو زیرک تر نباشد و بیشتر از تو حفظ اوقات نماز را نکند! آیا او را نمی بینی هنگام هر نماز برای نماز اعلان می کند و در سحرها با صدای بلند اعلان می کند و تو در خوابی .

ای پسر من کسی که مالک زبانش نباشد پشیمان می شود. و کسی که زیاد مجادله کند دشنام داده می شود. و کسی که در جاهای بد و نامناسب داخل شود مورد تهمت قرار می گیرد. و کسی که با رفیق بد و ناصالح رفاقت و دوستی کند از آفات سالم نمی ماند. و کسی که با علماء مجالست و همنشینی کند نفع می برد.

یا بنی لا توخر التوبه فان الموت یاءتی بغته .

ای پسر من توبه را به عقب نینداز که مرگ ناگهان می رسد.

یا بنی اجعل غناک فی قلبک و اذا افتقرت فلا تحدث الناس بفقرک فتهون علیهم و لکن اسئل الله من فضله .

ای پسر من بی نیازی و غنای خود را در قلب خود قرار ده و اگر زمانی فقیر شدی برای مردم از فقر خود چیزی نگو که سبب می شود در نظر آنها بی اعتبار و سبک شوی ولیکن از فضل بی پایان الهی سؤال کن و بخواه تا به تو مرحمت فرماید.

یا بنی کذب من یقول الشر یقطع بالشر الاتری ان النار لا تطفئ بالنار و لکن بالماء و کذلک الشر لا یقطع الا بالخير.

ای پسر من دروغ گفته آن کس که می گوید شر را با شر می توان قطع کرد. آیا نمی بینی آتش را آتش خاموش نمی کند ولیکن آب است که آتش را خاموش می کند. و همچنین شر قطع نمی شود مگر با خیر و خوبی .

یا بنی لا تشمت بالمصائب و لا تعیر المبتلی و لا تمنع المعروف فانه ذخیره لک فی الدنیا و الآخرة .

ای پسر من به شخص مصیبت زده شمت مکن ! و شخص مبتلا را سرزنش و ملامت مکن . و از معروف و خوبی ها جلوگیری نکن و آن را انجام بده که آن ذخیره است برای تو در دنیا و آخرت .

یا بنی ثلثه تجب مداراتهم المریض و السلطان و المرأة و کن قنعا تعیش غنیا و کن متقیا تکن عزیزا.

ای پسر من مدارای با سه کس واجب است : مریض ، سلطان و زن . و قناعت کن تا بی نیاز زندگی کنی و احتیاج به کسی پیدا نکنی . و تقوی داشته باش تا عزیز باشی .

یا بنی انک من حین سقطت من بطن امک استدبرت الدنیا و استقبلت الآخرة و انت فی کل یوم الی ما استقبلت اقرب منک الی ما استدبرت فتزود لدار انت مستقبلها و علیک بالتقوی فانه اربح التجارات .

ای پسر من به درستی که تو از وقتی که از شکم مادر افتادی پشت به دنیا و رو به آخرت نموده ای و تو در هر روز به سوی آنکه رو کرده ای پس توشه بردار برای خانه ای که تو به سوی آن می روی . و بر تو باد به تقوی که آن پر نفع ترین تجارت است .

و اذا حدثت ذنبا فاتبعه بالاستغفار و الندم و العزم علی ترک العود لمثله .

و هنگامی که گناهی از تو سر زد دنبال آن از خدای متعال طلب مغفرت بنما و از انجام آن گناه پشیمان شو و تصمیم بگیر که هرگز به آن گناه عود و بازگشت نکنی .

و اجعل الموت نصب عینیک و الوقوف بین یدی خالقک و تمثیل شهاده جوارحک علیک بعملک و الملائکه الموکلین بک تستحیی منهم و من ربک الذی هو مشاهدک و علیک بالموعظه فاعمل بها فانها عند العاقل احلی من العسل الشهد و هی علی السفیه اشق من صعود الدرجه علی الشیخ الکبیر و لا تسمع الملاهی فانها تنسیک الاخره و لکن احضر الجنائز و زر المقابر و تذکر الموت و ما بعده من الاهوال فتأخذ حذرک .

و مرگ را در مقابل چشم خود قرار بده و ایستادن در مقابل مقام عدل الهی را همیشه در نظر داشته باش و شهادت اعضاء و جوارح خود را به اعمال و کارهایت در مقابل خود ممثل و نمایان نما و از شهادت ملائکه موکل بر تو که اعمال تو را ثبت و ضبط می نمایند غفلت نداشته باش پس از آنها حیا کن و از خدای خود که اعمال تو را می بیند شرم کن . و بر تو باد به شنیدن موعظه و نصیحت پس عمل به آن ؛ چون که شنیدن موعظه و عمل به آن در نزد شخص عاقل از غسل صاف شده شیرین تر است . و آن برای سفیه و نادان مشکل تر است از بالا رفتن پیر فرتوت از نردبان و پله های سخت . و گوش به چیزهای بیهوده و گفتار لغو مده ؛ چون که آن سبب می شود که آخرت را فراموش کنی و از نظر ببری . لیکن بر جنازه ها حاضر شو و به زیارت قبور مؤمنین برو . به یاد بیاور مردن و هول و وحشت های بعد از آن را پس پند و نصیحت خود را بگیر و از آن بهره مند شو!

یا بنی استعذ بالله من شرار النساء و کن من خیارهن علی حذر .

ای پسر من پناه به خدا ببر از زنهاى بد و از خوبان آنها حذر کن و احتراز نما و از شر آنها ایمن مباش .

یا بنی لا تفرح بظلم احد بل احزن علی ظلم من ظلمته یا بنی الظلم ظلمات و یوم القیمه حسرات و اذا ادعتک القدره علی ظلم من هو دونک فاذکر قدره الله علیک .

ای پسر من به ظلم هیچ ظالمی خوشنود مباش بلکه اگر به کسی ظلم کردی برای آن عمل قبیح محزون و غمگین باش . ای پسر من ظلم سبب تاریکی دل می شود و روز قیامت باعث حسرت و اندوه است . و هرگاه قدرت تو، تو را واداشت که به کسی ظلم کنی که از تو ضعیف تر است پس به یاد بیاور قدرت و تسلط خدا را بر خودت .

یا بنی تعلم من العلماء ما جهلت و علم الناس ما علمت تذکر بذلک فی الملکوت .

ای پسر من آنچه را نمی دانی از علماء یاد بگیر. و آنچه را می دانی به مردم بیاموز. چون چنین کردی و این دو صفت نیکوی یاد گرفتن و یاد دادن در تو پیدا شد در عالم ملکوت به این دو صفت یاد می شوی .

یا بنی اغنی الناس من قنع بما فی یدیه و افقرهم من مدعینیه الی ما فی یدی الناس و علیک بالیاء عما فی یدی الناس و الوثوق بوعد الله واسع فیما فرض علیک ودع السعی فیما ضمن لک و توکل علی الله فی کل امورک یکفیک .

ای پسر من بی نیازترین مردم کسی است که به آنچه در دست اوست قناعت کند و فقیرترین آنها کسی است که به آنچه در دست مردم است چشم داشته باشد و بر تو باد که مایوس باشی از آنچه در دست مردم است . و اعتماد تو به وعده خدا باشد. و کوشش کن در آنچه بر تو واجب شده . و رزقی که برای تو ضمانت شده و به تو خواهد رسید لازم نیست سعی بسیار در طلب آن داشته باشی . و توکل بر خدا کن در تمام امور و کارهای خود تا تو را کفایت کند.

و اذا صلیت فصل صلوٰة مودع تظن ان لا تبقى بعدها ابدًا و ایاک و ما تعتذر منه فانه لا يعتذر من خیر.

و هر وقت نماز خواندی نماز تو مانند نماز کسی باشد که با نماز وداع کند و گمان بری که بعد از آن نماز هرگز باقی نمانی . و دوری کن از آنچه که بخواهی از آن عذر خواهی کنی ، چون که از کار خوب هیچگاه عذرخواهی نمی شود، یعنی کار بدی نکن که بخواهی بعد از آن عذر خواهی کنی .

و احب للناس ما تحب لنفسک و اگره لهم ما تکره لنفسک و لا تقل ما لا تعلم و اجهد ان یکون الیوم خیرا لک من امس و غدا خیرا لک من الیوم فانه من استوی یوماه فهو مغبون و من کان یومه شرا من امسه فهو ملعون .

و برای مردم دوست دار و بخواه آنچه را که برای خود می خواهی و آنچه را برای خود مکروه و ناپسند می داری برای دیگران نیز مکروه و ناپسند بدار و آنچه را نمی دانی اظهار نکن و نگو. و کوشش کن تا اینکه امروز تو بهتر از دیروزت باشد، و فردای تو بهتر از امروز تو باشد، برای اینکه هر کس دو روزش مساوی و یکسان باشد چنین کسی به غبن و ضرر گرفتار شده ؛ چون یک روز از سرمایه عمر او گذشته و در مقابل آن چیزی به دست نیاورده . و هر کس امروزش بدتر از دیروزش باشد او ملعون است ؛ چون کاری که او را به رحمت خدا نزدیک کند انجام نداده ، بلکه موجبات دوری از رحمت خدا را برای خود فراهم ساخته و ملعون و مطرود و دور افتاده از رحمت است .

و ارض بما قسم الله لک فانه سبحانه یقول : اعظم عبادی ذنبا من لم یرض بقضائی و لم یشکر نعمائی و لم یصبر علی بلائی .

و راضی باش به آنچه خدا قسمت تو فرموده پس به درستی که خدای سبحان جلت عظمت می فرماید: آن بنده گناهش از همه عظیم تر و بزرگتر است که راضی به قضای من نباشد و شکر نعمتهای مرا نکند و بر بالای من صبر نکند.

و اوصی رسول الله صلی الله علیه و آله معاذ بن جبل فقال له : اوصیک باتقاء الله و صدق الحدیث و اداء الایمانه و خفض الجناح و الوفاء بالعهد و ترک الخیانه و حسن الجوار و صلة الارحام و رحمة الیتیم و لین الکلام و بذل السلام و

حسن العمل و قصر الامل و توكيد الايمان و التفقه في الدين و تدبر القرآن و ذكر الآخرة و الجزع من الحساب و كثرة ذكر الموت و لا تسب مسلما و لا تطع آثما و لا تقطع رحما و لا ترض بقبیح تكن كفاعله و اذكر الله عند كل شجر و مدر و بلاء سحر و على كل حال يذكرك فان الله تعالى ذاك من ذكره و شاکر من شكره و جدد لكل ذنب توبة السر بالسر و العلانية بالعلانية .

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله معاذ بن جبل را وصیت نمود پس چنین فرمود: به تو وصیت می کنم که از خدا بترسی و گفتارت راست باشد. و امانت را به صاحبش رد کنی . و تواضع و فروتنی داشته باشی . و با هر کس عهد کردی به آن وفا نمایی و خیانت را ترک کن . و با همسایه به نیکی رفتار کن . و با خویشان پیوند نما و از آنها نبر به یتیمان رحم کن . در گفتار ملایم و نرم گو باش و درشت گو و خشن کلام نباش ، در سلام بین مسلمین فرق نگذار و به همه سلام کن . و عملت را نیکو کن . و امیدت را در دنیا کوتاه کن . ایمانت را محکم کن . در امور دینت دانا باش . و در قرآن دقت کن تا به معانی آن پیبری . و به یاد آخرت باش و از حساب در روز جزا ترسناک باش . و بسیار به یاد مرگ باش . و به مسلمانی دشنام نگو. و از گناهکاران پیروی ننما و از رحم خویش نبر و قطع نکن . و به عمل زشت و قبیح راضی مشو که در این صورت گناه عمل کننده آن بر تو است . و به یاد خدا باش نزد هر درخت و سنگ و کلوخ ، یعنی هر چه را دیدی به یاد خالق آن باش و در سحرها و سایر اوقات و حالات به یاد خدا باش ، چون چنین بودی خدای متعال جلت عظمته تو را یاد فرماید که خدا یاد می کند کسی را که به یاد او باشد و کسی که شکرگزار او باشد شکر او را قبول فرماید. و برای هر گناهی تجدید توبه بنما اگر گناه سری و پنهانی است توبه آن را هم پنهانی انجام ده و اگر آشکارا و علنی است توبه آن را هم علنی انجام بده .

و اعلم ان الصدق الحديث كتاب الله و اوثق العز التقوى و اشرف الذكر ذكر الله تعالى و احسن القصص القرآن و شر الامور محدثاتها و احسن الهدى الهدى الانبياء و اشرف الموت الشهادة و اعمى الاعمى الضلالة بعد الهدى و خير العلم ما نفع و شر العمى عمى القلب و اليد العليا خير من اليد السفلى و ما قل و كفى خير مما كثرو الهی و شر المعذرة عند الموت و شر الندامة يوم القيمة و من اعظم خطايا اللسان الكذب .

بدان به درستی که راست ترین گفتار کتاب است ، یعنی آنچه در کتاب نوشته شده راست تر است از آنچه به زبان بگویند. و محکم ترین عزتها تقوی است . و شریف ترین ذکرها یاد خدای تعالی است . و نیکوترین قصه ها قرآن کریم است و بدترین چیزها تازه ها است . و نیکوترین راهنمایی ها راهنمایی پیغمبران است و بهترین مردنها شهادت در راه خداست . و کورتترین کوریهها گمراهی بعد از راه یابی است . و بهترین علم آن علمی است که به انسان نفع بدهد. و بدترین کوریهها کوری قلب است . و دست بالا بهتر از دست پایین است ، یعنی دست عطا کننده بهتر از دست سؤ ال کننده است و رزق کم که به حال شخص کفایت کند بهتر است از توسعه و زیادی که سبب سرگرمی و باز ماندن از آخرت باشد. و بدترین عذر خواهی هنگام مرگ است ؛ چون فائده ندارد. و بدترین پشیمانی پشیمانی روز قیامت است . و بزرگترین خطاهای زبان دروغ گفتن است .

و خير الغنى غنى النفس و خير الزاد التقوى و راءس الحكمة مخافة الله فى السر و العلانية و خير ما لقي فى القلب اليقين و ان جماع الاثم الكذب و الارتياح و النساء حبائل الشيطان و الشباب شعبة من الجنون و شر الكسب كسب الربا و شر المأثم اكل مال اليتيم و

السعيد من وعظ بغيره و ليس لجسم نبت على الحرام الا النار و من تغذى بالحرام فالنار اولى به و لا يستجاب له دعاء و الصلوة نور و الصدقة حرز و الصوم جنة حصينة و السكينة مغنم و ترکها مغرم .

و بهترین بی نیازی غنای نفس است . و بهترین توشه برای سفر آخرت تقوی و خودداری از گناهان است . و بالاترین حکمت و دانش ترس از خداست در پنهان و آشکار . و بهترین چیزی که در قلب انسان القاء می شود یقین است . و به درستی که دروغ سبب جمیع گناهان است . و زنها ریسمانهای شیطانند که به واسطه آنها بندگان را به گناهان می کشد . و جوانی قسمتی از دیوانگی است . بدترین کسب ها رباخواری است . و بدترین گناهان خوردن مال یتیم است . آدم با سعادت کسی است که از غیر موعظه گیرد . و بدنی که از حرام بزرگ شده و رشد و نمو نموده غیر از آتش و عذاب چیزی برای او نیست . و کسی که از حرام بخورد آتش از هر چیزی برای او سزاوارتر است . و دعایی برای او مستجاب نخواهد شد . و نماز نور است و صدقه حافظ از بلیات است و روزه سپری است محکم برای حفظ از آتش و وقار سبب بهره مندی است و ترک آن موجب ضرر است .

و على العاقل ان يكون له ساعة ينجى فيها ربه و ساعة يتفكر فيها صنع الله و ساعة يحاسب فيها نفسه و ساعة يتخلى فيها لحاجته من حلال و على العاقل ان لا يكون ساعيا الا في ثلاث تزود لمعاد و مرمة لمعاش او لذة غير محرم و على العاقل ان يكون بصيرا بزمانه مقبلا على شاءنه حفظا للسانه .

و بر شخص عاقل است که بوده باشد برای او ساعتی که در آن با خدای خود مناجات کند، و ساعتی که در آن در مصنوعات خدا فکر کند و ساعتی که در آن به حساب خود برسد، و ساعتی که در آن خلوت کند و به حاجتهای خود از راه حلال برسد . و بر عاقل است که کوشش او نباشد مگر در سه چیز یا بهره برداری برای معاد خود، یعنی انجام عبادات و خدمت به خلق یا اصلاح کردن امر معاش و لوازم زندگی خود و کسانی که تحت سرپرستی او می باشند یا لذتی که حرام نباشد . و بر عاقل است که به زمان خود بینا باشد و شؤن و شخصیت خود را حفظ کند و زبان خود را نگهداری کند.

و فی توریة موسی (ع) عجبت لمن ایقن بالموت کیف یفرح و لمن ایقن بالحساب کیف یذنب و لمن ایقن بالتقدر کیف یحزن و لمن ایقن بالنار کیف یضحک و لمن رأى قلب الدنيا بآهلهـا کیف یطمئن الیهـا و لمن ایقن بالجزاء کیف لا یعمل و لا عقل کالدین و لا ورع کالكف و لا حسب کحسن الخلق .

و در تورات موسی نوشته شده : عجب دارم از کسی که یقین به مرگ دارد چگونه خوشنود است . و کسی که یقین به حساب دارد چگونه گناه می کند . و کسی که یقین به قدر دارد چگونه محزون و غمگین است . و کسی که یقین به آتش دارد چگونه می خندد . و کسی که دید دنیا با اهل خود چگونه بی وفایی می کند چگونه به او مطمئن می شود . و کسی که یقین به جزا دارد چگونه عمل نمی کند . و نیست عقلی مانند دین . و نیست ورعی مانند خودداری از گناه . و نیست حسب و نسبی مانند حسن خلق و گشاده رویی .

و قال ابوذر: اوصانی رسول الله صلى الله عليه و آله بسبع خصال حب المساكين و الدنو منهم و هجران الاغنياء و ان اصل رحمى و ان لا اتكلم بغير الحق و ان لا اخاف فى الله لومة لائم و ان انظر الى من هو دونى و لا انظر الى من هو فوقى و ان اكثر من سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر و لا حول و لا قوة الا بالله العلى العظيم فانهن الباقيات الصالحات .

ابوذر گفت : پیغمبر اکرم صلى الله عليه و آله مرا به هفت خصلت وصیت فرمود: ۱- دوستی با فقرا و نزدیک شدن به آنها و دوری کردن از اغنیاء ۲- به رحم و خویشان خود پییوندم ۳- نگوییم مگر حق ۴- و در راه خدا از ملامت کننده نترسم ۵- و در امور دنیا به پایین تر از خودم نظر نمایم و به بالاتر از خود نظر ننمایم ۶- و بسیار بگویم : سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر و لا حول و لا قوة الا بالله العلى العظيم ، که اینها باقیات الصالحات می باشند.

و قال : من سلك الجدد دامن من العثار و الصبر مطية السلامة و الجزع مطية الندامة و مرارة الحلم اعذب من حلاوة الانتقام و ثمرة الحقد الندامة و من صبر على ما يكره ادرك ما يحب و الصبر على المصيبة مصيبة للشامت بها و الجزع عليها مصيبة ثانية بفوات الثواب و هى اعظم المصائب .

فرمود: هر کس در راه برود از لغزش ایمن است . و صبر مرکب سلامت است . و جزع مرکب پشیمانی است . و تلخی حلم گوارتر از شیرینی انتقام است . و میوه حسد پشیمانی است . و کسی که صبر کند بر آنچه مکروه طبع اوست می رسد به آنچه دوست می دارد. و صبر کردن بر مصیبت مصیبتی است بر شماتت کننده در آن مصیبت . و جزع و ناله و فریاد در مصیبت مصیبت دیگر است ، چون که ثواب آن از دست می رود. و این بزرگترین مصیبت است .

و قال رسول الله عليه و آله : خير الرزق ما يكفى و خير الذكر ما يخفى و انى اوصيكم بتقوى الله و حسن النظر و لانفسكم و قلة الغفلة عن معادكم و ابتياع ما يبقى بما يفنى و اعلموا انها ايام معدودة و الارزاق مقسومة و الآجال معلومة و الآخرة ابد لا امد له و اجل لا منتهى له و نعيم لا زوال له فاعرفوا ما تريدون و ما يراد بكم و اتركوا من الدنيا ما يشغلکم عن الآخرة و احذروا حسرة المفرطين و ندامة المعترين .

پیغمبر صلى الله عليه و آله و سلم فرمود: بهترین رزق آن است که به قدر کفایت باشد. و بهترین ذکر آن است که پنهان باشد. و من به شما وصیت می کنم به تقوی و ترس از خدای متعال . و نسبت به خودتان نظر خوب داشته باشید، یعنی خیر خود را بخواهید و موجبات گرفتاری دنیا و آخرت را به خاطر هوای نفس و خواهشهای حیوانی برای خود ایجاد نکنید. و از معاد و جای بازگشت خود کم غافل باشید. و با چیزهای فانی دنیا که در دست شماست چیزهای باقی آخرت را خریداری نمایید. و بدانید که زندگی دنیا روزهای مختصر و معدودی است . و روزی ها قسمت شده است . و پایان این زندگی در نزد خدای متعال جلت عظمت معلوم است . و زندگی آخرت ابدی است که فانی نمی گردد و آخری برای آن تصور نمی گردد و پایانی ندارد، و نعمتی است که نابود نخواهد شد و بدانید که چه اراده می کنید و از شما چه خواسته شده است و آنچه از این دنیا که شما را از آخرت باز می دارد ترک کنید. و دوری کنید از حسرتی که برای افراط کنندگان است ، یعنی کسانی که در این عالم زیاده روی می کنند در بهره مند شدن از دنیا در قیامت حسرت می برند که می توانستیم به عوض اینها کارهایی انجام دهیم که امروز از آن بهره مند شویم و

دنیا ما را سرگرم کرد تا دست ما از انجام این کارها کوتاه شد و همچنین دوری کنید از پشیمانی اهل غرور، یعنی آنها که گول شیطان و دنیا خورده اند و اوقات عمر عزیز خود را ضایع و باطل نموده اند روزی پشیمان خواهند شد.

و استدرکوا فیما بقی مافات و تاءهبوا للرحیل من دارالبوار الی دارالقرار و احذروا الموت یفجاءکم علی غرة و یعجلکم عن التاءهب و الاستعداد و ان الله تعالی قال : فلا یستطیعون توصیة و لا الی اهلهم یرجعون. (۲۲۵)

و با آنچه از عمر باقی مانده تلافی کنید و جبران نمایید آنچه را که از دست رفت و فوت شد. و مهیای کوچ کردن از منزل هلاکت و موقت دنیا به سوی خانه ای که جای همیشگی است باشید. و بترسید از اینکه مرگ شما دفعه برسد و شما در حال غرور به دنیا باشید و دیگر نتوانید مهیا و مستعد برای زندگی دائمی خود گردید، و خدای متعال می فرماید: وقتی مرگ آنها رسید استطاعت و قدرت ندارند که وصیت کنند یا به سوی اهلشان برگردند.

فرب ذی عقل اشغله هواه عما خلق له حتی صار کمن لا عقل له و لا تعذروا انفسکم فی خطائها و لا تجادلوا بالباطل فیما یوافق هواکم و اجعلوا همکم نصر الحق من جهتکم او من جهة من یجادلکم فان الله تعالی یقول : یا ایها الذین امنوا کونوا انصار الله، (۲۲۶) فلا تکنونوا انصارا لهوائکم و الشیطان .

پس چه بسیار صاحب عقلی که هواهای نفسانی او را از آنچه که برای آن خلق شده باز داشته تا جایی که مانند کسانی که عقل ندارند عمل می کنند. و هیچگاه برای نفسهای خود عذرتراشی نکنید که او را در خطاهایش معذور بدانید، بلکه او را مقصر و متجاوز بدانید و با او به خطاب و عتاب رفتار کنید که چرا چنین و چنان کردی تا سبب شود طمع او قطع گردد و دیگر میل بازگشت به گناه و معصیت ننماید. و مطابق خواهش نفس خود مجادله در باطل نکنید. و همت خود را در یاری کردن حق قرار دهید چه اینکه از طرف شما حاصل گردد یا از طرف آن کس که با شما مجادله می کند، چون خداوند تعالی می فرماید: ای اهل ایمان یاران خدا بوده باشید پس یاران میل خود یا شیطان نباشید.

و اعلموا ما هدم الدین مثل امام ضلاله ضل و اضل و جدال منافق بالباطل و الدنیا قطعت رقاب طالبیها و الراغبین الیها. و بدانید به درستی که هیچ کس دین را مثل دو نفر خراب نکرد: یکی پیشوا و رهبر گمراه که خود گمراه و دیگران را هم گمراه می کند. و دیگری منافقی که از راه باطل جدال می کند. و دنیا گردن طالبین خود را قطع کرد و آنان که رغبت و میل به آن داشتند نیز به همین سرنوشت گرفتار شدند.

و اعلموا ان القبر روضة من ریاض الجنة او حفرة من حفر النیران فمهدوه بالعمل الصالح .

و بدانید به درستی که قبر باغی است از باغهای بهشت یا گودالی است از گودالهای آتش . پس او را با اعمال صالح خوابگاه و آرامگاه خود قرار دهید.

فمثل احدکم یعمل الخیر کمثل الرجل ینفذ کلامه یمهد له قال الله تعالی : فلانفسهم یمهدون. (۲۲۷)

پس کسی از شما عمل خیر می کند مثل او مثل کسی است که نفوذ کلام داشته باشد دستور دهد تا لوازم آسایش او را تهیه کنند که وقتی وارد شد هر چیز به جای خود آماده باشد. خدای متعال جلت عظمت می فرماید: آنها به واسطه اعمال صالح برای خود آسایشگاه تهیه می کنند.

و اذا رآيتهم الله يعطى العبد ما يحب و هو مقيم على معصيته فاعلموا ان ذلك استدراج له قال الله تعالى : سنستدرجهم من حيث لا يعلمون . (۲۲۸)

و هر گاه دیدید خدای متعال آنچه بنده دوست دارد به او می دهد و حال آنکه آن بنده به گناه و معصیت خود ادامه می دهد پس بدانید این استدراج است برای آن بنده . خدا می فرماید: به زودی آنها را به عذاب می افکنیم از جایی که فهم آن نکنند.

معنی استدراج این است که : خدای متعال بنده را در اثر اعمال زشتش تدریجا جزا می دهد به نحوی که خود بنده نمی داند و مغرور می شود به نعمت های الهی تا اینکه به یکبار نعمت ها از او سلب می شود و به حسرت مبتلا می گردد.

پس کسی که در نعمت الهی واقع است اولاً باید در شکرگزاری کوشش کند و ثانیاً خائف از سلب نعمت باشد و از خدا بخواهد که او را موفق بدارد به شکر نعمت و همیشه خود را مقصر بداند و به درگاه خدا اظهار شرمساری و تضرع و زاری نماید.

سئل ابن عباس عن صفه الذين صدقوا الله للمخافه فقال هم قوم قلوبهم من الخوف قرحه محزونه و اعينهم باكيه و دموعهم على خدودهم جاريه يقولون كيف نفرح و الموت من و رائنا و القبر موردنا و القيمه موعدنا و على الله عرضنا و شهودنا جوارحنا و الصراط على جهنم طريقنا و على الله حسابنا فسبحان الله و تعالى فانا نعوذ به من السن و اصفه و اعمال مخالفه مع قلوب عارفه فان العمل ثمره العلم و الخوف ثمره العمل و الرجاء ثمره اليقين .

از عبدالله بن عباس سؤال شد کسانی که از خدا می ترسند صفات و علامات آنها چیست ؟ فرمود: آنها کسانی هستند که قلبهای آنها از ترس خدا مجروح و محزون است . و چشمان آنها گریان است و اشک آنها بر صورتهايشان جاری است . می گویند: چگونه فرحناک و خوشنود باشیم و حال آنکه مرگ دنبال ماست ، و محل ورود ما قبر است و قیامت وعدگاه ماست ، و بر محضر عدل الهی عرضه داشته می شویم ، و اعضا و جوارح ما بر ما شهادت می دهند. و راه عبور ما بر صراط است که از بالای جهنم است و حساب ما بر خدای متعال است . که منزله از هر عیب است و بلند مرتبه است از اینکه به غیر او مقایسه شود. و ما پناه می بریم به او از زبانی که به توصیف او گویا باشد و اعمالی که با امر و فرمان او مخالف است با اینکه قلوب عارف و آشنای به او هستند. پس به درستی که عمل نتیجه علم است و ترس از خدا نتیجه عمل است و امید به رحمت حق نتیجه یقین است .

و من اشتاق الى الجنة اجتهد في اسباب الوصول اليها و من حذر النار تباعد مما يدني اليها و من احب لقاء الله استعد للقاءه .

و هر کس مشتاق بهشت باشد کوشش در چیزهایی است که سبب رسیدن به آن است . و کسی که از آتش می ترسد از آنچه او را به آتش نزدیک می کند دور می شود و کسی که خدا را دوست دارد و لقای رحمت او را می خواهد برای لقای او مهیا می شود.

و روی ان الله تعالى يقول في بعض كتبه يابن آدم انا حي لا اموت اطعني فيما امرتك اجعلك حيا لا تموت . يابن آدم انا اقول للشي كن فيكون اطعني فيما امرتك اجعلك تقول للشي كن فيكون .

روایت شده که خدای متعال در بعض از کتابهای خود می فرماید: ای فرزند آدم من زنده ای هستم که نمی میرم تو مرا اطاعت کن در آنچه به تو امر می کنم تا تو را زنده ای قرار دهم که نمیری . ای فرزند آدم من در ایجاد هر چیز می گویم بوده باش پس موجود می شود. اطاعت من کن در آنچه تو را امر کردم تا تو را چنان قرار دهم که به چیزی بگویی بوده باش پس موجود شود.

و كذلك قال الله تعالى في كتابه العزيز: و لكم فيها ما تشتهي انفسكم و لكم فيها ما تدعون نزلا من غفور رحيم . (۲۲۹)

و همچنین خدای متعال در کتاب عزیزش قرآن کریم فرموده است : و برای شماست در بهشت آنچه میل به آن داشته باشید و برای شماست آنچه طلب کنید در حالی که آنها از جانب خدای آمرزنده مهربان فرود می آید، یعنی هر چه هست از رحمت خداست .

و قال رسول الله صلى الله عليه و آله : ثلاث مهلكات و ثلاث منجيات فاما المهلكات فشح مطاع و هوى متبع و اعجاب المرء بنفسه و اما المنجيات فخشية الله في السر و العلانية و القصد في الغنى و الفقر و العدل في الرضا و الغضب .

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: سه چیز هلاک کننده است و سه چیز نجات دهنده . اما هلاک کننده ها عبارتند از: ۱- بخلی که در وجود شخص باشد و آن را اطاعت کند، یعنی ظاهر کند ۲- میل و خواهش نفسانی که از آن پیروی شود. ۳- و اینکه شخص خود پسند باشد و خود را بزرگ شمارد. و اما نجات دهنده ها عبارتند از: ۱- ترس از خدا در پنهان و آشکار. ۲- میانه روی در امر معاش در حال بی نیازی و فقر ۳- رفتار و گفتار عادلانه در حالی که از طرف مقابل خود راضی باشد یا غضبناک .

و قال الحسن عليه السلام : لقد اصبحت اقوام كانوا ينظرون الى الجنة و نعيمها و النار و جحيمها يحسبهم الجاهل مرضى و ما بهم من مرض و قد خولطوا و انما خالطهم امر عظيم خوف الله و مهابة في قلوبهم و كانوا يقولون ليس لنا في الدنيا من حاجة و ليس لها خلقنا و لا بالسعى لها امرنا انفقوا اموالهم و بذلوا دمايمهم و اشتروا بذلك رضا خالقهم علموا اشترى منهم اموالهم و انفسهم بالجنة فباعوه و ربحت تجارتهم و عظمت سعادتهم و افلحوا و انجحوا.

امام حسن علیه السلام فرمود: هر آینه به تحقیق در این عالم کسانی صبح کردند که نظر به بهشت و نعمت های آن می کردند و آتش و حرارت آن را می دیدند کسی که جاهل به حال آنها بود چون آنها را می دید گمان می کرد مریض هستند و حال آنکه در آنها مرضی نیست آنان از امر عظیمی مضطربند خوف و هیبت خدا در قلبهای آنها آنان را مضطرب کرده است . و چنین می گویند: ما را به دنیا حاجتی نیست و برای آن خلق نشده ایم و ما مور کوشش برای آن نیستیم . مالهایشان را در راه

خدا اتفاق و بخشش می کند. و خونهای خود را برای حفظ دین مقدس اسلام بذل می کنند و به این وسیله رضایت خدای خود را تحصیل و خریداری می کنند. می دانند مالها و جانهای آنها از آنها خریداری شده و در مقابل بهشت به آنها داده شده . پس فروختند و تجارت با نفعی انجام دادند و سعادت بزرگی به دست آوردند و رستگار شدند و به مطلوب خود رسیدند.

فاقتفوا آثارهم رحمکم الله و اقتدوا بهم فان الله تعالى وصف لنبيه صلى الله عليه و آله صفة آبائه ابراهيم و اسماعيل و ذريتهما و قال فيهديهما اقتده و اعلموا عباد الله انكم ماءخوذون بالاقتداء بهم و الاتباع لهم فجدوا و اجتهدوا و احذروا ان تكونوا عوانا للظالم فان رسول الله صلى الله عليه و آله قال من مشى مع ظالم يعينه على ظلمه فقد خرج من ربة الاسلام و من حالت شفاعته دون حد من حدود الله فقد حاد الله و رسوله و من اعان ظالما ليبطل حقا لمسلم فقد برء من ذمة الاسلام و من ذمة الله و ذمة رسوله .

پس آثار آنها را پیروی کنید خدا شما را رحمت کند و به آنها اقتدا کنید. پس به درستی که خداوند متعال برای پیغمبرش وصف فرمود صفت پدرانش ابراهیم و اسماعیل و ذریه آنها را فرمود به هدایت آنها اقتداء کن و بدانید ای بندگان خدا شما در اقتدای به آنها مورد سؤال هستید و از پیروی از آنها مؤاخذه خواهید شد. پس جدیت و کوشش کنید و پرهیزید از اینکه کمک ظالم باشید. به درستی که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که با ظالمی برود که او را یاری کند پس به تحقیق از قید اسلام خارج شده است ، و کسی که شفاعت در عدم اجرای حدی از حدود اسلام نماید و مانع اجرای آن شود با خدا و رسول او دشمنی کرده و کسی که ظالمی را برای باطل ساختن حق مسلمانی کمک نماید او از اسلام بیرون رفته و از ذمه خدا رسول خارج شده است .

و من دعا لظالم بالبقاء فقد احب ان يعصى الله . و من ظلم بحضرة مؤمن او اغتیب و كان قادرا على نصره و لم ينصره فقد باء بغضب من الله و رسوله و من نصره فقد استوجب الجنة من الله .

و هر کس برای بقای ظالمی دعا کند همانا دوست دارد که معصیت خدا شود و کسی که در حضور او به مؤمنی ظلم شود یا غیبت مؤمنی گردد و او بر یاری کردن او قادر باشد و یاری نکند پس به تحقیق که مشمول غضب خدا و رسول شده است . و کسی که او را یاری کند پس به تحقیق که از جانب خداوند متعال بهشت بر او واجب شده .

و ان الله تعالى اوحى الى داود قل لفلان الجبار انى لم ابغتك لتجمع الدنيا على الدنيا و لكن لترد عنى دعوة المظلوم و تنصره فانى اليت على نفسى ان انصره و انتصر له ممن ظلم بحضرة و لم ينصره .

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: به درستی که برای اهل آتش ناله و فریادی هست از بوی گند فرجهای زناکاران ، پس حذر کنید و دوری نمایید از زنا. پس به درستی که در آن شش خصلت است که عقوبت این گناه است سه چیز در دنیا و سه چیز در آخرت . اما آنچه در دنیا است اول اینکه : نور صورت را می برد. دوم اینکه : سبب فقر می شود. سوم آنکه : عمر زانی کوتاه می شود. و اما آنچه در آخرت است اول اینکه : سبب غضب حق تعالی می گردد. دوم اینکه : سبب سختی محاسبه قیامت می گردد. سوم

اینکه : عذاب سخت برای آن هست . به درستی که روز قیامت زانیان می آیند در حالی که آتش از فرجهای آنها شعله می کشد. و به بوی بد و گند فرجهایشان شناخته می شوند.

و قال النبی صلی الله علیه و آله : ان الله مستخلفکم فی الدنیا فانظروا کیف تعملون فاتقوا الزنا و الربا.

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: به تحقیق خدا شما را در دنیا خلیفه قرار داد پس دقت کنید چگونه عمل می کنید. پس از عمل زنا و گرفتن و دادن ربا حذر کنید و احتراز نمایید.

قيل قالت المعتزلة فی مجلس الرضا علیه السلام ان اعظم الكبائر القتل لقوله تعالى : و من يقتل مومنا متعمدا فجزاؤه جهنم خالد(۲۲۴) الآیه و قال الرضا علیه السلام : اعظم من القتل عندی اثما و اقبح منه بلاء الزنا لان القتاتل لم یفسد بضرب المقتول غيره و لا بعده فسادا و الزانی قد افسد النسل الى يوم القيمة و احل المحارم . فلم یبق فقیه الا قبل یدیه و اقربا قاله .

گفته شده که : جماعت معتزله که یکی از فرق اسلام هستند در مجلسی که حضرت علیه السلام تشریف داشتند راجع به بزرگترین گناهان در اسلام مذاکره نمودند. پس همگی اتفاق کردند که قتل و کشتن شخص مؤمن بزرگترین گناه است ، چون خدا می فرماید: کسی که مؤمنی را عمدا بکشد جزای او جهنم است همیشه ...

حضرت رضا علیه السلام فرمود آنچه گناهش از قتل نزد من بیشتر است و بلای آن قبیح تر است زناست ؛ برای اینکه قاتل با کشتن مقتول فسادی به غیر کشتن او انجام نمی دهد و بعد از کشتن او دیگر فسادی بر آن نیست . و زانی نسل را تا روز قیامت فاسد و تباه می کند و حرامهایی را حلال می کند پس فقیهی در مجلس نماند مگر اینکه دست مبارک آن حضرت را بوسید و به درستی فرمایش آن حضرت اقرار کرد.

و قال صلی الله علیه و آله : اذا كانت فیکم خمس رمیتم بخمس اذا اکلتم الربا رمیتم بالخسف و اذا ظهر فیکم الزنا اخذتم بالموت و اذا جارت الحکام ماتت البهائم و اذا اظلم اهل الملة ذهبت الدولة و اذا ترکتم السنة ظهرت البدعة .

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: زمانی که در شما پنج خصلت ظاهر شود به پنج بلا گرفتار خواهید شد: وقتی ربا خواری را پیشه خود ساختید به نقص اموال مبتلا می شوید وقتی در میان شما زنا ظاهر شد به مرگ ناگهانی مبتلا می شوید وقتی حاکمان ظلم کردند به مردن حیوانات مبتلا می شوید وقتی ملتی ظلم کردند دولت و قدرت آنها از دست می رود و دشمن بر آنها مسلط می شود. وقتی سنتهای دینی را ترک کردید بدعتها ظاهر می گردد.

و قال صلی الله علیه و آله : ما تقض قوم عهدهم الا سلط علیهم عدوهم و ما جارقوم الا کثر القتل بینهم و ما منع قوم الزکوة الا حبس القطر عنهم و لا ظهرت فیهم الفاحشة الا فشافیهم الموت و ما یخسر قوم المکیال و المیزان الا اخذوا بالسنین .

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هیچ مردمی عهد شکن نشدند مگر اینکه دشمن آنها بر آنها مسلط گردید و هیچ قومی ظلم نکردند مگر اینکه کشتار در بین آنها زیاد شد. و هیچ قومی از پرداخت زکات امتناع نکردند مگر اینکه از آمدن باران ممنوع شدند.

و در ما بین آنها عمل عفت و فحشاء ظاهر نشد مگر اینکه در میان آنها مرگ مفاجات شیوع پیدا کرد. و هیچ قومی کم فروشی نکردند مگر اینکه به خشکسالی مبتلا شدند.

و قال صلی الله علیه و آله : اذا عملت امتی خمس عشر خصلة حل بهم البلاء اذا كان الفیء دولا و الامانة مغنما و الصدقة مغرما و اطاع الرجل امراته و عصی امه و بر صديقه و جفا اءباه و ارتفعت الا صوات فی المساجد و اکرم الرجل مخافة شره و کان زعيم القوم ارذلهم و لبسوا الحریر و اتخذوا المغنیات و شربوا المخمور و اکثروا الزنا فارتقبوا عند ذلك ريحا حمراء و خسفا او مسخا او ظهر العدو علیکم ثم لا تنصرون .

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر گاه امت من دارای پانزده خصلت شدند و به آن عمل کردند بلا بر آنها نازل خواهد شد: ۱- وقتی که غنیمت جنگی را دولت شخصی خود کردند. ۲- امانت را غنیمت شمرده و تصرف کردند. ۳- صدقه دادن را برای خود ضرر حساب کردند. ۴- از زنان اطاعت و مادران را نافرمانی و اذیت کردند. ۵- به رفیقان نیکی و پدران را اذیت کردند. ۶- صداها را در مسجد در غیر از اذان بلند کردند. ۷- از ترس شر اشخاص آنها را گرامی و محترم داشتند. ۸- افراد رذل و پست در میان مردم رئیس و زعیم باشند. ۹- لباس حریر و ابرایشم پوشیدند. ۱۰- زنهای خواننده در مجالس عمومی و خصوصی آوردند. ۱۱- شرب خمر کردند. ۱۲- عمل منافی عفت در میان آنها شایع گردید. پس در این حال انتظار داشته باشند باد سرخ یا زمین شکافته شدن و آنها را فرو بردن یا مسخ شدن و از صورت آدمی خارج شدن یا دشمن بر آنها غلبه کردن و از هیچ جانب یاری نشدن .

مخفی نماند که در این روایت دوازده چیز بیشتر ذکر نشده و اول روایت که فرموده پانزده خصلت سه صفت آن ذکر نشده است . (مترجم).

باب نوزدهم : در قرائت قرآن مجید

قال رسول الله صلى الله عليه وآله : ان هذه القلوب لتصدى كما يصدى الحديد و ان جلاها قرائة القرآن .

رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: به درستی که این قلبها زنگار می گیرد و آلوده می شود در اثر معاصی و آنچه آنها را جلا می دهد و چرکها را برطرف می کند قرائت قرآن مجید است .

و قال ابن عباس : قارى القرآن التابع له لا يضل فى الدنيا ولا يشقى فى الآخرة .

ابن عباس گفته : کسی که قرآن را قرائت کند و احکام و دستورات آن را متابعت نماید در دنیا به گمراهی و در آخرت به شقاوت مبتلا نخواهد شد.

و قال : ينبغى لحامل القرآن ان يعرف بلبه اذ الناس نائمون و بنهاره اذ الناس غافلون و ببكائه اذ الناس ضاحكون و بورعه اذ الناس يطعمون و بخشوعه اذ الناس يمرحون و بحزنه اذ الناس يفرحون و بصمته اذ الناس يخوضون .

و فرموده است : سزاوار است حامل قرآن به شب زنده داری اش شناخته شود هنگامی که مردم در خوابند و به اذکار روزانه اش معروف باشد وقتی که مردم در غفلتند و به کارهای دنیا مشغول هستند و به گریه مشغول باشد وقتی که مردم می خندند و خودداری از گناه کند وقتی که مردم به عیش و عشرت مشغولند و خاضع و خاشع باشد وقتی که مردم به کبر و خودبینی و عجب مشغولند و در حال فرح و خوشنودی مردم او محزون و غمگین باشد. و در وقتی که مردم به بیهوده گویی مشغولند او ساکت باشد.

و قال النبى صلى الله عليه وآله القرآن على خمسة حلال و حرام و محكم و متشابه و امثال فاعملوا بالحلال و اجتنبوا الحرام و اتبعوا المحكم و آمنوا بالمتشابه و اعتبروا بالامثال و ما آمن بالقرآن من استحل محارمه و شر الناس من يقرء القرآن و لا يرعى عن شى به .

پیغمبر اکرم صلى الله عليه وآله فرمود: آیات کریمه قرآن به پنج قسم تقسیم می گردد: حلال ، حرام ، محکم ، متشابه و امثال . پس به حلال آن عمل کنید، و از حرام آن اجتناب نمایید. پیرو محکم آن باشید، به متشابه آن ایمان بیاورید و از مثالهای آن عبرت بگیرید. و هر کس حرام قرآن را حلال بداند به قرآن ایمان نیاورده است . و بدترین مردم آن کس است که قرآن را بخواند و مراعات احکام آن را ننماید.

قال جعفر بن محمد عليه السلام فى قوله تعالى : الذين اتيناهم الكتاب يتلونه حق تلاوته ، (۲۳۰) قال يرتلون آیاته و يتفقهون فيه و يعملون باحكامه و يرجون وعده و يخافون وعيده و يعتبرون بقصصه و ياءتمرون باوامره و يتناهن عن نواهيه ، ما هو و الله حفظ آیاته و درس حروفه و تلاوة سورة و درس اعشاره و اخماسه حفظوا حروفه و اضاعوا حدوده و انما هو تدبر آیاته و العمل باحكامه . قال الله تعالى : كتاب انزلناه اليك مبارك ليدبروا آیاته . (۲۳۱)

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در این آیه کریمه : کسانی که کتاب را به آنها دادیم آن را تلاوت می کنند حق تلاوت آن ، فرمود: مراد این است که آیات آن را صحیح می خوانند و مراعات وقف و وصل و سایر آداب قرائت را می نمایند. و در معانی آن دقت می کنند و به احکام آن عمل می کنند. و به وعده های آن امیدوارند و از وعیدهای آن می ترسند. از قصه های آن عبرت می گیرند. و به آنچه امر شده در آن می پذیرند و از آنچه نهی شده در آن باز می ایستند. و به خدا قسم مراد حفظ آیات آن و درس حروف آن نیست و خواندن سوره های آن و درس ده قسمت و پنج قسمت آن منظور نیست ، حروف آن را حفظ می کنند و حدود آن را ضایع می کنند. و جز این نیست که مراد تدبر در آیات آن است و عمل کردن به احکام آن . خدا می فرماید: کتابی به سوی تو نازل کردیم که دارای برکت است تا در آیات آن دقت کنند.

و اعلموا رحمکم الله ان سبیل الله سبیل واحد و جماعها الهدی و مصیر العالم العامل بها الجنة و المخالف لها النار و انما الايمان ليس بالتمنى و لكن ما ثبت فی القلب و عملت و الجوارح و صدقته الاعمال الصالحة و اليوم فقد ظهر الجفا و قل الوفا و ترکت السنة و ظهرت البدعة و تواخی الناس علی الفجور ذهب منهم الحياء و زالت المعرفة و بقيت الجهالة ما ترى الا مترفا صاحب دنیا لها یرضی و لها یغضب و علیها یقاتل ذهب الصالحون و بقيت ثقالة الشعیر و حنالة التمر.

خدا شما را رحمت کند بدانید که راه خدا یکی است و جمیع آن هدایت است و بازگشت عالمی که به علمش عمل کند بهشت است و مخالف آن در آتش است . همانا ایمان به آرزو نیست لیکن چیزی است که در قلب ثابت باشد و اعضاء و جوارح به آن عمل کند و اعمال صالح آن ایمان قلبی را تصدیق نماید. و امروز جفا و ستم ظاهر شده است و وفا کم شده است . و سنت ترک شده و بدعت ظاهر گردیده ، و برادری مردم بر فسق و فجور است . و حیا از آنها رفته و معرفت برطرف گردیده و جهالت باقی مانده . نمی بینی مگر مترف صاحب دنیا که برای دنیا راضی می شود و برای آن به غضب می آید و برای آن می جنگد. صالحان و نیکان رفتند و کسانی باقی ماندند که به منزله کاه جو و سفال خرما می باشند.

و قال الحسن علیه السلام ما بقى فی الدنيا بقیه غیر هذا القرآن فاتخذوه اماما یدلکم علی هدیکم و ان احق الناس بالقرآن من عمل به و ان لم یحفظه و ابعدهم منه من لم یعمل به و ان کان یقرء و قال من قال فی القرآن براءیه فاصاب فقد اخطا.

حضرت امام حسن علیه السلام فرمود: در دنیا غیر از این قرآن کریم باقی نمانده ، پس او را پیشوای خود قرار دهید تا شما را به راه نجات هدایت کند. و به درستی که سزاوارترین مردم به قرآن کسی است که به آن عمل کند گرچه آن را حفظ نکرده باشد. و دورترین مردم از قرآن کسی است که به آن عمل نکند گرچه آن را قرائت کند. و فرمود: هر کس در قرآن به راءى خود بگوید و مطابق واقع هم گفته باشد خطا کرده ، چون ماءموریم حقایق قرآن را به وسیله خاندان پیغمبر صلوات الله علیهم اجمعین یاد بگیریم و بگوئیم .

و قال : ان هذا القرآن یجیی ء یوم القیمة قاعدا و سائقا یقود قوما الی الجنة احلوا حلاله و حرموا حرامه و آمنوا بمتشابهه و یسوق قوما الی النار ضیعوا حدوده و احکامه و استحلوا محارمه .

فرمود: این قرآن در روز قیامت می آید در حالتی که قاعد و سائق است مردمی را به سوی بهشت رهبری می کند و آنها کسانی هستند که حلال آن را حلال و حرام آن را حرام دانسته اند و به متشابهاً آن ایمان آورده اند. و کسانی را به سوی آتش سوق می دهد که حدود آن را ضایع کرده اند و احکام آن را مراعات ننموده اند و حرامهای آن را حلال دانسته اند.

و قال صلی الله علیه و آله : رتلوا القرآن و لا تنثروه نشرًا و لا تهذوه هذاء الشعر قفوا عند عجائبه و حرکوا به القلوب و لا یکن هم احدکم آخر السورة .

حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: قرآن را با تاءنی بخوانید و کلمات آن را از یکدیگر جدا کنید و آن را متفرق و پراکنده و غیر مربوط به یکدیگر به زبان نیاورید و مانند خواندن شعر آن را نخوانید. در نزد عجائب آن توقف کنید و قلبها را به وسیله قرآن تکان دهید و همت شما آخر سوره نباشد که کوشش کنید هر چه زودتر سوره تمام شود.

و خطب صلی الله علیه و آله و قال : لا خیر فی العیش الا لعالم ناطق او مستمع واع ایها الناس انکم فی زمان هدنة و ان السیر بکم سریع و قد راء یتیم اللیل و النهار یبلیان کل جدید و یقربان کل بعید و یاءتیان بکل موعود. فقال له المقداد یا نبی الله و ما الهدنة فقال دار بلاء و انقطاع فاذا التبت علیکم الامور کقطع اللیل المظلم فعلیکم بالقرآن فانه شافع مشفع و شاهد مصدق من جعله امامه قاده الی الجنة و من جعله خلفه ساقه الی النار و هوا وضح دلیل الی خیر سبیل خیر ظاهره حکم و باطنه علم لا تحصی عجائبه و لا تنقضی غرائب و هو حب الله المتین و صراطه المستقیم من قال به صدق و من حکم به عدل و من عمل به فاز فان المؤمن الذی یقرء القرآن کالاجرحة طعمها طیب و ریحها طیب و ان الکافر کالحنظلة طعمها مر و رائحتها کریهة .

حضرت رسول صلی الله علیه و آله خطبه خواند و فرمود: خیر و خوبی در زندگی نیست مگر برای عالمی که زبان گوینده داشته باشد و علم خود را به دیگران برساند یا شنونده ای که ظرفیت قبول و حفظ علم را داشته باشد. ای مردم شما در زمان هدنه هستید و با سرعت سیر می کنید. و به تحقیق می بینید شب و روز را که هر تازه ای را کهنه می کنند و هر دوری را نزدیک می کنند و هر چه را که وعده داده شده می آورند. پس مقدار خدمت آن حضرت عرض کرد یا رسول الله هدنه چیست ؟ حضرت فرمود: خانه بلا و جدا شدن است . پس وقتی که امور بر شما پوشیده شد مانند قطعه های شب تاریک پس بر شما باد به قرآن چون که آن شفاعت کننده ای است که شفاعت او قبول خواهد شد. و شهادت دهنده ای است که شهادت او را تصدیق می کنند و به صدق و راستی شهادت او ترتیب اثر داده خواهد شد. کسی که قرآن را پیشاپیش خود قرار دهد و پیرو او باشد او را به بهشت رهبری می کند. و کسی که او را پشت سر خود قرار دهد و از او پیشی بگیرد او را به سوی آتش می برد و او دلیل واضحی است برای راهنمایی به سوی بهترین راهها. ظاهر آن حکم است و باطن آن علم است . عجایب آن به حساب نمی آید و غرائب و معجزات آن تمام نمی شود. و اوست ریسمان محکم الهی که هر کس به آن چنگ زند نجات خواهد یافت . و راه راستی است که هر کس آن را ببیماید به منزل حقیقی خواهد رسید. کسی که گفتارش به آن مثکی باشد به راستی گفتار موصوف است و کسی که حکم کردن خود را مبنی بر آن قرار دهد به عدالت حکم کرده . و آن کس که به آن عمل کند رستگار گردد. پس به تحقیق مؤ منی که قرآن می خواند مانند ترنج است که طعم و بوی آن نیکو است و کافر مانند حنظل است که طعم او تلخ است و بوی آن مکروه طبع است .

و قال صلی الله علیه و آله : الا ادلکم علی اکسل الناس و ایخل الناس و اسرق الناس و اعجز الناس و اجفی الناس قالوا بلی یا رسول الله فقال اکسل الناس عبد صحیح فارغ لا یذكر الله بشقة و لا لسان . و ایخل الناس رجل اجتاز علی مسلم فلم یسلم علیه . و اما اسرق الناس فرجل یسرق من صلوته یلف کما یلف الثوب الخلق فتضرب بها وجهه . و اجفی الناس رجل ذكرت بین یدیه فلم یصل علی . و اعجز الناس من عجز عن الدعاء.

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: آیا دلالت نکنم شما را بر کسل ترین مردم و بخیل ترین مردم و دزدترین مردم و عاجزترین مردم و جفاکارترین مردم! عرض کردند: بلی یا رسول الله. فرمود: کسل ترین مردم بنده ای است که صحیح باشد و از مشاغل فراغت داشته باشد و ذکر خدا را به لب و زبان نگوید. و بخیل ترین مردم کسی است که بر مسلمانی عبور کند و بر او سلام نکند. و اما دزدترین مردم مردی است که از نماز خود بدزد و ناقص به جا آورد. آن نماز پیچیده می شود مانند جامه کهنه و به صورت او زده می شود. و جفاکارترین مردم مردی است که من در نزد او یاد شوم و بر من صلوات نفرستد. و عاجزترین مردم کسی است که از دعا عاجز باشد.

به حمد الله تعالی در اینجا ترجمه (قسمتی از) ارشاد القلوب را به پایان رسانیدم بنده حقیر حاج سید عباس طباطبائی ملتمس دعا از کسانی که توفیق مطالعه این کتاب را پیدا کنند. مورخه ۳ ربیع المولود ۱۴۰۴.

پی نوشتها

- ۱- سوره نساء، آیه ۱۶۵.
- ۲- سوره طه، آیه ۱۳۴.
- ۳- سوره اسراء، آیه ۱۵.
- ۴- سوره یونس، آیه ۵۷.
- ۵- سوره آل عمران، آیه ۳۰.
- ۶- سوره بقره، آیه ۲۳۵.
- ۷- سوره بقره، آیه ۲۲۳.
- ۸- سوره بقره، آیه ۱۹۷.
- ۹- سوره بقره، آیه ۲۸۱.
- ۱۰- سوره بقره، آیه ۱۲۳.
- ۱۱- سوره لقمان، آیه ۳۳.
- ۱۲- سوره حج، آیه ۱.
- ۱۳- سوره نساء، آیه ۱.
- ۱۴- سوره زمر، آیه ۱۶.
- ۱۵- سوره بقره، آیه ۲۴.
- ۱۶- سوره انبیاء، آیه ۱ و ۲.
- ۱۷- سوره نور، آیه ۲۱.
- ۱۸- سوره تحریم، آیه ۶.

۱۹- سوره بقره ، آیه ۱۹۶.

۲۰- سوره انفطار، آیه ۶.

۲۱- سوره حدید، آیه ۱۶.

۲۲- سوره مؤ منون ، ۱۱۵.

۲۳- سوره قیامت ، آیه ۳۶ و ۳۷.

۲۴- سوره اعراف ، آیه ۹۷ و ۹۸.

۲۵- سوره نازعات ، آیه ۳۷ - ۴۱.

۲۶- سوره فاطر، آیه ۳۷.

۲۷- سوره زمر، آیه ۵۴.

۲۸- سوره نور، آیه ۳۱.

۲۹- سوره تحریم ، آیه ۸.

۳۰- سوره مائده ، آیه ۷۴.

۳۱- در این کتاب ۱۷ نام از اسمهای قیامت ذکر شده و هر کدام از آنها دلالت بر یک نوع شدت و هول و وحشت و عظمت روز قیامت دارد، چنانچه بر اهل تتبع پوشیده نیست . مترجم

۳۲- سوره نمل ، آیه ۸۷ - ۸۸.

۳۳- سوره احقاف ، آیه ۳۵.

۳۴- سوره ق ، آیه ۴۱.

۳۵- سوره طور، آیه ۹.

۳۶- سوره قلم ، آیه ۴۲ و ۴۳.

۳۷- سوره معارج ، آیه ۸ - ۱۴.

۳۸- سوره مزمل ، آیه ۱۴.

- ۳۹- سوره مزمل ، آیه ۱۷.
- ۴۰- سوره قیامت ، آیه ۳۰.
- ۴۱- سوره قیامت ، آیه ۱۲ و ۱۳.
- ۴۲- سوره مرسلات ، آیه ۳۵ و ۳۶.
- ۴۳- سوره مرسلات ، آیه ۳۸.
- ۴۴- سوره مرسلات ، آیه ۳۵ و ۳۶.
- ۴۵- سوره نازعات ، آیه ۶.
- ۴۶- سوره نازعات ، آیه ۳۵ و ۳۶.
- ۴۷- سوره قارعه ، آیه ۱۱۴.
- ۴۸- سوره ق ، آیه ۳۰.
- ۴۹- سوره کهف ، آیه ۴۹.
- ۵۰- سوره محمد، آیه ۲۴.
- ۵۱- سوره غافر، آیه ۱۸.
- ۵۲- سوره مریم ، آیه ۳۹.
- ۵۳- سوره نجم ، آیه ۵۷ و ۵۸.
- ۵۴- سوره ابراهیم ، آیه ۴۴ و ۴۵.
- ۵۵- سوره مطففین ، آیه ۴ ۶.
- ۵۶- سوره آل عمران ، آیه ۳۰.
- ۵۷- سوره حج ، آیه ۲.
- ۵۸- سوره مزمل ، آیه ۱۷ - ۱۸.
- ۵۹- سوره آل عمران ، آیه ۱۰۶.

۶۰- سوره زلزله ، آیه ۹۹.

۶۱- سوره دخان ، آیه ۴۱.

۶۲- سوره عبس ، آیه ۳۴ - ۳۷.

۶۳- سوره نحل ، آیه ۱۱۱.

۶۴- سوره نباء، آیه ۴۰.

۶۵- سوره مؤ من ، آیه ۵۲.

۶۶- سوره فجر، آیه ۲۶.

۶۷- سوره ابراهیم ، آیه ۴۸.

۶۸- سوره کهف ، آیه ۴۷ - ۴۸.

۶۹- سوره انعام ، آیه ۹۴.

۷۰- سوره انبیاء آیه ۱۰۴.

۷۱- سوره انبیاء آیه ۴۷.

۷۲- سوره لقمان آیه ۱۶.

۷۳- سوره حجر، آیه ۹۲.

۷۴- سوره اعراف ، آیه ۶ و ۷.

۷۵- سوره یس ، آیه ۱۲.

۷۶- سوره مجادله ، آیه ۶.

۷۷- سوره فرقان ، آیه ۲۷.

۷۸- سوره نساء، آیه ۱۱۰.

۷۹- سوره بقره ، آیه ۲۲۲.

۸۰- سوره انعام ، آیه ۵۴.

۸۱- سوره آل عمران ، آيه ۱۳۰.

۸۲- سوره نساء، آيه ۶۴.

۸۳- سوره زمر، آيه ۵۳.

۸۴- سوره نساء، آيه ۴۸.

۸۵- سوره آل عمران ، آيه ۱۳۳.

۸۶- سوره غافر، آيه ۶۰.

۸۷- سوره طلاق ، آيه ۲۰.

۸۸- سوره طلاق ، آيه ۴.

۸۹- سوره طلاق ، آيه ۵.

۹۰- سوره يونس ، آيه ۶۳.

۹۱- سوره يونس ، آيه ۵۸.

۹۲- سوره زخرف ، آيه ۶۹ - ۷۱.

۹۳- سوره ق ، آيه ۳۱ - ۳۳.

۹۴- سوره ابراهيم ، آيه ۱۴.

۹۵- سوره نازعات ، آيه ۴۰.

۹۶- سوره رحمن آيه ۴۶.

۹۷- سوره فاطر، آيه ۲۸.

۹۸- سوره طور، آيه ۲۶ - ۲۸.

۹۹- سوره انبياء، آيه ۹۰.

۱۰۰- سوره مائده ، آيه ۲۳.

۱۰۱- سوره مائده ، آيه ۲۸.

- ۱۰۲- سورة بقره ، آيه ۱۹۷.
- ۱۰۳- سورة ص ، آيه ۴۶.
- ۱۰۴- سورة نحل ، آيه ۱۲۵.
- ۱۰۵- سورة نساء، آيه ۶۳.
- ۱۰۶- سورة ذاريات ، آيه ۵۵.
- ۱۰۷- سورة ابراهيم ، آيه ۵.
- ۱۰۸- سورة مريم ، آيه ۳۳.
- ۱۰۹- سورة نحل ، آيه ۱۲۰.
- ۱۱۰- سورة فاطر، آيه ۲۸.
- ۱۱۱- سورة آل عمران ، آيه ۱۸۷.
- ۱۱۲- سورة لقمان ، آيه ۳۳.
- ۱۱۳- سورة حشر، آيه ۱۸.
- ۱۱۴- سورة رعد، آيه ۲۶.
- ۱۱۵- سورة يونس ، آيه ۸۷.
- ۱۱۶- سورة يونس ، آيه ۲۴.
- ۱۱۷- سورة اسراء، آيه ۱۸ ۱۹.
- ۱۱۸- سورة هود، آيه ۱۵ ۱۶.
- ۱۱۹- سورة شورى ، آيه ۲۰.
- ۱۲۰- سورة قيامت ، آيه ۲۰ ۲۱.
- ۱۲۱- سورة انسان ، آيه ۲۷.
- ۱۲۲- سورة قصص ، آيه ۶۰.

۱۲۳- سوره عنکبوت ، آیه ۶۴.

۱۲۴- سوره حدید، آیه ۱۹.

۱۲۵- سوره آل عمران ، آیه ۱۹۶ ۱۹۸.

۱۲۶- سوره طه ، آیه ۱۳۱.

۱۲۷- سوره نساء، آیه ۷۷.

۱۲۸- سوره زلزال ، آیه ۷ و ۸

۱۲۹- سوره انبیاء، آیه ۴۸.

۱۳۰- سوره بقره ، آیه ۲۴.

۱۳۱- سوره تغابن ، آیه ۱۵.

۱۳۲- سوره اسراء آیه ۱۳.

۱۳۳- سوره اسراء، آیه ۱۴.

۱۳۴- سوره مریم ، آیه ۱۲.

۱۳۵- سوره قصص ، آیه ۷۷.

۱۳۶- سوره دخان ، آیه ۲۵ - ۲۹.

۱۳۷- سوره رعد، آیه ۶.

۱۳۸- سوره اسراء، آیه ۶۰.

۱۳۹- سوره قمر، آیه ۴۶.

۱۴۰- سوره ملک . آیه ۱۶ - ۱۷.

۱۴۱- سوره اسراء، آیه ۵۹.

۱۴۲- سوره اعراف ، آیه ۹۸ - ۹۹.

۱۴۳- سوره جاثیه ، آیه ۷ - ۸.

- ۱۴۴- سورة نحل ، آيه ۶۱.
- ۱۴۵- سورة روم ، آيه ۴۱.
- ۱۴۶- سورة كهف ، آيه ۵۹.
- ۱۴۷- سورة نساء ، آيه ۱۶۰.
- ۱۴۸- سورة طه ، آيه ۱۲۹.
- ۱۴۹- سورة انفال ، آيه ۳۳.
- ۱۵۰- سورة رعد ، آيه ۱۱.
- ۱۵۱- سورة نوح ، آيه ۱۰ - ۱۲.
- ۱۵۲- سورة شعراء ، آيه ۲۱.
- ۱۵۳- سورة حجرات ، آيه ۱۳.
- ۱۵۴- سورة مؤمنون ، آيه ۳۰.
- ۱۵۵- سورة زخرف ، آيه ۷۷.
- ۱۵۶- سورة تكاثر آيه ۸.
- ۱۵۷- سورة بقره ، آيه ۱۸۱.
- ۱۵۸- سورة طلاق ، آيه ۲.
- ۱۵۹- سورة عنكبوت ، آيه ۴۰.
- ۱۶۰- سورة الحجر ، آيه ۳.
- ۱۶۱- سورة فاطر ، آيه ۳۷.
- ۱۶۲- سورة مريم ، آيه ۸.
- ۱۶۳- سورة مريم ، آيه ۸۴.
- ۱۶۴- سورة تين ، آيه ۵.

- ۱۶۵- سوره تحریم ، آیه ۸.
- ۱۶۶- سوره نساء، آیه ۱۷.
- ۱۶۷- سوره نساء، آیه ۱۸.
- ۱۶۸- سوره شوری ، آیه ۲۵.
- ۱۶۹- سوره مؤ من ، آیه ۳.
- ۱۷۰- سوره فاطر، آیه ۳۷.
- ۱۷۱- سوره انعام ، آیه ۲۷ ۲۸.
- ۱۷۲- سوره هود، آیه ۳.
- ۱۷۳- سوره بقره ، آیه ۲۲۲.
- ۱۷۴- سوره نساء، آیه ۱۱۰.
- ۱۷۵- سوره مطففین ، آیه ۱۴.
- ۱۷۶- سوره سجده ، آیه ۲۱.
- ۱۷۷- سوره اعراف ، آیه ۲۳.
- ۱۷۸- سوره ص ، آیه ۴۶.
- ۱۷۹- سوره ق ، آیه ۱۹ و ۲۲.
- ۱۸۰- سوره انعام ، آیه ۴۹.
- ۱۸۱- سوره آل عمران آیه ۱۸۰.
- ۱۸۲- سوره هود، آیه ۱۶.
- ۱۸۳- سوره اسراء، آیه ۱۸.
- ۱۸۴- سوره شوری ، آیه ۲۰.
- ۱۸۵- سوره زمر، آیه ۶۸.

۱۸۶- سوره نمل ، آيه ۸۷ ، ۸۹.

۱۸۷- سوره ابراهيم ، آيه ۴۸.

۱۸۸- سوره معارج ، آيه ۴۳ و ۴۴.

۱۸۹- سوره زمر ، آيه ۶۸.

۱۹۰- سوره انعام ، آيه ۲۸.

۱۹۱- سوره انعام ، آيه ۲۸.

۱۹۲- سوره مؤمنون ، آيه ۱۰۱ ، ۱۰۴.

۱۹۳- سوره فاطر ، آيه ۱۸.

۱۹۴- سوره عبس ، آيه ۳۵ ، ۳۷.

۱۹۵- سوره الفجر ، آيه ۲۳.

۱۹۶- سوره الفجر ، آيه ۲۴.

۱۹۷- سوره قيامت . آيه ۳۶.

۱۹۸- سوره مومنون ، آيه ۱۱۵.

۱۹۹- سوره منافقون ، آيه ۹.

۲۰۰- سوره نور ، آيه ۳۷.

۲۰۱- سوره نجم ، آيه ۲۹.

۲۰۲- سوره كهف ، آيه ۲۸.

۲۰۳- نهج البلاغه ، خطبه ۲۱۳.

۲۰۴- سوره آل عمران ، آيه ۱۰۲.

۲۰۵- سوره مائده ، آيه ۲۷.

۲۰۶- سوره قصص ، آيه ۸۳.

- ۲۰۷- سورة محمد، آيه ۱۸.
- ۲۰۸- سورة قمر، آيه ۴۶.
- ۲۰۹- سورة حج، آيه ۷.
- ۲۱۰- سورة رعد، آيه ۱۱.
- ۲۱۱- سورة محمد صلى الله عليه و آله، آيه ۷.
- ۲۱۲- سورة حج، آيه ۴۰.
- ۲۱۳- سورة انفطار، آيه ۱۳، ۱۴.
- ۲۱۴- سورة مومن، آيه ۱۸.
- ۲۱۵- سورة فرقان، آيه ۲۷.
- ۲۱۶- سورة مائدة، آيه ۲۷.
- ۲۱۷- سورة هود، آيه ۱۱۳.
- ۲۱۸- سورة طه، آيه ۸۱.
- ۲۱۹- سورة مجادله، آيه ۲۲.
- ۲۲۰- سورة ال عمران، آيه ۳۱.
- ۲۲۱- سورة ق، آيه ۱۸.
- ۲۲۲- سورة انفطار، آيه ۱۰، ۱۱، ۱۲.
- ۲۲۳- سورة بقره، آيه ۲۸۴.
- ۲۲۴- سورة نساء آيه ۹۳.
- ۲۲۵- سورة يس، آيه ۵۰.
- ۲۲۶- سورة صف، آيه ۱۴.
- ۲۲۷- سورة روم، آيه ۴۴.

۲۲۸- سورة اعراف ، آيه ۱۸۲.

۲۲۹- سورة فصلت آيه ۳۱ و ۳۲.

۲۳۰- سورة بقره ، آيه ۱۲۱.

۲۳۱- سورة ص ، آيه ۲۹.